گل صدبرگ یحیی با خط یکچشم سلیمان افندی

II

[illegible]

[illegible]

٢٢٩٠



وقف السلطان الأعظم والخاقان المعظم الحسيب النسيب
السامي الذي علا على الأعداء بالقهر علم الآباد وفاز بقصبات السبق وعلا على علمهم
السلطان بن السلطان السلطان الغازي أبو الفتوح والمغازي محمود خان
ابن السلطان مصطفى خان خلد الله سلطنته وأنار
في العالمين برهانه وأنا الفقير إليه سبحانه وتعالى
درويش مصطفى المفتش بأوقاف الحرمين الشريفين
الحرمين غفر له







ای معجزه بخش انبیا اکمل | ای کام روای هر نبی مرسل
اشیایه افاضه کرم سندر | ای صنعکه سرور تراب مجمل

خدایا پروردکارا صمدا کردکارا نظم امور متشتته کاینات وکار نبوت و معجزات بدایع صنایع قدرتکدن مطلعی نور محمدی ایله مرصع بر قصیده غرادر که اول ما خلق الله نوری اکه اشارتدر و مقطعی زیور خاتم احمدی ایله مصنعدر که ولکن رسول الله وخاتم النبیین اندن کنایتدر **لمنشه** هزار شکر و ثنا بر خدای بی همتا

کریم و لم یزل و ذو الجلال عز و جل | منقش از کرمش لوح معجزات رسل

مزین از قلمش صفحه تراب و کل **نثر** وجودی سمت بدایتدن منزه و مبرا وجودی منقصت نهایتدن مقدس و معرا **بیت**

فسبحان رب العرش لیس لملکه | تناه وحد مبدا و ختام

دیده دقت انوار دیدار جمال احدیتنده خیره و نظر بصیرت مشاهده آثار کمالنده تیره در **بیت** هیچ دل اکنه او ره نیافت عقل و جان از کمالش آکه نیست **نثر** خالقا راز قا عظمت و قدرتکی تعریف

و توصیفده زبان عالمیان عاجز و قاصر و کمال قدرتکه موجودات شواهد ظواهردر قطرات امطار فیض و احسانه انبات نبات معدوم و نسمات باد خزانه ازهاق اوراق و اذهاب نضرت آفاق مثبت اماته و احیا ایدوکی معلوم و مفهومدر **قوله تعالی** وتری الارض هامدة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت وربت وانبتت من کل زوج بهیج **الآیة** انوار جمال و جلال چهره پیرای حال اعدام و ایجاد نقش ردای صفحه نمرد ایدوکی نه محل استبعاددر **مصرع** سبحان من تحیر فی ذاته سواه

دل کجا و ین ره بال از کجا | من که و تعظیم جلال از کجا **شعر**

حقا که خامه معجز بیان صفحه اوراقده هر نه قدر جست و جوایتسه محمدت و سپاسده قاصر اولوب صریر پیدا و کمیت منطق الغان نکلوکت و یوایته رزو درس منزلکاه تحقیق اولمق هویدا اولمز **بیت**

اعتراف عجز اولی در شکر | دایما در عجز باشی در شکر

الهی امم ستمکار و فرق بدکردار بر هم زن معرکه انکار اولدقجه انبیا ذوی الاقتدار مرکز عالمده دایره کار معجزات و حاطه دایره کرامات ایله درکار اولمق کمال قدرتکی روی نعمت مثبت و کلستان قلوبده نهال عظمتکی منبت اولمشدر **بیت**

سبحانک ربنا عز شانه | و عم علی الخلائق سلطانه **شعر**

و جویبار صلوة و پیام کلستان ارواح کروه انبیا حضراتنه خصوصا سرافراز فرقه اصفیا معجزنمای عرصه بطحا سلطان سریر اصطفا

نعتیه عالم پناه علم الاسما   نکته پرداز سر ما اوحی
فیض بخشنده گروه امم   کاشف سر لیلة الاسری نثر

شهسوار عرصهٔ وجود • و واسطهٔ قلادهٔ جود • فائز شرایف خصایل
حایز درجهٔ کمال واکمال بیت رسول عرب شاه یثرب حرم
طفیل رهش هم عرب هم عجم نثر نبی ای رسول خدا خاتم اصفیا
سردار سبحان الذی اسری • سردار صفوف انبیا حرم رسالت
بالانشین بارگاه نبوت • مظهر فیوضات خالق الکائنات • مظهر معجزات
باهرة الآیات نظم تازه ترین سنبل صحرای ناز •

خلاصه ترین گوهر دریای راز   احمد مرسل که خرد خاک اوست

هر دو جهان بستهٔ فتراک اوست نثر حضرت محمد مصطفی صلی الله تعالی
علیه وعلی آله النجبا • وصحبه البررة الاتقیا • حضرتلرینک روضهٔ
رضیه • وطیبهٔ طاهره لرینه که بادِ معجزاتنک مهبّی فضای عالم غیب
ومقر کراماتی صحرای لاریب در نظم ای که تو تا بدرقهٔ راهِ حق

ما ظهر الفجر وغاب الغسق   باد بهر لحظه بروحش سلام
ما انس العین لطیب المنام نثر زهی سلطان مصدق •

ورسول محقق که • جملهٔ اصدقا دریوزهٔ نگاه شفاعت ایدوب •
فراخور نظر عنایت • اولمغی تمنا ایدرلر • زهی نبی مطلق که •
عامهٔ عصاة آمادهٔ پیشگاه ضراعت اولوب • خواستگار رحمت
اولورلر • نه مقوله کشیفدر که • شعرای شعرادن فرق ایتمیوب •

عرصهٔ سپهرده معجزهٔ شق قمره برتق قویه • نه مقوله سخیفدرکه ثریایی
ثرادن فصل ایتمیوب • درجات معجزاتده بروج عناده عروج ایدنلره
اویه • نه مقوله باطلدرکه • کار غارده حرم انکاره داخل معجزهٔ
تنویر عصاده شق عصا ایله پرتو تحقیقدن نابینا • وطریق اهتدادن
ذاهل اوله • هر متکبر بدفرجام که سمند تند انکارلریله ترک دینانه
وکشور ضلالتده تحریک رکابه آغاز • ایلدی کارکرده نادرجاه
وفکنده سر سمند هوا اولوب شمشیر معجزات استنزاع کفر وعنادیله
وتیر سنگ دوز کرامات قمع قلاع بغی وفساد ایلدی • هر منکر سرتیز گام که
حرم انکاره وضع اقدام ایتدی • گستاخ وملام وآزرده سنگلاخ
الزام اولدی • زهی معجزه که سنگ ده اثرکه هر معجزه وسیمه سی
بر سبیکهٔ سیمه بکزرکه مبدائی بوتهٔ قدرت • ومعادی سکهٔ حکمتدر
گلبن معجزاتی باد برگ ریزدن مصون • وگلشن کراماتی گل چینجی
ذبول فنادن محروس ومأموندر • شعشعهٔ معجزاتی چشم اعدایی خیره
ولمعهٔ شقهٔ کراماتی درون منکرینی تیره قلمشدر نظم

صلی علیه آله العرش ما طلعت   شمس وما لاح نجم فی دجی الظلم نثر

وآل کرام واصحاب فخام نه که شرف صحبت خیر البشر ایله سعادت
دارینه مظهر وطریق هدایته رهبر والمسترشدر نظم همه راضی همه مرضی رفتند

قرب حق را متقاضی رفتند   گشته در قرب خدا اکنون نام

رضی الله تعالی عنهم اما بعد بوکتاب خورشید تاب • وابواب

مسکین نقاب که گلشن صحایفی سرد موزون کرامات ایله بصف
آراسته و اوراق لطایفی ازهار معجزات سید الکائنات ایله
پیراسته در • جویبار خامهٔ مسکی الختامه ایله سرحد اتمامه ایرو ب
خانهٔ مشکین چهره برای ترتیب و تزیین اولمغه باعث • بو امر حادث
اولمشدر که • برشب که شمع حیات • عنایات خدای فایض البرکات
تندباد انطفادن مصون ایدی • زوایای معارف و لطایف
انفکاک مشاغل شغل خاطر و ادراک • ایله روشن و تابان
اولوب همیشه مطالعهٔ کتب بلاغت مقرون • و مطارحهٔ نسخ فصاحت
مخزون پیش نهاد طبع کلیل و محزون اولماغله خوشه چین خرمن آثار افاضل
اولوب دریوزهٔ دانهٔ فواضل سرمایهٔ کار • و پیرایهٔ روزگار
اولمش ایدی • ناگهان مشکوة الهام غیبی دن • پرتو فیوضات آلهیه
و فتوحات بهیه پرتوساز خانهٔ دل تاریک اولوب قوت مخیله
بو مقوله فکر باریک پیدا • و صحیفهٔ خاطره املا و گوش جانه ابلاغ ایلدی که

مثنوی
ای شب هجر گران پایه تر • وز نفس عمر تهی مایه تر
سایه صفت چند توان خفت چند • خیز که خورشید برآمد بلند

نثر
ای گم گشتهٔ فیافی هدایت • و راه یافتهٔ بوادی غوایت

لمشنه
سن ازگلستان شعرو انشا • فقیر رحمت باری تعالی
طلبکار شفاعت عبد عاصی • غریق بحر عصیان یعنی یحیی

نثر
تاب غفلتی دلدن دور • و خواب محنتی دیده دن مهجور ایدوب

مرآت احواله ناظر • و صورت عواقبی مستحضر اولکه • مآل دنیای
پرملال آل • و خورشید عمر مایل زوال • ایدوکی جلوه گر ملاحظه و خیال در

نظم
جهان سفله اگر باکسی وفا کردی • ز کیقباد کجا منتقل شدی بقباد
به پیره زال جهان دل منه که در همه عمر • نبوده است دمی بوزال از و دلشاد

نثر
سپهر غدار و جور ده • سپهر داز همای اهمال اولمیوب
دمبدم نوای اهمال اولمشدر

لمشنه
آه ازین کاخ منهدم بنیاد
آدمی زاده نیست در وی شاد • سرکشش پکس گلش باجار
اهل عرفان بجور و قهرش زار • سنبلش چمن و غنچه اشش درهم

نثر
خلق در غم در او و درهم • سم مرا ایام • وگر اعوام ایله عاقبت
آفتاب حیات رسیدهٔ گوشهٔ بام ممات اولوب • مرغ عیش و صفا
اسیر قید بند دام آللذات • اولاجغی معلوم همه مخلوقات • در
رفعت ایله کوکب بختی ثریایه چیقرسه • ذلت ایله تحت ثرایه نازل
ایده جکی مشهود نظر عاقل در

لمشنه
چیقرسه مهر اقبالک نه کلو اوج اعلایه

زمان آخر سنگ کون کی زیر زمین ایلر • قنغی عندلیب خوش نوا آخر
سکوت ایله بی نوا اولمدی • قنغی گل پژمرده • و قنغی گوکل مرده و الماندی

لمشنه
سمند دولتیمدر تند و سرکش • قبای زر کشی اولمشدر آتش
حباب جام در دهر کی قبابی • غراب و بومه مأوی طاق و بابی
اولور دیاری نار ایله معادل • اولبدر درهمی همله مقابل
چمنده لاله در چتر سکندر • که اولمش باد ایله خاک ایله برابر

قنی دارات دارا قنی قیصر — قنی فر فریدون مظفر
مگر سنگ فلاخندر نجومی — که باشدن آده ایلر هجومی
یاخود ناخن دررده هرکت هلالی — خراش ایلر دل ارباب حالی
برابکی گون گشت داولسه گل تر — ایدر باد فنا خاکه برابر
گوزین اچاغه نرگس اولمز امکان — غبار ایله پر ایلر آسمانی دوران
رخ آل ایله لاله اولدی پیدا — درونده نه وار ای[illegible]شا
کیمه مهر ایتدی بو چرخ ستمگر — کیمکله اولدی یاخود یار و یاور
چقرسه رفعتیله آسمانه — یره اورماغه آرر بر بهانه
بنی آدم اولورمی بوندن راحت — دکلدر کیمسه یه جای اقامت

نثر نه مرهم بهبود ایله زخم کار جوره درمان • ونه تسکین آلام [illegible] امکان • واردر بر کهنه رباط درکه ممر شیخ و شاب • و محل نخله [illegible] بر گذرگاه فنا درکه مخیم شباب اولمدغی بی ارتیابدر بیت

کسی را جهان افسر زر نکرد — که دراخرش خاک بر سر نکرد

پس حب دنیا کشت زار دل بی ریادن برکنده و میل شهوت وهوا که شجرهٔ بی ثمره ایدوکی هویدادر برکنده اولوب خورشید زندگانیدن استفاضهٔ انوار حیات • و چشمه سار عمر بی ثباتدن آب لذاتله جسم بی تاب ریان و سیراب ایکن صحیفهٔ عالمده بر اثر منصهٔ ظهورده جلوه‌گر ایله که متضمن سمر • و مشعر سیر • و مخبر اخبار خیر البشر اولوب • صفحات سطورنده معجزات سلطان انبیا منقش و وجنات اوراقنده کرامات خاتم الاصفیا مرتسم اوله • بو خطاب باصواب پسندیدهٔ اولی الالباب برباب بلکه بر کتاب مستطاب اولمغله دیباچهٔ جراید افکار و دیباچهٔ جریدهٔ ابکار کبی مقبول دل افکار • ومسموع اذن اعتبار اولدی حقا نیچه زمان ایدی که اخبار ازهار معجزات سید کائنات بوستان دلده هویدا و فایح و اسمار و آثار کرامات سرو مخلوقات گلشن خاطرده پویا و لایح ایدی عندلیب دل اول چمنده ترنم • وطوطی قلب بی غل اول انجمنده تکلم مواسنده • وکمیت طبع طی مسافهٔ افکار و فهوم • و قطع ساحهٔ اقطار علوم سوداسنده ارخای عنان ایله پویان ایدی • اما صورت انتخاب جلوه‌گر مرآت دل بی تاب و تطویل مملدن اجتناب ملحوظ خاطر معارف اکتساب ایدی پس جملهٔ معجزاتی سلک تحریره نظم دخی باعث اسهاب • و اموری صعابدن اولمغین • یوز معجزهٔ باهره آثارک بیانی ایله تحریک خامهٔ بهینه مباشرت اولنوب • گل صد برک گلستان رسالت • و یار رسالهٔ صد ورق صحف نبوت اولوب ادهم قلم انجام یافتهٔ صحرای رقم اولدقده لاجرم بو کتاب محترم لمؤلفه گل صد برک یحیی ابن بستان نامی ایله معنون اولوب هر کلام مستحسن اولمشدر لمؤلفه

سرسخن

مرادم عرض اخلاص اولدی ای دل — دکل یازمق مرادم اوزره قابل
نه صاف اولدی که ردن لوح خاطر — نه مهر شادمانی اولدی ظاهر
غرض ذکر ایلمک درنام پاکی — اولور ینجه خاکی اوله خاکی

انی کم مدح ایده خلاق عالم — اکا قادر اولورمی هیچ آدم
الهی لطفك ایله قیل موفق — اوله تا بو مخیله‌لر محقق
زبانم ایلیه اول نعتیله گویا — نسیم معجزاتی ایده پویا

نثر

حقا که قوت مخیله بو معنایه مجال بولمق محال و سمت تجزیه‌ده گلمك محض خیالدر و پرتو شعور و عقول و اشعهٔ ادراك فحول شعله‌انداز تحقیق و ضیاساز تدقیق اولمق ثمرهٔ اوهام ایدوکی جای کلام دگلدر

وصف خورشید چون کند خفاش — شکل عنقا چه سان کند نقاش

کمیت خامه طی بیابان بی‌پایانده مدکلو فرسوده و قطع مساحهٔ بی‌پایانده نه مرتبه ناآسوده اوله که بو لطایف و معارف گنجیدهٔ اوراق و صحایف اوله خصوصا اکدار خاطر فاتر داخل حوصلهٔ دفتر اولمیوب شکایت و حکایت فصاحت ابنای زمان رشتهٔ دلده اولان عقدهٔ غمه اول دگلو استحکام ویرمش ایدی که دندان صبر و شکیب اختلال و انفصام بوله ولکن

مصراع

ولست بایس من فضل ربی

نثر

امید صادق و رجای واثق بودر که فیضان عین الحیوة هدایت و جریان چشمه‌سار عنایت محمد نیران ضلالت اولوب کلك فنون‌ساز نثر لآلی کلامه آغاز ایلمه درّ ضیا فتحنامهٔ جود و نوالش نسبت منع بودخی امر مقرر و مطیهٔ تألیفات مظنهٔ عثار ایدر لایق بودر که ساحهٔ اوراقی مسافهٔ مسمحیهٔ شایسته و اساس خطاسی سنجار عفوه بایسته اوله و الله المستعان

وعلیه التکلان

لمنشئه

کرم و مغفرتك ایله هدایت ایله
گوگلمی پرتو احسانکله مجلی ایله
کلبهٔ دلده محبت ایله بویا ایله
ای گشایندهٔ خزانهٔ جود
نقش‌بند نگارخانهٔ صنع
پادشاه سریر لم یزلی
مشعل‌افروز طارم جبروت
یوق گلالنده احتمال زوال
جمله عالم اگر اولورسه عدم
عالمی یوقدن ایلدك موجود
طاعت ایدرسه جملهٔ اشیا
نقش‌پرداز شکل انسانسن
ایلدك روز ایله شبی مرکب
چکر انلر مدام گردونی
ایره‌مز کنه ذاتکه ادراك
دیدی انکچون عارف مدرك
مرغ جان اولدی هواده بی پروبال
پرده دگولده پادشاه اولدر
یا الهی بزه لطف ایله عنایت ایله
دیدهٔ قلبمی لطفك ایله بینا ایله
بنی اوصاف حبیبك ایله گویا ایله

مناجات بجناب قاضی الحاجات لمنشئه

خالق کل و صانع موجود
کارفرمای کارخانهٔ صنع
نکته‌پرداز لامنازع لی
پادشاه سرایر ملکوت
ذاتکه نقص ایرمك امر محال
عزتك ذره دگلو اولمز کم
استرسك اولور سمان نابود
وار حبنا بکده آندن استغنا
صانع چار طبع وارکانسن
بریسی ادهم و بری اشهب
بو ایله اولدی بو دور قانونی
صفتك بلمده عقللر چاك
ما عرفناك حق معرفتك
عقلانك لسانی اولمش لال
جمله زر قوللر جدا اولدر

خاکی ایتدکده طینت آدم / ایتدی قلبنده عشقنی مدغم
اولدی اشیا شواهد ذاتی / ایتدی اکه دلالت آیاتی
ایتدی اشیایه فیض لطفله جود / بو عنیکن ایتدی جمله‌سن موجود
باد ایتدکجه عشقنی القا / جوش ایدر دردله دل دریا
روی لیلاده کوستروب دیدار / قیسی دیوانه ایلدی ناچار
یوسف اولدی بهانه یعقوبه / دوشدی بودکلو عشق آشوبه
شکل عذراده حسن ایدوب اظهار / وامقی ایتدی که عاشق زار
ایتدی لطفیله کلشنی خندان / اولدی هانندر روضهٔ رضوان
وردی بیک نسیمه تاب و توان / اولدی هر سمته امری ایله روان
شاهد صبحه زیب و فر ویردی / خسرو شاهه تاج زر ویردی
ایتدی اول پادشاه مرد دسرا / سبزه‌یه فستقی قبا اعطا
قلدی انسانی لطفله اعزاز / نطق و عقل ایله ایلدی ممتاز
قوللرن غرق ایتدی نعمتنه / ایره مز کمسه‌لر نهایتنه
ایلسم حشره دکلو مدح و ثنا / ایده مم ذره‌سن انک املا
چونکه اظهار عجز ایتدی رسول / هیچ قادر اولور می اکه عقول
ایدوبن ای خدای بی همتا / حالمی عرض سا که سر تا پا
نفسله حالیم خراب اولدی / آتش غمله دل کباب اولدی
تب ذنب ایله جسم اولوب بیمار / مهوش دتر اولدی زار و نزار
ابروانم اولوب بدر رکو یا / سرنوشت امور ذنب و هوا

داغ سرمایهٔ سفاهت در / موی ژولیده تاج نکبت در
مبتلای بلای عصیانم / خسته‌یم دردمند و بیجانم
طاعته مور خسته سر کبی یم / لیک عصیانده شیر نر کبی یم
هر ندکلو کاسیر معصیتم / ینه امیدوار مغفرتم
خسته اولدم ایسه دوا سندن / بن فقیره ینه عطا سندن
کار[illegible] جرم و طغیان در / بزه کارک همیشه احسان در
نیلین آه کم بو نفس دنی / یارمز بوله الترا اولدی بنی
غصه و غم بنی تباه ایتدی / کارمی جمله آه و واه ایتدی
نقدر وار ایسه جهانده کنه / بکا سوق ایدر آنی اول کمراه
جیرمتدن بیتور رشم اوزومی / ایده مم فرق کیجه کوندوزمی
بر کون اولمزکه ای عفو غفور / بکا لایق بر ایشم ایده ظهور
جمله دنیا کناه ایدرسه نه باک / بحر عفوکده اولیم خاشاک
یا الهی عنایت ایله بکا / لطفک ایله هدایت ایله بکا
شول زمان کم ایریشه باکه اجل / ویره قصر وجوده مرک خلل
شب ظلمتده قومیوب جانم / کرمک مشعل ایله سلطانم
دم آخرده کم قلام تنها / لطفکی مونس ایله آنده بکا
کلشن جانم ایله تازه و تر / آب احسانک ایله ویراکه فر
جان بیماره ایلیوب تیمار / خواب غفلتدن ایت آنی بیدار
بار ور قل نهال آمالم / قیل رضا که موافق اعمالم

الهی بو شمع لطفی ناکه دلیل   وادی ظلمت ایچره قومه دلیل
کرمک چاره ساز ایله بکا   رحمتک دلنواز ایله بکا
لطف ایدوب جان ارم ایتمه تباه   نامه می قیل سپید ایتمه سیاه
دیده می نور کیله روشن قیل   قلبمی لطفک ایله کلشن قیل
جانمی حکمتکدن ایت آکه   جهلله قومه ایمه ابله
یا سمیع النداء یا قاضی الحاجات   قربک ایله عبادی [illegible] درجات
جمله احوالیمز سکا معلوم   بنی لطفکدن ایلمه محروم
کرچه بزده کناه حد یوقدر   کرم و لطفکه ده حد یوقدر
احمدی قیل شفیع روز قیام   اوله بحد اکا صلوة و سلام

نعت حضرت سید البشر و وصف معراج آن ذات مطهر صلی الله علیه و سلم ما دام القمر والفلک الازهر لمنشئه الاحقر

ای برآرنده اوامر حق   سید الکون هادی مطلق
شمع جمع رسل امام هدی   سالک شاهراه او ادنی
خاتم انبیا و خیر رسل   شافع خلق پیشوای سبل
شرف افزای خانهٔ افلاک   مظهر لطف خلعت لولاک
محرم راز آسمانی سن   محرم کعبهٔ امانی سن
حاکم کشور رسالت سن   حامی خطهٔ ولایت سن
قرة العین انس و جان سن سن   درة التاج کن فکان سن سن
عرق دیکک اولدی ماء معین   تار زلفیکنک اولدی حبل متین
اولدی ماء قطرهٔ زلال وصال   تار زلفک کمند عز و جلال
اولدی یا خود ایکی سیه اژدر   دائما کنج جسمکی بکلر
ازبر کدر چو سر لوح و قلم   طوتمز ایسک قلم اکرچه نه غم
سایبان اولدی باشک اوزره سحاب   بارک الله زهی علو جناب
ویردی تیغک حسود دینه شکست   لات و عزانک ایتدی قدری پست
س[illegible]ل ایدک ای حبیب ودود   حضرت آدم اولمدین موجود
خاک پایک قیلوب فلک بر سر   باشنه ایتدی آنی خوب افسر
جلوه کاهک سپهر اخضر در   سم رخشک مه منور در
حرمکدر مطاف فوج ملک   علمک آفتاب برج فلک
شعلهٔ مهر شمع جاهکدر   اطلس چرخ خاک راهکدر
هر ملک پاسبان درکهک   ماه مشعل فروز خانقهک
قصر قدرک عجب معلا در   ذاتک ایکی جهاندن اعلادر
کرسی چرخ خاکراه اولدی   شب معراج اکا کواه اولدی
بارک الله زهی شب اسری   لوحش الله لیل مشکین سا
کاییدی آنی او ماه بدر دجی   نور روییله لیلة الاسرا
دکله اجمال حال معراجی   نیجه اولمشدر انک براجی
آسمانه عروج ایدوب او شب   ایلدی آنده قصد وصلت رب
اول کیجه اول سپهر کرم   اتهانی اونده ایدی او دم
ایردی جبریل آسمان پیما   بر براق ایله نور ایدی کویا

حق کلامینی ایلیوب ایصال　　ایلدی مژده صفای وصال
ایتدی اول شب براق ایله سفر　　برک گل ایله صبا نکه باد سحر
ایتدی چون عزم عالم بالا　　دوشنوب اطلس اولدی روی سما
ایلیوب عزم درکه قدوس　　ماه نو طوتدی اوکجه زر فانوس
اچدی گیسولرین او مهر منیر　　مسک ایله دهری ایلدی تعطیر
ویردی افلاکه زیب و پیرایه　　قصر قدرینه ایلدی پایه
شقهٔ عزمی اولیجق ظاهر　　اولدی انجم کوزن آچوب ناظر
ملکوت اهلنه دوشوب جوش　　ایتدیلر هر بریسی جوش و خروش
شوقه کلدی فلکده جمله ملک　　ذوق شوقیله طولدی جوف فلک
هر طرف طوردی لولینه نیجه حور　　الترنده طبق ایله پر نور
ایتدیلر آیینه انده نثار　　ایلدیلر نیجه سرور اظهار
عز دولت ایله او شاه کرم　　ایتدی فرق مقامنی مقدم
عذر ایدوب قالدی انده جبرائیل　　قدرتی پایه اولدی چونکه کلیل
شرمله کچدی نیجه نیجه حجاب　　اولدی تا محرم عطای خطاب
حرم عزته چو باصدی قدم　　اول حرمده وجودین ایتدی عدم
یار ایدی غیری یوغیدی اغیار　　لیس فی الدار غیره دیار
قاب قوسینه اولیجق واصل　　اولدی مقصودی سربسر حاصل
چونکه یوغیدی آره ده حائل　　اولدی جمله مراده نائل
هر نه کم ایتدی ایسه آنده رجا　　ویردی آندن زیاده اکه خدا

ولدی امتینی پس او همام　　ایلدی مطلب مهم و مرام
بارک الله نه لطف و شفقتدر　　امت عاصیه نه دولتدر
لوحش الله زهی عطای جمیل　　کایلدی اول حبیبه رب جلیل
خواجهٔ کائنات عرش جناب　　جوی وصلندن اولیجق سیراب
عرض ایدوب انده نیجه نیجه خشوع　　ایلدی سینه سینه رجوع
بالکیه کعبه حرمتنه　　لایق ایله بنی شفاعتنه
مجرمم بر ضعیف روسیهم　　باشدن آیاغه جمله کنهم
بهر هند ایلیوب حمایت ایله　　نظر ایله بکا عنایت ایله
قومه بن بندهٔ ضعیفی غریب　　قیل شفاعت عطاسن اکه نصیب
قومه حیرتده الحذر روز جزا　　ایله احسان که نه ایسه سزا
یوم محشرده کورمسون ذلت　　علمک سایه سنده قیل راحت
سالکان طریق صدق و صفا　　پادشاهان مملکت تقوی
چار یاره سلام اوله هر آن　　دین اسلامه اولدیلر ارکان
جوی صدق و خلوصله حقا　　ویردیلر گلستان دینه صفا
بریسی اول ولی صدق آثار　　ثانِیَ اثْنَیْنِ اِذْ هُمَا فِی الْغَار
جانشین نبی علی التحقیق　　بحر عرفان حضرت صدیق
بری اول سرور خجسته اثر　　منبع عدل و جود یعنی عمر
بریسی داخی جامع قرآن　　ابن عفان حضرت عثمان
بری داخی جناب شیر خدا　　ابن عم رسول هردوسرا

روز حشر اچره ساقی کوثر … آفتاب سپهر دین حیدر

جمله اصحاب و آلنه سر آن … اوله حقدن درود بی پایان

بونلرک حرمتینه یا الله … رویمی روز محشره ایتمه سیاه

ایله بخشیا به رحمتک مبذول … اولمسون اول قصور ایله مسئول

کرچه چوق قدر کناهم غایتسز … لطفکک حدی یوق نهایتسز

یا الهی بعزت نام غفور

بنی لطفکدن ایلمه مهجور •

در محامد خلیفهٔ امام … و پادشاه اسلام

بعد مدح رسول و حمد خدا … پادشاه جهانه ایله دعا

شهریار سریر فتح و ظفر … پادشاه لوای نصرت و سر

آسمان فتوت و عزت … فلک ملت و مه دولت

حامی بیضهٔ مسلمانی … ماحی رسم ظلم و طغیانی

عالمک شهریاری خاقانی … پادشاه سریر عثمانی

تاج برکندهٔ سر اعدا … تاج بخشندهٔ جم و دارا

نثر بر سلطان عظمت پناه و بر خاقان گیتی جاه درگه مثنوی

فلک بنده و آفتابش غلام … زمانه مطیع و جهانش بکام

خدای جهان آفرین یاورش … همه خسروان جهان چاکرش

نثر زهی پادشاه فلک رخش • و مملکت بخش که • ادنی بنده‌سی منصوره سلطان • و کمینه کمتری دشت قپچاغه خان • شمشیر ضیا بخشی

روشنایی ده جیش و قوامان • تیر زر اندودی درخش بخش بدخشان • سپر زر اندودی مانند مهر درخشان • بیم تیرندن دیدهٔ زره خونفشان • و مهر آسمان عجله ایله گریزاندر بیت ز بازل فرشته زتیر او … هنر بر فلک صید نخجیر او نثر بر شهنشاه پری سیرت و ملک ملک صورتدر که طنطنهٔ عدل و دادی ایله فلک مملو • و نسیم خلق خدادادی ایله • گلشن عالم خوشبو در • یمن دولت همایوننده خلق عالم مرفه و آسوده • و تخت بخت تصرفنده ممالک ستوده در • تاج عظمتی خورشیده همسر • و چتر حشمتی همای سپهره سایه گستر • سم سمندی تاج سر سروران زمان • خاک راهی سرمهٔ دیدهٔ ملوک صفاهان در بیت ای قبای پادشاهی راست بر بالای تو … تاج شاهی را فروغ از گوهر والای تو نثر رافع لوای والای اسلام • خدیو خجسته احتشام • شهسوار میدان عرصهٔ خاک فارس یکران سپهر چالاک • پناه دین و دولت • پادشاه آسمان رفعت • الا وهو السلطان الاعظم • والخاقان المعظم • الماحی آثار الظلم والعناد • الحامی حوزة الدین عن طرق الفساد • خادم الحرمین المحترمین • العادل الکامل الغازی • صاحب الفتوحات والمغازی • السلطان ابن السلطان السلطان مراد بن احمد خان لمنشئه الفقیر

شه مراد خان ابن احمد خان … خسرو سرور ذی شان

ابن سلطان محمد بن مراد … ابن سلطان سلیم پاک نژاد نثر

خلد الله تعالی ایام سلطنته القاهرة • وابد اعوام خلافته الباهرة •
وحفظ بعینه التی لا تنام • واید بملائکة حضرة الکرام بحرمة النبی الهمام •
وآله الفخام • وصحبه العظام صلی الله علیه ورضی الله عنهم ما طرب
الهزار • وناح الحمام • لمنشه الهی دولت وعمرین مدام ایت

سریر سلطنتده مستدام ایت	آچلسون گل کبی گلشنده دایم
صفا وعشرت اوزره بر دوام ایت	عدوسینی همیشه ایله مقهور •
سرور نصرت ایله شادکام ایت	در عزت پناهیسنی اوشاهک
سلامت ایله دار السلام ایت	نظر ایتسون قبولی یحیایه دایم •

ایشیکنده آنی کمترین غلام ایت • لمنشه

بعهد شه مراد خان ابن احمد	لوای نشر را کردم سرآمد
رفیقش باد توفیق خدایا	میسر کن ز لطفت عمر سرمد

وهذا اوان الشروع فی المقصود • متوکلا علی الملک المعبود • انه مفیض الخیر
والجود • ومن الله العنایة والتوفیق • واسئله سواء الطریق قطعه لمنشه

نکته های نیک یحیی گوش کن •	باده از فیض زمزم نوش کن •
همچو دریا با معارف جوش کن •	خاطرت شاد ز غصه خوش کن

معجزهٔ معراج جسمانی ورفتن در حجله خانهٔ آسمانی

دبیر روایت • خامه زن صحیفه حکایت • اولمشدر که • شفاعت کن امت
حمایت ده ارباب معصیت • سلطان سریر رسالت حضرتلرینک
بهترین معجزاتی معراج باهر الآیاتیدر • فارسان عرصه تقریر • وفارسان

نهال بلند تحریر • بو کونه جولان کنان میدان تقریر وبیان اولمشلردر که •
اول سرور سپهر دهه سیر • شهر ربیع الاول محترمده • بعض ائمه شهر ربیع الآخرده
امام نووی وامام قرطبی شهر رجبده اولمغه ذاهب اولمشلردر • مستکام
هجرتدن بر سنه مقدم بر شب که طلب کرده رفع کرد تعب دغدغه قریش
ناساز ایدیلر مهمان خانه ام هانی اولوب • ذات نورافشانی ایله رشک افزا
خورشید[illegible]نی ایلدی • آیا اول شب نه شب ایدی که • گویا پرتو طلعت نور
رسول قریشی شب ایله مانند صبح انور روشن ومنور اولدی • قدم نزد
رسول مجد اولمغه اطلس سپهر گسترده • ولآلی انجم فشانده • ملائکه کرام
حسب امر منعم العلام • مراسم خدمته قیام گوسترمشلردی • مصراع
حورا بنظاره جمالش صف زد • نثر زینی شب که اول مبشر رق سپهر مفارق
خلایق • مجلای جمال خلاق اولمغه لایق ایدی • مطلع اول شب بدر کمی میکوید گویا امت
هنوز آسوده وبستر خوابده غنوده اولمش ایدی که • آفتاب الطاف
الهی • سایه انداز سر رسالت پناهی اولوب • ناگاه پیک اکه
قدم برآورده عرصه عالم وجود دو علم • بیت قاصدی از کشور نورانیان
پاک از آلایش ظلمانیان • نثر مقرب درگاه رب جمیل •
محرم سرادقات نبی جلیل حضرت جبرئیل • اللی بیک ملک ایکه ایل
اولوب • تسبیح وتهلیل ایله سرزده خاک ره نبی جلیل اولدیلر نظم

آمد وآورد براقی چو برق •	پیکری از نور قدم تا بفرق
ملائکه کرام سقف بیتدن داخل •	وبیت حضرته اذن واصل اولدقدی

دلیل جواز خرق والتیام • درکه ملزم معتزله سخیف الکلام در • بعضی نقل
ثبت صحف دلایل ایدوب • حضرت میکائیل بیله نزیل اولدی دیرلر •
چونکه حضرت جبریل پیغام آور • فرسوده جبین پیشگاه حضرت پیغمبر اولدی •

نظم

بگفت ای بلبل باغ نکویی	چو بخت عالی خواب ازچه جویی
زمانی نرگس مخمور بگشای	چو گل از غنچهٔ هستی برون آی

نثر
ایدی ای چاره ساز بیچارگان • و فریادرس درماندگان • مژده
حیات بخش • وایدنقش که • مرکز اوراق آسمانده بوصورت نمایان • وابدا
کارخانهٔ جهاندن الی الآن • نه بر نبی کریم الشان • ونه بر مرسل باهر العنوان
حقنده جلوه گر اذهان اولمشدرکه • حضرت خلاق علی الاطلاق
جل شانه • وعظم برهانه • آرزوی تلاق ایله • بنی فرستادهٔ آسمانی آفاق
ایتمشدر • جناب کریمنه دعوت • وخوان انعامی ایله ضیافت ایدر
سکان سما • شغفناک شرف لقا اولمشدر نظم زبهر تو سکان هفت آسمان

بهبندند بر رسم حلقه میان	یکی بار بر خیز و بیرون خرام
که جنگ آمد استاده بر در غلام	زکرو بیان ورزوحانیان
بزرگان و سکان هفت آسمان	بیا پای برفرق آفاق نه

زرخ تاج برفرق عشاق نه • نثر نوید خجسته تأیید • رسیده
گوش رسول مجید • اولنجق تاج سروری پیوسته فرق فرقدان
و تارک جبوری بستهٔ اتصال آسمان اولدیلر نظم چو بشنید زروح الامین این شنید
دگر جای آرام کردن ندید نثر شتاب کنان امتثال فرمان ایلیان

ایدوب ایدی مرحبا ای پیغام آور • پیچ دملردرکه مرغ دل شکسته پر
بوفضاده جلوه گر اولمق آرزو ایدر مصراع از دوست یک اشارت وزما بسر دویدن
وسیلهٔ تلاق اولان بو خوش نوید • احضار براق ایدوب مصحوب
شرف رکوب بیوردیلر • نظم بپیشش رسول اندر آورد پای
تو گفتی بجنبید عالم زجای نثر دلالت حضرت متحمل کار رسالت ایله
اسرع وقتده پای نه حرم بیت المقدس اولوب • ارواح انبیا
نور گرمیندن مقتبس اولدیلر • اول امام محراب اصحاب نیاز • مسجد اقصاده
ایکی رکعت نماز • قیلوب امر خدا ایله گروه انبیا • اول حضرته اقتدا ایتدیلر

نظم

همه انبیا را بدید و تمام	بپیش همه ایستاده امام

اول آدم عزت توأمده مقتدای انبیای کرام • مبتدا مؤخر اولدیلر
اعلام در • صورتا مؤخر اما خلقتده مقدم • ایدوگی اصح خبر در
کنت نبیا وآدم بین الماء والطین مصراع گاه اولور مبتدا مؤخر اولور
صلی الله علیه وعلی آله وصحبه • پس ارکان نماز • اول ذات سرافراز
سرافروز عز وناز صخرهٔ مبتر که یه پای انداز اولوب • اندن عازم
درگاه خدای بی نیاز اولدی • زهی شرف وعزت وزهی دولت

نظم

گور نه پایه در بو مرتبه گل	اولدی رتبت الحینده اگه نصیب
شرف قرب حقه نایل اولوب	قاب قوسینه ایردی اول حبیب

نثر سرصخره دن آسمانه عارج • ومدارج فلک رخشانه دارج اولدیلر نظم

وزان جا که پیغمبر پاک	جنیبت براند برین طاق افلاک

عروج ذات مفخرلری بر سلّم سلّم ایله واقع اولدی کم • تمتد الیه اعناق الامم
انک شاننده زبان آور قلم اولمشدر • ارباب سمر نزدیک روایت صحت اثر
ایتمشلردرکه • ارواح بشر دم مرگ که محتضر اوله • اول سلّم معتبر جلوه گر
فضای نظر اولوب غایت حسن و بها • و نهایت لطف و صفادن
اول جانبه توجه نمایان اولوب • الی حین القبض خنده کنان نگران اولورلر منقبه

تمنّا ایلرز لطفک خدایا
بزه اول کار دشوار اوله آسان
چو نزدیک اوله منزل ایلمه دور
غریب راهز اما لطف جویان نثر

اول سلّم مبجّل جواهر ایله مکلّل • بر جانبی یاقوت احمر • و بر جانبی زبرجد اخضر
درجاتی هب سیم و ذهب ایله مرصع و مذهّب نظم یکی پایه ازسیم و دیگر ز زر
مجوهر بیاقوت و دُر و گوهر نثر آیا اول دم نه دم عزت توام
ایدی که باعث حیات عالم اولدی • سیمازاده نشیمان عالم ظلمت
عصیان اولان امت طلبکاران • پرتو آفتاب الطاف پروردگاره
اول شب داج الحره اول امین وحی • و صاحب سرّ معراج حضرتلری
گویا که سراج وهّاج اولدی مصرع حبیب الله نور استضا به نثر
یاخود ذات جمیللری طاق آسمان ده نوزدن بر قندیل ایدی منقبه

طرف عین الجره شهسوار براق
غایت چرخی ایلدی هاوی •
دوندی بر شیشه گیه کل ویرلر
رخ آلیله قبهٔ مینا ••
آب رحمتله شوی گرده اوکز
آفتاب اولدی طشت زر گویا
مهر روین گور نجه قالمدی صبر
اولدی سرگشته طارم علیا

چونکه اول رهرو بوادی افلاک • مظهر قول کریم لولاک • واصل سر منزل
مبجّل فلک اوّلی اولدی مصرع درآسمان نازد جبرئیل نثر
ضابط فلک اول اسمعیل نام بر ملک جلیل ایدی • چونکه صوت قرع باب
رسیده گوش حافظ فلک سحاب اولدی • جسارت کن پرسش اولوب
ایدی حلقه کوب در زه مقوله ذات عزت منش در ایدی نظم

بدانکه من [illegible] یل امین •
شدم ثمرهٔ سید الاولین نثر

اسمعیل خبر مقدم رسول خطیر اولوب • در فلکی گشاده ایدوب
خدمته آماده اولدی نظم شد بدر خانهٔ ماه آفتاب
یافت بیک حلقه زدن فتح باب نثر مثال روح مصور حلول ایدوب بام منور
فلکه جلوه گر و خورشید انورکبی درون فلکده یر ایلدی • اسمعیل گرد
خاک پای سر افلاک ادکن مصرع دیدی کم مرحبا مغتنم المجیء نثر
خیر مقدم ای رسول مکرم نظم آمدی و آمدنت بس خوش است
دیدن روی تو عجب دلکش است نثر رسول سان پرسش کنان ایتدی
مصرع هر رسید سید ز روح الامین نثر بو فلکده بو ملک خوش امین در
مصرع بگفت این نگهبان این آسمان است نثر ایتدی ای نبی مبجّل بو ملک
ضابط فلک اولدر • نامی اسمعیل بر ملک جلیل در • حضرت سر جانبه
نگران • و دیدهٔ عبرتله سیران ایدرکن • جلوه گر عرصهٔ نظرلری
اولدی کم • بر ذات ستوده سیر سر سوده تفرقه آسوده ایدوب
نظر کرده تامل ایدیجک • گاه ضحک و گاه بکا یمین و یسارده نوعا معاینه

هویدا ایدر مصراع نظر کرد و بروی مراد ه سلام نثر حضرت نبی انام
اتمام مراسم سلام بیورجق مصراع سلامش داد و بکردش نوازش نثر
ایتدی مرحبا بالابن الصالح والنبی الصالح • پیک پیام آور منان کوهرفشان
اولوب ایتدی ای نبی مفخم جد بزرکوارک حضرت آدم در یمین و یسارده
امرار انظار ایله احوال ابنایه واقف • و اهل جنان و نیرانه عارف
اولوب اصحاب یمین اهل جنان المغله خندان اولور ارباب یسار
اهل نیران المغله کریان اولور • اندن سپهر دومه ارتقا ردی ثنا اولدی

نظم از آن آسمان چون بپرداخت باز | سوی آسمان دوم شد فراز

ناموس فلک دوم پاسبانی قیدوم نام بر ملک عظیم الشان ایدی
اول سپهر معلاده حضرت یحیی علیه و علی نبینا و علی سایر الانبیا التحیة والثنا ایله
ملاقات • و تفصیل موجب وقوع کلمات • ثبت صحف حکایات اولنمشدر
حضرت عیسی داخی اول سراج استدن مقتبس انوار حیات اولوب
نیچه کفت و شنید بین و بین بدید اولدی نظم بپرداخت از آسمانِ دوم
گذر کرد بر آسمان سوم نثر اول یکه سوار سپهر عز و نازه
درشهوار دریای نیاز سپهر دومدن گذار ایدوب سپهر سومده
جلوه کر اولدی • اول مقام مبجل ضبط مفوض یدی نوفل ایدی • مزار اعزاز و اکرام
ایله تحیت و سلام مراسمن اتمام ایلدی ناگاه • رسول آله بکر نستن حب و درایتده
بر حسن و کمال کوردی که بی کم و کاست مصراع یکی روی چون ماه تابان پدید نثر
کویا که بدر منور ایدی که • ملکلر اطرافنده ستاره اولمشلر نظم

درخشان رخش در ملایک چنان | که باشد بدر در اختران نثر

سید عرش جناب حضرتلرین بو حسن بی مثال اعجاب ایدوب
پرستش کنان سره خلیل اولوب • ایتدی ای جبرئیل بو حسن و بها
و مخلوق بی همتا در • ایتدی ای محبوب قلوب • یوسف بن یعقوب در که
شعشعهٔ جمالی تیره جاهلری روشنا و بیگانه لری آشنا ایتمشدر • اندن
عزیمت کو[ ]شفر اولوب • سپهر چاره گذار ایتدیلر نظم

چو شد منزلکهش ایوان چارم | منور گشت آن فرخنده طارم

بر روایتده حضرت عیسی ایله ملاقات • بو فلکده اولمق اودزره اثبات
ایتمشلردر اندن حضرت موسی ایله مکالمه • و جلوه کر انواع معامله اولدیلر
حضرت موسی نماینده راه تمنا اولوب تبسم بر نظم بکفت ای رسول خدای انام
بکن ایستی کار امت تمام نثر کرچه رقم رجا نکاشتهٔ ضمیر سلطان
انبیا ایدی • اتمم اموری اتمام حال امته قصوری ایدی لکن بیت

رأیت السیف من بعد سله | الی الهز محتاجا وان کان ماضیا نثر

حضرت موسی ید بیضا ایله تحریک سلسلهٔ عزیمت سلطان سریر
رسالت بیوردیلر علیهما الصلوة والثنا نظم گذشتند از آن آسمان نیز هم
نهادند بر چرخ پنجم قدم نثر سپهر پنجمده دخی سالک مسالک
اولوب آشنایی ملایک • دفع کرده وحشت اولوب مینده مزار اعزاز و اکرام اولدیلر

نظم ملایک دوان پیش باز آمدند | باکرام و عزت فراز آمدند نثر

اول مقام جبرئیل ده درس وصال حضرت خلیل اولوب • اسحق و یعقوب و اسمعیل

حضرتلری دخی نظم دویدند باصد هزار احترام
بکردند برسیدند باسلام نثر هر بری ایله بسط بساط آشنایی ایدوب
چشم دل وجان قوم ذیشانی تحصیل روشنایی ایدیلر مصراع
از انجا بچرخ ششم برگذشت نثر انده داخی ملائکه کرام استقبال
واکرام ایلدیلر گرچه بعض کتب معتبرده سموات علاده مقر انبیا
بو وجهله انبا اولنمشدر اما امام سیوطی رحمة الله علیه جامع الصغیر نام
کتاب خطیرنده بو حدیث شریفی ذکر وترتیبی بو وجهله حصر ایتمشدر
آدم فی السماء الدنیا تعرض علیه اعمال ذریته ویوسف فی السماء الثانیة
ویحیی وعیسی فی السماء الثالثة وادریس فی السماء الرابعة وهارون
فی السماء الخامسة وموسی فی السماء السادسة وابراهیم فی السماء
السابعة چونکه ارواح کرام انبیاء عظام ایله ملاقی اولوب سرور تلاقی
جانشین اندوه دشتاقی اولوب حسب ما تیسر هر بری ایله کلمات
ایدی سیر افلاک وسموات وطی مسافات ایدرک منتهای سموات
علاده واصل سدرة المنتهی اولدی نظم وزان شب چون نسیم صبح برداشت
روان از منتهای سدره بگذاشت نثر سدره بر شجره بالا ایدی منتهای
فلک سابعده واقع اولمغله سدرة المنتهی ایله مسمی اولمش ایدی
بر سوار برق سیر نه گلو شتاب کرده قطع مسافه سایه اوسنه
یتمش ییلده انجق یسیده انجام درخت بلندپایه اولوردی
باطن کلام ستارده مذکور اولان انهار آندن نابع بر درخت

کثیر المنافع ایدی اندن بیت معمور جلوه نمای منصه ظهور اولوب
منظور رسول غیور اولدی که بیت معمور مکه مکرمه لامعة النورک محاذیسنده
واقع ایدوکی اشراق آفتاب گبی علوم فضلاده لامع در هر روز
مهر عالمتاب ظهور در روز ایدیکجه ملائکه کرامدن یتمش بیک اجله فخام
طواف ودخول ایله ظفر کرده مرام اولوب اما رجوع وعودت
نماینده [illegible]ت اولمز ایدی طی مسافه وگشت ایدرک اول سید اول
وآخر داننده علوم باطن وظاهر نظم ریاحین بخش باغ صبحگاهی
کلید مخزن گنج الهی نثر حضرتلری پیشگاه حجابده حاضر اولدیلر
ورای حجابدن بر ملک عجیب پیکر جلوه گر نظر اولیجق رسول عالیقدر
سؤال کن جبرائیل امین اولوب بیوردیلر بونه مقوله ملکدر
ایدی فلک خلق اولیلی بو ملک شمدی مشهود نظر اولمشدر نظم

بشد منزلی چند تا برفراز		زناگاه روح الامین ماند باز

حضرت جبرئیل علیه السلام کشنده قدم اقدام اولوب اول محلکده محجوبن
احجام ایلدی مصراع ز اسبش عنان دش درکشید نثر
بیوردیلر که تقدم انت یا جبرئیل دلیل سبیل سن پیشوای مقصد
جان ودل اکن کشیده عنان اولمق جه بابیدر مصراع چرا بازماندی ز من ناگهان
اول برآنده وحی ربانی ایدی یا محمد انت اکرم منی علی الله تعالی
ایدیمی باز کرده در آشنایی بنیجون بو محلده بنی انداخته ورای تنهایی
ایدرسن ایدیمی ای رسول خدا وما منا الا له مقام معلوم مصراع

مقامیت معلوم مارا پدید نثر بو مقامه و بو محل احترامه وصول اخترامک
ایله پیوسته حصول اولمشدر • لو دنوت انملة لاحترقت نظم

بگفت ار سر موی برتر پرم •	فروغ تجلی بسوزد پرم نثر

آرامکاهم • و عرصه سپهرده جلوه کاهم • سدرة المنتهی ده • بر مقام اعلی در
بر قدم که رانده وراء حد معلوم اولم هیبت جلال خدای متعال •
آتش ان تن ناتوان اولوب • مانند هیزم سوزان اولورم نظم

بمن آتش افتد زبهر آکه	بسوزم بیک لحظه این جایگاه نثر ای خجسته خدمت

مرافقت و نعمت • وصلت ضایع کرده عاقل رفطنت • اولورمی رسول اکرم
ابتدای جبرئیل خوش دم • شویلکه بر قدم عودت ایلیم احتمال
افتراق ایله بار غم طاقتم طاق ایدر نظم بساط شش جهت کرد چون طی
بماند آنجا دکر جبرئیل ازپی نثر پس اول دم سعادت توأم ده •
بر حجاب مذهب نمایان اولوب • بیک پیغام انتساب تحریک حجاب ایدر

نظم او متحیر چو غریبان راه	حلقه زده بر در آن بارکاه نثر

پس حجابده بر ملک صاحب احتجاب • خوب ادا ایله ابدا صدا ایدی که
من القادم حضرت جبرئیل ایدی نظم بلبل کلستان ما اوحی
شمسه چرخ والذی اسری نثر حضرت سید عالم درکه دعوت
اجابت رب عزت ایتمشدر • اول ملک ایدی الله اکبر الله اکبر •
وراء حجابدن بر صدا کلدیکه • صدق عبدی انا اکبر انا اکبر • بنه اول ملک
صدای غمزدای اشهد ان لا اله الا الله • ایله بر صدا اولدی •

بنه وراء حجابدن • صدق عبدی لا اله الا انا بیورلدی • ملک اشهد ان
محمدا رسول الله • دیدی صدای صدق عبدی انا ارسلت محمدا کلدی •
ملک حی علی الصلوة حی علی الفلاح دیدی • صدق عبدی دعی الی عبدی
بیورلدی • اول سرو روان کلستان نبوت • و کلبن جان رسالت
ملک و تنها سالک راه مقصد اقصی اولدی نظم رفت بدان ره که همره نبود
این قدمش از قدم آکه نبود نثر یتمش بیک حجابدن کذر ایتدی هر بیک
بشیوز یللق راه سفری دار ایدی نظم رهنمای چو همراهش فرد ماند
ازان منزل تنهایی ورا ماند زخیل روح می‌راند صف صف
چنین تا باخت مرکب نزد رفرف نثر وقتا که اول سلطان عالیجناب کذر کرده
حجاب اولدی • رفرف نمایان و اکله فرش عرشه روان اولدی مثنوی

زرفرف زد قدم بر عرش والا	کشان دامن زساق عرش بالا
پس آنکه پادشاه پادشاهان	خطا پوشش خطای عذرخواهان
درون بارکاه خاص خوا اندیش	بصد لطف و احسانش نشاندش نثر

اول حسین سعادت قرین ده مصلحت مؤانست اچون طرف رب
صمد دن جل شانه • ادن منی یا محمد • ادن منی یا محمد صداسی
کوش هوش سلطان شریعته ونازده غلغله ساز اولدی هر مرتبه
ندا ده بر مرتبه یه ترقی • و هر نوبتده بر عزته تلقی ایتدی للمثنوی

محصل آنکه سلطان رسالت	دران شب یافت قرب رب عزت
شنید ازوی کلام ناشنیده	جمالی دیده هیچ دیده ندیده

تا آفتاب وصلت ثم دنی پرتو انداز پیشگاه راه رسالت پناه اولوب
اول مرتبه بالادن پایهٔ علیای فتدلی مقامنه ارتقا ایلدی اول
مقامدن مقام قاب قوسین او ادنی ایله باهر الاعتلا اولدی الآیه

بیت

چو بر آن سرور و سردار کونین		به پیوست آن زمان با قاب قوسین

ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی رسیده درگاه
رافت پناه کبریا و بارگاه خدا اولدی نظم خلیل بخلوت بجوارش جلیل
چه باید فزودن در قال و قیل نثر اول رتبهٔ جلیله و مرتبهٔ جمیله‌دن
فاوحی الی عبده ما اوحی مضمونی مظهر اولمغله اول سلطان جن و بشر

تاج مباهاتی برسر ایلدی	•	الی العرش والکرسی قد دنی

هرنه مقوله رجا که اول سلطان انبیادن فرسوده جبین پیشگاه
درگاه خدا اولدی قرین قبول ربانی اولوب بو دادهٔ الطاف سبحانی اولدر
مصرع همه حاجت و کام او را بدار نثر پس مشاهده و مناجات و عرض حاجات
اوامر و زواجر باطن و ظاهر و رجای امت عاصی کثیر المعاصی عرصهٔ
الطاف و تمنا اولندی انجام یافته و خانهٔ رجا سوزن قبول ایله دوخته
اولدی مصرع با آن همه مقصود بدو دش رسید نثر چونکه هنگام
رجوع مقام کلدی نظم نگه کرد سید تن خویش دید
کز آنجا به بیت المقدس رسید نثر اول محلده که جای اول براق
حاضر و خدمته ناظر ایدی جلوه‌گر نظر رسول مطهر اولیجق مصرع
قدم بر رکاب براقش نهاد نثر فی الحال سوار و عزیمت دیار ایدوب

اول

اول مرکوب شرف مصحوب اول شب معراج رسول سبحانی اولان خانهٔ ام‌هانیده
پدید اولدی مصرع سوی خانهٔ ام‌هانی رسید نثر حضرت محمود الخصایل
پشت براقدن نازل اولوب حال پریشان امته نظام حاصل اولدقدن
اقصای مراتب سروره واصل اولمش ایدی نظم آورد حضرت خداوند
منشور نجات عاصی چند نثر وقتا که رسیده بستر عزت گستری اولدیلر
هنوز بستر جسم مکرمدن کرم بولدیلر نظم آمده نزدیک حرم بستر خویش
گرم هنوز از تن جان پرور خویش نثر صحیح ترین اخبار اخبار درگه عروج و نزول
رسول وقت قلیلده موصول حصول اولمشدر اصح روایت اولدر که فوت
عزت موهبت اوج باخود درت ساعتدر نظم جدا شد همچو تیر از قاب قوسین
شد آن آمد شدن یک طرفة العین نثر اول سحر که مانند خورشید انور
مطلع عز سعادتدن طالع و شعشعهٔ جمال و باکمالی بریق و لامع اولدی
اول ماه منوری محاق غم احاطه و دست الم گوهر سروری رابطهٔ نشاطدن
اماطه ایتمش ایدی عدم تصدیق قوم مستحق اللومی تحقیق ایله گم کرده
فراغ خاطر اولوب تیه حیرتده دایر گوشه گیر حرم اولوب بی مونس
و همدم کیفیت تقریر مجاری امورده فکر دورادورده ایدی ناگاه ابو جهل
مغرور اول محلدن مرور ایدوب ایتدی ای محمد برامر مجدد دارمیدر
بیوردیلر که نعم بو شب خانهٔ ام‌هانیه وضع قدم ایتمشیدم مصرع
چو امشب مرا بود هنگام خواب نثر ناگاه پیک رب العالمین جبرئیل امین
کلدی بر براق کتوروب انکله سیر آفاق ایلدم نظم بیامد بمن جبرئیل از هوا

براقی بیاورد بار خدا نثر جمله ملکوتی سیار اولوب آسمانده سیاح
اولدم اول کافر ایتدی طوغری نه مکانه متوجه و روانه اولدک
بویردیلر که بیت المقدسه واروب عبادتده بذل طاقت ایتدم مصراع
به بیت المقدس شدم با براق سرادن سمایه عروج و راه ملاقات
ولوج ایدوب هفت آسمانی سیر و تماشا و هر برنده قدرت حقدن عجایب
اشیا نظرمده هویدا اولدی مصراع بگشتم بهفت آسمان سر بسر نثر
و نائره اشتیاقی اطفا ایدوب ارواح انبیای کرام علیهم السلام ملاقی
اولدم نظم همه انبیارا بدیدم تمام ... به پیش همه ایستادم امام نثر
وقایع من المطالع الی المقاطع هر نه ایسه صحیفه تقریرده تصویر بویروب

نظم
وز انجای باز آمدم بی تعب ... سوی خانه خویش نارفته شب نثر

دیو ختم کلام ایله مسک الختام بویردیلر ابوجهل ایتدی بو مقالات
مجمع قریش ثقاته ده وزین روایات اولورمی بویردیلر که نعم تقریر و تفهیمی
امر ملزمدر پس ندا ایدوب ایتدی یا معشر بنی کعب بن لوی هلموا
پس قریش طبش اله وار اول ماه چرخ اقتدار اطرافنی دور ایدوب
استفسار مسئله بعیدة العقول ایلدیلر حضرت نبی خطیر تکریر تقریر بویروب تحقیق
مصرع میانشان از یکی شورش آمد پدید نثر سیما ابوجهل کریه اللقا روی آرامی
ناخن حسد ایله خراشیده ایدوب غایت رنجیده اولدی مصراع
زحسرت بزد سخت دستش بدست نثر ایتدی ابلاغ احوال زمین دن
فراغ ایدوب آسمانه عروج و حاشا بو مقوله اکاذیبه ولوج ایتدک

نظم
همی تاکنون قصه گفت از زمین ... کر می کوید از آسمان داستان نثر

جمله اول قوم بی شرم تحقیق اینقلرین خلیق تصدیق ایمیوب
طی مسافه مدة مدیده اضافه اولنمغه محتاجدر دیو منکر امر
معراج و برابکی ساعتده ازال و ادراج و اخراج وقوعن استغراب
ایدوب ان هذا الشیء عجاب دیدیلر الا رفیق شفیق حضرت
ابی بکر صدیق [illegible] هر نه مرتبه تفصیل و تدقیق اینک بویردیلرسه
تصدیق ایتدیلر ولذا اسمی صدیقا پس اول قوم مستحق اللوم
بی حیا و شرم کله لری کرم اولوب نعوت مسجد اقصایی استقصا ایدوب حکمت
جمیع نعوتندن انبا بویردیلر اول قوم ایتدیلر بو اصابت معجزاتدن عد
اولنمغه قابلیت داردر اما استحاله اولمدوغی بدیداردر طرفة العین
عرش بلقیس دخی احضار اولنمشدر اما بوندن اقدم بر قافله مزعوم شام
ایدوب راه سفره وضع قدم اقدام ایتمشلر ایدی نظم
اگر دیدی آن کاروان را براه ... نشانی ده از مرد وار جایگاه
اول قافله مرذن خبر ویرکه نه مکانده مشهود نظر اولمشدر و نه زمان
داخل و بزه واصل اولور سلطان ممالک رسالت طغرای صحیفه
جلالت سرکوب مخالفان ابتر تن پوش رهنمه کان محشر عدد و احمال
و جمال هر نه ایسه علی التفصیل لا علی طریق الاجمال نظم رشته تقریره
و ثبت صحیفه تحریر بویروب مقدمه عیر رحمل درکه حملی عمر زمان مخططدر
طلوع خورشیدده اوائل قافله پدید اولور چونکه سلطان نهار اظهار

طلایع عکر انوار ایلدی منکران بدکار • مترقب کار انکار اولوب
اول صبح وشام انتظارکن قافلهٔ شام اولدیلر • بر شخص بدکردار
ایدی آثار صبح پدیدار • اما سوز اسمار قافله لیله مقدمهٔ عیر قرع
سمع اخبار ایتمدی • بری دخی ایتدی • هذه العیر قد اقبلت علینا واحاصل
عیر وجمال وبعیر طلیعهٔ صبح عالم کرده که • هنگام تعیین سول خطیر در
صورت پذیر اولدی • بر وجهله قدم زد ساحهٔ حرم محترم اولدیلر •
کویاکه صبح تابان • ورسیدن کاروان توامان ایدیلر نظم
توکفتی که خورشید با قافله • بهم برکرفتند از مرحله • که باهم موافق
چنان آمدند • چو دو تیر از یک کمان آمدند نثر چونکه اثبات
مدعی ده اقامت شهود وبراهین ایدوب • منکر معجزه کرین ابراز واظهار نبوت دیر
مصرع بود از خجالت رخسارشان سیاه نثر اول شرذمهٔ اشرار اکرچه بو معقوله
حال فزع اذان اصحاب مقال ایتمشدر • اما نه جای تعجب در که سحر ایله
بو معقوله امور شمدی صدور ایتمدی • کار سحر ایدوکی هیچ تبیین در
هذا الا سحر مبین • دیو اول قوم پرکین دشمن کین • سالک بوادی
غوایت • وقاطع راه ضلالت اولدیلر • فمن یضلل الله فما له من هاد

مثنوی

امر معراجه همه که منکر اولور	نص قرآن حقی سازاولور
قدرت حقی ایله انکار	مرنه ایدیسه فاعل مختار
نقص ایله اولدی چونکه بو مثبت	وار می انکاره کیم ده قدرت
یا الٰهی ابیته اسری •	یا الٰهی نجده نه طاقت •

دراحسانی کشف ایله	قولدک واصل مراد ایله •
لایق ایله بزی شفاعتنه •	سابق ایله دولی هدایتنه

معجزهٔ حضرت قرآن عظیم الشان

زینت بخش صدور سطور صحایف اولان • معارف ولطایف دن درکه
اول حضرت عالی منقبتک اودم معجزاتی • واعظم کراماتی حضرت
قرآن عظیم وفرقان کریمدر بیت قرآن که با آیی وسور دارد زانجا زنش ارش
ازمیل آن عاجز شمر فکر همه اهل بیان نثر حسن تالیف وملاحتی • والتیام
کلام وبلاغتی • ووجوه ایجاز وفصاحتی • وخارق عاده لطایفی
اسلوب اغرب ایله مخالف قاعدهٔ عرب اولدوغی خصوصا قریش
فصحای انام • وفرسان کلام اولوب • سایر امم دن بلاغت وحکم ده
مسلم ذرابت لسان وفصل الخطاب ایله نامبردار اولوب
بدیهه کویلک ده مشار الیه بالبنان • وبین الاقران حائز قصب السبق
بلاغت • وفارس میدان فصاحت • اولوب طعن ومدح وضرب
وقدح ده مانند سحر حلال نخبهٔ مقال • صحیح المآل ایله تغزل ایدرلر • ایدی کی
هر بری احمل بر سمط اللآل • دینمه سزا ایدی • بو جمله دن طایفهٔ بدویه
لفظ جزل وقول فصل ایله ممتاز • طایفهٔ حضریه دخی بلاغت بارعه
والفاظ باصنعه ایله سرافراز ایدیلر • کویا فصاحت طوع مراد وبلاغت
ملک قبادلری ایدی • هر بار که قرآن کریمه تنظیر وتمثیله تصدی ومتحدی
اولدیلر • بر وجهله نظیره مهتدی اولمادیلر • اکر نظم وسجع ونثر اکر حرز

بحر مثالده متحیر اولدقجه مضطرب و متحیر اولوب قوله تعالی وان کنتم فی ریب
مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله الآیه آیهٔ جامعهٔ الحکم ایله ساکت
و ملزم اولورلر ایدی روایت اولنور که برکون ابن مغیره ولید کلام بالتمام
رب مجیددن قول سدید الآیه ان الله یامر بالعدل والاحسان
وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی نص کریمنی
کوش ایتدی جان و دلدن خروش ایدوب ایتدی کلام بشر
اولمدوغی مقرردرکه حلاوتی اذان جانی تشنیف و طلاوتی دل ایمانی
تشریف و تلطیف ایتدی و ابو عبید روایت ایدر که اعرابدن بری
استماع ایتدیکه بر مؤمن فاصدع بما تؤمر الآیه آیهٔ کریمه سنی تلاوت ایدردی
فی الحال سجده یه وضع جبین ابتهال ایلدی سببنی سؤال ایتدیلر سجدت
لفصاحته دیدی • روایت اولنور که بر جاریه وار ایدی میراب
فصاحتده مانند آب جاریه ایدی برکون اصمعی فصاحتنی استماع و استحسان
ایلدی جاریه ایتدی ای فی شان قرآن مجیدده بو آیت کریمه دن صکره
بو مقوله لر فصاحت عد اولنمز قوله واوحینا الی ام موسی ان ارضعیه
فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم ولا تخافی ولا تحزنی انا رادوه الیک
وجاعلوه من المرسلین الآیه حقاکه بو نص کریمده پرتو ساز اذهان اولان
آفتاب اعجازده ذات منفرد خدای بی نیاز ممتاز درکه آیهٔ واحده ده
ایکی امر و ایکی نهیه اشارت و ایکی خبر و ایکی بشارت اجتماع اعجاب
اهل فصاحت ایتمشدر غایت فصاحت و نهایت بلاغتده در اطناب ممکن

بری و ایجاز مخلدن عاری و ازدیاد و نقصدن صحیفه حالی خالی در
حقاکه قرآن عظیم و فرقان کریم بیان آثار امم سالفه و سیر انبیا و رسل
و حال و ماضی و مستقبل والحاصل جزو کل ایله مالی در کتب منزله ده
مندمج اولان نقود حکم و عقود مستحکم درج لطیفه ده مندرج در
و فیض سرمد رب عزت ایله سرادقات حشمتی منزل دنیاده اطناب
خلود ایله [illegible] بنای حفظی حمای حمایت قوله انا نحن نزلنا الذکر وانا له
لحافظون کلام مؤیدی ایله شیده اولمشدر که تحریف و تغییر دامن اجلالنه
بفضل رب قدیر جایگیر اولمامشدر معلوم اولاکه وجوه اعجاز قرآن
اکثر من ان یحصی ایدوکی اظهر من ان یخفی در طالب فیض فیاض قاضی ابو الفضل
عیاض درت وجه اعجاز بیان ایتمشدر اولی حسن تألیف والتیام
ایکنجی صورت نظم عجیب و اسلوب غریب مخالف للاسالیب و جامع
مناهج نظم و مقاطع کلم اولدوغیدر اوچنجی مغیباتدن اخبار
دردنجی قرون سالفه و امم بایده و شرایع دائره دن بیان آثار
هر کلمه ده بر سر ازلی مندمج و هر حرف بلاغت ظرفنده بر راز جلی مندرجدر
بیت هر حرف ازان خوش زمزمه شد بهر تلقین همه • سر ازل را ترجمه
راز ابد را ترجمان نثر لا یغادر صغیرة ولا کبیرة الا احصیها
خصایص کمالی سیدر و وصف معالی لا یأتیه الباطل من بین یدیه
ولا من خلفه لازم قدر عالیسیدر قوله لا رطب ولا یابس الا فی کتاب
مبین الآیه جامع الکل اولدوغی مصداق قول کریم • و لکن تصدیق الذی

بین بیه وتفصیل کل شیء کلام سپاتی محقق در • صاحب سر لو کشف الغطا
ما ازددت یقینا • امام علی مرتضادن رضی الله عنه منقولدر • اگر کشف اسرار
با بسم الله مقارن ارادت ایزدی له اشتباه اولایدی • عالم نیجه اسفار
و دفتر • و نیجه اوراق طومار ایله • مالامال اولوریدی • بو رشد لمنشئه

رو دیده بدست آر که هر حرف که
جامعیت جهان نمای تا درنگری نشر

محقق در که قرآن کریم • باطن علم قدیمدن من الازل الی الابد هر کیفیت و کردیه
حقیر و جلیل ظهور ایدن اشیانک • تمییز و تفصیل ایدر • ظاهر مفهومی مطابق
واقع و سینه مکنونی کل میسر لما خلق کذار شیجه بحسب الاستعداد استفاد
ه شایع در • هر ناقص عقل و کم عیار که قصد معارضه اظهار ایلیه لوای
عجزلرین افراخته • و سپر معاضدتلری انداخته اولمق مقرر در • خصوصا
بیان بیم و امید ده ابتر • و بیان اعلای کمتر اولاجغی اظهر در •
نته که نقاب مسیلمه کذاب • معامله مقابله ایله جولان • و برایکی هذیان ایله
تمویه اذهان ایلدیکی • بری بو در • الفیل ما الفیل • و ما ادریک ما الفیل له ذنب
وبیل • وخرطوم دان فی ذلک من خلق ربنا لقلیل • عاقبت غرقه دریای فضاحت
و مبتلای سوای وشماتت • اولدی • ابن مقنع دخی • مدارج تنظیر و معارضه
تدرج • و دریای دلی آهنگ تساوی و برابری ایله تموج ایلدی • و قنا که الآیة
وقیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی • قول کریمنی کوش ایتدی • مرتبه که دست
معارضه ایله رقم کرده ایدی • فراموش ایله محو ایدوب • اوراق فصاحت
بر باد ندامت اولدی • حین نزولدن الی الآن مکنت انسان مثال قرآن به ورود کان

عالمک فکان وسع طاقت و توانائنده اولمدوغی ممکن کمان کلدر • الآیة
ولو کان بعضهم لبعض ظهیرا • مبینات اعجاز قرآن باهرة الآیات داخل تعداد
و روایات اولمدوغی ظاهر • و متتبعین اسمار و مضمونی مستحضر در
وجوه بینات اعجازدن بو آیة ظاهرة الامتیاز در که • قوم یهود تمنی
موت ایلمیه جکلری کوبا مشهود ایدی • الآیة قل ان کانت لکم الدار الآخرة عند الله
خالصة من دون الناس فتمنوا الموت • بو آیة کریمه جلایل حجج باهره • و دلایل
واضحهٔ ظاهره دندر • زیرا تمنی موت ایتمیه جکلری موبدا اولمغله تمنی تکلیف
اولنمشدر • اول قوم کثیفدن بر خبیث تمنی موت ایتمشدر • رب مجید
فعال لما یرید ایدوکی پدید در • صرف قلوب قاسیه ایتمکله اعجاز متعین
و حجة واضحه اولدوغی متبین اولدی لمنشئه نه عجب معجزه اولور قرآن
ایدر اسکات قوم بلیغ اذعان نشئه کرچه کلام قدیم قدیر بر سر معجزه
ایدوکی سمیر صغیر و کبیر در • اول جمله دن اقصر سور که سوره
انا اعطیناک الکوثر در • بر معجزه فصاحت کستر در که محیر فصحای بلاغت پرور در
بری دخی حین تلاوت نظم کریمده ترس و بیم که دل قاری و سامع ده
واقع اولور • و بری دخی قاری عبارات شکر آمیزدن هرگز ملالت انگیز
اولمز • بری دخی طایفه عرب • واصل اولمادوغی علوم و معارفی شامل
اولدوغیدر لمنشئه درج قرآن الجیده در ظاهر • ای کو کل علم اول و آخر

بو فصاحت که وار در رآنده
کیمدر اکه نظیره به قادر
نظم ایات ایله بو سر عجیب
هیچ کمسه نیدر اوله باهر

اولدی چاک امور ماضیه‌یی   جمله احوالی اولدی مستحضر •
دل قاری یه وهم ایدر القا   وصفنی ایلین اولور قاصر

معجزه دفع گروه مکروه بآیه کریمه شاهت الوجوه

حامیان حرم دین • وحافظان ثغر مبین اولان اصحاب کرام
وائمه عظام • رضی عنهم ربنا السلام • که خسک راه شقا اولان
ارباب کفر ضلالت انتمای ضربات شمشیر غزا ایله نابود ونابدید ایدرلردی
غزوه حنین ده • فرقه اصحاب عناد • وشقاوت نژاد ایله کارزار ضرب
امتداد • ونایره آتش حرب اشتداد بولوب • میدان قتال
وبیدار معارک وجدال • مواطی اقدام عساکر کفر واسلام اولوب
نور وظلام • همچو لیال وایام • مختلط اولوب • کثرت اعدا فرقه اودایی
سلک ادباره منسلک ایتمک صورتی نمایان واشکار • وقرار مستدل
دار • اولمق احتماللری بدیدار اولیجق • امداد الهی درکار اولوب مصراع
تاکه آمد عنایت سبحان نثر نسیم توفیق هدایت آویزه گوش هوش
حضرت رسالت ایدیکه • آیه کریمه شاهت الوجوه ایله دفع فرقه
مکروه بیوره لر • پس اول مخاطب خطاب لولاک • مغبوط خورشید
تابناک • اولان دست مبارکلرینه برمشت خاک آلوب الآیه
شاهت الوجوه آیه کریمه سنی • قرائت ایدوب معسکر کفاره نثار •
کویاکه برتیغ جوهردار • ایدیکی جوهرینی ایثار • ایلدی اول خاک
پاک • اول عسکر بی ادراک • اوزرینه مددکاری باد وزان ایله لالحان

دوان اولوب • فرقه ضاله نکبت باشلرینه صاچیلدی • ملاعین خاکسارینک
گوزلری آچیلدی • برکافر دخی قالمدی که نابینا اولمیه • هر بری داغ
درد ایله بخور دیده لری للری کبی کور • ولذت دیداردن مهجور اولدیلر
مضمون سرتبسته وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی ظاهر وهویدا
اولدی مصراع کان تیر دیده دوز بدازتیر ما رمیت نثر کفار گردار
بوکاردا[illegible] بو منجه عسکر اسلام ملاعینه گوز آچدرمیوب هجوم واقدام
ایتدیلر کیمی طعمه شمشیر انتقام • وکیمی اسیر دام انهدام اولوب بو معجزه
باهرة الشان ایله منهزم وپریشان اولدیلار معجزه دفع شرر
آتش هجوم اشقیاء کفار درغار بایار صداقت کار
استاددان پرده کشای بارگاه روایت • وهنرمندان کامل الصناعه
بینگاه درایت • جمله معجزات سید کائناتدن • بو معجزه صحت
نمانی بو وجهله روایت ایتمشلردرکه • شول وقت که پرده نشین خلوتسرای
لی مع الله • وسلطان سراپرده آنی رسول الله بیت •

قاید الخلق بالهدی والعون   شاه لولاک ما خلقت الکون
نقد یثرب سلاله بطحی   امی لوح خوان ما اوحی

صلی الله تعالی علیه وآله • وعلی صحابه وعب له حضرتلرینک آفتاب
هدایتی سایه انداز صغیر وکبیر اولدی • اهالی مکه ومدینه وسائر
بلدان واکمنه دن جم غفیر • وجمع کثیر • شرف وصوله فائز اولوب
سعادت اسلامی حائز • اولدیلر خصوصا اهالی مدینه منوره علی ساکنها

تحيات تكرره نور هدايت ايله منور اولوب • آز كمسنه قالدى كه
بو دولته مظهر اولميه **لمنشئه** لواى عسكر دعوت كشيده
شراب تلخ بر دشمن چشيده **نثر** كروه اصحاب ظلم وعناد • وفرقهٔ
ارباب ضلال وفساد اينه روزبروز استيلالرى اشتداد •
واصرار واضرارلرى امتداد • بولمغله حسب الاشاره حجهٔ الملك المنان
وسداد رفع بساط قرار ايدوب مكه مكرمه دن مدينه [illegible] يه هجرت
اختيار ايلديلر **بيت** سلطان اقليم وفا شاه سرير اصطفا
سرور دفتر صدق وصفا سرمايهٔ امن وامان **نثر** حضرت سلطان انبيا ايله انجق
حضرت صديق وعلى مرتضى همنشين سرآ وضرا اولديلر • چونكه مشركين
اجتماع مؤمنين ايله تقوى دين مبين ظاهر اولدوغنه ناظر اولديلر
اول بدكهرلر نار حسد ايله پر شرر اولوب • ابوجهل لعين ايتدى
اى صناديد دين • اكر اول حضرت دخى بو راهه سلوكه جزم
نيت ايدوب • مدينه يه عزيمت ايدرسه • رايت استعلا
وآيت استيلا • مماثل فلك اعلى اولوب • دبدبهٔ شوكت دين
زمزمهٔ امت محمدى ايله پر طنين ايلر **بيت** ولوله بر عالم بالا رسيد
غلغله بر كنبد مينا رسد **نثر** پس بو كارى دفع د حاشا
اول حضرتى رفع ايچون • بر كيجه بالاتفاق دار الندوه ده مشاوره
عقد وعهد ميثاق ايدوب • وقت معهودده اجتماع ايلديلر
ابوجهل مركز دايرهٔ تزوير اولوب • ابليس دخى بر پير صورتنه دخول ايدوب

اول جمعيته وصول بولدى • آيهٔ كريمه وكذلك جعلنا لكل نبى
عدوا شياطين الانس والجن • يوحى بعضهم الى بعض زخرف القول •
مضمون هدايت نمونى ظهوره مقرون اولدى • اول قوم مستحق اللوم
ايتدكلرى راى كاسده • وافكار فاسده صدورلرندن بو رسمه صدور
ومكنونلرى بو كونه بروز وظهور بولوب متفق اولديكه • پيشوايان قريشدن
درت نفر [illegible] خلقت • اول حضرت حقنده جسارت ايدوب حاشا
قتله مباشرت ايليه لر هيهات هيهات **مصرع** زهى تصور باطل زهى خيال محال
لمنشئه نيه قادر اولور او قوم ضليل — كه ايده اول حبيبه قصد هلاك
اول نبينك كه حق ايدر حفظن — كيد دشمندن اولميه اكه باك **نثر**
چونكه رايلرى بو كارده قرار داده اولدى • اول شب سياه
ايچره مشركين در حجرهٔ نبى ده كمين ايدوب • منتظر صبح برين •
اولديلركه • مرادلرى حاصل اولوب • وبو امر باطل درت شخص جاهلدن
صادر اولدوغى مبتين وحاصل اوله • اما بو صورتدن غافل
ايديلركه **لمنشئه** قدر قصرى كه بدست قدرت حق شد بلند
كى رسد از تيشهٔ مكر كسان آن اكرند **نثر** اول حين ده • بو خيالات
تلقين روح الامين ايله • لوح يقين حضرت فخر عالمين ده ارتسام قرين
اولمشيدى **لمنشئه** ايردى اول دم رسوله پيك امين • ديدى اى مشواى امت دين
سكا هجرت بيوردى رب كريم — اوله سن پس مدينه ايچره مكين
قصد بد ايلدى كروه قريش • — ايلديلر بو شب انجنده كمين

ایله بو شب جنت ایام باغ سفر   حافظک حقدر یسار و یمین
حضرت فخر العالمین بیوردیلرکه ای جبرئیل امین حضرت رب عزت
کیمکله مهاجرت فرمان ایدوب رفیق شفیق اولمغه کیمی خلق بیورمشلردر
جبرئیل ایتدی حضرت ابی بکر صدیق یار طریقدر و اول کیجه اول
سورهٔ یس نازل اولمغله قلوب اهل دنیه مستتر حاصل اولدی
چونکه کفار قریش بو امری پیدا و بو عزیمتی امضا ایت[illegible] نطاق
اتفاق میان بند ارباب شقاق اولدی خانهٔ ماه رسالتی مانند هاله
احاطه و وراه قرابتدن دست فصاحت ایله سنک شفقتی اماطه ایلدیلر
حضرت رسول هر دو جهان علی مرتضی حضرتلرینه فرمان اصدار بیوردیلرکه
اول شب جایگاه دلبستمده قرار ایلیه لمنشئه دران شب در فراش شاه لولاک
علی مانده ولی بی وهم و بی باک نثر و حین نومده استعمال بیوردقلری
بردهٔ خضر ایله مستور اولمغله مأمور ایتدیلرکه اول حضرتی قیاس
ایدوب دیدهٔ اعدادن شک و شبهه دور اوله پس سعادت ایله
حرمدن خروج و راه غربته ولوج بیوریلجک مشهود نظر خیر الموجود
اولدیکه اطراف خانه اول فرقه ایله طلو و تیره درونلری
مکر و غدر ایله مملو اولمش مصراع ببین ای دل که بی‌مهر حسودان چه کشید
فی الحال اول کیجه نزوله مقرون اولان سورهٔ یس فهم لا یبصرون
قول حکمت نمونه دکین قرائت بیوروب اول مخاطب لولاک
زمیندن بر مشت خاک آلوب اول خاکساررلرک تارک نامبارکلرینه

طوغری صاچدیلر بیت قبضهٔ خاکی که فشاندی کف
شد بصر بی بصران شاه ف نثر و بی بیم و بی باک اول درت سکن
بی ادراک ارالرندن گذار ایدوب متوجه غار اولدیلرکه نظم
آن که خدا نگهبان تست   از فتنهٔ دهر در امان است نثر غار مزبور
اعلای جبل ثورده ماوای موذیات اولمغله مشهور بر غار تنگ و تار
ایدی [illegible]نگام شب ایدیکه اول غار محل آرام سید الانام اولدی
بر غار ضیق الارجا و بردار محنت افزا ایدیکه درونی باطن مشرکین
کبی سیاه و تار و افعال منافقین کبی ناهموار ایدی اما موطئ اقدام خاتم رسل
کرام اولمغله مهبط انوار اولدی نیجه تابدار اولماسون که سایه
انداز اولان سر افراز آفتاب کونین و نوربخش کواکب و نیرین
ایدی بر ماه ایدیکه برج عقربی پناه ایدندی اول برجه دخول ایله
سفردن حذر ایدوب درون غاری مقر ایتدی مصراع سفر جایز دکل
ماهک ایلیجق منزلی عقرب نثر نیجه سنین و ایام ایدیکه بو خدمته
آماده دولت وصال جاسیله دریچهٔ کوشی جانب امیده نهاده
و روزنهٔ دیدهٔ بی راه انتظاره کشاده ایتمش ایدی حضرت یار غار
غاره دخولده تقدم ایدوب درکار اولدیکه موذیات دکرنده
درون غارده مرقدنده بر سوراخ پیدا ایتمشلر ایسه دوشلرندن اولان
جامه سنی پاره پاره ایدوب سد ایتمکله بو کونه چاره ایتدیلر پس رسول
مختار درون غارده قرار بیوروب اول خلیفه صداقت الیفه آستانه ایله

نومهٔ خفیفه بیوردیلر **نظم** دران غار سیاه و تار مظلم ۰ شدان نور رخی یکلحظه نائم
حضرت صدیق اطراف غاره نگران ایکن ۰ ناگهان درون غارده
بر سوراخ نمایان و پدید اولدیکه دمکش اولوب طورر فی الحال
قدم مبارکی ایله اول سوراخ تاریکی سد بیوردی ۰ مر مار بدرفتار
عروج و سوراخدن قصد خروج ایتدی ۰ حضرت یار غار مکرم
قدم سعادت توأم ایله اول رخنه‌یی سد ۰ و مار [illegible] جان
صد ۰ ایدیجک پای مبارکلرین بی محابا لدغ ایله اذیت و جفا ایتدی
گرچه حفظ خواب سرور کردگار ایدوب تحمل آذیت مار ایلدی ۰ اما اول
زخم جانگداز بر وجهله جفایه آغاز ایلدیکه ۰ مرغ صبر صدیق رخصت
یافتهٔ پرواز ۰ اولوب بی اختیار قطرات اشک چشمی مانند سیل روان
وادیٔ بی صبر و شکیبایی‌یه جریان ایلدی ۰ چونکه آفتاب سپهر نبوت
مغرب خوابدن طالع ۰ و بدر منیر آسا بریق و لامع اولدی شهباز نظر
همایونی گشاده بال اولوب ۰ آرایش جمال صدیق صحیح المقال اولنجه
گل رخسارینی باد الم ایله پژمرده ۰ و افسرده ورنی افسرده مشاهده
بیوردب ۰ سؤال سبب تغیر و انفعال ایله استکشاف حال بیوردیلر
صدیق وفادار ۰ و اول یار غار امر مار ما الذکری عرصهٔ تقریرده جلوه دار
ایلدی بیوردیلر ۰ ای یار صداقت شعار نیچون بنی خوابدن بیدار
و بو زخم دلدوزدن خبردار ایتمدک ۰ ایتدی ای ماه مطلع لولاک
و ای سرو گلشن افلاک ۰ مایل خواب استراحت اولوب ۰ دفع

کوفت راه مشقت ایمدن مرآت خاطر مطهر گرد کدر ایله مکدر اولمامغ
روا گورمک نیجه میسر در **بیت** محنتی کان برای دوست کشیم
راحت جان مبتلای منست **نثر** اول گلبن گلزار قدس ۰ و نخل برومند
باغ انس ۰ غنچهٔ گلستان نبوت ۰ و لعل درخشان رسالت اولان
دهان مبارکلری یاری ایله جراحت یاری مسح ایدوب فی الحال شفا
هویدا ا[illegible]ی ۰ گویا بر غنچه ایدیکه نسیم صبا ایله تازه و تر ۰ و یا
شبنم صبح ایله صفا گستر اولدی ۰ و مشاهده نظر تحقیق بیوردیلرکه
جسم صدیق عتیق لباس عاریتدن عاری بیوردیلرکه یا نیچون لباسدن
عریان اولدک ایتدی ای فخر جهان ۰ جامهٔ دلق و کهن ایله سد
ثقبهٔ غاره همت ایدوب پاره پاره ایلدم تا که موذیات
و گزنده دن ۰ اول ذات مستمنده ضرر اولمق میسر اولمایه ۰
حضرت فخر جهان ۰ و سید عالمیان ۰ بی اختیار دعایه لب جنبان
اولوب ۰ اللهم اجعل ابابکر معی فی درجتی یوم القیمة ۰ دیو
مظهر دعا بیوریجک جواب سکی الخاتمه ۰ قد استجاب الله لک
وحی اولنجق سر در صدیق و اصل اوج فلک اولدی ۰ چونکه اول ماه منیر
درون غارده جایگیر اولدی گویا قمر برجه دخول ۰ یا طلوعدن
اول ایله سده عرشه وصول بولدی ۰ حضرت خدای منان
ام غیلان دیمکله معروف درخته فرمان بیوردیکه گلوب
در غارده نابت ۰ و نجوم مشرکینی صدده ثابت اوله ۰

بیامد بر در غارش درختی / شده گویا در پولاد سختی

فی الحال امر خدای اذکار ایله دهان غارده بر درخت بالاسر ظاهر
اولوب • میوه حمایتی دربر ایلدی • اول حرم اختفاده زمزمه
مخلوقاتدن آیا قنغی مرد کار خدمته چسبان اولمغله پرده دار اوله
دیو دیده غار • ناظر راه انتظار ایکن • ناگاه بساط عظمتده قرعه دولت
نام عنکبوتده قرار ایلدی • اول چابک دست و تیز [illegible] • و درکار
و موی شکاف • مانند آتش و آب جانب غاره ذهابده شتاب ایدوب

لمثمه

بر آقصو کبی روان اولدی / باد کبی یا خود دوان اولدی

در غارده تار و پود خلوص ایله بر نسج مخصوص پیدا ایتدی که اول
نسج ذبابه مرصوص اول شکلده نمایان اولمق • طول زمان اقتضا
ایتدوکی عیان ایدی بر پرده زیبا • اختراع و ابدا ایتدی که
عروس مراده نقاب • و اول ذات مطهر ایله عدوی بدگهر بیننده
تمام حجاب اولدی

لمثمه

او دیده عالمست زان شد / در پرده عنکبوت جایش

حقا نه دام و قید ایدی که هر
اول مرغ لانه قدسی صید ایدوب • چنگال عدوی بدسگالدن حمایت
و نه چشم بند ایدی که جمال با کمالنی ورای پرده اختفاده صیانت ایلدی •
اگرچه در و دیوارنده • ان اوهن البیوت لبیت العنکبوت • رخنه سی
پدیدار اولمغله بر حصار نا استوار ایدی • اما انی حفیظ علیم
استیلاسی آشکار اولمغله بر سور رسید الاقطار • و بر سد حدید
الآثار اولمش ایدی

لمثمه

حصاری بود در غایت متانت / ندیده مثل اوکس در صناعت

نه پرده و حصار بر طلسم ایدی که حافظ گنج هدی • و عنکبوتی دیده
عدوده اژدرها ایدی

لمثمه

بر طلسم ایدی گنج صاقلر ایدی / مار ایدی عنکبوت بکلر ایدی

دفع گزند مشرکین • بر کیسه بر حصن حصین و تیر قصد عدوی کینه
زره داود کبی متین • و منع یاجوج فتنه اشراره بر سد سکندر
منزلت [illegible]کین • ایدی و ایکی کبوتر دخی امر خدای کارساز ایله •
مرخص پرواز • اولوب جانب غاره آغاز ایدوب آشیان ساز •
اولدیلر و تسوید وجوه کفار بدلقا ایچون • سر درختده اولان
لانه یه ایکی بیضه القا ایلدیلر

لمثمه

کید اعدادن ای گوکل نه ضرر / حفظ حق هر کیمه که یاور اولور
بیضه لر فندق آشیانه سی طوب / عنکبوت و کبوتر عسکر اولور

نثر

چونکه اول شب هنگامده
مشرکین • اطراف خانه رسول امینده • اجتماع ایلیه کمین ایتمشلر ایدی
نه طریق ایله اتمام کار ایده لم دیو بزم فساد ده • اداره اقداح افکار
و اساله شراب اسرار • ایدرکن بر شخص تیز رفتار • اولدمده
پدیدار اولوب • ای قوم منتشر • نه کاره مترقب و منتظرسز •
مطلوب اولان ذات عالی منقبت بو شب راه غربت اختیار ایدوب
مدینه منوره جانبنه عزیمت بیوروب • سربی سعادت فرق عداوی
بر کجسته نشتر زاب ایدوب • ذهاب بیورمشلردر • خانه عزت
انتسابلری شمشیردن تهی قراب • و شیردن خالی غابه دونمشدر

ابوجهل بی اذعان • کلام مجزدن پریشان اولوب • درون جانی پر
هجوم وزور ایدیجک • حضرت علی بر دخی ایله مستور گوردی
اول نور عیون وصدور • حضرتلرینی ظن ایدیجک • حضرت مرتضی
فراشدن دور اولدی • ابوجهل تکبر ایدی صدق ذلک المخبر •
چونکه اول تاریک دللره خانه ده آسوده اولان • حضرت مرتضی ایدوکی
روشن اولدی • فی الحال برنیجه قایف که اثر حالنه عا[illegible] ایدیلر •
اول محله احضار ایدوب • پی درپی • ساحه مساحه تجسسی طی ایچون
هر طرفه ارسال ایله وعده مال • ایدیلر وکندولر دخی بر قایف ایله
روان وبادیه طلبده پویان اولدیلر • قبیله بنی مدلج که
قیافه ده مشهور وموصوف • واثره کمال وقوف ایله معروف در •
اول طایفه دن • بر قایف عارف ایله اقطار طایفی طایف ایکن
اثر قدم حضرت نبی مهتدی اولوب • جبل ثوره منتهی اولدی •
اول بدکار • اقتفای اثر ایله تا در غارده قرار • ایدوب ایتدی
ای اشراف کبار • مطلوب بو محلدن جایز اولمامشدر • بهر حال بو غارده
مراده فایز اولورسز • درون غارده کلام تبه روزگار گوش
گذار حضرت صدیق حقیقت شعار • اولیجق بشره مبارکه سنده •
علایم حزن پدیدار • اولدی اول حضرت سلطان انبیا • ایدیلر
لا تحزن ان الله معنا • صدیق ایتدی اثر قدمه نظر قایف تعلق ایتدی
لاجرم بزه مضرت تطرق • ایدر حضرت عالم علم الاسما • بیوردیلر که

یا ابابکر ما ظنک باثنین الله ثالثهما • اضطراب ابوبکر صداقت مقرون
کلام همایون ایله سکوت وسکون • بولدی پس طلمه کفار • وجهله
بدکردار • کلام قایف ایله اطراف غاری طایف اولیجق حمامه لر
پروازه آغاز ایتدیلر • امیه ایتدی ای قایف سرافراز • بو غاره
جسدان دخول ایتسه حمامه لر طیران ونسج عنکبوته خلل طریان
ایدردی • خصوصا بو درخت بالا • دخوله وجه مانع ایدوکی
هویدادر • بیت • ظنوا الحمام وظنوا العنکبوت • علی خیر البریة لم تنسج
ولم تحم • نثر • قایف ایتدی اول فخر جهان غارده دکل ایسه • یا زمین یا آسمانده در
لمؤلفه • گرچه بوندن حمامه لر اوچدی • لیک اولدی بو صدف وجدی
الحاصل اول کوردلر قایفه اعتماد ایتمیوب بو غاره بو صورتده
کمسنه داخل اولمامشدر دیو عناد ایتدیلر • اول فرقه لئام • بو عناده
متفق الکلام • اولوب بر کافر زیاده تجسسه مباشر اولمیوب
خائب وخاسر اولوب • رجع القهقری • مضمونی هویدا ایدوب تهده
اولدغنه جازم • وکلدکلری جانبه عازم اولدیلر • لمؤلفه

الهی ایلدک اول غاری پر نور	جمال احمد ایله اولدی معمور
بو بیته وخاطریمی ایله روشن	مساه لطفک ایله ایله معمور
عدوی نفسه بزی غالب ایله	الهی ایتمه جسمی اکه مقهور • نثر

چونکه حفظ پروردکار • شامل احوال رسول مختار اولدی درون
غار تارده دیده کفار بدکرداردن محفوظ • وعنایه بی غایه ازلیه •

الهیه ایله محفوظ • اولدی اوچ کون درون غارده کمون ایدوب •

اول ماه مبتلای محاق غار سیاه اولدی **بیت** احاطه کرده آن مه را محاقی

نشد با دیدهٔ اعدا ملاقی • سر غرهٔ ربیع الاولده اول سلطان

چرخ محل مانند خورشید تابان • مغرب غاردن طلوع ایدوب نمایان

اولدی • شهر مزبورک اون ایکنجی کونیکه روز جمعه ایدی داخل مدینهٔ منوره

اولدی • علی ساکنها تحیات مکرره • اول بلدهٔ طیبه گیسوی معنبر ایله

معطره اولوب سر ابتهاجی قمهٔ قبهٔ کیوانه همسر • و خلعت مسادات مکه

مکرمه یی در بر ایلدی **بیت** یا رب مدینه است این حرم کز خاکش آید بوی جان

یا ساحت باغ ارم یا روضهٔ روض جنان **نثر** حقا اول بلدهٔ معتبره

بر مدینهٔ منوره در که گلستانلرینک گللری • بوی جان و جنان ایله آغشته

و بستانلرینک بلبللری • روضة من ریاض الجنة نغمه سنه بسته در **بیت**

از خاک جان افزاش خیزد بوی جان آدمی | همچون حریم کویش اندر جهان ثانی بی

گویا قصر بهشت در که عرصهٔ دنیایه حلول • یا بیت معمور در که بالادن

نزول ایتمشدر **ملمعه** آیا نه خاک پاک اولورلوکه هر زمان

اولور مشام جان دله مشک تر فشان | هر خسته یه ترابی شفادر بو روضه نک

بولور زیارت ایله دل مرده تازه جان | **نثر** بادی شفای دل و جانه بادی

هواسی جانب جنانه منادی | بادش نسیم مشک سا آبش زلال جانفزا

خاکش بود کحل جلا در دیدهٔ اهل عیان **نثر** زایران جانفزین حول العرش

آرزومند طوافی محرمان حرم • اولیای تخت قبابی • رونمای سکندر

مشتاق اعتکافیدر **بیت** ساحهٔ روضه اش که کعبه امانت

حرم عصمت و حریم صفاست **نثر** نسیم گلزارندن نفحهٔ و هو بالافق الاعلی

دماغ دل و جانی بویا • و شمیم گلستانندن بوی عند سدرة المنتهی عندها

جنة المأوی • مشام جانی مشک آسا ایدر **نظم** منزل جانان و

کان لطف و احسان او • آب او خوش خاک او دلکش هوایش جانفزا

لاله صحراسی [illegible] بهرهٔ گل داغ نه

ملمعه

الحق نه روضه در که انک قصرینه گوره

انوار شمع و مشعلی در ایلبین مدام

گرد غباردن آنی پاک ایتمکه اولور

سبزهٔ اطلالی و رجعد سنبل مسک سا

اولمش قصور جنت فردوس قصور

صبح افتاب ضیابخش فیض نور

جاروبکش ملایک و جاروب زلف حور

نثر شرف طیبهٔ طیبه یه جلایل دلایلدن در که • حبیب حضرت خلاق و غفار

ندیم خلوت داداد • حضرتلرینک صلی الله علیه و سلم • مدفن ذات

علیه لری اولوب • تربهٔ عالیه لری اول خاک پاکده در • بو تقدیر اوزره

مبدا خلقت لولاک لولاک لما خلقت الافلاک • اولماغله لوای مفاخرت

و اعلاء مباهاتی قمهٔ قبهٔ نیلی سمادن برتر ایلمه عجب دکل • و غبار جانبخشی که

کحل الجواهر حقیقتدر • اهل تحقیق دیدهٔ بصیرتلرینه چکلمه مستغرب دکلدر

بیت هر که آلدی خاک کوین ویردی اکه نقد جان | اول متاع بی بهای حیلی الدی رایگان

نثر زیرا بو معنی سمیر ضمیر اولی النهی در که • گشت زار جهاندن خلقت انسان الجون

بر قبضه خاک که آلنور گویا بر تخمدر که ینه اول زمینه صالنور • **بروایت**

اولنورکه برکون حضرت سلیمان علی نبینا و علیه السلام • خلوتده آرام

و گفت و شنید خلقدن کف لب ان و کلام • ایتمش ایدی ملائکهٔ کرامدن
حضرت عزرائیل • امر رب جلیل ایله اول نبی جمیل حضورینه نزول ایلدی
بر شخص ناتوان • سر زدهٔ خاکپای حضرت سلیمان • اولدی
ملک الموت شخص مزبوره نگران • اولوب نظرده امعان • ایتدی
و عروج آسمان • ایدوب گیتدی اول شخص هیبت نظردن لرزان • اولوب
ایتدی ای نبی ذی شان • بو شخص قوت الجنان • کیدر که حدت نظرله
خانهٔ قلبم زیر و زبر ایتدی • ایتدی ای مسکین و کمتر • قابض
ارواح [illegible]در • دردمنده بو خبر زیاده اثر ایدوب • ایتدی
ای حاکم محکمهٔ رب هب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی • و ای مظهر کلمهٔ
محکمهٔ و سخرنا لسلیمان الریح عاصفة تجری بامره الی الارض التی بارکنا
فیها • باد حضرته ان مرگ بی امان وجودی ریزان ایتمدن •
نسیم صبح احسان ایله • ورق تن ناتوانی جانب هندوستانه
روان ایله که • جسم و جانده تاب و توان • قالمیوب یقین
اولدی که نقد گرانمایهٔ جانی تسلیم ایله • ترک شش در فانی ایلیم نظم
بر نگاه ایله دل معمورمی قلدی خراب آز قالدی سکن جان ایله بن ترک تراب
نثر حضرت نبی کریم الخصال فی الحال • باد شمال اشتمال ایله
دیار هنده ایصال • ایلدی مرور زمان ایله عزرائیل زیارت کرده
سلیمان اولدی • اول حین ده حقارت پیکر ایله • اول شخصه امر نظردن
سؤال ایله کشف ما فی البال بیوردیلر • ایتدی ای آمر وحوش و طیور

شخص مزبور هندده اولمق گرکن • ایردم زیرا اول ساعت انجره هندده
قبض روحنه مأمور ایدم • حضورلامع النورلرنده مشاهد و منظور اولیجق
خلاف امر رب کار • بدیدار اولمق مستغرب گلمش ایدی حسب الامر
دیار هنده مرور ایلدم • وقت معهود عبور ایتمدین هندده موجود
بولنیجق خدمت مأموره یه مسارعت • و قبض روحنه مبادرت ایتدم •

لمؤلفه

اولمز ای دل خلاف امر خدا هر نه وار امر ایله اولور حقا
هیچ فرد امرینه خلاف ایدهمز عجز نهینده اعتراف ایدهمز

نکتهٔ لطیفه در مدینهٔ منوره و مکهٔ شریفه

بس زمین یثرب که خورشید نبوت معز بدر مصراع
مانند کعبه قبلهٔ ارباب حاجتست نثر و ساحهٔ سینهٔ اهل دله سفینه در
بیت همچون حرم حریم دل اهل حرمت است کعبهٔ معظمه نیجه مکرمه ایسه • مدینهٔ
منوره دخی محترمه در بیت کعبه از سنگست و هر سنگی که در بنیاد اوست
کعبه است اقبال را قبله گاه دیگر است نثر کعبهٔ مکرمه منبع مروه و صفادر
مدینهٔ معظمه معدن مروت و وفا در بیت خاک یثرب که با کلک ام صبحت
آب روی زمین روضه بریخت نثر انک سر سبز اولدوغی • رشحات
نم زمزمدن در • و رنگ سرخ رولکی خوناب چشمهای دمبدم دندر
مکهٔ مکرمه یه احرام فرض ایسه • مدینهٔ معظمه یه احترام لازمدر
اگر طواف حرمده نعرهٔ اللهم لبیک وار ایسه • تحیت قبر محترمده غلغل
الصلوة والسلام علیک پیوسته آسمان ایدوکی • نه محل گمان در

اول مشعر الحرام در • بو شهر كرام در • اول معموره آب و گل ابنيه
بو دار الملك جان و دل در • انك فضاى هواسنده كبوتران پران ابنيه
بونده مرغان اولى اجنحه طيرانده در • **نظم** شرف كعبه بود كوى ترا •
زاده الله تعالى شرفا • كار كوى تو از كعبه گذشت
سر كوى تو كجا كعبه كجا • **نظم للمنشئه** برى جسم اولدى بونلارك برى جان
كه زيارت طواف اولور هر آن • **نثر** هر برينك فضيلتى نير كالشمس فى اوقات
الهواجر • روشن و باهر در • پوشيده دگلدركه • بو ايكى مقام جنت آسا
و بلده عطرسا بيننده ائمه هدادن • عليهم رضوان الله تعالى •
بر نوا اختلاف مهرآرا • ضيا ده سويداى ارباب نهى اولمشدر •
بالاجماع ايكيسى دخى افضل بقاع ايدوكى قول مطاع در • قاضى عياض
صب عليه امطار سجال الفياض • مدينه منوره • در اغوش كن تربه
مطهره اولمغله تصريح ترجيح ايتمشدر **نظم** جزم الجميع بان خير الارض ما
قد حاط ذات المصطفى وحواها **نثر** اما امام اعظم و اجل • و امام شافعى
و احمد بن حنبل • مكه مكرمه افضليتنه ذاهب اولمشلردر • و ائمه ثلثه
اصحابى دخى بو قوله راغب اولمشلردر • بو حديث صحيح ايله استدلال
و تصحيح مدعى و مقال ايدرلركه • ابن زبير عبد الله • رضى عنه الاله •
و اوصله الى سناه فى اخراه • حضرت رسالت پناه • دن روايت ايله
رفع اشتباه ايتمشدركه • صلوة فى مسجدى هذا افضل من صلوة فيما سواه
• الا المسجد الحرام • و صلوة فى المسجد الحرام • افضل من مائة صلوة فى مسجدى

فضائل مكه مكرمه ده ارتياب رهياب خاطر ذوى الالباب اولمز • مقام
بيت معظم • و مطاف بنى آدم • طوافى سبب حط اوزار • و قبول محو كرده
جرائم كبار و صغار • و سر نهاده حضرت نبى مطهر • و جايگاه شفيع روز محشر
اولمغله تقدم اظهر در • ماواى خليل • و مثواى اسمعيل • مهبط وحى
و مظهر بدايه اسلام • و كلام علام • و مقر حجر و زمزم مطهر در • اما امام مالك
ترجيح مدينه منوره يه سالك • اولوب روايت ايدركه • حضرت مسند نشين
سرير رسالت مكه مكرمه دن خروج • و راه مدينه يه ولوج بيوردقلرنده
اللهم انك تعلم انهم اخرجونى من احب البلاد • الى فاسكنى احب البلاد •
اليك • بيورمشلردر دعالرى اجابته مقرون ايدوكى • نه جاى ظنون در
پس ذات همايونلرينه مدينه مسكن اوليجق • احب بلاد رب عباد اولور
افضليتده شك و رد اولمز ديمشدر • و الله اعلم بحقيقة الحال **المنشئه**

الفقير بريسى بيت حضرت مولى / سده سى مقبل عباد خدا
بريسى منزل نبى كريم / مرقدى خاك كنج ايدنمش جا
اول دريا كه بعزنه آلمش / برصدف اولمش اول شهر گويا
ايكيسنك ده قدرى ظاهردر / برى بيرندن اوليدر اعلا
بريسى ايله عفو اولور آثام / بريسى مرقد شفيع ورى
يا الهى بحرمة كعبه / كاه اولمشدر خليلك آنى بنا
يا الهى بحرمت روضه / كاه اولدى جاى شفيع روز جزا
عفو ايدوب جمله ذنبى اكنك / ايله بحيايه مغفرت اعطا

اکه لطف المحبوب کرم ایله • مرحظا پسینه حک سید عطار

بو امر معتبر وحی • آیینه ملاحظه ده جلوه کر درکه • مرقد مقدسک

زمرهٔ طایفانی مشکوة تنور و تبرکدن اقتباس انوار مکاشفه و عیان التماس و آثار

علم و عرفان • و انعکاس اشعهٔ فضل و اتقان • اکچون سرآن اشتغال

صرف تاب و توان ایدر • خبر معتبر • ان الملائکة لیضع اجنحتها لطالب العلم

کذارشنجه • قدسیان صوامع ملکوت • و روحانیان دیار حیرت که

مربی مرغ آشیان قدس • و طایر آسمان انس در • جناح لازم النجاح کرن

اول فرقهٔ علیه • و زمرهٔ جلیه‌نک • مطاف موجب الالطاف اریسه

فرش ایده کاری محل خلاف دکلدر **نظم** جانها قدم کرده ز سر بهر طواف سر و پا

فرش مطاف کرده پر مرغان قدسی آشیان **نثر** و کلام صدق قرین • شرف المکان

بالمکین • کذارشنجه مقر خاتم النبیین • اولماغله طیبهٔ طیبه طلال

و اراضی • اشرف منازل و بقاع • و ارجا و اطرافی احسن نواحی و اکناف در

بیت

امروز ماورای فلک رفعت مکان / مخصوص موضعیت که انجاست مدفن پیمبر

طوبی و خوشا اول مرد خدا که • روز و شب دیده جانی غبار خاک طیبهٔ طیبه ایله

منور • و تراب عنبر آشامندن برشمامه یه دست رس میسر اوله **نظم**

و مالی لا اسیر علی المآقی / الی شهر رسول الله فیه **نظم**

حبذا یثرب که باکیدم کنم انجا وطن / عمرها ترک اقامت در وطن کردن ازان

خوابگاه حضرتی امد که کر بودی بفرض / مرقد پاکش چو مهد عیسی اندر آسمان

فرض بودی بر همه بهر زیارت کردنش / صرف کردن عمرها در جستجوی نردبان

نثر خبر مأثور در که حضرت صلی الله علیه وسلم الی یوم النشور • من زار لی

وجبت له شفاعتی بیوریشلردر المنشة افضل بلدان در شهر مدینه لی که آن

منزل ایتمشلردر آنی چون حضرت خیر البشر • سقف چرخه خاک پاکیندن جفر کرد و غبار

اندن ایلرکه بوزی دایما شمس و قمر • **نثر** اللهم یسر لنا مجاورة بیتک الکریم

و زیارة قبر نبیک المفخم • علیه الصلوة والسلام • ما دارت اللیالی والایام

و علی صحبه ال[illegible]رام • و آله الفخام **معجزهٔ استن حنانه در افراق آن ذات یگانه**

خطیبان خوش صدای انجمن روایت • و عندلیبان نغمه سرای کلشن

درایت • که پایهٔ سخنی ذکر خطبهٔ معجزات ایله بر تر و سرافراز

ایلمشلردر • بسط بساط معجزهٔ حنانه ده بو کونه طرح انداز اولمشلردر که

نظم خواجهٔ کونین و ختم مرسلین • فخر عالم رحمة للعالمین •

که کرسی نه پایهٔ فلک برین • منبر قدر و منزلتنه پایهٔ نخستین در • جواهر

و زواهر احکام‌لری • رشتهٔ تقریره انتظام بولوب • زمرهٔ اقدسیان

اهل اسلام انعام الفاظ جانبخش ایله اکرام بیوریلدقجه • مسجد صفا

معمورلرنده چوب خرمادن بر ستون واریدی که • پیکر وکبی موزون

قامتی غایت اعتدالده • و حسن نمایشی حد کمالده • ایدی اول شفیع

عباد • اول ستونه استناد • کویا راستلکندن اعتماد بیوروب

خطبهٔ بلیغه ایله اصحاب و احبابی ارشاد • بیوررلر ایدی **بیت** المنشیه

ستونی بود در غایت لطافت • قدش سرو و چمن در استقامت

شول وقت که سرایت • سر آیهٔ عم فرسا • و رایت الناس یدخلون فی دین الله الا

آفواجا

طاهر • دو وقت جماعت مسلمین بامراد اولدی • اصحاب کرام
عرضه داشت سرور انام ایدیلرکه بیت ای شفاعت علم افراخته
کار ضعیفان کرمت ساخته • نثر حالا سریر نبوت • قوایم رفعت ایله
ملاء اعلایه واصل • و پایهٔ دعوت علایم دوام ایله فلک بالایه
نایل اولوب • مضمون ورفعنا لک ذکرک حاصل اولمشدر • پس
ازدیاد شوکت برهمزن خاطرهٔ اصحاب اولورکه ایام جمعه ده خطبه
بر رفیع رتبه دن اوله • لمنشئه قدرک عالیدر اما سلطان دین
منبر اوزره جلوه آرا ایله همین • چو قدر مشتاق حسن باکمال
لطف ایدوب عشاقه ایت عرض جمال • نثر اکر شرف قبوله قرین اولوب
موافق رای رزین اولورسه • بر مقام بالا • اتخاذ و پیدا
ایده لم که • وقت خطبه ده اکا ارتقا بیوروب • اول خورشید
نبوتک اشراق • جمله امت مشتاقی ر نور • و ادای موجب السرور
واصل نزدیک و دور • اولوب آیهٔ کریمهٔ ورفعناه مکاناً علیاً
جلوه کر منصهٔ ظهور اوله • بو رای سدید صوابدید رسول مختار
اولوب • صدور امر خطیر • بو جمله صورت پذیر • اولدیکه
بو معنایه مناسب و محلنه ایسه • الکه عمل ایلیه لر • اصحاب کرام
ثریا انتظام • طرح محاوره • و عقد مشاوره ایدوب
آخر کار • قرعهٔ دولت نام منبره یار دیاور • و تاج دولت انک
فرق فخر درخور اولوب سعادت اکه میسر اولدی لمنشئه فضل حقدر سعادت و عزت

فایده ایلمز اکا همت • هرکیمه کم خدا عنایت ایدر • سوق عزت
ایله هدایت ایدر • نثر پس نجار قطعهٔ چوب مرغوبدن اسلوب خوب
ایله • بر منبر کزین تزیین ایدوب • محللی جانب یمین محرابده
تعیینیله بر مقام برترین ایلدیلر • چونکه امر منبر • منصهٔ ظهورده
جلوه کر • اولدی حضرت رسالت سه منبرده اداء خطبه یه عزیمت
بیوردیلر روز جمعه که ایردی • اصحاب و احباب درون جامعه کیردی
حضرت فخر جهان • سرو خرامان کبی جلوه کنان • ستون معهوددن
کذار بیوردیلر • و پایهٔ منبر عرش پایه یی فرقدم مبارکلری ایله
طوبا پایه بیمبر • و فرق فرقدانه برابر ایدوب • اول سلطان
سرافراز کشور کلاه ترک و تاز • و خط خطبه یه آغاز ایدیجک
اول ستون سرافراز که • خدمت علیه لرنده نیچه زمان دایم • و وعظی
مبارکلری اولمقده قایم • اولمغین چون ترک باغ و بوستان
و قطع تماشای کلستان ایتمش ایدی • اول خورشید عالمکیر سپهر
التفاتده التماع ایتمیجک • اول سعادتدن مشاهدهٔ انقطاع • و صدای
غم زدالرین سه منبرده استماع ایتمکله طاقتی طاق • و نطاق
تحملی صبر بند مشتاق • اولمیوب نظم ستون کشت لرزان چو برک درخت
بس اکه بنالید یکبار سخت • نثر آنین عشاق کبی حنین درد فراق
اولوب • حنین جانکدازه صدای بلند ایله آغاز ایلدی لمنشئه
نیجه صبر ایلیه بوکا عاشق • اولمشیکن وصالنه لایق •

اوله محرم دم بزم مطلوبی • غیرلرله کورینه محبوبی
اوله بو مبتلای درد فراق • ایرولق ایله اوله طاقتی طاق نثر
صدای حنین وفغان • کوشکذار اهل ایمان • اولیجق جمله یکزبان
وترحم کنان نالان وکریان اولدیلر لمنشه فلذی اظهار لطف وجود وکمال
کلدی اول سپهر خجسته خصال نثر کمال اریحیت وشفقت ونهایت
لطف ومرحمتدن • اول آفتاب سپهر مکرمت • اوج سریردن اول
وصحن مسجده نزول • بیورب قلرنده پیشکاه عبودیتده دایما ایستاده
وعرصه محبتده سرزمان رونهاده اولان ستون والانک زخم
دهن کشاسنی مرهم دست نوازش ایله شفایه مقترن • یعنی سینه
بی کینه یه ضم ایله اساس شفقتی محکم بیوردیلر • چونکه اول نو زعیون
وصدور حضرتندن بو مقوله تطییب صدوره مقرون اولدی حنین وانین
سکون بولدی نظم زچنک ناله وافغان که میدادی امان جان را
بدست لطف اکر ننواختی جان اسیران را نثر بر روایتده حضور عزتلرینه
دعوت بیورب کندولره ضم ایدوب نهال لطف نابت ولیجق ساکت اولدی
نظم زهی سلطان عالم کم شجردن • فراقنده صدالر اولدی ظاهر نثر
اول دم صفا توام دن اول ستون والا بین الاصحاب حنانه اسمیله
مسمی اولدی • اکر حضرت عیسی عم دریسائه امواتی • نشاء صهبای حیاتله
رفع وکویا ایتدی ایسه • سلطان انبیا رچوب خشکی ساغر التفاتی ایله اول
بزم خاص ده پرصدا ایتدی • اکر حضرت موسی ع وی عصادن معجزه ابدا

ایتدی ایسه • بو سرور هدی ستون بالادن حنین پیدا ایلدی
بیت
حنانه آمد در حنین از فرقت آن نازنین • اندم که شد منبر نشین بر ساعدان کوثر فشان

معجزهٔ شق قمر باشارهٔ آن ذات مطهر

مقتبسان لوامع انوار معجزات • وملتمسان مطالع ظهور کرامات • دن
ثقات روات معجزه شق قمری بو وجهله اثبات • اینمشلردرکه • شول
وقت که آفتاب رسالت وماه نبوت بیت انکه از ایمان انگشتش دوکیسو بند زد
از چه از رنک آینه در سقف چرخ چنبری نثر صلی الله علیه وسلم مطلع نبوتدن
طالع • وافق سعادتدن لامع اولدی • کروه مشرکین پرکین
جبینلرن پرچین ایدوب ایچلرندن بر طایفه باغیه که شب کن ظلمت آباد
غوایت • وقاطن بوادی ضلالت ایدیلر • بر شب اول شمع بزم
مکارم والطاف • وچراغ دودمان عبدمناف حضرتلرینک
حضور لامع النورلرینه روی نهاده اولوب ایتدیلر اکر بو راده
سکا اعتمادمز زیاده اولمق اراده بیوریلور ایسه • رایت افراز هدایت
وتنفس رواج نبوت اولدوغکی صحیفهٔ عالمده نکاشته ایدوب
سهم تیز اثر ایله سپهر ماهی حصار چرخ دوآره اوزره شکافته ایلیه که
خدنک مرادمز هدف قبوله واصل اولوب • ایمان کتورمکه
اطمینان حاصل اوله • وبو تکلیف وابرام • شول هنکام ایدی که
خسرو دار الملک شام • پرچم مشکفام ظلام مینوز • وخطهٔ اقلیم شب
بدر عالیقدره مسخر ایدی لمنشه انکه اون دردی ایدی ای دل امانکم

روزه دونش ایدی کوها کیم اوشام نثر چرخ شعبده باز • ولعبت ساز
وفلک بازکون چشم خدمتی کشاده • وثواقب وکواکب
دریچه بروجدن سربیرون ایدوب سیره آماده اولمشلر ایدی
حضرت رسالت پناه وسلطان وقت لی مع الله مصرع
که صیت دولت حاشش سید ازماه تا ماهی • صلی الله علیه وسلم
وعلی صحبه وآله الکرام • الزام خصم نافرجام • وافحام [illegible] قریش
لئام ایچون سبحه معجله ایله سطح دایره ماهی • هدف سهم اشارت
الهی بیوروب • فی الحال قرص قمر طبق سپهر مدورده • براشارت ایله
ایکی نیمه اولوب • برنیمه سی جبل ابی قبقعان • وبرنیمه سی جبل ابی قبیس
نمایان اولدی • وباجود مستقری مکان سابق • ونصفی جبل
آخرا وزره شارق اولوب مضمون آیه کریمه • اقتربت الساعة وانشق القمر
منصه ظهورده جلوه کر اولدی • چونکه اول شاه رسالت • دیوان
نبوتده بسط خوان دعوت ایلمشیدی • طبق چرخ جهانده قرص ماهی
ایکی پاره نان ایلدی • یا هدف ماهه تیر بنان انداخته ایلیوب
ایکی کمان پرداخت ایدی که تیرماریت • وکمان قاب قوسین دن
برنشان نکاشته روی آسمان اوله • باجود دعوی رسالته ایکی شاهد
ایله برهان اقامت ایدوب اثبات دعوای نبوت ایلدی بیت
فلک نسبت بمهانی دو قرص آورده ماه وخور • نمودی سبر چشمی دیکی را
زنو دو بشکستی لمنشئه ایکی شاهد کرک چون مدعی

ایکی شق اولدی دیدی آنکچون آیه نثر کرچه قمر شکافنه بنان بیرادکی
اما اول تیره دللر درونه کارکر اولمادی • الآیة وان یروا آیة یعرضوا ویقولوا
سحر مستمر • فحوای بلاغت احتواسی دزره مرآت دلده زنک
ظلمت مستمر اولمغین • صیقل هدایت ایله مستنیر اولمادیلر بلکه
هذا سحر ابن کبشه دیو هذیان • خصوصا ابوجهل سبب اذعان قطعا
یقین جانب ایمان اولمادی • اول هادی راه سداد • اول
کروه فطرتنه باشاهیم نذا بیوروب اشهدوا ایدی • لکن ضلال
وعناد ده • هر بری صخره پولاد • اولوب جهل وغفلتلری اشتداده
اولدی الآیة ومن یضلل الله فما له من هاد لمنشئه نه عجب که سرشت اولور کفار
ایده لر بویله حالتی انکار • شق ایده ماهی اشارتله • بویله معجز ایده هدایتله
راه حقه اوقومی دعوت ایده • انلر عنف ایلدکجه شفقت ایده
ایتمیه بریسی سینه اقرار • سحره حمل ایده لر بونی هربار نثر
اول بدکویان • بو معجزه باهره لاشان دن یقین واطمینان
حاصل ایتمیوب فساد وانکاری اعلان ایدوب • کرچه سحر ایله
بومکان ده جرم قمر انشقاق ایله نمایان اولدی • اما اقطار
عالمده بوز خنه بدیدار • اولمادوغ کار سحر ایدوکین اشعار ایدر
دیدیلر • برنیچه کوندن صکره اطراف بلاددن نزیل اولان
ابناء سبیل سؤال وقعه قمر اولنجق • هر طرفدن بالاتفاق
مشاهده انشقاقدن خبر ویردیلر • اول شب جرم قمر عیانا منشق اولدی دیو

مشهود نظر اولدی دیدیلر • اما نه فائده ماه نبوت ضیا گستر اولدیغنجه
عالم ضلالت تیره تر اولوب • عتو و طغیانلری ابتر اولمادی • لمنشئه
کیمه کم اولمیه عنایت حق • سوق ایدر اکری نوله مطلق •
قابل پرتو اولماسه کاغذ • کار نقش ایده اودیبه زاید •
لمعان ایلسه نه فائده نور • اولور اعمی همیشه آندن دور •

معجزهٔ وقوف سحاب در فرق آن سپهر احتجاب

سایه نشینان ظلمت آباد جهانه روشن و تابان درکه • اول صدرنشین
مسند نبوت • و حاکم محکمهٔ رسالت نظم سلطانی و عرش تکیه گاهش
خورشیدی و ابر سایبانش نثر حضرتلرینک ذات مقدس و مصدقی
بی شبهه سایهٔ حق و نور مطلق در لمنشئه قامتی اول سرو در کم بو قدر
اکنک سایه سی رخلری اول ماه در ایرمز اکا نقص و زوال نثر
اما نیه بی سایه ایدوکی محقق در بیت جسمش نداشت سایهٔ الحق چنین سزد
زیرا که هست جوهر پاکش ز نور حق لمنشئه عجمی سایه سی اولماسه اکنک
که نوریدر او خلاق جهانک • بو عکس سایه سی اولورمش امت
نیه اول سایهٔ شفقتده رحمت • زهی سلطان عالم سرور دین
امین وحی و شاه رحمت آیین نثر اما عجبتر در که • اول ذات مطهر
قصد سیر و سفر ایتسه • ابر سپید سرعت مقرر لرنده • دائما
سایه گستر اولوب • ملازمت خدمت خورشید آثارلرنده • اولمق
امر مقرر ایدی نظم چتر فرق انده فرقت سحاب

سایه نشین چتر آفتاب نثر هر جانبه عزیمت و گذر بیورسه‌لر
فضای سپهر مدورده آسایش چتری چکر • و ذات نبوت مظاهرلری
حرّ هاجره آفتابدن صیانت ایدر ایدی • گویا تیر زراندود
شعشعهٔ خورشیده سپر ایدی بر وجهله خدمت علیه لرینه ملازمت
مسارعت ایدردی که • عین الیقین مشهود گروه امت اولوردی • گویا
چتر شاه [illegible]بت ایدی • یاخود شب معراجده پای انداز اولمش رباط
سرافراز ایدی • یاخود دعوت نبوته زرخوان پر نعمت ایدی • یاخود
پر پیک رب جلیل • حضرت جبرائیل ایدی • حضرت ابن عباسدن
روایت اولنور که • رأیت غمامة تظل علیه من الحر • فاذا وقف وقفت
واذا سار سارت بیورمشلردر • رضی الله عنه نظم
سایه نبود هیچ خوردین طرفه تر کاندر سفر • از تاب خور بالای سر
بود از سحابش سایبان معجزهٔ تعیین شهادت بعض اصحاب در تسلیم لوای نصرت
عرصهٔ روایت معجزانه سوق جهاد • ایدن اصحاب بیداددن
حضرت انس که نور روایتی شمع بزم رسالتدن مقتبس • در مسامع
امتده خورشید نورپاش نقلی نوکونه لامع اولمشدر که غزوهٔ موتهده
بیچه ائمهٔ دین شهادت ایله موته قرین اولمق • چونکه بخت صحیفهٔ دیوان قرابتی
پیوستهٔ ظهور اولمق بو صورتده جلوه گر اولمشدر که • هر نه نام کافر
بد فرجام اودزینه تجرید عسکر نصرت انجام ایله • اعلای اعلام دین اسلام
فرموده کارفرمای امام اولماغله • بیت سپهر دین را رخشنده ماهی

گروه انبیا آرا پادشاهی • نثر • ناصرت قاصر حصر بری • مفاخر مهاجر
واکابر انصار ذوی الابصاردن • اوچ یوز مرد ناماندار • ایله زید بن حارثه یی
امیر عساکر • نصرت مآثر • و فرستاده معسکر کافر خاسر • ایدوب
بوگونه امر اصدار بیوردیلرکه • مذاق جان سپهدار خیل حرار شهد شهادت ایله
خوشگوار • اولدقده لوای والای عسکر ظفر انتما مفوض دست جعفر
شجاعت پیرا اوله • اول دخی بزم شهادتدن نوشش [illegible] ایدیکده
قبض کرده عبد الله بن رواحه اوله • بوگونه توزیع و تعیین ایله اوچ
سرور آفتاب • التماع قبل الوقوع ناعی اولدیلر • و مبارک گوزلریندن
قطرات دموع سیلان ایمکله • فقدان احبابده جریان قطرات
اشک چشم که • عینان تجریان • مظهری در • جوازین اعلان بیوردیلر
چونکه مردان مقاتل • صفوف عدوی باطل حذاسنه مقابل اولدیلر
ایکی حزب میانده باد حرب وزیده اولوب نبرد سخت بدید اولدی
نظم • هوا تیره گون شد ز گرد نبرد • دو لشکر بهم بر زدند از کمین •
تو گفتی زدند آسمان بر زمین • ز باریدن تیر همچون تگرگ •
بهر گوشه برخاست طوفان مرگ • نثر • ناگاه آمد شد رماح و سهام
و درخشیدن لمعان حسام • ده رافع لوای عسکر نصرت انجام
زید بن حارثه یه قضیه شهادت حادث اولوب • بر زید پلید
الندن شهید اولدی • دریغا چرخ ستیزه کار • نه مکار و غدار
درکه • همای گلشن جنت • گرفتار پنجه زاغ بدصورت • اولدی

زید بن حارثه

جعفر طیار

بهر حال بر یزید پلید • بر همزن عداوت آل و ملعنه بدید اولور
لمنشئه • دشمن اهل دل در دوران • قصد بد در ایوبه کاری همان
پس جعفر هنرور • عرصه جلالتده جلوه گر • اولوب لواء ظفر پیکر
عسکری بر گرفته دست هنر ایتدی • لمنشئه • گرفته بدستش لوای پیمبر
مرغ شهادت شده آن لوا پر • بر آن پر روان شد بباغ بهشت
بهشتی که خاکش عنبر سرشت • نثر • حقا که مردانه نبردده آغاز ایدوب
خدنگ تیر جان گداز ایله • مرغ ارواح مخالفانی قفس ابداندن پرواز
ایتدردی • هر آتش تیز حمله جهان سوزکه زور بازودن بروز ایتدی
خرمن حیاتی یاقوب • گروه دشمنی تیره روز ایتدی • مبداء
تباشیر صباحدن • دیاجیر رواح ظاهر اولنجه • حفظ لوایه مباشر ایدی
آخر مست بزم شهادت اولوب • مرغ روحی رخصت یافته پرواز جنت اولدی
نظم • هر که وصلت طلبد ترک سرش باید کرد • ورنه انصاف که کار دگرش
باید کرد • نثر • چونکه نوبت شهادت و فرصت احراز سعادت • نامزد عبد الله
ابن رواحه اولدی • صباح و رواحه باقیوب • شمشیر زن گردن دشمن
اولوب • حفظ لواده اظهار ید بیضا ایتدی • آخر اول دخی
جرعه نوش بزم شهادت اولمق • مقتضای رضای رب عزت اولمغین
حصار زندگانیدن خروج • و درجات دروازه عدنه عروج
ایلدی • شعر • سبیل الموت غایة کل حی • وداعیه لاهل الارض داعی
چونکه خورشید اشارت رسول مختار • سپهر ظهورده شعله دار اولوب

خالد بن الولید رضی الله عنه

لمنشئه اولدی بو اوج وجود عالمگیر • بو غزا اچره جهانگیر حقیر
معجزه نوری اولدی پس ظاهر • کیمدر انکارینه اولان قادر نثر
پس لوای عسکر ظفر انتما • ایجاب و اقتضا • ایتدیکه بر یل نامدار • و مرد
اسفندیار کار • و تیغ زن و رویین تن • دشمن کش و صف شکن •
ید با اقتدارنه تسلیم ایله لوازم غلبه و استیلایی تقدیم • ایلیه لر
لاجرم • قامت اعدایی خم و گردن و رویینی آغشته خاک و خون • و لوای
نکبت مقرون • لرین سرنگون ایلیکه بر حسام • ذوالفقار انتقام لازم
اید و کنه • هرکس جازم اولماغله لوای عسکر با تأیید • سیف الله مسلول
خالد بن ولید حضرتلرینک • ید تصرفنه تفویض اولنماق صواب دید
رای سدید اولدی • حضرت خالد برسر مجاهد • ایدی
هر نه پرده که شقه رایت ظفر پیکری تابان اولسه • مباسم ثغری
نوید انا فتحنا لک فتحا مبینا ایله خندان • و هر نه طرفه که باد حمله سی
وزان اولسه • مشام انام • نسیم فیروزی دن غالیه فام • اولوردی
اول گیجه حضرت خالد مجاهد • اساس افکاری مؤکد • اولدی چونکه
مقدمه جیش صبح عرض دیدار • و هزیمت عسکر شب تار بدیدار
اولدی نظم تیغ کشیده اختر گیتی فروز • لشکر شب کرد هزیمت زروز
آخر تغییر اطوار عسکر ایله اسلوب آخر ظاهر ایدوب • تقلیب صفوف
ایله نماینده صفوف وقوف اولدی • کار امداد ایچون ورود اجناد
احتمالن اظهار ایدوب • قلب دشمنه التباس ایله القاء بیم و هراس ایلدی

نه کثرت اعدادن احتراز و حذر • نه قلت انصاردن درونه بیم و باک
گذر • و نه سهام قضادن گریز • و نه ستیز اعدادن خوفناک
اولوب کف شمشیر تیز ایتدی مثنوی چون اجل گشت در ازل محتوم
دفتر عمر شد بدو مختوم • نه مضرت اقتحام خطر
نه منفعت بددلی و حذر نثر مضمونینی هویدا • و پیشگاه مورنه
راهنما ایدوب • مانند برق خاطف عنان نگاوری جانب اعدایه منصرف
قلوب صدمات مردانه • و ضربات شیرانه ایله خرق صفوف سیوف
ایدوب • عرصه زمین پهناتی چشم دشمنه تنگ • و باریک و غبار
معرکه ایله آیینه سپهری پرزنگ • و تاریک ایلدی شعر لمنشئه
ندیده کس چنین رزم پیلتن • نه بهمن گرده این نه زال و رستم
غریو و نعره اش چون رعد خاطف • گدازد حمله اش چون باد عاصف
مبدا تباشیر صباح • مفتح کار حرب دیاجیر رواح • مختتم کار ضرب
اولوب بازار حرارت و عداوت • اولدقلری گرم اولدیکی صفحه
تیغدن گوهر شمشیر و تیغ سپند آسا آتشلر هویدا • و زبان خنجر
لسان افعی کبی نیامندن پیدا اولدی لمنشئه هر که گوردی رزم ده شمشیرزن
صاندی لکم نهره ایردی کف بحر • دشمنان بدنهاد شوکت و فروزینه
اعتماد ایله حمله یه آهنگ • حضرت خالد نیروی بازوی همت رسول
ایله نبرد و جنگ • ایدردی تیرباران کماندن • سیلاب خون روان
و سحاب معرکه دن • برق تیغ نمایان اولوب • ماهی خنجر میان آب

وخون ده طپیده • وتیر ران آشیان کماندن رمیده • اولمغله
مرغ خدنگ لانهٔ زره ده قرار • وگوپال گوپا معدن جواهر ایدی که
قطرات خوندن لعل و یاقوت پدیدار ایلردی • نظم
ز نیزه نیستان شده روی خاک • زگوپالها کوه گشته مغاک نثر
لاجرم راهنمونی تدبیر صواب ایله سلوک جادهٔ اقدام منتج مرام اولدی
بیت
ز صد دلیر یکی باشد آنکه توفیقش • حسام ناصر و بازوی کامکار دهد نثر
شمشیر شجاعت نیروی • رای مستقیم ایله • قامت قرار دشمنی دو نیم
ایلدی • تغیر اطوار عسکردن دشمن جان پرور • ورود جنود امداد
احتمالن پیش آمد نظر • وتلاوت أین المفر ایله • راه فراره گذر ایلدی
بر صدمه ایله اول شیرزن • دهر زبر هنر • شمل دشمنانی تفریق •
وجمع ستمگرانی تمزیق ایدوب • پروین اجتماع کفار دوزخ مکان
بنات النعش کبی پریشان • اولوب نایرهٔ زندگانی دشمن آب شمشیر
جهانگشا ایله منطفی • ووجود خباثت آلودلری • شهرستان بدن جاندن
منتفی اولدی لمنته • دیدیلر ساکنان ارض و فلک • لله الحمد که النصرة لک
مضمون سرایت هدایت نمون صداقت مقرون کم • من فئة قلیلة
غلبت فئة کثیرة • وادی کموندن سر برون ایدوب نظم
دل از جای شد لشکر روم را • چو از کورهٔ آتشین موم را
اقبال ادبار ایله عسکر کفار • روی عرصهٔ هیجادن فرار ایدجک
سیهزم الجمع ویولون الدبر • مضمونی پدیدار اولوب • زمرهٔ علمای دین

صدای تحسین عالمی پرطنین • وجو سحاب رعد کبی پرانین اولدی لمنته
اولدی روزی او سیف حق ظفر • کم اوله تیغه قرشو سینه گرز
چقسه شمشیر حق نیامندن • قاچه مرغ عدو کنامندن نثر
نیجه منصور و مظفر اولماسونکه امداد پروردگار در کار • ودعای سیف
رسول مختار • ضرب رقاب اعدای تبه روزگار • ایدوب •
حصن حصین همت وحمایت • علاوهٔ رجای فتح ونصرت ایدی
بیت
خدایت بدین کارها یاری دهد • ز چشم بدان رستگاری دهد نثر
اگرچه اول اوج سروری یعنی عبد الله • وزید وجعفر رافع لوای
درفش پیکر ایکن • جان عدنی مقر ایدوب • ترک مفارقت
عسکر • ومفارقت جان وسر ایتمکله • قلوب اهل اسلامه کدر اثر
ایتمش ایدی • هرچند که مهرهٔ حرب مهرهٔ اهتمامی بند ایدیلر •
گشاد اولوب • سودمند اولمامش ایدی • لکن زبان حال تصریح
وکنایت ایله معانی بیته اشارت • وحصول نصرت وفتحه بشارت
ایدردی نظم روزی سه چار گر بضرورت مشوش است
احوال روزگار نه بر وفق اختیار • چندان بود ولیک ضمیر مبارکت
حاصل کند فراغت کلی گیرود • گردد ز دشمنان شکم خاک ممتلی
گیرد زمین ز خون عدو رنگ لاله زار • ایمن شود زمانه ز بدبخت شوربخت
خالی شود ز بد اندیش روزگار • هرچه وهلهٔ اولی ده عدویه مهلت
نمایندهٔ صورت مسرت اولدی • اما عقب امهال ده چهرهٔ استیصال

اهمال ایتمیه جنکی مبین حال ایدر شعر اعادیه ان لوازم الدهر مهلة
فغر ذلک الاهمال نوع من الکسر • فکم نعمة تاتی علی حین غفلة
فکم نقمة تاتی علی مهلة الدهر نثر محصل اول سیف خدا کرده
کفار بدلقایی • ورطات دوزخه القا ایله اعمار عسکر اشراری یعنی
نقد حیاتدن هبا ایدوب طعمهٔ شمشیر اولان • کروه کریه الملقا
لایعد ولا یحصی دنه سزا • وحضرت خالد بو بیت ایله مخاطب اولمق
روا اولمش ایدی شعر بهنئت من الاعمار ما لو حویته • لهنئت الدنیا بانک خالد
چهرهٔ فتح وظفر بو وجهیله جلوه کر اولدیکه • تقدم ایدن حالت
کان لم یکن شیئا مذکورا • انداخته وراء نسیان اولوب کویا که نکاشته
صحایف اذهان اولمامش ایدی المنشئ درضمن انکساری مدرج صفا وشادی
باد جفا شود چون بر مهر لطف بادی نثر کرچه اول غزاء غراده سعادت
وصفا • روی عسکر اسلامده نمایان • ونصرت وفتوح سواد
ساعد اهل اسلام وایمان اولدی • اما حضرت خالد بن ولید
سراپا زخم خورده شمشیر اعدا اولوب • بر مرتبه مجروح وخون آلود
اولدی که ذات بهبودی • کویا بر ذره دادودی ایدی • یا خود
نکران احوال دشمنان اولماغه سراپا دیدهٔ خونفشان اولدی •
ثقات دن روایته معزون اولمشدر که • بر کوزه آبی فرق سرندن
سرنکون ایتسه لر سینه سنه نازل اولمق قابل دکل ایدی • حقا که
منکر روی حربده دیدهٔ اعدا ارقه سن کورمش بیت

نه دیدست در جنک کس پشت او • نه از صدمهٔ کرز بکمشت او
وحمله شیرانه سندن آهوی عمر دشمن قورقمامش ایدی رضی الله تعالی عنه
وعن سایر الاصحاب • ما عاش الخلایق وطاب

معجزهٔ تخلیص اثمان جمال از ابوجهل قبیح الافعال

بیک سبکبار خانهٔ روایت • بو کونه نقطه زن عرصهٔ حکایت
اولمشدر که • اعلام کفار لئامدن • ابوجهل بن هشام • اول
سیه انام • حضرت پیغمبره • عدوی خونخوار اولوب • اول
سک حق ناشناس • آتش عداوتی کانون دار الندوه دن اقتباس
ایدوب • بر وجهله زبانه زن • ودریای خصومتی بر طریق ایله موج
افکن • اولمش ایدی که • اکر خوف حمایت اعمام کرام استیفای
صبر وآرام • اتمسه اول کافر مفتون • هر مرتبه یه جسور اولمق جایز
خفادن دور ایدی • بر کون بر مرد غریب شهره داخل اولوب
ابوجهله قریب بر منزله نازل اولدی • بر ایکی ناقهٔ صبار قطار
کتورمش ایدی • عرضهٔ عرصهٔ بازار ایلدی • ابوجهل بدکار
ناقه لره خریدار اولوب • آلدی بهاسنی اداده اول دردمنده
جفا اراده ایدوب • مطل وتسویف ایله تحقیر وتخفیف ایدر ایدی
صعوهٔ جان ازرفته • سرپنجهٔ عقاب جفاده اسیر اولدی
آخر فریاد کنان مجمع صنادید قریشه دوان اولوب • ایدی
ای عاکفان زاویهٔ سعادت • وواقفان بادیهٔ غربت •

همیشه رقم‌زدهٔ صحیفهٔ عالم • قبالهٔ اقبالکه ثبت خط دوام ایدوب •
اساس قدرکزی محکم ایلیه • ان من المعروف استماع کلام الملهوف
مقتضاسنجه رجا ایدرم که • فریاد و فغانمه دریچهٔ اصغا ای کشاده •
و بو اراده اتفاق آرا ایله • بنم زخمه وضع مرهم اراده ایلیه‌سز •
ایدیلر ای مرد سرافراز • طایفهٔ قریش غریب نوازلردر • عرض نیاز
ایلیه که • دهان امدادمزی • باز ایتمشلردر • مرد غریب ایدی •
ابوجهل بدکار • بکا جور بی شمار ایدوب • بر ایکی ناقه‌مزی اشترا
و ادا اثمنی تعلیق فردا ایتمش ایدی • بنجه ایام مرور • و بنجه هفته
عبور ایتدی • تعلل و تسویف • کاه تهدید و تخویف ایدر •
هنوز صورت ادا مرآت خیالنده جلوه‌نما اولمامشدر • لمنشئه
وبرمدی حقمی جفا ایتدی • بر نیچه وجهله اذی ایتدی • نثر
شمدی شدت انتظار رجامدن بیزار • ایدوب • مرکز صبر و تحمله
مجال قالمدی • جانب وطنه شد رحال ایتمک استرم • استخلاص
ثمنده مریکزدن استمداد • و بو بیدادن داد • ایلرم امیدم درکه
چاه رجادن یوسف امل • هویدا اولمغچون کمند انداز همت اولمغه
عنایت ایلیه‌سز مصراع که بچاه غم انداخته شد یوسف دل •
اول شرذمهٔ باغیه • و طایفهٔ طاغیه که کانون درونلری
اول حضرته آتش قصد اذیت ایله مشحون اولوب • کمال اشتغالده
و دائما بو کار نامعقوله اشتغالده ایدیلر • لکن ابوجهل بر ضلالت •

زیاده عداوت اوزره ایدوکی مشهود و معلوملری • و اول حضرتک
مرادنه مساعددن مباعده ایدوکی معهود و مجزوملری • اولمغله عطفی آلا آغزا
تخلیص مال مدعا ایچون خدمت حضرته ایما ایدوب • ایدیلر ای مرد با صفا
ابوجهل مرد حسیب • و کبر و جبروتدن بانصیبدر • بو خصوصه اکا ذکر
ایتمکه تاب و طاقت • و بر فردده یارای قدرت یوقدر •
و بالجمله کید کمند بوجهلدن کردن مالی تخلیص شمشیر همت حضرت
محمده محتاج • و جناب کریمنه مراجعت بو درده علاجدر • اول
کروه مکر و هک مرادی اول حضرته اذیت ازدیادی ایدی که •
مجددا مراجعت ره‌زن هنگامهٔ خصومت اولوب • رد و مطالبه
کرم ساز بازار عداوت اولمغله • شاید که حضار استراحت حضرت
تیر مطاعن اعدای بدکردار ایله رخنه‌دار اوله • هیهات هیهات
ما قصدت هیهات • اول خم خوزده کرک کیش • اول ظالملری خیر اندیش
کمان ایدوب • طلبکار خدمت رسول مهمان اولدی • چونکه
اول شرفه وصول بولدی • پیشکاه درکاه همایونلرینه دخول
ایدوب مطرب دلی مصراع انظر الی بعین منک مرحمة •
نغمه‌سیله ترانه‌پرداز • و عندلیب املی مصراع و انعم علی بلطف منک مکرمة
سرودی ایله نغمه‌ساز اولوب • کار ابوجهل ناسازی روایت
و قریش بی حمیت • خدمت خورشید خاصیتلرینه • دلالت ایدنلرک
تقریر و حکایت • و در یوزهٔ لطف و عنایت ایدوب بیت ای

ای کرمت چارهٔ بیچارکان • فیض ده غرقهٔ افتادکان •
نثر فریادرسلکه همت • واول بدفطرتدن مالمی تخلیصه عنایت ایله المنّة
دیدی کم ای رسول هردوسرا • بکا ظلم ایتدی بوجهل جفا
ناقه می آلدی ویرمدی مالم • عرضمی یقدی بنجه آولور حالم
حرم کعبه ده اولان نبلا • خدمتیکی دلالت ایتدی بکا
دیدیلر خاک راه احمده وار • ایدر اول ظالمه اکن سوزی کار
لطف ایدوب مالمی خلاص ایله • بکا انعام عامی خاص ایله نثر
حضرت رسول رب العالمین مشاهده بیوردیلرکه • فریاد این
مرد حزین • پیوسته چرخ برین • اولوب وتری اعینهم تفیض من الدمع
مضمون شعله داری لمع • ایدوب قطرات خونین ایله روی درخسارن
رنکین ایلمش • چونکه فریاد وحنین • کوش کذار نبی امین اولدی • طاق
مرحمت وعنایت رخصت یافتهٔ پرواز اولوب • اول سرو
سرافراز • مهر نشستکان حجلهٔ ناز • قبول نیاز ایدوب • مانند خورشید
جهان • مطلع عزتدن نمایان • وخانهٔ ظلمت آباد ابوجهل بدنهاده •
پرتو انداز اولوب ضیا نهاده اولدی • کویا بدر منیر ایدی که •
شب تاریکی مانند سحر • نور روشنایی یه مظهر • ایلدی • نبی خلق حسن
وکرم مستحسن که • مقر عزت ومستقر دولتدن قایم ایدوب • اول
خلق مستهجن خانه وسکنی طرفنه • بردردمند وستمدیده مهامی اتمام ایچون
عزمیته اقدامدن انجام بیورمیه • خصوصا اول ظالم وغاشم • مادهٔ

دعوای رسالتی زعمنجه زهر ایله آلوده ایمکله عازم اولدقجه • حضرت ده
تاب وحرارت • واول خبیث رضلالتده کانون حسد ایله پر
آتش ومرارت واریدی • چونکه صحن خانهٔ ابوجهل ضلالت پناه حضرت
نبوت دستکاه علیه صلوة الاله • پای مبارکنه قرارکاه اولدی •
ابوجهل تیره دل • برمرتبه منفعل اولدیکه • لا یعقل ومضمحل اولدی • دایما
اذیت وجفاده کاری اهتمام • وشمیر شاق اهانت • واداده
نهایت اقدام اوزره ایکن مشیا علی الهام • تحریک اقدام ایدوب
مراسم اکرام • واستقبالده بذل مجال وقدرت • وفوق المألوف
ضراعت ومسکنت • واستعلام حاله جسارته مبادرت • ایلدی
اول طوطی شیرین مقال • شکرستان خصال • وعندلیب نغمه سرای
کلستان وما ینطق عن الهوی بیت ندانم کدا این سخن کومبت •
که بالاتری انچه من کومیت • نثر سلطان انبیا • علیه صلوة الله تعالی
حضرتلری قدوم عزت رسوملری دفع ظلم واذیت • واول
فقیره مرحمتدن نشانت • ایدوب مقصود همایونلری تسلیم اثمان جمال
اولدوغنه بسط مقال بیوردقلرنده • اول خبیث رضلال
وبدلهجه • بر ساعت ورلجه • توقفه مجال بولمیوب • فی الحال بلا امهال
ولا اهمال • تسلیم ثمن ایله تبرئهٔ ذمت نکبت مآل • ایدوب نه عناد
وانکار • ونه مقام اصرارده قرار • ایده بلدی • وحضرت متبوع
مطبوع مقر سعادتلرینه رجوع بیوردقده • سر اعزاز واجلال ایله

تشییع دار سال ایلدی • بایع جمال سرور وبال و بهجت جمال ایله
فرح و فخر • مجمع قریشدن مرور • ایدوب ایتدی ای اشراف وصدور
رب شکور و ودود سرمدن راضی وخشنود • اولاکه بو فقیری برجناب
عزیز الوجود • حضرتنه دلالت ایتدیکزکه • شعشعهٔ مهجه معجزاتی دیدهٔ
منکرانی خیره • وشعلهٔ شقهٔ کرامتی درون دشمنانی تیره قلمش •
بزم بهشت شبیه دعوتنه دخول مبتغای فؤاد • ونعمت خدمت
عزت موهبتنه وصول منتهای مراد • ایدی واول دولته نایل
اولان کروه اماثل مغبوط دل بی غل اولوب • یا لیتنی کنت معهم
فافوز فوزا عظیما • دیو دائما ملاحظه ورجاده ایدم • چونکه دوجهه
عنایتلرینه التجا • وظلال افضاللرینه انتما • ایلدم ذرهٔ وجود ناتوان
پرتو احسانی ایله رقص کنان • اولوب ابوجهل لئیمدن مالم تخلیص •
وبکا تسلیم واد ایلدی • اول ظالم خاسر اصلا اول حضرته مخالفته
قادر • اولمیوب نیجه کونه تکریم • واعزاز تقدیم • ایلدی • حقا که
ما دامت الارض والافلاک • بو احسانک شکرینه انهماک • اوزره
اولسم • اقصای مدارج شکره دارج اولوب • عهده سندن
خارج اولمق خیال خام • وثمرهٔ اوهام در • چونکه اول طایفهٔ بیهوش
انقیادا بی جهلی کوش ایتدیلر • حیرت ایله دمبسته وخاموش •
اولدیلر • اولحینده • اول ظالم خودبین دخی اول فرقهٔ ضالهٔ یقین
کلدی ایتدیلر • ای اشرف احبا واقرب لات وعزی • محمدک کلامنی

اصغا وسمع قبوله نه عجب القا • ایلمش سن تو خیسه ذیل دعوتنه نیله میل می
ایلدک • ابوجهل ایتدی • حاشا بنم رشتهٔ عداوتم وابستهٔ عقدهٔ
لا انفصام لها • وعقدهٔ خصومتم بنان رضا ایله انحلال بولوب •
مرات عالمده صورت نما اولمق محض خیال وهوا ایدوکی موید ادر •
اما اول دمکه • اول روح مکرم • ولطف مجسم • درخانه یه وضع قدم
ایتدی هلالی سپهر عزت افزنده بر مار عجب پیکر • جلوه کر اولدیکه
کویا براژدر هفت سر • یا غنده بر شیر نر • ایدی • امرنه اطاعته
ایما ایدوب • ایلمزسک وادی هلاکه القا • ایدرم دیو کویا ایدی •
بروجهله رعب وهراس • ذوق واحساس ایتدم که • اعضام
بند بند منکسر • وآینهٔ حیاتم متکدر • اولدی • مخالفته مجال
محال • وامتناعدن غیری رجال • ملاحظه وخیال ایمیوب •
زبانم کنک ولال • ودست تسلیم مالده استعجال • ایتدم اما آل دل بابلبال
اولدی بلمزم بو حال نه حالدر • اول قوم ضال • فهم مصدوقهٔ مقال
ایدیجک • صدور ایدن اموردن مرکز معتبر ومتغیر • اولمایوب
کالاول • هذا سحر مستمر • دیدیلر کلام نا معقول • ایله سحره محمول ایلدیلر
لمنشئه نه عجب قوم ایمش بو قوم خبث • کوز کوره حقه ایده لر ابطال
معجزات رسول حقی کوروب • سحره حمل ایله ایده لر اهمال
دین اسلامه کیرمیه بریسی • نه عجب حال اولور نه بد افعال
مظهر قهر ایدوب خدا قلمش • مستحق عذاب وخزی ونکال

معجزهٔ اشباع رسول مطاع

بسط روایت خوان معجزات • و حکایت نعمت کرامت حضرت
سید کائنات • ایدن روات • دن ابو هریره رضی الله عنه
موائد فوائد رسول علام • ایله ضیافت خاص و عام • ایدوب
اول جمله دن بو دریا که بو وجهله انتظام • ویرمشدر که • بر کون
ملک وجودمه سلطان جوع بر مرتبه استیلا • و قوت ضعف بر مرتبه
استعلا • ایدیکه نه شکمه ربط حجر دفع کدر • و نه شد نطاق صبر
کارکر • اولدی اجمالا معلوم اولا که • حضرت ابو هریره رضی عنه
ربه الودود • بر مرتبه فقر آلود ایدی که • اهل و عیالدن عاری • و تحصیل قوت
یومیه دن بری • اولوب ارباب صفه ایله صفاده • مانند شمع خدمت باب
رسالت ده ستاده ایدی • اهل صفه نو پوشش بوریای فقر ایله
پر صفا • و بی ریا • و کوشش امر معاشدن مبرا • ایدیلر حبایل الطاف
آلهیه یه توسل • و خلوص طویه ایله توکل ایتمشلر ایدی بیت
جز زحق روزی طلب کردن نشان مشرکیت • التجا بر غیر کردن
از کبایر بدترست • مضمونینه امتثال کنان • دائما مهمانان اهل
ایمان • و میزبانلری سلطان عالمیان ایدی • اول قوم کرامی
اطعام و انعام ایله اکرام • و ترفیه خواطر پر آلام • بیورب اقطاردن
هر نه که ایراد اولنسه • اول هدیه انلاره زاد اعداد اولنور ایدی
شدائد فقره صابر • و جوع ایله نفسه جابر • ایدیلر هر نه اولسه قناعت ایدرب

بلا مسارع

زیاده طلبنه جسارت ایتمزلردی شعر • ان شئت عیشا طیبا صفوا
فاقنع بما اوتیته فالعیش عیش القانع نثر حقا که تکیهٔ عالمده زاویهٔ
قناعت کبی کنج استراحت اولمز مصراع قناعت توانکر کند مرد را
عاکفان زوایای قناعت • و واقفان مزایای فراغت • سلطان
چار بالش راحت • و پادشاه سراپرده سعادت در شعر
خذ من العیش ما کفی فهو ان زاد تلفا • کسراج متوزان طغی دهنه انطفی نثر
مرکب نفس سریع السیر • ارخای عنان باعث کشت فیا فی طغیاندر
بیت النفس کالطفل ان تهمله شب علی • حب الرضاع وان تفطمه ینفطم نثر
لکن انسان جهول کوشش زخارف دنیایه مجبول در • دائم عوایده
دست دراز • و همیشه راه امله دریچهٔ حرص و آزنی باز ایدر • هر نه دکلو
کرم کورسه ینه رجاسنی محکم ایدر مصراع چند انکه کرم بیش طمع بیش کند
دغدغهٔ جوع رغیف یابس ایله مدفوع ایکن • تحصیل قوت زاد ده
حل و حرمتدن نفسنی ابعاد • ایتمیوب اطعمهٔ کوناکون ایله معده
و شکمنی مالی ایدوب • البسهٔ بوقلمون ایله ظاهرینی مانند
طاوس تزیین ایتمیدن خالی دکلدر بیت چرب و شیرین خونچهٔ دنیا
بکس راندنش نمی ارزد نثر حقا که ابناء دنیانک خاصه اصحاب
عز و علانک ماکل و مشاربی حرام ایله مشوب و اثام ایله مصحوبدر
بیت الجوع یدفع بالرغیف الیابس • فعلام یکثر بالهموم وساوس
بو دخی مقرردر که • اول مرتبه یی تحصیل ده نیجه کونه مشقتلر چکرلر و غربت

ایدکلری نفسه نیجه درلو ذلتلر ایدرلر مصراع بهای مرد احدث ز
کاه زور وکاه زار نثر ضیافتخانهٔ عالمده بدل ماتحلل ایله بنای جسمه
خلل ویرمیجک مرتبه قناعت ایدوب کوشهٔ فراغتده مصراع
سنبل کبی کچمک اولور بر پیاز ایله نثر مضمونی هواسنده مرغ همتی پرواز
ایدورن مرد سرافراز در • نته که فضلای قانعین دن برمرد کزین دمشدر
بیت اذا دخلت بیتی واکلت رغیفا • وشربت علیه الماء فعلی الدنیا العفا
امام ثعلبی تفسیر سورهٔ نملده ذکر ایدرکه • برکون حضرت سلیمان بر هزار
کذار هزاردستان کوردی کم کمال طرب ایله تحریک رأس وذنب
ایدوب ترنم • کویا که تکلم ایدردی • اصحابنه خطاب ایدوب ایتدی
بیلورمیسیز نه جواب ایدر • دیدیلر بلمزز • بیوردیلر که اکلت نصف تمرة
فعلی الدنیا العفا • مضمونن کویا • کویا حسن قناعتی ایما ایدر • اوامر
نفس شوم ایله موتمر اولمین مرد فردک قدری ظاهر در بیت
خدمت مطامعی فاستعبدنی • ولو انی قنعت لکنت حرا نثر
حر اذیال استغنا ایدن اولیا • وبرره واتقیا • حقا که قناعت
دیارنک شاهی • وراحت ممالکنک پادشاهی در • حرص وطمع مذموم
حریص وطامع مشوم در بیت حمد لله طمعه ام از خلق نیست
از قناعت در دل خر عالیست نثر بعض فضلاء کرام • بو مقامده
تحریک اقدام اقلام ایدوب • معانی بدیع درکین ایله صحیفهٔ اوراقی
بو وجهله تزیین اتمشدر • الحق کلام فصاحت انتساب • وبونده

فصل الخطاب در شعر اذا قنعت نفسی بمیسور بلغة
من المال یکفینی الی یوم تکفینی • وان هی لم تقنع فکل مصیبة
اصبت بها فی العقل والدین نثر چونکه ابوهریره نک طاقتی طاق
اولدی • تمنای اشفاق ایله • رهگذر اصحاب مطهر • اوزره مقام ایدرکن
اول فرقهٔ کرام دن برمرد بنام • احتمالدر که میزبانلق ایدوب اطعام ایله
اکرام ایلیه • ناکاه سرور عالی تبار • حضرت یار غار • اول
محلدن کذار بیوردیلر • ابا هریره برآیهٔ کریمه مضمونندن استخبار ایلدی
حضرت صدیق سؤاله حلیق جواب ایله تحقیق بیوروب • عزت خانه لرینه
عزیمت بیوردیلر • حضرت عمر دخی مرور ایدیجک • معاملهٔ سابقه صدور
ایتدی • صورت مراد ابوهریره مرآت عمله جلوه کر • اولمایجق نهایت
مرتبه متحیر ومضطر اولدی • امّن یجیب المضطر اذا دعاه • تیر التماس
هدف اجابته مصادف اولوب • ناکاه سلطان سریر
لی مع الله وقت • صلی الله علیه وعلی آله • وصحبه وعیاله قدم زد
قرارکاه • ابوهریرهٔ پر اشتباه • اولدی چهرهٔ حال ابوهریره ده
اثر جوع دن صحبت • سمیر ضمیر منیر مشتری فطنت • لری
اولیجق خانهٔ عزت آشیانلرینه دعوت • وسعادت رفاقته
اشارت بیوردیلر • ابوهریره مطاوعت • واوامر عالیلرینه موافقت
ومرافقت • ایلدی حضرت رسول امهات مؤمنین دن برینک
خانه سنه دخول • بیوروب استقصای شرب وماکول بیوردیلر

هدیه رسمی ایله بر مقدار شیر متحف حاکپای خیرلری اولدیغن
نظر ایتدیلر • پس ابو هریره یه اصحاب صفه یی دعوت ایله امر و اشارت
بیوردیلر • ضمیر منیر ابا هریره ده بو معنی جایگیر اولدیکه بر کاسه
شیر • اصحاب صفه یی سیر ایتمک • حیز امکان ده نمایان اولمدیغی
محتاج بیان • دکلدر اما بالکز بکا کافی • و علت جوعه شافی ایدی
پس حسب الامر احضار • و هر بری محلنده قرار ایلدی • حضرت
کاسه شیری دست همایونلرینه آلوب • نظر ابو هریره ده جلوه نما
و اهل صفه یی اسقایه اشارت و ایما بیوردیلر • خدمته قیام • و امتثال
امر رسول علام • ایدوب مانند پرکار • اسقای اهل صفه ده درکار
اولدی جمله اول شیردن نوش • و حرارت جوعی فراموش ایدوب
دلخوش • اولدیلر همان ساقی باقی اولدی • دست ابو هریره دن
آلدیلر بر مقدار کف همایونلرنده طوتوب • بنه ویردیلر • و اب
شرب بیوردیلر • راوی مجاری امور ابو هریره رضی عنه المشکور
دمشدر که • دفعه اولی ده حرارت جوع ایله بر جمله نوش ایتدیکمه
ظن غالبم طرف بوش اولمق ایدی • بنه مشاهده ایتدم که یا لکیدر
بنه امر عالی صادر اولدی • بر دفعه طرف فارغ و خالی اولدیغی دیدم
بنه امر و ایما بیوریلجق کوردم که طرف بنه مالی اولمش • درت دفعه
امر رسول متعالی • ظاهر و صادر اولدی • نوبت پنجمده ایتدم ای
سلطان ممالک رسالت • و حاکم کشور ولایت • شهر وجود ده

سپه سالار جوع آغاز رکت و ناز • ایتمش ایکن حقا که جلوس شهریار
انعام فایض البرکات • تجدید اوام حیات • ایدوب تمام اشباع
و اقناع ایلدی • صیدگاه قلبده برلانه قالمادیکم • شیر حمله شیرانه
ایلمیه • حضرت کاسه یی المدن آلوب • بقیه یی نوش • و خاطر
محزونمی خوش ایلدیلر • اولدم که کاسه شیری بنه الوب • ویردیلر
مشاهده ایتدم کویا بر قطره سی ضایع اولمامش ایدی • زهی فضل
لامع • زهی معجزه ظاهره و زهی کرامت باهره • لمنشئه طرفه حالیست که دارد اثر فیض بقا
کاسه شیر که نوشند همه ارباب صفا •

معجزه ظهور باران بدعای حضرت فخر جهان صلی الله علیه و سلم

کلک عنبر نثار رواة اخبار • روایح طیبه معجزات حضرت
خیر الابرار • ایله مشام عالمی معنبر ایدوب • حضرت انس دن
خبر صحیح الاثر • زینت ده صحف و دفتر • اولمشدر که • عهد همایون
حضرت رسول الهی ده • بر سنه صعوبت نماپیدا اولدی که •
استیلای قحط و غلا ایله • شدت قلت هویدا • اولوب انقطاع باران ایله
کشت زار عالمه یبوست طاریان • ایدوب آب • مانند صبر عاشق نایاب
و صحاری و براری خسته دللر سینه سی کبی • پر تف و تاب • و سوزش
فراق ایله هر بری کویا مهره سیماب • ایدی تاب عطشدن سینه زمین
چاک چاک اولوب • طبیب ابر بر قطره صو ایله علاج دردناک ایلدی
لمنشئه یایدی یا قلدی درد ایله عالم • بر ایچم صو بیله اولمادی همدم

ادل سکّان را آلام ایچره مضمون هلک الحرث نمایان اولماغله
احوال خلق پریشان اولدی بر روز جمعه که عید اصحاب دین دیده در
حضرت رسول مجید صلی الله علیه وعلی آله وصحبه وعیاله
نظم
آرندهٔ حجت الهی دانندهٔ راز صبحگاهی نثر عروهٔ وثقای نصیحه
ارتقا وخطهٔ خطبه یه استیلا بیورروب اوامر وزواجر ایله
ناهی وآمر اولدیلر اعرابی که دست گرسنه‌گی یغماگر متاع صبر و
شکیبایی اولماغله شکمی کیسهٔ مفلس کبی خالی اما درونی قلق وکرب ایله
مالی ایدی میان مجلسدن قیام ایدوب ایتدی ای سید الانام
هلک المال وجاع العیال دست رجایی رفع درگاه خدا ایله که
ادرار امطار ایله تسکین لب کشت زار طاهر دیدار اوله ولا
انعدام انبات نبات ایله زاد واقوات فالیوب ثورهٔ جوع وقلت
ایراث هلک وضجرت ایتمشدر پس حضرت سلطان رسالت دبیر افروز
ممالک رسالت بیت چراغ افروز چشم اهل بینش طراز
کارگاه آفرینش نثر علیه الصلوة والسلام ماناحت الحمام دست رجا
وتمنایی برداشتهٔ درگاه خدا ایدوب اصلاح احوال امت ایچون
نزول باران رحمت امید نه جناب جلیل الاحسان سبحانه توجه کنان
اولدی روایت اولنور که اول حین اجابت قرین ده روی سپهرده
قرعهٔ سحاب هویدا اولمایوب ابر تیره کم کرده راه ایکن فضای عالم
علوه گشتنده پردهٔ سیاه اولوب بادوزان گویا روی دریای اخضرده

نیچه امواج کوه پیکر ظاهر وجلوه گر ایلدی نظم هوا ز ابر بپوشید جبهٔ خفتان
زعکس خویش گمان کرد مهر روشن تاب نثر میان ابر تیره دن برق درخشان
قاروره نفاط کبی شعله زن آتش اولوب گویا شمع سوزان
ومانند رنگیان دهانندن آتشلر نمایان ایلدی بیت
چو برق از میغ بدرخشد تو پنداری اگر بینی زحرگاهی بحرگاهی دوانم
پاره اخگر نثر صدای برق عالم پر طنین وندای رعد زمزمه ساز
روی زمین اولدی گویا صدای یلان دین مهیبین ایدی که صماخ
مخالفینی کر یا قلع باب قلعهٔ خیبرده نعرهٔ حیدر ایدی که
دفع ارباب کفر وشر ایدر ایدی شعر بردن آمد ز ابر تیره برقی
بسان گوهر رخشان دریا همی غرید رعد و بود دست او
چو پیل مست اندر صف هیجا نثر عجبدر که برق رخشان مانند تیغ بدخشان
درخشان اولماغله چشم جهان خیره تر وگوش کیوان کر اولدی
ودیدهٔ آسمانه کحال ابر کحل جنگ ایله چشم میغدن قطرات اشک
کبی باران روان اولوب روی مرغزاره لولوی شهوار نثار
ایلدی گوش لعبتان باغ وبوستان وگردن سیمبران
گلستان زیور در مطر ایله مزین یاخود حقهٔ مینای گردوندن
بساط سبز سبزه یه نثار گهر ایله زینت بخش انجمن چمن اولدی
تواتر وتوارد امطار دفع خشکی واکدار غبار ایدوب
نم یم حیات وه گلزار اولوب عرصهٔ عالم رشک آور فصل بهار ایلدی

وازنا من السماء ماءً فاخرجنا به ازواجا من نبات شتی • مضمونی
موبدا • وکیف یحیی الارض بعد موتها معنای غراسی جلوه نما اولدی
هنوز مبارک الذین محاسن شریفه لرینه وضع ایلمدین قطرات
امطار و سیول مرطرفدن نزول • ایدوب کشت زار شهری سیراب
وخشک دللری سیراب • وتسکین تاب ایله دفع اضطراب
ایلدی • بر هفته کامل • باران نازل • اولوب نعم منبته الهیه شامل
احوال مزروعات کونیه اولدی • چونکه جمعه ثانیه ده اول طاوس
رسالت بهشت منبرده جلوه کر انظار امت اولدی • اعرابی
یینه یریندن قیام ایدوب ایتدی • ای ختم رسل کرام • و چاره ساز
خاص و عام • انعام شامل الانام • احاطهٔ احوال عباده استهدام
ایدوب • نقد اجابت که کسب ید دعای حضرت علیا ایله درکیسه
اولمش ایدی مصروف مصالح امت • و مبذول امیدکاه رعیت
اولوب مطر بو جمله نزول ایدیکه • قضا و قطر محصل و میسر اولدی
شمدیمضکره ضرر ایدیکی مقرردر • بهتدم البناء و غرق المال
امت پریشان حال • دریوزهٔ لطف و نوال ایدرلرکه • وفرت مطر
مزروعات و حبوباته ضرر ایتدین انقطاع رشته پریشانی

احواله کره بند اجتماع اوله
انبیا خیلینک سرافرازی
مهر رخشان آسمان کرم

علت امسک شفا سازی
فیض بخش کره جمیل امم
صلی الله علیه وسلم حضرتی

متوجه بارکاه علام • اولوب بو وجهله دیدیکه • اللهم حوالینا ولا علینا
اللهم علی الاکام والظراب وبطون الاودیه ومنابت الشجر فی الحال
بر دعای اجابت کستر پیغمبر • مصادف هدف قبول خدای دادکر
اولوب • سحاب مندفع وظلمات وادرار منقطع اولوب • اشعه
آفتاب اشراق و تاب ایله عرض حال • و سورش خورشید
زوال رسیده تارک اهالی مدینه عدیمة المثال اولدی • المشهد
معجزه نور ید بو اینه نظر • عالمی کورنجه منور ایدر

اوله روح شریفنه صلوات • بیچه اعزاز ایله صبا و سحر

معجزهٔ زدهٔ حجر و شجر به سلام پیغمبر باخبر حضرت حیدر

عارس اشجار اخبار رسول پروردکار • و فارس عرصهٔ اسرار
اولان مهرهٔ اخیار • و نقلهٔ اخبار وثوق روایت • و پیوسته
صحت ایتمشدرکه • حضرت رسالت مهر سپهر ولایت که حجابات
اسرار نظر همایونلرینه جلوه کر • و مکنونات استار صحیفهٔ خاطرلرنده
مصور در • ضمیر منیرلرنده بو نقش خیال جلوه کر • اولدیکه کندو صحبت
ایله کردن اهل یقین مقید اولوب • امر رب العباده انقیاد ایدوب
سرنهاده اوله • تمشیت مصلحت ایچون سوار ساعد فرزانه کی • و سوار
مضمار یکانکی حضرت علی سامی مکان • ارسالی مقدمهٔ ضمیر حقایق
نشانلری اولوب • مرآت ملاحظه ده نمایان اولان • صورت

علی ولی حضورنده تقریر روایت بیوریلجق ایتدی لمنشئه الفقیر

تابع امرک قوللک قربانکم • جان ودلدن بنده فرمانکم

صدق واخلاصیله ایدم اتصاف • یوزومی دوندرمزم یوقدر خلاف نثر

هر نه امر زرین که ذات عزت قرینلرندن صدورده مقرون •

وهر نه مثال همایون • ایله مشحون اوله • فرمان بردار • واتمامنه

جانمله هوادارز • مرغ دل وجان • هوای اطاعتده پرواز •

وشاخ محبتده آشیان ساز • اولوب مطرب جسم ناتوان نغمهٔ

انقیادده ترانه پرداز در • حضرت اظهار بشاشت بیوروب سعادتله

کندولر سوار اولدقلری ناقهٔ صبا رفتار • احضار بیوریلوب •

مهارینی مسلم دست علی شجاعت کردار • ایدوب ابو الحسن بامور

دعوت بیعت اهل یمن اولوب بیوردیلرکه • یا حیدر یمنه قریب

اولوب • برعقبه دن کذر ایتدکده جمله اهل دیار مصلحت استقبال

ایچون بدیدار • اولاجقلردر اول محله وصول بولنجق • جمله احجار و

اشجاره ایصال سلام رسول • ایدوب دیه سنکه • رسول علام •

جمله کزه سلام • ایدر انلر دخی کلام ایله رد سلام • ایدرلر الزام •

خصوم لئیم ایچون • بو مرتبه‌لر یتر بیوردیلر • پس حضرت علی حب الامام

العالی • شهر یمنه متوجه وروانه اولوب • قطع منازل • وطی مراحل ایله •

پیشگاه خطهٔ یمنه واصل ولنجق عقبهٔ معهوده یه دارج اولدی •

اهالی شهر خارج اولوب • امر استقبالده سرعت واستعجال ایلدیلر

علی ولایت پناه ایتدی • صدق رسول الله • پس چونکه جمله ناس کلدیلر •

حضرت علی بی شک وهراس • ایتدی ای حجر وشجر • حضرت رسول مقبول

شفیع روز محشر صلی الله علیه وسلم • وعلی آله وصحبه الکرام جمله کزه

ابلاغ پیام ایدر • چونکه صدای حیدر • رسیدهٔ کوش حجر ومدر •

اولدی • الله اکبر روی زمیندن برغلغله پیدا • وبر طنطنه

هویدا • اولدی • وبر جوش وخروش نمایان • اولدیکم • ولوله رسان

وحوش وطیور • اولوب حیرت افزای بنی آدم • وعبرت نمای عالمه عالم اولدیلر •

لمنشئه الفقیر الله الله نه جوش وغلغله در • بو نه کونه خروش وولوله در

دیتردی عرصهٔ زمین زیر • زلزله ایسه بو نه زلزله در نثر

اول دیارده اولان احجار واشجار جمله سی زبان خوب وفصاحت

کردار ایله کفتار ایدوب ایتدیلر • السلام علیک یا رسول الله

السلام علیک یا نبی الله لمنشئه السلام ای سرور پاکیزه طینت السلام

السلام ای مقتدای دین وملت السلام • السلام ای شافع روز قیامت السلام

السلام ای حامی دین وشریعت السلام نثر چونکه کروه سلامت انجام

مشاهده معامله کلام وسلام امام ایتدیلر • بالطوع والرضا •

قبول دین اسلام • ایدوب اقرار نبوت رسول علام ایلدیلر •

حضرت علی هر نه تقریر وتحقیق ایتدی ایسه بسمع ضمیر ایدینوب تصدیق ایتدیلر

لمنشئه بر نبوت کاینده چو اقرار • انی انسان ایدرمی هیچ انکار

معجزهٔ باهرهٔ حضرت نبوت مآب در دفع رمد ابو تراب

اعلای لواء و آلای معجزات • و ابناء هبناء نبی کاینات • ایدن
ائمهٔ دین مبین سدید دن سهل بن سعید مضراب خامهٔ شیرین حرکت ایله
ضرب زن اوتار روایت اولمشدر که لمنشئه رسول یثرب و شاه مکرم
بیت یمکه و سلطان عالم • معین دین اسلام و نبی بعثت • مهین کافران بی مروت
حضرت فخر عالم صلی الله علیه وسلم • ما دارت الایام واللیالی
بالصبح والظلم • غزوهٔ خیبرده • مجمع اصحاب مطهرده • درر کلام
حکمت انجام ایله • سلک تقریره بو کونه انتظام • ویردیلر که • ای گروه احباب
یارین لوای ظفر انتمای دین هدایی • بر سرور مجتبی قبضهٔ همتنه تسلیم
ایده یین که • فتح خیبر دست شجاعت گسترنده جلوه گر • اوله ضمیر بنده جناب خدا
و رسوله مکتوب اولوب • اول ذات مرغوب دخی خدا و رسولنه مطلوب اوله
لمنشئه نه سعادت اولور اول سرور کم • سوه آن رسول رب کریم
حب بار خدایی ناطق اوله • مصطفی کبی بر نبی محترم • نثر بنی آدم
ینشئه فه مظهر اولمشدر که • مظهر محبت خلاق عالم اوله لمنشئه
سپاس و شکر فراوان جناب سبحانه • که مظهر ایتدی قولن جهد و لطف و احسان
وقتا که طلایع صبح طلوع • و عسکر زنکی شب رجوع • ایلدی اول مهر
سپهر نبوت • و سرافراز سریر رسالت • علیه الصلوة والاذکار
متوجه جانب گیر و دار • اولدیلر • عیون اعیان • اصحاب عالی شان
مانند نرگس گشاده • آیا سعادت عطیهٔ لوایه آماده • فتح ذات
عزت آیات • و سعادت غایاتدر دیو منتظر اما بر فرد بر قدم ایلدوب

متجاسر دکل ایدی • ناکاه حضرت رسول الله • استخبار علی ولایت پناه
بیوردب • علی قنده در که دیده سی نمایده دکل دیو بیوردیلر لمنشئه
قنده در مرتضی او شیر خدا • نیچون اولمز نظرده جلوه نما نثر
ایتدیلر بر نیجه دمدر حضرت علی عارضهٔ رمددن تشنگی اوزره درد
غالبا ازدیادی مانع نادی فایض الایادی اولمشدر • فرمان عالی
صادر اولدیکه • مجلس محفوف بالمعالی یه حاضر اوله • حضرت
مرتضانک غبار عتبه و آلالرندن • دوری ضرردرسی چشم جانه
علاوه بی نوری اولالدن دیده حالی کحل صفادن خالی • اولوب
و فود جنود الم تجاری • یغماگر متاع صبر و قراری • اولمش ایدی
بیماران خسته دواساز لقده بالش مرحمتی نهاده • و بستر شفقتی ارینه
آماده • اولان طبیب قلوب اهل نیاز • حضرتلرینک • خاکپای اهل الاعزاز
وضع جبهه نیاز ایدوب بیت زچشم اگرچه فرو بسته ایت در کرام
بنیک نظر کرمت بین هزار کشاید نثر دیوار ابراز راز • و عرض افکنده کی
ایله سوز و گداز • ایتدکده باری عون باری ایله • دار الشفای عیب گشاده
و داروی عنایت آماده • اولمغله یار دهان شفاکار زایله مسح
جبین علی شجاعت کردار • بیوردیلر و دست برداشته دعا • درجا
فرسای درگاه خدا اولوب • طلبمند شفای علی ارجمند • اولدیلر
نسیم صحت شمیم رجا • درنده پرده استقام دده اولوب • دو چهره
ارجمند جسم حیدر جلالت مقروندن • صرصر رمددن سالم و مصون اولوب

عین اعیان عالم اولان • دیدهٔ جهان نماسنده صحت و شفا جلوه‌گر •
و فی الحال منتهی حرب عدوی سقر مقر اولدی • پس رایت دین مبین
مرفوع علی شجاعت قرین اولمق • فرمان هادی صراط مستقیمین اولیجق
علی صاحب ولایت • رفع لواء والایه مبادرت ایدوب **شعر**
وانی المیمون النقیبة منجح • وان کان مطلوبی سنا الشمس فی البعد
دیو متوجه قتال کفار بدکار اولوب • آهنگ جنگ و پیکار
ایلدی • کویا بر شیر ایدی که رمهٔ دوشه حمله ایلدی • و بالجمله اوندن
حضرت حیدر شجاعت کستردن • منصهٔ ظهورده جلوه‌گر • اولان آثار
و مشهود اصحاب نظیر • اولان جلادت و هنر • قابل ثبت صحایف و دفتر
دکلدر **لمنشئه** قلم را آن زبان نبود که شرح رزم او کوید •
ورای حد و تحریرست آن رزمی که او کرده **نثر** اول یل بی مثال
ضرب شمشیر و کوپال ایله سرکوب اعدای بدفعال اولوب • نخوت
و غرور ایله باش چکن ابترلر • بیم گرز گراننده‌ن سر جیب تفکره چکدیلر •
و جام پسین زندگانی دست ساقی کورزدن ایچدیلر • مرغ
جان بستان که آشیان کماندن پران اوله • اوماج جان عدوی
دوزخ قرارده مکان • و هر شمشیر عریان که صالردی غارتگر خلعت
وجود ستمگران اولوب • جامهٔ آل خونابهٔ اعدا ایله خلعت نوش اولور •
و مادام خون عدودی نوش ایدردی **لمنشئه** چنان رزمی نکرده زال و بهمن •
چنین مردی نکرده کیو و بیژن • باظهار کرامت کرده این رزم

ندیده دیدهٔ عالم چنین رزم **نثر** ضرب شمشیر زخمدن شیشهٔ ماهی تابت
حیطهٔ ضبط عدودن بیرون اولوب • و جنات رایات همایوندن
وعدکم الله مغانم کثیرة • نویدندن انواع فتح و نصرت نمایان اولوب •
امارات فیروزی • و دلالات بهروزی • واضح و عیان اولوب •
مبشر اقبال • موهبت خوش مآل ایله استقبال ایلدی **بیت**
نصرت طلایهٔ حشم آستان تست • دولت کمینه علم آستان تست
آخر صدمهٔ نعرهٔ الله اکبر ایله صماخ جان کفاری کر ایدوب •
اول یل زور آور • قلع در قلعهٔ خیبر ایلدی • چونکه پیشگاه
عسکر هدایت پروردهٔ طلیعهٔ فتح و ظفر بدید • و باد ظفر وزنده
اولدی • همه عسکر هجوم ایدوب • رفع خصوم شوم ایتدیلر **لمنشئه**
ز فر صولت حیدر بمین همت او • دیار کفر و ضلالت شده بهشت آیین
حضرت علی ایله اولان معاملهٔ سری ظاهر • و آفتاب کبی لامع
و باهر اولدی **لمنشئه الفقیر** ظاهر اولدی معجزات حضرت سلطان دین
اجعل اللهم یوم الحشر عون المذنبین •

معجزهٔ انطاق اخرس غبی و گفتار صبی

جمله معجزات بهیه‌دن • و کبیع مهدین عطیه‌دن حضرت سلطان
عالمین‌دن • معجزهٔ مزبوره ظهوردر • بو وجهله روایت قرین ایتمشلردر که
نبی مطاع حضرتلری • مکه مکرمة البقاع ایچره حجة الوداع‌ده ایکن بیگانه
درگاه نبی عالمین‌ده بر شخص حزین • فرسوده جبین اولوب • بر شاب

كامل الخلقه احسانز ایدوب ایدی • ای سید ابرار • و سلطان نبوت مآب
بو دردمندک حالی خراب • و انه شیء عجاب • ونسه استغراب
اولنمز • صحرای عدمدن منزل عالم جای اقامت اولوب طرح انداز
بساط مسافرت اولالدن غنچه کبی ابکم • و بسته دم اولوب خامهٔ زبانی
حرف زن صحیفهٔ رقم اولمیوب • جمع شفتین ایله ثبت شفه ایتدوکی
قرع سمع بنی آدم ایتمشدر لمنشه • سویلمز غنچه وش درر ابکم
شبنم لطفکی او مرتبه دم نثر اگرچه شاب کامل الاعضادر • اما قوهٔ
ناطقه خلقتدن معدادر • حروف کلامدن دهانی عاری • و آب لفظی
ناودان زبانندن جاری دکلمشدر • کیسهٔ ایام وسالی سکوت ایله
مالی • و آماج حالی تکلمدن خالی اولمقدر • حضرت مظهر قول • وما ینطق
عن الهوی • منطق جمادات و موتی لمنشه باعث آفرینش عالم
سبب خلقت بنی آدم • علیه من الصلوات ازکاها • و من التحیات انماها
توجیه خطاب مستطاب ایله بیوردیلر که • ایها الشاب قایل و سایل کیمدر
رد جواب ایله مدت عمرنده جوابه قادر اولمین اخرس • کلام نبی مقدس
ایله تکلمه هوس ایدوب نور قدرت سراج امت حضرتلرندن مقتبس اولوب
بی تردد وتلعثم • تحریک لب ایله تکلم ایدوب • ایتدی جای اشتباه درکه
رسول الله سن • اشهد انک رسول الله لمنشه لسان نخبه ایدر هر کیشی اقرار
رسول حق سن ای سلطان ابرار نثر حضرت نبوت دستگاه
و رسالت پناه • تشریف خطاب ایله رد جواب ایدوب بیوردیلر که

صدقت بارک الله بعد ذا بینه حقه • دهانی مهر سکوت ایله ممهور اولوب
ایام عمری مرور ایتدی • نزیل منزلگاه حضور قبور اولنجه بر کلمه صادر
ایتمدی • روایت اخری ده منهل عذب احسان نبی مبجل حضرتنه
ورود ایدن مبتهل • ایراد صبی مستهل ایتمش ایدی • حلیق تصدیق
اولان سخن انیق ایله • نبوتی تحقیقدن صکره • ینه لازمهٔ صبا اولان
سکوته التجا ایلدی • زمان صمت حلول • و وقت نطق ذهول
ایدنجک • سخن پردازلق مواسنه آغاز ایلدی • حبذا نه معجزهٔ باهره که
شجرهٔ سکوتدن ثمرهٔ سخن ظاهره • اوله نه نادره با دره درکه • اخرس
خرس خلقتدن کلمهٔ مستحسنه صادره اوله لمنشه ایکی جهانه انک برکلام پاکی
درسه جمله امواته فیض جان ایدر نثر معجزهٔ اخیره لی سینه اولان
حدیث شاصونه دیمکله معروف • و قاضی عیاض افیض علیه سجال
رحمة ربه الفیاض صبی مزبورک مبارک الیمامه ایله موسوم و معروف
اولدوغن شفانام کتاب بلاغت انجامده رقم زدهٔ خامهٔ عنبرین
فام • ایتمشدر صلی الله تعالی علی النبی الهمام • و علی آله الکرام و صحبه الفخام
و علی سایر الانبیاء العظام •

معجزهٔ ازدیاد خرمای مدیون بدعای حضرت نبوت مقرون

تحفهٔ معجزات • ونسخهٔ کرامات اخباری ایله گلستان روایتی تازه
و تر • و بوستان حکایتی سرسبز و اخضر • ایدن نقلهٔ ثقات
معجزات سید کایناتدن • علیه صلوة الاله • جابر بن عبد الله •

نقل ایتمشدر که برزمانده طیبهٔ طیبه • علی ساکنها افضل التحیة
اطرافنده اولان باغلردن بریهود عنودن که اشد بغات دن
برومردود • ایدی برمقدار خرما • نسیه ایله اشتری ایتمش ایدیم
مصراع محنت زده را زهرطرف سنگ آید نثر اتفاق اول سنه
نخلستان مدینه شاسعة الارجاده خشکی پیدا اولوب • خرما از
هویدا • اولدی دریچهٔ حرص وآز • کشاده وباز • اولوب افکار
ادای دین امر معاشه دغدغه انداز • وهموم نفقهٔ عیال زمزمه ساز
اولدی • متاع تضرعی پای انداز • یهودیه اصل ایدوب • طلب ارداد
مهل ایتدم • هرنه کلو تنور رجایی پرتاب ایدوب • تضرع بی حساب
ایتدم • هرگز مرکز قبوله دخول • وحیز حصوله وصول • بولمادی
غایت منفعل • دلگم کردهٔ آرام دل • اولوب غم واضطراب سطح
ستوی سینه ده مانند مهرهٔ سیماب • لرزان وپرتاب ایدی
مجموعهٔ پریشان رجا زلف خوبان دلارا کبی خم اندر خم • وچهرهٔ تضرع
وتمنا برهم ودرهم اولدی • بواثناده خدمت رسول منان
شرفبخش جان ناتوان • اولیحق • هم درهم ایله اسباب راحتم فراهم
اولمایوب • دست غریم متقاضی گرفت گریبان حال ایتمکله
تسلیم نقد جان بدل تسلیم نقد مال • اولمق مرتبه لری پیشوای کار
اولاجغی بدیدار • اولوب کمند تقاضی قرضخواه ایله قامت طاقت
زبون • ومرکز دایرهٔ دیون اولماغله ششدر دمرغدارده

[illegible]

دوچار وزار اولدم وغم • عرضهٔ عرصهٔ درگاه رسول محترم ایدوب
مصراع بنیم که خداوندجهان بنده نوازاست نثر سایهٔ عنایتلرینه التجا
ایله کشف دریچهٔ رجا ایدوب • هرکون بو درد والم ایله دود دلم
سقف دهری تیره • وهرشب بو محنت وغم ایله غبار درونم دیدهٔ
نجومی خیره ایدر • بو عیش منغص اولقدر کدر • ویرمشدر که مرخص
اولسم • دعای جان ربای ممات • دیباجهٔ صحایف حیات • اولمق
اجلای بدیهیاتدن ایدی بیت الا موت یباع فاشتریه
فهذا العیش ما لا خیر فیه دیو تضرع ونیازلریله گاه شاهباز حیرت دست باز وار
عنایتلرین آرانکاه ایدوب صورت مرحمت حضرت رسالت پناه
جلوه گر مجلای دل آگاه • اولدی حضرت صدرنشین صفهٔ نبوت
وتمکین مسند رسالت • مظلوم نواز • وظالم گداز • سریرافروز
عز وناز • رسول ممتاز • ونبی سرافراز بیت زباغ رخش هست گلشن گلی
دران باغ روح الامین بلبلی نثر آتشین الطف وکرمدن ابراز دست
مروت وهمم بیورروب • اول مه سپهر وجود • روشنی بخش
زوایای خانهٔ یهود • اولوب درخواست ایتدیلر که • اداء مال الحون
بذرشته امهال • ایلیه اول بدسگالدن • هرگز مساعده یه مجال
اولمیوب • اول ماه نبوت اطراف نخلستانی برز دور ایدوب
ینه خانهٔ یهوده عودت ایله • نمایندهٔ طلب مهلت • اولدیلر ینه
مساعده دن امتناع ومباعده • ایلدی کالای رجا پسندیدهٔ دیدهٔ

مشتری بدنما اولمیوب ● بازار قبول ده گرانبهای معیار بهودی بو الفضول
اولدی ● پس بنه نخلستانه عودت ایله اول ساحه‌یی مغبوط عرصهٔ
جنت ایلدیلر ● برمقدار تازه خرما نهادهٔ پیشگاه رسول خدا
ایدم ایدی ● بیوردیلر که یا جابر بن عبد الله بو نخلستانه کلدکچه
سکا قنغی گوشه جایگاه اولور ● حسب الامر ساحهٔ راحت اولان گوشهٔ
دلالت ایلدم ● طرح انداز بساط راحت ● ونقش پرداز طراز
اقامت اولوب ● برمقدار خواب ایله دفع اضطراب بیوردیلر
حقا که تکرر عناد یهود منافق ● برهمزن بستگاه زراع سابق
اولماغله علاوهٔ تلخ کامی مذاق اولوب ● خون رجا لذت ریزان
ذایقهٔ مشتاق اولماق ● آتش زن صحیفهٔ صبر واوراق اولوب
بو آلام واکدار ایله طاقتم طاق ● اولمش ایدی لمنشئه الفقیر
باز غم ایله خم اولمش ایدی قامتم ● قالمادی بو درد ایله هیچ طاقتم
نثر ناگاه اول حضرت مروت نهاد ● وشفقت معتاد شیمگاه
دانه پا نهاده اولوب ● بنه رای پر اصابتلری طلبکار مهلت
اولماغه نماینده رخصت اولدی ● یهود مردود دیگه سوار عرصهٔ
حرص وآز ● اولمقده سرافراز ایدی ● الطمع فقر اشعب مثلنه مصداق
ایدوکی محقق ● بلکه اسب پیاده رو رکاب طمع اولماق موقوف
کسب استحقاق ● ایدوکی کالشمس فی الآفاق ظاهر اولوب
اشراق ایدردی ● بنه دیدن معتاد ● وطور ناسداد اوزره انکار

وعناد ایله پیچیده روی فؤاد ● اولوب ● اول یونس جانم الکلام
ابرام ایله رام ● ومساعد کام ● اولمدی چونکه مرآت حالده
صورت یاس عرض جمال ● ایلدی درگاه خدایه بر داشته دست
رجا اولوب ایدم نظم از قافله ماندیم وبمقصد نرسیدیم
ای بار خدا تو مددی ساز نیاز ● نثر چونکه عناد یهود عنود
اشتداد بولدی ● چابک سوار عرصهٔ ولایت ● وفرمان دهای
ولایت رسالت لمنشئه چراغ جهان حاصل ممکنات
رسول خدا سرور کائنات نثر حضرتلری تکرار تشریف خطهٔ
نخلستان ایدوب ● مددرسان دل ناتوان ● اولوب بیوردیلر که
یا جابر جمله خرمایی شاخدن جدا ایدوب یهوده وسایره دیگی ادا
ایله قلت خرما مجزوم دل بی ریا ● ایدی کمال انفعال ● طاری اولدی
کلام شریفلری حکمتدن عاری ● اولمدوغندن هیلور دم
داس یاس ایله ● قطع کشت زار امید ایدوب ● ناچار جمع وقطع
خرماده درکار اولوب مصراع گر دست ماتهیست دل جسم ما پر است
نثر دیو اظهار قوت دل ایله ● حسب المامور مشتغل اولدم ● بعد الجمع
یهود مردوده تشنیع بشنیع ایله جمله دائنلریمه توزیع ایتدم
بن خرمایی پریشان ایندکجه خرماده ازدیاد نمایان ● اولوردی تا
بالتمام دینمی احاطه ایدوب سنگ غمر شاهراه دلدن اماطه
ایلدی گردن ذمتمی کمند قید بنددن رها ایدوب ● برمقدار خرما دخی

زیاده کلوب خانهٔ محنت آباد ده • برنجه ایام زاد و زاد ده • اولوب
اسباب استراحت آماده • و در سعت معیشت گشاده • اولدی
لمنّه بحمد الله ز دام وام آزادان • خلاصم را میسر کرده سبحان
باعجاز نبی هر دو عالم • بصورت آمده مقصودم ای جان نثر
بس چهرهٔ غم فرسود و فود • و جبههٔ جبوذ اولان • خاکپای عزت
آلوده لرینه • مالیده ایدوب • باد عنایت لری چمن زار امید
وزیده اولدوغن تقریر • و اشارت و بشارت و بشاشت ایله مجاری
اموری تصویر • ایتدم هبو دیلر که • یا عبد الله اشهد انی رسول الله نظم
مرسل حق سن سن ای سلطان دین • سکّه ایدن کافر در عین الیقین
آفتاب مکرمتسن ماهتاب مرحمت • نیر چرخ رسالت ماه برج معدلت
ای سپهسالار نزدیکان درگاه • و چراغ بزمگاه لی مع الله
شاه سریر آفرینش • و ماه سپهر بینش نظم آفتاب دین و دریای یقین
نور عالم رحمة للعالمین • علیک من الصلوات ازکاها • و علی صحبک
و آلک الی یوم الحشر والنشر والجزا • نه قوم در اول قوم که متابعت
امر کده در کار اولمدی • نه سحق اللوم در انلرکه • کار انکاری انکار
ابدی • غضب الله علیهم و لعنهم • و اعدّ لهم جهنم و ساءت مصیرا الا
سبحان المتعال • نه ضلال در که شعشعهٔ انوار هدایت ایله عالم تابان ایکن
ظلمت جهلده مظهر خسران اوله لر • پروردگارا چاره سازا بی نیازا
آلودهٔ خاک گناه اولان بندگان روسیاه که جادهٔ عبودیتده ثابت قدم

در اسیخ دم • اولمشلر در امید در که مظهر نوازش نسیم مغفرت • اولماغه
نزیل دار مرحمت • اولمق جلوه گر منصهٔ ظهور • اولوب ساحهٔ امیدن
دور اولالر لمنّه خدایا الها کریما رحیما • فزون شد گناهم ز حد و ز تقریر
بیخت ضعیفم قوی ناتوانم • دران دم که افتم بدریای تشویر نثر تاب ناره
تاب و طاقت • و عذابه استطاعت یوق • و اخور مرحمت اولمغه در یوزه
عنایت ایدرز بیت الها چاره سازا بی نیازا • خداوندا کریما چاره سازا
جرممز قلیل و حقیر • اما جرممز جلیل و خطیر • گرچه وعیدان بطش ربک
لشدید الا جحیم زاری حدید • اولسه او ابه ایدر • اما کوکل بو خطابه دیده کش
اولور که • ولا تقنطوا من رحمة الله نص مغفرت نمادر • حاشا که
خاشاک جسم دردناک • بیگاه احسانکدن جاروب رد ایله آلوده
رفت و روب اولوب عمان احسان • فیض رسان خطا کنهکاران اولمیه

معجزهٔ گفتار کرگ مردم خوار با حضرت رسول مختار

گرک بیشه درایت • اولان ثقات روات • روی معجزات دن
کشف قناع روایات • ایدوب بو معجزهٔ باهر الآیاتی • بو وجهله ثبت
صحف حکایات • ایتمشلر در که لمنّه رسول حق ظهیر دین اسلام
سرافراز تخت عز و اکرام نثر پرده کشای درج احسان • و شحنهٔ
غوغای عصیان • مدبر کار شکستگان • حضرتلری علیه الصلوات
الاتمان الاکملان • بر کون عرصهٔ بدیعه غرفهٔ بقیعیه دفن جنازه
مصلحتی ایچون • طرح همت بی اندازه بیورمشلر ایدی • ناگاه بر کرگ گلوب

ماننده شیر عرین • پای پسین ایله قعود • و منتظر کلام حکمت ورود درگی
اولدی • حضرت بیوردیلر که گرگ درنده • که جانب صحرادن آینده در
شبهه یوقدر که • اقتضای مصلحت رسالت ایچون حاضر اولمشدر •
چونکه مباشر اولدقدی کار آخر • اولدی مستاع نیازی پای انداز رسول
ممتاز • ایدوب زبان فصیح و دراز • ایله ابراز راز • ایتدی که ای سرور
ولایت پرور • و مهتر رسالت مظهر • گروه گرگان ماننده سپاه سباع •
بر محلده قریبده اجتماع • ایدوب خورشید نبوّتدن التماع • ایتدیلر که
مخالفت امردن دائما امتناع • اوزره درلر • حالا دریوزه عنایت
ایدرلر که • امت سرافراز دواب و مواشیدن حصه افراز • ایتمیکله
دغدغه مخالفتدن بی نیاز • اولوب • دریچه حرص و آزی باز • ایلمیه لر •
فرق غث و ثمین • و فربه و سمین • ایتمیوب هر نکه اختیار ایدرلرسه
قبوله قرین اولور • دست تعرض و تعدّی لی دراز • ایتمیدن غایت
احتراز • و مانند برگ بید اهتزاز • ایدرز لمنشئه قناعت مسکنیم
بر هرچه آید • زما سوء ادب هرگز نیاید • مطیع امر یزدان رسولیم
ولی از قید لقمه بس ملولیم نثر کلام فرستاده سخنور • رسیده گوش
حضرت پیمبر • اولیجق رده اشتباهی گشاده • و مراهنی مسامع اصحاب
کرامه افاده بیوردیلر • اصحاب عظام • بسط بساط کلام • ایله ایندیلر •
ای سید انام • دواب و انعام • ایچون زکوة انعام و اعلام اولنمشدر •
خواص و عوام • بو معنی ایله اکرام • بیوریلالدن • بزن زکوة فرومانده

چاه اهمال اولنیوب • نیروی بازوی ستم استعجال • ایله محلنه
ایصال • اولنور • بو تقدیر اوزره بکزیکار عسیر در • بیوردیلر که
ای گرگ سفیر دست کلام امت چهره گشای عروس رسالت اولدیگی
و مصدوقه مقال گوش هوشه ایردیگی • گرگ ایتدی درر کلام
رسول انام • شایسته رشته قبول و انتظام • اولور • میانمزده
سایر ایله گوکس مکالمه دایر اولمز بیوردیلر که • هر نه کلام شیرین که
اصحاب گزیندن • بو محله صدوره قرین • اولدی بنم داخی کلامم
همین اول قالبه مسکوک اولور • بو رأی رزین غیر متروک • در
گرگ ایتدی ای عرصه رزمنک شاهبازی • و ملک ولایتک
سرافرازی • گروه گرگک سربازی • و بزم حیله نک دغلبازی •
اولانلر گستاخی و خسارته جسارت • ایتمک و همی ایله متدارک
اولنلر • نفرین امتدن کندولرین صیانت ایتمک استرلر • والا
کار انفاق ایچون • ارزاق خزانه غیب خلاق علی الاطلاق دن وارد
اولاجغی بو دغدغه یی طارد در • غرض خزانه فواده مخصوص
اولان • جواهر خلوص معروض پیشگاه درگاه رسالت پناه
اولمقدر • والاخیر دعالری پیش رو قافله اعمال و راهبر
عسیر افعال اولمق کافی • و علل مرادانمزه شافیدر مصراع
آن به که ختام سخن بر دعاکنم نثر دیو اعتذار ذنب ایده رک
تحریک ذنب ایله • جانب صحرایی طلب ایدوب گیتدی • رجع علی حافره

مضمونی اظهار ایدوب کلدوکی یولدن غایب اولوب الشتیندی

معجزهٔ طلوع شمس پس از غروب بالتماس آن حضرت دافع الکروب

ضمیر منیر مبشران صبح اخبار • وخاطر مستنیر لمعات انوار • آثاره روشن ودیدار • اولا که فطانت وکیس ایله مشهوره اسما بنت عمیس رضی الله عنها • راویه وبو معجزهٔ باهره یی بوکونه حاکیه اولمشدرکه • صحرای خیبر مخیم سرادقات حضرت نبوت ومشرق خورشید سریر رسالت • اولدقده • پرتو اشعهٔ وحی تابانی • صبح جبین حضرت سلطان زمین وزمانی درخشان ایدوب • سپهر وجودی قطرات عرقدن کویا کواکب فشان • اولدی • چونکه محل نزول وحی والهام • دمسکام وصول تحیت وپیغام • ایدوکی • سمیر ضمیر منیر رسول علام • اولدی حضرت حیدر • نظر مبارکلرنده جلوه کر • اولمغله سر مبارکلرین کنارنه قویوب • اول مظهر سورهٔ هل اتی پایهٔ قدر ورفعتنی ربرتر ومعلی ایلدی مصراع سری زانوی عاشق نهاده خواب زده برکوهر ایدی که • تموج بحر فیضدن کناره دوشدی • علی براختر ایدی که • تهییج شوقدن دامن آسمان والایه ایرشدی • چونکه سید الانام • معارف واسرار باطن ایله لبالب • وتلاطم امواج دریای پیغام ایله پرشور وشغب اولدی مصراع چون ماه سر ازجیب توجه بدرآمد • سر عزت افسرلرین کویا دریای که کنار دریای حیدردن قالدردیلر • ویا مهر منور سپهر ولایتدن دربر • اولدی مشهود نظر همایون محجوب علام الغیوب نازل • وورای حجابه داخل • اولمغله نماز عصر هنکامی زایل • اولمش حضرت علینک کرچه درونی مقام نیاز • وبیرونی عین نمازده ایدی اما ارکان قیام هنکامی فوت اولدغندن تمام محزون ومهموم اولوب • اول روز عیش آخری شام غمام غم • بلکه اول سوکواری والم دن خطیب منبر سپهر منور • طیلسان سیاه ماتمی دربر • ایلدی قضاء مافات ایچون فلک رکوع وآفتاب سجود وخشوع اتمش ایدی • پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه دار القرار • بردیمانی دن شفقت ومهربانی ایله دست همایون عزت مقرونلرین بیرون ایدوب • متوجه بارکاه خدای بیچون اولوب • ایدی الهی علی دل بی غش وعلی • ایله جناب کبریاییه مشغول • وجسمی ایله خدمت رسولده ایدی • الهاپروردکارا • صمدا کردکارا • رجا ایدرم که مهر منیری غروبدن رها ایله که علی نماز عصری ادا • ایدوب مرآت خاطری زنک غمدن انجلا بوله • چونکه تمنای سلطان هدی • واصل درکاه خدا • اولدی هو الذی ینزل علی عبده آیات بینات لیخرجکم من الظلمات الی النور الآیه مضمونی بو سببه ظهور • اولوب • معیمان چرخ اخضر • وموکلان مهر انور • دلو زریندن آفتابی چاه مغربدن چیقردیلار • واطناب انوار ایله بالایه چکدیلر والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین الآیه ومجاوران دار العباده • ایام جار وب خورشید انور

که آفتاب عالمتاب غروب ایدوب ابرازندن صح

ایلمکه کنج غربی مسجد عالمی رفت وروبه اقدام ایدوب غبار ظلامدن پرداخته
وطاق محرابه مصلای نور وسجادهٔ کافور • انداخته ایدیلر • تا که حضرت
حیدر • نماز فائته‌سنی خضوع وخشوع ایله ادا • واتمام سجود ورکوع ایله
فرستادهٔ بارگاه خدا ایلیه نظم کسی کو کرد جان بنده‌گی این درگاه
کمینه بندهٔ او آفتاب آمد وماه نثر خفی اولمیه که شمسک بعد الغروب
طلوعی حضرتک رجا وتمنا وخشوعی ایله پیوستهٔ ظهور • اولدوغی مشکلات
حدیثده اسما بنت عمیس‌دن نقل ایله مسطوردر • امام طحاوی • وهذا
حدیث ثابت رواته ثقات • دیدیکدن صکره • اهل علمه بو حدیث شریفی
حفظ لازمدر • زیرا علامات نبوتدن اولدوغنه هرکس جازمدر دیمشیدر
بو تدقیقدن تحقیق اولنور که معترضینی رد • وموضوعاتدندر • دینلری
صد • ایتمش اوله لمنشئه پیشوای محبت وعشق • ناظم نظم ونامه نامی
جامی باده نوش بزم وصال • قدس الله سره السامی نثر
ملا عبد الرحمن جامی • حدیث صحیح ایدوکین تحقیق ایتمشدر • وقصیدهٔ
نضیده سنده • امام طحاوی سیبی تصدیق ایتمشدر نظم
چون فوت شد عصر آن علی • نه از بهر وی نه از کاهلی •
گشت از دعایش منجلی • برغرب شاه خاوران •
صلی الله علیه وآله • وعلی صحبه وعیاله • ماطلعت الشمس وبدر القمر
بامر خالق القوی والقدر •

معجزهٔ حضرت رسول عرش جناب در اسلام ابن حارث ذباب

نور معجزاتی گم گشتگان فیافی ضلالتی • طریق هدایته سائق ودلیل
اولان • حضرت رسول جلیل جمیل کم بیت مشک‌بوی از نافهٔ عبد مناف
عرش بگرد حرمش در طواف نثر معجزهٔ ظاهرة الآیاتلرندن •
بو معجزه‌لی • بوگونه قرین روایات • ایتمشلردر که ابن حارث
ذباب • ایام ضلالده برصنمه انتساب ایدوب • پرستش اصنامده
حبل استمساکی انفصام • بولمیوب نهایت اعتماد واعتقاد ایله •
خارج رشد وسداد • ایدی وتسخیر جنی ایله • اخبار بنی آدمدن مستغنی والوف
اول مرد بنام • الذی کیف مایشاء استخدام • ایتمکله اطراف جهاندن
هرآن ذبابه خبررسان • اولوب نطاق محبت واخلاص • میان بند
ورشتهٔ محبت واختصاص • ایله پیوند ایتمشلر ایدی • برگون ینه
طور معهودی اوزره پیشگاه صنمده سجود ومراسم طاعتده بذل
طاقت ایدرکن • بازار محبتده درکار اولان • جنیلردن بری که مخبر
اخبار روزگار • ایدی • حضور ذبابه کلوب ایدی • یا ذباب اسمع
عجایب العجایب • بعث محمد بالکتاب • یدعو بمکة فلا یجاب • وهو
صادق غیر کذاب • ذباب بو کلام ناصوابی استماع ایلدکده بنا
اولوب • کفار قریش بی ادراک سمعنه خبر بعثتی انها • وطرف مبعوثه
توجه لرزمین القا • ایدوب دست انصاف ایله صنمی شکسته •
وطرف حقه دلبسته اولوب • وفود وجهه جنود • اولان مجلس عزیز
الورودلرینه • متوجه وروانه اولدی لمنشئه بادل تشنه با تن سوزان

رونهاده بسوی آن سلطان • نثر چونکه قرین حضور معالی موفورلری اولدی
انعکاس نور اسلام ضیابخش دل پر ظلام • اولوب دیدۀ بصیرت
ایله بر جمال خوب طلعت • دلبر پیکر ماه ماهیت مشاهده ایتدی که
شعشعۀ نوری • محو کردۀ ظلام جهل صوری اولوب • تجلیات جمال حقیقت احاطۀ
جوارح جسم بی علت ایدی • هاتف تیقظ و انتباه هادی راه اولوب مصراع
الام ارتکابک غیر الصواب نثر شمۀ تکبیر و باری دین حقک سوادی
اولوب • قافلۀ جان و دلی ساحۀ نجاتک نازل سر منزلی ایلدی دیو
ندا • وصماخ جانه انبا ایلدی • فی الحال داعیۀ اسلام پیدا • وسویدای
قلبندن بو سودا وهوا هویدا • اولدی • چونکه نظر همایونلری
ذباب ابن حارثه مقرون اولدی • استعلام سبب ورود
بیوردیلر • ایتدی ای سلطان عزیز الوجود • سدۀ سنیه کزه انتساب
امیدنه خدمت علیه یه شتاب ایله • فرسوده روی خاکپای
توتیا نصاب • اولدم بیوردیلر که یا ذباب • اول صنم
بی روح و تاب • خدمتنده قصد اکتساب ثواب • ایدرکن خبر حزن
ایله رهیاب منزل صواب اولدوغک • خبر روز فلان ودم
فلانده کوشزد اولوب بو جانبه شتابان • اولدوغک معلوم
ونه کار ایچون کلدوکک مجزوم ومفهوم در • چونکه خطاب رسول
عرش جناب کوشکذار ذباب اولدی • آب ندامت ایله
لوث شرکدن پاک • وصیقل نور اسلام ایله زنک مرآت جانی

تابناک

تابناک ایدوب ایتدی • ای سلطان انبیا • حال زارم سکا بویدر ایچ
ضمیر پاکیه یوقدر انده که حالها چو نیست نثر نیجه زمانلر که لوث شرک ایله
آلوده یم • حالا پیشگاه درکاهه روی فرسوده اولدم که امر دعوته
متابعت • ودینکه دخوله مسارعت ایلیم نظم بکشا لب وزان جدا شکرین
کام دلها بر ارشکر کن نثر بنی لطف واحسانکه قرین ایلیوب کلمۀ شهادتی
تلقین ایله • حضرت رسول علام • تلقین کلمۀ اسلام ایدوب ذباب
اشهد ان لا اله الا الله • واشهد انک رسول الله • دیدی جان و
دلدن مسلمان اولوب • قبول دین وایمان • ایلدی بو قطعۀ انیقه
قریحۀ ذباب اولمق اوزره • داخل سطور بعض کتاب اولمشدر شعر
ولما رأیت الله اظهر دینه • اجبت رسول الله حین دعانی
تبعت رسول الله اذ جاء بالهدی • وخلفت اصنامی بدار هوان

معجزۀ حضرت رسول قریشی نسب در موی اتش عمرو بن اخطب

عرصۀ روایتک مردی • ابو نهیک یزدی • عمرو ابن اخطبدن
روایت ایله قرین حکایت ایتمشکه بر کون بیت شمع فروزندۀ ایوان ناز
سرو خرامندۀ بستان ناز نثر حضرت رسول علام علیه الصلاة
والسلام • پیشگاه همایونلرنده آرام ایتمش ایدم • بو بندۀ یه خطاب
ودفع آتش عطش ایچون آب احضار ایتمک اشراب بیوردیلر • جلوه کر
نظر انورلری اولان رکوه • بنم دخی نظرمده جلوه • ایلدی آب ناب ایله
ملان ونظر همایونلرنده عیان • ایدیجک روی آبده بر نیجه موی ذباب

نوربخش ایمان ایدن سلطان جهان • ورسول فرمان فرمای انس وجان •
مثنوی محمد کاید از خلقش گزندیست • زبانش قفل عالم را کلیدست •
بمعجز گوش مالد اختران را • بدین خاتم بود پیغامبران را •
صلی الله تعالی علیه وسلم وعلی آله • وصحبه وعیاله • چونکه لوای
والای اسلامی اعلا • واخبار اوامر وزواجری همه کسه ابلاغ
بیوردیلر • عصر همایونلرنده فرمان روای عجم • وشهنشاه کردون حشم
اولان • کافر خاسر ناچیز • یعنی خسرو پرویز • الطاف علیه
الهیه یه • اولدکلو مظهر اولمش ایدی که • اجداد واسلافندن
بریسنه میسر اولمامش ایدی • شکوه وشوکتی نهایتده • وانبوه
وحشمتی غایتده ایدی • عسکری بیحد • وسیم وزری لاتعد
ملوک اقطار خدمتنده درکار • رؤسای دیار مطیع فرمانی
هر بری کویا بر بنده ناتوانی ایدی • لمؤلفه • زهی هرکاری چون آفتاب
زمشرق بمغرب رساند طناب • نثر • اوتوز سکز سنه کار فرمای
خطهٔ عجم اولوب • جملهٔ عالم • امرنه تابع ومسلم • ایدی • آخر
دار نعیم لا یکدره الدهر • نخوت وغرور ایله • اذل کلبی عقور ایدوب
مصراع • غرور پادشاهی بردش از راه • بو دولت فانی یه
باقی کمان ایدوب • کمیت حرص وطمع ارخای عنان • ایدی
عادت روزکار زورکاردن غافل • وفنا فنای دهردن
ذاهل اولدی که • شهرستان وجوده کلن بهرحالک دروازه

اوزره نمایان اولدی • کویا چهرهٔ ماهده کوربن سیاه • یا رخسار
خوبان دلارادر زلف دوتا ایدی • فی الحال روی آب دن
رفع موی • ودل ارباب وفا کبی پاک ومصفا ایدوب •
کاسه ایله دست سید ناسه • ویردم • حضرت نبوت منزلت
ورسالت منقبت • صفا ایله نوش ایدوب • دلخوش • اولدیلر •
بو خدمت حمیده • اول حضرته پسندیده کلوب • بیوردیلر که خدا یا
پروردکارا • عمرو بن اخطبی • دایما تازه وتر • وکلستان وجودینی
مخضر • ایدوب آب شباب ایله نهال عمرینی سیراب • وقوت
قوت وتاب ایله • بو دعای مستطاب • مقبول درکاه رب الارباب
اولوب • مدت عمرده دست ضعف وپیری بنای قوتنه خلل • وتزلزل
شیخوخت قصر تاب وطاقته ذل • ویریدی رد آیت اولنورکه
عمروک سنین عمری طقساندن کذر ایتمشیدی • مزاجنده کدر
اولمدوغندن غیری موی سر ومحاسننده بر قلی اغرمش ایدی
مثنوی • سویلیوزی محاسن نبوی • با خصال کریم مصطفوی •
هر سوزی معجزه دعاسی قبول • استدوکی بولور حصوله وصول

معجزه کشته شدن پرویز بدرا • بدعای حضرت
سلطان انبیا وعلی آله واصحابه البررة الاتقیا

طنطنه معجزات • ودبدبه کرامات • ایله پس مع عالمیانه
ولوله رسان • واظهار انوار دین اسلام ایله اهل کفر وضلاله

عدمدن بیرون اولور • بر فردک صحیفهٔ حالنه رقم خلود چکلمش • و نامهٔ
عمرینه طغرای بعث یازلمامش در • بیت • جهان و کار جهان جمله هیچ
بر هیچست • هزار بار من این نکته کرده ام تحقیق • نثر • اول ظالم
غاشم • دست تعدی بی دراز • و پنجهٔ حرص و آزی باز ایدوب
ممالکی یازده اسب ستمی اشراف دیار محروم لطف و کرمی
اولوب • روسای عسکر گرفتار قید حبس • و اکثری مبتلای
مضیق رمس ایدی • لمنشئه • شده آیین عدل و دادش از یاد
ز بنیاد دی ممالک رفته بر باد • سپاهی و رعیت سر دو ناشاد
نه آن انعام شه دیده و نه این داد • نثر • مظلوملرک دادخواهلقلری
موقوف دیوان محشر اولوب • و ستم دیدهلرک تباهلقلری
منصهٔ عالمده جلوه گر ایدی • چونکه ملعونک ظلم و کفری افزون
اولدی • لاجرم مرغ روح خبیثی آشیانهٔ تندن بیرون اولمغه
مشهود عیون ایدی • پس حضرت سلطان انبیا • و شاه سریر
اصطفا • سردار سبحان الذی اسری • صلی الله علیه
و علی آله و صحبه النجبا • لمنشئه • خراج آور رشن حاکم روم و ری
خراجش فرستاده کیخان و کی • نثر • پرتو اشعهٔ معجزاتی لمعهٔ اشقهٔ
رایات کراماتی • هر مرز و بومه شامل اولمغله کسری بند پرویزه
دخی واصل اولوب • لمنشئه • دران دوران ز معجزهای مختار
بسی عبرت چنین آمد بدیدار • و بالجمله صولت باد اسلامدن

گلشن ایام پرویز بد فرجام پژمرده • و جسم دولتی صدمات
شمشیر معجزات ایله افسرده • اولوب متعاقب اول ستمکاره
برنیجه معجزه بدیدار • و خاصه اول بدکردار حقنده آشکار
اولمشدر که • اساس دولتنی منهدم • و بنای شوکتنی منعدم ایتمشدر
لمنشئه • ز معجزهای شرع مصطفایی • بر آشفته گشته دبدبهٔ کیانی
اولا اول ستمکار سعادت فرجام • ده که اسب دعوت شهریار
سرافراز • و سریر او دز غز و ناز • عرصهٔ عالمده ترک و تاز
ایتمکه آغاز ایتدی • خسرو خاسر طرفنه اعلام اعلای دین هدی
و انبای بعثت نبی خدا • لازم اولدوغندن کار فرمای حزم جازم
اولمغله • بر برید سبک خرام • نامهٔ مسکیة الختام • ایله ارسال بیورلدی
حلقهٔ دعوته گردن اطاعتنی ادخال ایچون • بسط مقال بیوردیلرکه
سرنامه نام خدا ایله زینت فزا • بعده نام نامیلری ایله شرف نما
و زیر نام همایونلرنده نام پرویز نگاشته ایدی • چونکه قاصد
نامه رسول ایله تختگاه پرویزه وصول • و حرم خاصسنه دخول
ایتدی • نه نامهٔ نامی کف قاصدده انگشت هدایت نما یا عصای
موسی ایدیکه • اول فرعون مصر غروره اژدها • یا غنچهٔ گلشن رسالت
ایدی که رایحهٔ عطرسا ایله تعطیر مشام • اهل صفا ایدردی • لمنشئه
چو قاصد عرضه کردان نامهٔ نو • بجوشید از قباحت جان خسرو
مضمون نامهٔ هدایت نمون • گوش زد پرویز اولدیغی • مرتبه متغیر

و بر دجله بستگدر • اولدی که دریا کبی جوش • و مانند نیل وارس
خروش • ایدوب **بیت** بسی آن بی ادب ترک ادب کرد
فراوان طعنهٔ خلق عرب کرد **نثر** جمله سخن درشت نادرستدن
بوکونه کلام سست • ایدیکه ممالک دنیا • وخطهٔ زمین غبرا
قلمرو حکومتم • و مسالک عرصهٔ پهنا • پارهٔ اسب دولتم ایکن **لله المنه**
بکا قیصر غلام کمترین در • کمین بندکان خاقان و چین در **نثر**
نه روا درکه • بالای نامم جای نام دونان اوله • و نه بلا درکه عنوان نامم
سر دفتر صحایف اکوان اولیه **بیت** کرا زهره که با این احترام
نویسد نام خود بالای نامم **نثر** سیل خشم و غضب • وادی جسم خسرو ده
ر دجله سیلان • ایلدیکه • کار فرمای حرم امر و نهی ایمکه امکان اولمیوب
نظم زخشم ان نابکار ناخردمند • درید آن نامه پیش قاصد افکند
اکرچه اول کافر بدکیش • و بی دین عاقبت نااندیش • بو مقوله بر فعل
نامعقول • و کار مدخول • جسارتی جسارتنه اقدام ایتدی • تا
خسر الدنیا والآخرة • مضمونته مظهر • و ملام خاص و عام • اولدی
آرزمان ایچنده • نامهٔ ایام عمری پیچیده • و مرغ حیاتی رمیده
اولوب خسران خسرو تبه روزکار • اذکار زبان ابرار • اولدی
بیت درید آن نامه کردن شکن را • نه نامه بلکه نام خویشتن را
چونکه کمال جهل و نادانی • بو کار موجب الخسرانی ابدا • و شق نامهٔ
همایونی هویدا • ایلدی جلیهٔ حال نکبت مآل معروض پیشکاه • درکاه

رسول الله اولنجق زبان پاک کفتار • و وحی کهربار سینه • مرزوق الله
کامزرق کتابی • دعاسی جاری اولدی اشیان دهاندن مرغ تیر
دعا • مصادف هدف قبول سبحان • اولوب از زمان
کچمدن انقضاء ایام سرور و صفا • روزکار پرویز نابکار ده
پیدا • اولوب دست تفرق دامن سلطنته بر وجهله تعلق و کردن
بر طریق ایله تطرق • ایدیکه کان لم یکن شیئاً مذکورا • مرتبه سنه
واردی • روز بدبختی بو وجهله پیوستهٔ روز اولدیکه • هر شب
جام مدام ایله لب برلب • و مذاق جانی شهد شیرین ایله
پرشکر • و نوش جام لب لعل فامی ایله عیش و عشرتی مکرر • ایدی
پسری شیرویه که • مرغ طمع هوای سلطنتله نغمه پرداز • دشمان
دولت پرویز ایله همپرواز • اولمش ایدی اما صحیفهٔ عالمدن
نقطهٔ وجود پرویز ناچیز حک اولمینجه قلوب اجنادی دشمن شکن
ابعادی اولمیوب • مرادی حاصل اولمیاجغی مجزوم اولوب
اول ظالم غشوم • ایسه نیجه کار مذموم • ایله مذکور و معلوم • اولوب
هرکس رشتهٔ خصومته پیوند ایدوب • مجموعهٔ وجودینی برباد ایتمکه
آرزومند ایدیلر • رؤسای عسکردن نیجه امیر کشتهٔ شمشیر
پرویز ناچیز اولمشیدی • مهر سلطنتی رفعت پذیر • اولدقجه سریر
غرورده جای کیر • اولوب • دواء دار الشفاء شفقتی خستکانه
ایرشمز • و نسیم لطف و مرحمتی ترویج دل شکستکانه ایسمز • ایدی

قریب اولمش ایدی که ٭ بوم فنا بام سراینده نغمه سرا اولدی بیت
وعاقبة الظلم لا ینام ٭ دان تاخرت مدة فی المدد
الدنیا قرض ومکافات نظم درین گنبد بنیلی برکش آواز
که گنبد هرچه گویی گوید باز نثر پس ارباب نفاق یعنی
شیرویهٔ بد اخلاق ٭ مهتران عسکر ایله اتفاق ٭ ایدوب پرویزی
امرادن حبس ایتدکی ارباب شقاق وشرلی اطلاق ٭ ایدوب
خلع پرویز ٭ وبیعت شیرویهٔ ناچیز ٭ ایچون جمله سی متعهد ٭ ودر آخر
متعاضد اولمق اوزره ٭ اول قوم شوم ٭ وگروه مذموم ٭
سروقت خسروه هجوم ٭ ایدوب خسرو آلودهٔ شراب ٭ ودست خواب
ایکن شیرویهٔ ناچیز الدنه ٭ بر خنجر سرتیز ٭ ایله بستر پرویز ٭
کنارنه کلوب ٭ شکم خسروده بر خنجر اوردیکه ٭ طومار عمرینی
ابتر ٭ ایتدی احشا وامعاسن پاره پاره ایدوب برپاره ایلدی
نظم درآمد بخنجر درپیش پرویز ٭ نهان در آستینش خنجر تیز
چو آن دیوانهٔ بدخو محل یافت ٭ کشیدان خنجر وپهلوش بشکافت
نثر خنجر شیرویه بر ماهی ایدی که ٭ نافه بحر شکم پرویزده طالع ایدی
یاخود بر شاهباز جان شکار ٭ ایدی که ٭ صید مرغ روح
پرویزی کار ٭ ایتدی نه مال ومنال ٭ دافع چنگال عقاب
آجال ٭ نه عسکر ورجال ٭ دفع هجوم خذلی واذلال ایلدی نظم
مشو غره بخیل بی شماری ٭ که در روز اجل ناید بکاری

حقا که وجود خباثت آلودی نوره دوره بر بار گران ٭ ودست
جوری غارتگر متاع ومال جهانیان ٭ ایدی من فعل ما شاء
لقی ما ساء مصراع چنین باشد سزای آنکه با نعمت کند کفران نثر
معجزهٔ حضرت رسول مطهر ٭ جلوه گاه مجلای صور ٭ اولوب
اولا شکم پاره پاره ٭ وکار ملکنه تمزق تطرق ایدوب ٭ اول کوندن
اعیان عسکرنه تفرق تعلق ٭ ایدوب آرزو ماندن بر باد ٭ وبالاخره
مضبوط اخبار اهل ایمان وسداد ٭ اولدی جزای سیئات اعمالی
وسزای نیات وافعالی ظاهر ٭ وشق نامهٔ رسول ظاهر ده منتج سر
اولدوغنک مکافاتی باهر اولدی للمنشیه دریدان نامه را چون آن جهان سوز
ازآنش پاره شد اشکم همان روز ٭ بسی آن طرفه کار بوالعجب بود
ز معجزهای سلطان عرب بود نثر اول دم شفا توام که اول
کافر خاسر خسرو متجاسر نامهٔ دلکشای نبی هادی مضمونینه اطلاع
حاصل ایتمش ایدی ٭ کانون دلده آتش غضبی مشتعل اولوب
جانب سعادت مآب نبیدن ٭ والی خطهٔ یمن اولان بادان
طرفنه مانند باد وزان ٭ بر پیک دوان روان ٭ ایتدی که
قطر عربده ظاهر اولان ٭ وجود معالی مآثر که خورشید دعوتی
مشارق صدقنده شارق ٭ وسپهر بعثی مغارق خلایق ده
بارق ٭ اولمشدر اخذ ایدوب بو طرفه ارسال ٭ واهمال واهمال
ایتمیه سن ٭ چونکه بو خبر ٭ گوش زد بادان هدایت گستر ٭ اولدی

نام ایکی شخص فرستاده جانب حضرت رسول علام ایدوب
خبر خسرودی اعلام ایلدی و امر پادشاه مخالفت موجب فضاحت در
لازم اولان انقیاد و متابعت در و الا عاقبتی ندامت در
دیدی فرستادکان بادان عجله و شتاب ایله روان اولوب
مدینهٔ منوره ده علی ساکنها التحیات مکرره رومالیده خاکپای
اکسیر تأثیر رسول خطیر اولدقده طلب خسرودی تقریر و امتثال
امره ترغیب و امتناعدن تحذیر ایتدیلر نظر همایونلری
قاصد فاسده مقرون اولیجق کوردیلر که حلیهٔ لحیه دن عاری و سبلت
سبیل سنتدن بری بیوردیلر که ای قوم پر معایب قص لحیه
و تطویل شوارب امر قبیح ایدوکی تصریح اولنمشدر نیچون
قبحنه اطلاع ایله حقه اتباع و بو کار شنیعدن امتناع
ایتمزسز ایدیلر که حاشا ربمز بویله تطویل و قصر ایتمک امر ایتمشدر
حضرت سلطان عربی بیوردیلر لکن ربی امرنی باعفاء لحیتی
و قص شاربی و یارین انشاء المولی جواب فصل الخطاب
ایله مجاب اولورسز دیو بیوردیلر کویا اول ایکی شخصک ریشی
تراش اولنمق شمشیر جهانگیر ایله اقالیم خسرو فتح و تسخیر اولنمغه
براعت استهلال ایدی که ممالکی موی مثال بیچ بیچ و مهل و تدریج
ایله مضبوط عسکر نصرت آیین اولدی عجب دکلدر که اول چراغ
بزم دین حضرتنه قصد ایله قرین اولان بداندیش سبلت و ریشندن

عاری اولیه لمؤلفه اول چراغکم یقر بار خدا کیمه اطفا ایده مز آنی دلا
چونکه بامداد مرغ زرین جناح خورشید آشیان افقدن پرواز ایله
پدید اولدی فرستادکان روی هلاک کرده سدهٔ گردون نشانه یوزی
اوردی اول کیجه وقایع احوال سمیر ضمیر آیینه مثاللری اولمش ایدی
بیوردیلر که تحقیق حضرت خلاق جهان و مرحمت کار کافه بندکان
ربکزی شیرویه تسلیط ایله هلاک و خنجر ایله اشکم چاک ایدوب
و شیرویه یی مالک تاج و نگین ایلدی و وقت هلاکی تعیین
و کیفیت قتلی تبیین بیوردیلر نظم درین فیروزه ایوانی برآفتاب
بدی را هم بدی باشد مکافات نثر قنغی حاکم کارنده ظالم اولورسه
صدمات مکافاتدن سالم اولدی بیت هر که تیغ ستم کشد بیرون
فلکش هم بآن بریزد خون نثر فرستادکان ایدیلر بو کلام
امر سهل دکلدر ملک پادشاهه اعلام ایدرز امام بعد بو مقام ده
آرام ایده مزسن بیوردیلر که بو کلام صحت انجامی ملکزه اعلام ایدوب
دیه سز که طنطنهٔ شوکت اسلام رسیدهٔ گوش هوش کسرای سقر
مقام اولوب قلمرو حکومتی اولان ممالک مضبوط غزاة انام
اولاجغی جای کلام دکلدر اکر پادان اول مقام ده آرام ایتمک
کام اولمش ایسه قبول دین اسلام ایتسون که ملکی بر دوام اوله
فرستادکان فرمان فرمای یمن عازم جانب وطن اولوب
ادای مراسم رسالت و اتمام خدمت ایلدیلر بادان ابتدی

زلال کلامک حاصلی صدق وصفا اولمق فوایحی جان سوزانی
سیراب وریان • ودبو مقالک معدنی لطف ووفا اولمق روایحی
دماغ وجانه عطرفشان • اولدی اکر واقعه مطابق اولورسه
طنطنه موافق اولور • خلافی نمایان اولورسه کار آسان در
دیو مترقب خبر صحت رسان • اولدی برکون ضبط ربط ممالک
مسالکنه سالک اولوب • رتق وفتق امور دولت کارینه مباشرت
اوزره ایکن مصراع زدر آمد بناکه پیک رونده نثر بر پیک پرنده
کمال استعجال ایله حضور پادشاه رودیهال • ایدوب جانب
ایراندن ارسال اولندوغی انبا • وخبر مرک پرویزی سمعنه القا
ایدوب • نامهء شیرویهء فرمایه‌سی غنچهء سربسته کبی ابراز • وکشف راز
ایلدی • چونکه زر کلام سکهء صحت ایله مسکوک • وقالب سداده
مسبوک • ومنوال سلامت اوزره محوکت ایدوکی ظاهر ونمایان
اولدی • بادان دفع اوهام وشکوک ایدوب مصراع
غافل مشو زکار که فرصت غنیمت است نثر دل وآفتاب ایمان سپهر دل
وجان ده رخشان • اولوب خدمت رسول منانی جویان •
خانهء جانده اولان اصنام شرک وکفری بردر • واساس بنای انام
وضلالی زیر وزبر ایدوب مصراع حیف باشد که شود کعبه بنا از منزل
دیو احراز شرف اسلام ایله اکرام رسول علام • ده اقدام
اوزره قیام • ایدوب • برید صبا نوید ایله • وقایع حالی معروض

پیشگاه رسول عالی قلدی مصراع کر شود فضل خدا کار شود آسانت •
سکان زیر حکومتی وقلمرو دولتی اولان ابنای فارس دخی حدود حرم
اسلامی حارس • ثم تبدل مکان السیئة الحسنة • مضمونی مظهر اولوب •
عرصهء اطاعتده فارس اولدیلر لمنشیه اولنجه معجزه بویله نمایان •
قبول دین اسلام ایتدی بادان • یانجه جمله سی ابناء فارس •
نهال انقیادی اولدی غارس • والله اعلم بالصواب •

معجزهء انهدام طاق بدعای پیشوای آفاق

بو روایت داخی قرین حکایت • اولمشدر که اول وقت که •
فخر جهان • اول کافر بدنشان • ایچون دعایه لب جنبان •
اولدیلر • امارات ادبار سعادت پرویزدن نمایان اولان •
اوللا بوحال ایدیکه • قصر زرنکار • وخورنق کردار ده نشسته نشیمن جاه •
وجلال ایکن • بر طاق ایوان کردون مثال • صرصر باد قهر
رسول متعالدن • متزلزل وتزاحم باد متسلسل اولیجق اساسندن
نظم
منهدم اولوب آز قالدی که بناء وجود پرویزی منعدم ایلیه
بر آمد ناکه از کردون طراقی • ز ایوانش فرو افتاده طاقی
نثر
انهدام طاق کردون نطاق بناء ملک پرویز دست صولت •
حضرت ایله نابود وناچیز • اولماغه اشارت • وقصر زرکاری
نشیمن اصحاب دین وملت • اولاجغنه براعت استهلال •
واقوایل لایل صحیحة المآل • ایدی زهی معجزهء باهرهء الشان که شکست

خصمای بی ایمان در • علیه سلام الله ما ناح طایر • وما لاح

للسایرین فی الظلم القمر •

معجزهٔ برکت طعام با وضع ید رسول علام علیه الصلوة والسلام

مسالک ممالک روایته سالک • حضرت انس بن مالک که

بلبل گلزار روایات • وطوطی شکرستان حکایات معجزات در

بو معجزهٔ علیا فضای روایتی هواسنده بو گونه گویا اولمشدر که

ام المؤمنین حضرت زینب • اولدقده تاج ازدواج سراج امت ایله

ابتهاج • ایدوب شکل امیدی بو مقوله قضیه لی انتاج • ایتدی

واول سپهر عزت ماه آسمان عفت ایله قران • وآفتاب اوج

سعادت • برج عصمتده درخشان • اولدی • فذلک یوم مجموع له

الناس وذلک یوم مشهود • مادرم ام سلیم حیس نام طعام ایله

بنی فرستادهٔ حضرت سید الانام • ایدوب ایتدی ای قرهٔ عینم

شرفیافته رومیال پیشگاه رسول علام • اولدقده بو ضعیفه دن

نقل تحیت وسلام • ایدوب دیسن بو شیئ قلیلی مادر مستهام

اتحاف شدهٔ والامقام • ایدوب حقارت وقلتدن حجاب تام

ایله تقدیم اعذار ایدر • بن دخی مادرکمی بویان • وخاک پاک پای

نبی عالیشان • جانبنه جویان اولوب • شول دم که رومالیدهٔ

پیشگاه درگاه رسول الله • اولدم حسب الامر اتمام مراسم

رسالت • وعرض اسلام وتحیت • ایدوب فی الفور حیسی نور ایله

نظر همایون لرنده نهاده ایدوب • دیدهٔ اطاعتی گشاده • ایدم

اصحاب سامیدن بعض گرامی • دعوت بویردق نیجوانه ضمیر مشتری فطنتلری

اولوب • نام نامیلری ایله تعیین بویردیلر • وخلال اثنای مصادفه

ایندکلرم • اصحاب گزین دخی حاضر اولمق • موافق رای رزین اولوب

بویردیلر که • ای انس بن مالک • خدمت راه دعوته سالک اول

پس حسب الامر خدمته مبادرت ایدوب • تعیین بویریلان اصحاب

هدایت رهین • وراست گلدکلرم مؤمنین • مجلس رسول الله

دعوت • اولنیجق • گلمکه هر بری مسارعت ایدوب • اول نادی خاص

اصحاب خواص • ایله ممتلی وغاص • اولدی تخمیناً اوچیوز آدم

اول حرم محترم الحجره • وضع قدم ایتدیلر • پس حضرت سید کائنات

دست مبارکلرین حیس اوزره وضع بویروب • خفیة بعض کلمات

ایتدیلر • وحاضر اولان اصحاب هدایت مظهر • سرخوانه اون

اون • جلوس ایتمک امر بویردیلر • المنة طولدی اصحاب ایله اول مجلس خاص

جمع اولوب گلدی انده جمله خواص نشر • پس حسب الامر المطهر • سرخوانه

اونر اونر • جلوس ایدوب • اول اوچیوز آدمدن کبیر وصغیر

جمله اول حیسدن سیر • اولوب حصه گیر • اولدیلر بعده حضرت

رسالت • بو فقیره رفع حیسه اشارت بویردیلر • قچن که توری

رفعه عزیمت ایتدم • مالی ایدی فرق ایتمدم اولکی حالی • ایتجه در

بلکه زیاده مشاهده اولنور دی المنة رسول الله که وضع ایده یادی

ترقی ایلمزی هیچ ایادی • مفیض نعمت وکان عطادر •
حبیب حق نبی مجتبی‌در • شه ملک رسالتدر او سرور •
اولو بدر امرینه مرسی شی مسخر نثر صلی الله علیه وعلی آله وصحبه وعیاله •

معجزهٔ تسبیح حصی در دست حضرت سلطان الانبیا

• مستخرجان جواهر معادن احادیث واخبار • که معجزهٔ تسبیح حصایی
سلک نقوله نظم ایدوب بوکونه اخبار ایتمشلردرکه • معدن
ورع وپرهیزکاری • حضرت ابوذر غفاری • روایت ایتمشدرکه •
بر روز پیروزده که سریر رسالت • اول در صدف نبوت
وجود پرجود • وذات بهبودی ایله • افتخار وقوایم دستیاری
چهار یار بزرگوار • ایله مشید واستوار ایدی • سنگ راه
شقاق وشقاق • وحز سنگ اهل کفر ونفاق • اولان قوم
پر انفاقی طریق ضلالتدن دور وناپیدا • فهی کالحجارة او اشد
قسوة الآیة مضمونی مصداقی اولان منافقینک الواح قلوبنده
کالنقش فی الحجر • منقوش اولان ارقام کفر وشرکی محو وعفا ایدرس
آتشکده وقودها الناس والحجارة • مضمونندن قصدرها • ایله طریق
حقه اهتدا ایچون • آستین شفقتدن بیرون کرده دست معجزنما
اولوب مصراع سنگ را باید شکستن هم بسنگ نثر فرقهٔ سنگ
دلانی رزم ایدوب • اقدام کفار لیامی شکستهٔ سنگ الزام • ایتمک
ایچون • مقابل پنجهٔ خورشید اولان • ید با تأییدلرینه • یدی قطعه سنگ

ریزه آلدیلر • وکف مبارکلرینه وضع بیوردیلر • فی الحال قطعات
احجار دست شریفلرنده مشغول تسبیح اذکار اولوب • وان من شیء
الا یسبح بحمده مضمونی بدیدار اولوب • زمزمهٔ تسبیحه گوش مستمعان
اعلاده قرار ویردیلر • گویا برنیچه لولوی آبدار • ایدی که درون صدفده
قرار • یا نجوم تابدار • ایدی که کنار ماهده آشکار • یا برنیچه نقطه ایدی که
سورهٔ نورده • ویا سورهٔ یس الجزء • آیهٔ وکل فی فلک یسبحون
مضمونی صدور • ایتمش ایدی • لوحش الله نه مقوله سنگ ریزه‌لر ایدی
که رشک دن رشتهٔ سبحهٔ هفت اورنگ گسیخته • وتسبیح مانند
دانه‌لری ریخته اولمغه قریب اولدی • آیا نه لآلی منثوره
ایدی که صدف بحر نبوتده اجتماع • ویا نه جوهر گرانبها ایدی که معدن
نبوتده التماع • ایتمش ایدی ابوذر غفاری • رضی عنه الباری
بیورمشلر که • اول سنگ ریزه‌دن صدور ایدن آواز وحنین که
کام جان حزین • ورازی شهد شهادت نبوت ایله • شیرین ایدردی
نالهٔ زنبور عسل گبی • گوش وهوشی پر طنین • ایتدی • همه احباب
واصحاب صفا اول طنینی اصغا • ایتدیلر لمنشئه گوره اول
گوهر نبوتی کم • سنگی انطاق ایده کرامت ایله • دست تابنده
ایله تسبیح • حقی ذکر ایلیه حلاوت ایله • ایتمیه سنگ دللر تابکی
قاله‌لر کفر ایله ضلالت ایله • نور تحقیقه اولمیوب واصل
• سحره حمل ایده‌لر جهالت ایله •

خلفاء راشدین • رضی عنهم رب العالمین • اول سنک ریزه
شرف دستبوسه قرین • اولمغله آیه شبه آیه لرینه آلدیلر • کویا
حصول شرف صحبت ایچون مرحبا • ایلدیلر اول عندلیبان گلستان
صفا هر بریسی کهنده نغمه سرا • اولوب کویا عماد دین • اولان
ائمه کرین حضراتنک محراب نشین • جامع خلافت اولدقلرین
اذعان ایدیبوب • نعت خوان خوش الحان • اولدیلر مرآت جمال
ابو ذر • بو صورتی جلوه کر • ایتدیکه • دولتال دیروب بو معنی که
میسر اوله • بو امید ایله صدف کف ابو ذر • اول درلری درکنار
ایتدی • لازمهٔ ذاتی اولان سکوندن غیری نسنه آشکار • اولمدی
حضرت ابو ذر غایت مضطرب و مضطر • اولوب ایتدی ای
رسول دادکستر • آیا حکمت ندرکه بو احجار جوش ایدرکن • بنم دستمده
خاموش • اولدیلر حضرت پیغمبر • بیوردیلرکه • یا ابا ذر سن اکرچه
صحبتده انلر ایله برابرسن • واطلاق اسم اصحابده همدمکسن • اما
جوهر خلقتده انلر ایله همسنک دکلسن علیهم الرحمه هر سنک بدخشان اولهماز
لعل درخشان • هر دانهٔ شهوار اولهماز کوهر عمان نظم
انلر بحر ولایت • سن قطرهٔ کرامت سن • انلر نزدیکترین شفیع امت
سن داخی داخل صحبت سن • سنک داخی قدرک ظاهر • وآفتاب
کبی باهر در رضی الله عنهم خلفا مظهر کرامت ایدی •
هر بری منبع سعادت ایدی • درّت عماد ایدی قصر اسلامه

انلر ایله ارشدی امتانه نظم هر بری مظهر ولایت • و مظهر کرامت •
مسند دین مبین • ومؤید اوامر رسول کرین • ایدی رضی الله عنه
اختر شرع وبرج ایماننده • کوهر درج صدق وایماننده •
• رضی الله تعالی عنهم اجمعین •

معجزهٔ یافتن حضرت عایشه سوزن خویشتن را بروشنایی روی پاک رسول خدا

موالی سامی مکان • فخر جهاندن حضرت سلمان • نهنک دریای روایت
وبیان • اولوب اول بحر نبوت ورسالتدن ظهور ایدن •
دراری معجزات • صفا صفادن بو معجزه یی بو کونه ثبت
صحیفهٔ نسخ لطیفه ایتمشدرکه • برروز بیروز ده طیبه طیبه ده
خانه دن بروز ایتمشیدم • ناکاه حضرت رسالت پناه علیه السلام
نور دهٔ خانهٔ چرخ برین • یکه سوار فلک هفتمین نظم
طرف مسجددن خرامان • دیده مه نمایان • اولدیلر اشعهٔ نور رسالت
وشعشعهٔ مهر نبوت • درون تیره می پرنور • وظلمات غم واندوهی
مهجور • ایلدی بیوردیلرکه • ای سلمان جویای خانهٔ عایشهٔ صدیقه
نشانم ایتدم • بن داخی سعادت رفاقتی جویانم • پس رخصت
یافتهٔ سعادت رفاقت اولوب • اول جانبه عزیمت ایتدک • اول
مرغ طایر قدسی پرواز • خانهٔ صدیقه ده آشیان ساز • اولوب
آفتاب جمالی • پرتو انداز اولیجق • حضرت صدیقه خنده کنان •

استقباله خرامان • اولدی حضرت رسول متعال خنده‌یه سبب بدر
الخلال کره انعقاد • نه مقوله سپه‌دور بنا نی ایلدکث د • اولمشدر
دیو بیور دیلر • ابتدی ای چراغ مروت وجود • ویرنور اکن
زوایای خانهٔ بی وجود • الحال هنم • مبارک ازار کده بر رخنه
نظر کمترمده جلوه‌گر • اولدی سهیلهٔ انصاریه دن • بر سوزن استعاره
ایتمشیدم که اصلاحنه برچاره ایدم ناگاه مصرع لمؤلفه الدن دوشدی سوزن خانهٔ اکره
هرچند که جست وجو ایتدم • وهر طرفه تکث ویو ایتدم • جد بحیاب ایله
ظفریاب • اولمدم خانه تنک وتاریک • وسوزن غایت
باریک • اولماغله مأیوس • وحزن وغمه مأنوس اولمش ایدم • چونکه
خورشید جمال شعشعه انداز • کلبهٔ احزانمه پرتوساز • اولدی
بر وجهله بخش روشنا ایتدیکه • نقش ونرش ظاهر • سوزن دکل نقبی ایله
کالشمس فی الهواجر • روشن وباهر اولدی لمؤلفه عالمی پرنور ایدن شمس هدی
خانهٔ تاریکه ویرمزمی ضیا نثر بو حاله شاد اولوب خنده‌یه بنیاد ایتمشیدم
لمؤلفه حضرت پادشاه هردوسرا • شافع خلق روز حشر وجزا
رخسار آلی اوزره قطرات اشک چشم بران • کویا کلزار حسن وبهایه
آب رحمت ایله سیرابی جویان • اولدی حضرت صدیقه
صحیحة المقال • فی الحال دا سبب گریه‌یی سؤال • ایلدی اول درج نبوت • وماه برج رسالت
بیت ضمان دار عالم سیه تا سفید • شفاعت کن روز بیم وامید
حضرتلری • بوکونه کهرفشان اولدیلرکه • ای عایشه چونکه سببین

پرسان • اولدک اکاه اول کم گروه امت پر عصیان • ایچون
نالان • اولورم هرکه روز محشر ومیزان • حمایله کزان • اوله محرز
سعادت دخول جنان اولوب مسرور الجنان اولور • هرکه ظفریاب
مشاهدهٔ جمال اولمایه • مظهر خزی نکال • اولاجقدر لمؤلفه
جمال باکمال مصطفایی • بره ایله میسر یا الهی
اگرچه بو قدر بزده لیاقت • ولی احسانکده اولمز نهایت
خدایا صمد اکرد کارا • خالقا غفارا • حاشا که بوخاشاک ذنوبی
دریای رحمتک • وصل سرمنزل مرام ایتمکله محصل المهام ایتمیوب
مشاهدهٔ دیدار پاک • مظهر لولاک لولاک • حضرتلرندن دور
ووادئ حرمان ده مهجور • ایلیه‌سن • قطره بحر کرم • شوی کرده
چرک جرم همه عالم • اکمن بر ذره کم • حقنده شفاعت رسول خاتمکه
مبذول • اولمیه • وهمه امت حاشا که مرامنه وصول وقصر
مغفرته دخول • ایلمیه • یا رسول الله مشاهدهٔ جمال شرفنه مظهر اولمین
بندهٔ کمتر سعادت شفاعتنه ینجه ظفریاب اولور • وآب مرحمتک
جریان ایتمیه • نارکناهی نه سویندور لمؤلفه الفقیر
ترحم یا رسول الله ترحم • دم محشر که می ترسم ازان دم
اگرچه در گنه ماندم نه ترسم • در امید عطا اما درستم
به عصیان همچو یوزم در جرات • کنم دریوزهٔ لطف وعنایت
ندارم غیر تقصیر وخسارت • خطایم را بکن عفوت مروت

ستایش پیشه روز شبان شد • ثنایش کار روز کار جهان شد •

نمی آید ز بحیبی جز شفاعت •
شفاعت یا رسول الله شفاعت •

معجزهٔ دلالت شیر سفینه را که بندهٔ آن ذات خطیر است

شیران بیشهٔ روایت • و آشنایان دریای حکایت •
بحر تحریرده بو وجهله شناور • وصید مرغ تقریرده بوگونه هنرور
اولمشلردرکه • خدام عالیمقام • سید انبیاء کرام • دن مهر انام
مرد بنام که • سفینه دیمکله شهیر خاص وعام • ایدی برام مهم اچون شهید منبده
حاکم مبجل • معاذ بن جبل • حضورنه طرف حضرتدن الهی فرستاده
رسول اولمشیدی • برسفینه‌یه دخول • ایدوب قصد مأمول ایتدی
ناگاه امواج دریا تلاطم • وافواج بحر تزاحم ایدوب • بهیج هوا
رشتهٔ بستهٔ سفینه‌یی گسسته • وشیشهٔ تحمل وقرار ارباب سفینه‌یی
شکسته ایدوب • شناور اولان هنرورلر کشتی وجودی دریا
نازل • ایمکله کنار سلامته واصل • اولدیلر • سفینه دخی بو ورطه‌دن
خلاص • وطالب راه مناص ایکن امداد باد توفیق رفیق • وهادی طریق
اولوب کشتی وجود سفینه‌یی بر بیشه کنارینه ملاصق • ایلدی
اگرچه ورطهٔ غوطهٔ دریادن خلاص • اولدی اما کم کرده طریق
ومفارق همه رفیق اولوب • دریای حیرتده لنگر صبحت اوزره
قرار • ونه جانبه عزیمت • ونه وجهله اتمام کار • ایده جکندن متحیر اولدی

مصراع اولمزمی ز لطیفهٔ غیبیه آشکار نشر • دیو صید مرامی
اقتناصده الطاف الهیه‌یه التجا واختصاص • وشصت رجایی
بحر خلوصده غواص • ایلدی ورصدگاه رجاده بروز ستارهٔ
بخت مشتری نقش وانتشار انوار فیض بخش امیدنده • دیدهٔ انتظاری
گشاده • وکمین الطاف خفیهٔ الهیه‌دن ظهور لمعان پرتو احسانه
ناظر وآماده اولدی • مگر اول بیشه‌ده بر شرزه شیر مکان
ایدینوب جایگیر اولمش ایدی • کمون کنامندن قصد شکار ایله
درکار • اولوب مترصد صدور ساکنان بیشه زار • ایکن
ناگاه دریای حیرتده دار سفینهٔ شکسته سفینه • بیگاه
بحر طلبده ظاهر وباهر اولدی مصراع بوگندی ایاغیله گلمش شکار الحق
دیو سفینه طرفنه حمله کنان حرص وآز ایله خرامان • اولدی سفینه
چونکه حملهٔ شیر شدید بین دیدید • اولدی سفینه نومید حیاتدن قطع
امید • ایتدی نه حس وحرکته قادر • ونه مراتب تدبیرده صورت
خلاص ظاهر • اولدی کمال ضجرت • ونهایت حیرتدن ایتدی
یا اباالحارث • بکا تا بویله هجومه باعث ندر • بن سفینه شکسته
سفینه‌یم صحرا اوزره عزیمت • وبادیه پیمای مسافرت اولوب
مبتلای امواج دریا • وملعقای افواج بلایم • گرچه سفینه‌یم اما
لنگر وجودم شکسته • گرچه بو صحراده آزاده‌یم • اما قید رسالته
بسته‌یم • جانب مدینه‌دن امر مبجل • رسول مکمل ایله گلورم بنده‌یم بیغمبرم

بنی نامهٔ مبجل ایله • فرستاده معاذ بن جبل ایلمشدر لمؤلفه
قولی قربانیم او سلطانک • شمدی امار رسولیم آنک •
بنی ارسال ایلدی بنه • تا دونم توجنبر له آکه آینه •
بنده وار نامهٔ فرستاده • اولدم اما بو جابه افتاده •
چونکه نفرز سفینهٔ فلاکت پذیر گوش گذار بشیر • اولدی • دشمنم نامهٔ
رسول کریم • دماغنی تعطیر ایتدی • مقام عذر و نیازده جاگیر
اولوب • انواع تملق ایله دامن سفینه به تعلق • ایدوب لنگر امداد
و معاونت • ایله گرداب حیرتدن خلاصه همت • ایدوب برد جمله
انقیاد گوستردیکی • سفینه به اعتماد • گلوب امداد شیره استنار
و اعتقاد • ایتدی شیر اوگنجه روان • و بدرقهٔ راه گبی خرامان •
اولوب • مددکاری نسیم الطاف کردکاری • موافق حال و کاری
اولوب • انواع خشوع و مسکنت ایله راه مستقیمه دلالت • و راه راست
نمایان اولنجه روان • گویا بر خدمتکار ایدیکی حذمت مخدومنه
دوان • ایدی چونکه طلیعهٔ راه راست طلوع ایتدی • آداب و خشوع
ایله دامن سفینه به یوز سوروب کنامنه رجوع ایتدی لمؤلفه
گورهٔ حیوان ایکن دلاشیری • قدر پیغمبری ایدر اذعان •
بنده سینه دخی رعایت ایدر • طوغری یوله اکا دلالت ایدر
اللهم اهدنا طریق الصواب • وارنا الحق حقاً یا من لیس لالطافه
عدد حساب بحرمة النبی الکریم • والآل والاصحاب •

معجزه باهره در تعیین هلاک منافق • بوزیدن باد ناموافق

گلشن معجزاته نسیم روایتی وزان • و جویبار معجزاتدن گلستان
نقوله اجرای آب روان • ایدن اصحاب معالی نشاندن حضرت
جابر سامی مکان • روایح ازهار نقل و روایت ایله تعطیر مسامع امت
ایدوب • دیمشدر که بیت امام رسل پیشوای سبیل
امین خدا مهبط جبرئیل • شفیع الوری خواجهٔ بعث و نشر
امام هدی صدر دیوان حشر نثر حضرتلری بر هنگامده
سفر بدید ایتمشلردی مصراع بر سحر مانند خورشید افق
رجوعدن بدید اولوب فضا و وطر ایله مغرب سفردن متوجه مشرق
اقبال اولدی • شهره قریب اولنجه ناگاه بر ریح عاصف
پیدا • گویا دریای زمین ده گرد باد موج پیدا • اولدی بیوردیلر که در
بو ریح شدید درون شهرده مرگ منافق بدید • اولدوغنه دلیل سدید
لمؤلفه اولسه باد شدید اگر که وزان • بر منافق هلاک ایدر دوران
مرگ اهل نفاقه اولدی دلیل • باد عاصف او دمکه اولدی عیان
اول همای سپهر نبوت • و کمال نهال بستان عز و جلال خطهٔ
مدینهٔ منوره به وضع رحال • بیوردقلرنده گوش زد اصحاب
و آل • اولدیکه کبار منافقیندن بر مشرک ضلالت قرین • جاگیر
شغیر خفیر دوزخ رهین • اولمش لمؤلفه هرنه سوزکم دیرایدی قبل وقوع
مهر عالم گبی اندردی طلوع • • سخن پاکی مهب ولایت ایدی

ذاتی گنجینهٔ رسالت ایدی • غیب دان علوم وحکمت ایدی •
آفتاب سپهر فطنت ایدی • ایده رز دائما صلوة وثنا •
روح پاکی رسوله ایحیسی • اومرز دولت شفاعتنی •
یولی آز شده هدایتنی •

معجزهٔ راه دادن شجر در شب تاریکتر بجناب پیغمبر علیه الصلوة والسلام

بدرقهٔ عنایتی سائق راه هدی • وخورشید کرامتی نور پاش
لیلهٔ ظلما • اولان سلطان انبیا • حضرتلرینک صلی الله تعالی
علیه ما دار السما • معجزات باهرة الاعتدال اندن • بو معجزهٔ عظمی • بوکونه
روایت وانبا • اولنمشدرکه • غزوهٔ طائف ده • اول واقف اسرار
معارف • وطایف حرم مرموزات لطائف • نکته ربای سرّ ما اوحی
دارج مدارج سموات علا • برشب تاریک ظلما ده که • کواکب
مویدا • اولمیوب لمنشئه الفقیر دکلدی شب مکر بر زشت زنکی
ضیای صبحه صالدی حنیلی زنکی • هجوم ایتمشدی وه عسکر شام
سیه خیمه قورلمشدی اول اجشام • نثر ابر تیره فضای هواده سرا پرده
سیاه فامی جلوه کر • چراغ نجوم باد انطفا ایله بی فر • مداد سواد ایله چهرهٔ
شب دیجور • لمنشئه شبده عبوس قمطریرا • تحریر کویا قطرات قیر تقطیر • اولنمش ایدی
شب دکل کوه قیر ایدی کویا • قاپلمشدی جهانی سر تا پا • نثر
بر شتر راهوار • اوزره سوار • وروبراه اولوب کیدیر کن ناکاه • نرکس رعنای
باعث آفرینش ووجود • پشت مرکوبده خواب آلود • اولدی کرچه مقتضای بشریتله

خواب استراحت ایتدی • اما دیدهٔ دل وجانی کشاده • وعالم استغراقده
آماده • ایدی کان النبی صلی الله علیه وسلم • تنام عینه ولا ینام قلبه
لمنشئه صنمک که کوزم مردمی خواب ایچره نهاندر • ایچاردن حوال حالنه نکراندر
خلال راه ده بر شاخ پرخار که خار راه • ایدوکی بی اشتباه • ایدی
مقابل روی رسالت پناه • اولدی آز قالدی که • روی مبارکلرینه داء اصل
واول حاصل کن فکان حضرتلرینه • اول وضع کستاخی دن
اذیت نائل اوله • پس شجر مانند معجزهٔ قمر ایکی شق اولدی • تاکه
رسول مصدق سلامت ایله کذر ایدوب • روی مبارکلرینه کذر
ایرشمیه • هر شقی بر جانبه قایم • کویا سلامه منتظر ایکی شخص قایم • اولدی لمنشئه
راه خدمتده طوردی قایم ایدی • صاغ وصولده ایکی ملازم ایدی • نثر
صفای بال وسلامت حال ایله • میان شقیقن دن مرور • ومحل ضرردن
عبور • بیوردیلر اما شجر موتمر • اول حال اوزره مستمر اولوب قالدی
شجرهٔ نبوت ایله مسمی اولوب • الی الآن اول شکل اوزره نمایان
ومویدادر لمنشئه نه عجب خاک اولور بنی آدم • جهلله ایلمز اکا تسلیم
باد ایله آب تابع امری • حجر ایله شجر ایدر تعظیم
ایتمین اول نبی یه اقراری • آتش دوزخ ایچره اوله مقیم
اللهم اجعله شفیعا لنا • واهدنا طریق الهدی

معجزهٔ زیستن یکی از مردکان در انکار کورد لان خضر دم کم

روایت آب حیات معجزات ایله • موتای قلوبی احیا ایدن رداء

انفاس نفیسلری مانند دم عیسی در • بو وجهله انبا ایتمشلردر که برقطعه
بیت پیشرو کوکبهٔ انبیا • کوکبش از منزلت کبریا
حضرت سید الوری • صلی الله علیه وسلم حضرتلرینه طایفهٔ یهوددن
اوچ شخص عنود • کلوب برینجه سؤاله جسارت ایتدیلر • بری ایتدی
ای رسول صاحب دعوت • مزیت مرتبهٔ قربت • رب عزت ایله سائر
انبیادن فضیلت دعواسنه جسارت ایدرسن • اما بو مدعی
محتاج دلیل جلیل در • اول فرقهٔ علیه دن • حضرت ابراهیم خلیل
سعادت خلت ایله ممتاز • عزت کرامت ایله سرافراز در • ذات
صداقت شعارده حتی بو مقوله حال وارمیدر • مثنوی
در آن بحر بیکه پروردگار • چه گونه وراپرورد وقت کار
چه گونه کرامت بأو میدهد • چه اعجازها در کنارش کند • نثر
حضرت خیر البشر بیوردیلر که • بنم ذات ستوده صفاتم محبة اللهیه
مظهر اولماغله مزیت اظهردر • اول خلیل الله ایسه • بن حبیب الله
اولدوغم نه جای اشتباه در • خلیله آتش گلشن اولدی ایسه • بنم امتمه
دوزخ جانان اولاجغی روشندر • خلیل جلیل بت شکن اولدی
ایسه • بنم پیشگاه درگاهمده اصنام جبهه زن اولمشدر • هر نه فضیلت که
ذات پاکنده مثبت در • اول سلف و بن اکا خلف • اما معنی مقدم
و عالم خلقته اول وضع قدم ایتدوکم محتاج رقم • اولمیوب جف القلم ایله
مثبت و محکم در • بیت خلیل از خلیلیان سپاهش • کلیم از چاوشان بارگاهش

زهی شخص باطل • و مجاری اموردن غافل و ذاهل • که نضرت گلستان
خلیل • نسیم جمال نبی جلیلدن ایدوکن بلمیه • و حضرت بستان نبوت
حضرت مظهر خلتت امداد امطار عنایتدن بدیدار ایدوکنی اکلمیه • نظم
زان رخ گلگون که گلستان شده • نار براهیم گلستان شده • نثر
بری داخی جر ذیل سؤال ایله بسط مقال • ایدوب ایتدی حضرت موسی
مظهر خطاب خدا • اولوب نیجه گونه معامله • آخر شرف مکالمه ایله
خورشید قدری منجلی اولوب • اول کوه طورده سعادت تکلم ایله فرق فرقدانه
واصل اولدی • سنزده بوکه معادل • بر شرف حاصل اولمشمیدر
نظم شه پیغامبران بتخت و بتاج • تیغ او شرع و تاج او معراج • نثر
بیوردیلر که • حضرت موسی تجلی جمال ایله طورده محصل الآمال
اولدی ایسه • بنم ذات سعادت آیاتم • فرش عرشده مجلای جمال
خدای ذی الجلال • اولدی • سائل باطل • بو حالدن غافل • ایدی که حضرت
موسی دفع مضرت اعداده • اول آب روی دنیا و مافیها یوزی
صوینه بحردن عبور • و وادی سلامته مرور • ایتدی لمنشیه
بحری یوزی صوی سینه ایتدی عبور • عسکر بی کران ایله موسی • نثر
پیشگاه فرعون ضلالت پناه ده • اظهار ید بیضا • عالم قدمده
حضرت نبوتدن ال آلماسه • نیجه مؤید اولوردی • لمنشیه
آذن الماسه ال اکر موسی • معجز اولمازایدی ید بیضا
مذاق جانی تریاق شهد محبت حضرتدن حصه دار اولماسه زهر افعی

مکر فرعون دن خلاص نیجه بدیدار • و بادیه پیمای محبتی اولمامه
کوه طوره خروجی • و رتبهٔ علیهٔ کلمات عزت عروجی • اول سرافراز
نیجه احراز ایدردی • منظور نظر رعایتی اولمامه • ارنی انظر الیک
نمناسنده نیجه درکار • اولوردی بیت موسی اکر در ره اذیت بیک
کی ارنی کوید وانظر الیک نثر بری دخی ایتدر ای رسول ممجد اساس
دعوای دائما مشدد • ایدوب سکا به کیر عرصهٔ تقریر • ادکور سکه
نزد خدای بیچون ده • بنم قدر ورفعتم حضرت عیسا دن افزون در
بو مدعی اعتماده نیجه مقرون • اولورکه • حضرت عیسی اموات احیا ایله نیجه
معجزهٔ باهره ابدا ایتدی • اما سنک رشتهٔ نبوتکده • اول مقوله درای
انتظام بولدوغی کمسنه نک منظور انظاری اولمامشدر • حضرت نبوت
منزلت که بیت مرده مسیحش بدم بندکی • دم نزند پیش وی از زندکی
بو سخن ناتراشدن رنجیده • و دل خراش اولوب سیمای سیما دادای
سائل بد خلقدن سامعه و باصره لرینه بو نوع ضجرت کلدی فی الحال
حضرت حیدره ندا • و مجلس همایونلرینه • حضوری لزومنی انبا بیورز دیلر
حضرت حیدر ابن ابی طالب • اول حین ده حضور همایوندن غائب
ایدی • باینده مسافهٔ بعیده طاهره و بدیده ایدی • سرعت
واستعجال ایله • خاکپای عمیم النوالارینه • وضع جبین ابتهال
ایدوب • لبیک لبیک یا رسول المتعال • دیدی بیت
روحی فداک ای محتشم لبیک لبیک ای صنم • ای ای تو

شمس ضحی وی وی تو بدر ظلم نثر بیوردیلر که • باد وزان عالم خبر پیک خدای
داد کر مصراع حضرت جبریل امین وحی حق نثر امداد نسیم توفیق خدای
متعال ایله • صدای سکا ایصال ایلدیمی • ایتدی صوت عالی صماخ
جانه بر وجهله واصل اولدیکه شتاب ایله درونمی هالی ایتدی •
بر آن قراره مجال محال اولوب • رویمال خاکپای عمیم النوال ایتدم
هیچ بلمم که بو دکلو راه بعیدی بن نیجه قطع ایلدم • لله الحمد که شرف
ملاقاته فائز • واول سعادتی حائز اولدم مصراع بدین مژده کر جان فشانم
روا است نثر بیوردیلر که • بو جماعت ایله سیر وحرکت • وشتدر حال عزیمت
ایدوب • مشاهیر یهوددن • یوسف بن کعب مدفننه وارد وضع
کعب ایدوب • بنم طرفمدن امر فرمای کارکاه خلقت ایله
قبرندن خروجه مامور ایدوکندن آکاه ایله دعوت ایله • باذنه سبحانه
جلت آلاؤه وعمت • دعوتکه اجابت ایدر • تاکه احیا میتنه قدرت
ظاهر ومثبت اوله • حضرت حیدر • پیشکاه درکاه خیر البشردن
رو براه ایدوب • اول کروه مکروه بی اشتباه • ایله محل مأمور که
مدفن یوسف مزبور در • منتهای سیر وسفر اولیجق • توصیت حضرت
پیغمبر • اوزره اسمی ایله ندا • وامر خدا ایله قبردن خروجه
ایما بیوردیلر • کویا بر سهم تیز وچالاک • ایدیکه سینهٔ قبری چاک ایدوب
بر مقدار شکاف بدیدار • ایتدی نیه ندا ایدیجک • بر مقدار دخی
هویدا • اولدی دفعهٔ ثالثه ده علی ولایت سند • بر صدای بلند ایدیکه

ای یوسف باذن الملک العلام • فرستادهٔ رسول انام • قبردن قیام
ایتمک اعلام • بیورلمشدر • اظهار انقیاد امر رسول علام • ایله امر جلیل ایله
گویا ندای اسرافیل ایدی که • لحده نزیل اولیجق • یا صوت ملک ایدی که
قعر چاهده گوش یوسفه صدای جبل اوریجق • امتثال امر همایون ایدوب
درون لحددن بیرون اولدی • سر قبرده ستاده • و پیشگاه
انقیادده سر نهاده اولوب ایدی • ای قوم قرده بنم یوسف
ابن کعب مرده که مشاهیر قوم یهوددن ایدوکم معلوم و مشهوردر مجرد بر
ایام حیاتمده قوم تبعه نیچه گونه پند ایتمش ایدم • سودمند اولمدی
و هلاک و مخافات • و سقف و آفاتدن نیچه وجهله تحذیر ایتمش ایدم •
قلبلرنده جایگیر اولمدی • آخر مرآت عقللری غبار ندامت ایله مکدر
اولوب • مخالفتدن متضرر • اولدیلر دست برد اجل جسم زاری
خلعت حیاتدن عاری • ایلیه لی کامل اوچیوز ییل اولمشدر • حالا
ندای کرار • امر جبار ایله گوش گذار • اولوب مأمور اولدم که خاک آسا
میان قبردن بروز و صدور • و تصدیق شفیع یوم بعث و نشور
ایلیم که • حضرت رسالت پناه • نبی الله ایدوکی محل اشتباه •
دگلدر • سید انس و جان • و افضل پیغمبران در • چونکه معجزهٔ حضرت
اول قوم معاینه • بو حالی مشاهده ایتدردی دست تعجبی دندان حیرتده
قودیلر • افتضاح حال یوسفدن علی زعمهم عبرت ایدوب • رجا ایتدیلر که
ای حیدر ولایت پناه • و ولی بی اشتباه • بنه بو مردهٔ فسرده قبره داخل

اولمق قابلسه فتح باب مروت • و بذل مرحمت و فتوت ایله حضرت
علی یوسف بن کعبه اخفا ایله برایکی کلمه اسماع ایدوب • ینه قبرینه ارجاع
بیوردیلر • صندوقهٔ قبره داخل اولوب • رخنه لر بربرینه متصل
اولدی • زهی قوم باطل که • فهم قدر عالیلرندن غافل اولالر • برگزیده
نیچه مرده قلوبی حیات اسلام ایله حی ایدوب • بیابان ضلالتی طی
ایدوررکن • بر مرده حیاتنده اشتباه ایله گم کردهٔ راه اولالر •
افضل انبیا ایدوکی • کالشمس وضحیها روشن و هویدا در نظم
اول گل که آدمش بفشرد • صاف او بود دیگران همه درد نثر
صورتا مؤخر ایسه دم خلقتده جمله دن مقدم ایدوکی اظهر و روشنتر در
لمنشئه خیل رسل اوگنجه نور عسکری در • سلطان او در که صکره دن آچه جوانبی
قال النبی کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین صدق رسول الله حضرت آدمدن دخی
اول ایدوکی مثبتین در مثنوی نور بخشش چو علم بر کشید •
شام عدم را سحر آمد پدید • یافت بخت آدم ازان نور تاب
عطسه زد از دیدن آن آفتاب • در تتق بارگهش وقت کار
مایده کش عیسی و خضر آب دار • پیش حیوان چشمهٔ دریا قیاس
نوح ز بی آبی خود در هراس نثر جرایم آدم • مبدأ وجود فخر عالم
اولمغله • محو کردهٔ رقم عفو و کرم اولمشدر • هنگام طوفانده نجات
نوح نجی اول حضرتک نوری صوبینه اولدوغی بدیهی در لمنشئه
حرز جان ایتدی نوربنی چون نوح • ویرمدی هیچ کدر اگه طوفان •

نور جمیل نبی جلیل جبین پاک خلیل ده هویدا اولمغله یار کونی
برد او سلاما خطابی مرآت خیال ده چهره نما اولمشدر قطعه
به قد اجاب الله آدم اذ دعا ونجی فی بطن السفینة نوح
وما ضرت النار الخلیل لنوره ومن اجله نال الفداء ذبیح
حضرت سلیمان باد ایله اوج هوایه عارج اولدی ایسه حضرت فخر
عالمیان براق باد پیما ایله اقصای مدارج سمایه دارج اولدی لمنشئه
یوسف ایله ذبیح ای حبیبی قول قربانی اولدیلر حقا نثر
حضرت داود ده آهن موم اولدی ایسه نیجه قوم مذموم که هر بریک
دل سنکینی صخرهٔ صما کبی اولدوغی هویدا ایدی بزم دعوی کرم ونجی
مانند شمع نرم اولدیلر شعشعهٔ جمال فروزاسنه تابان وبدرقهٔ
درماندکان اولمسه حضرت خضر نایل سعادت راه آب حیات
اولمیوب وراه ظلمات ده کم کردهٔ طریق نجات اولمق مقرر
مانند سکندر دامن مقصوده دست رس میسر اولمازیدی حضرت
ادریس اساس بنای خلوصی تأسیس ایدوب آرزومند جمالی اولمایغین
کویا شب معراجده ملاقی اولمغیچون سپهر متعالی اولدی حضرت
موسی انفلاق بحر ایله مباهات ایدرسه حضرت مصطفی انشقاق
قمر ایله رجحانی اثبات ایدر دریا روی خاکده اما ماه جهان افلاکده در
حضرت موسی حجردن اخراج ما ایتدی ایسه حضرت نبی هدی
اصابع متبرکه لرندن انفجار آبی هویدا ایتدیلر حضرت موسی کلیم سر طورده

مظهر التفات علام وعلیم اولدی ایسه حضرت نبی کریم مقام قاب قوسین ده
عارف سر عظیم اولدی لمنشئه بر دمده کچدی عالمی وماوراسنی
بی شک وشبهه کوردی جمال خداسنی فی الجمله قدرین اکلرانک کوش ومیان ایدن
یا ایها الرسل ایله حقک ندا سنی نثر وبعض انبیاء کرام علیهم السلام دن
احیاء موتی صدور ایتدی ایسه حضرت رسول مجتبی انطاق زغاله
نخته ایله در معجزاسته سفته ایدوب دخی نیجه اموات احیا خصوصا
حنین جذع کبی معجزه هویدا بیورمشلردر صورتا انطاق خشب
المصعبدر همهٔ انبیاء اکرم صورتا مقدم ایدکلری مسلمدر
اما مقدمهٔ وجود رسول علام ایدکلری نه محل کلام در اکرچه انلر صورتا
مقدمهٔ بهجه در اما رسول کونین جملهٔ مقدماته نتیجه در صحیفهٔ
وجود ده مؤخر ایدکلری مقرر در اما خلقتده مبتدا ایدکلری
اصح خبردر لمنشئه اولدر اول بو کارکاه سبب اولدر آخر بو کارکاه
مثنوی بود درین کنبد فیروزه خشت تازه ترنجی ز سرای بهشت
رسم ترنجست که در روزکار پیش دهد میوه پس آرد بهار نثر
بر پادشاه بی نظیر وشهنشاه خطیر در که سلطان ممالک رسالتلرینک
رسول خطیر عرش سریر که ماه تابدار فرمان بردار اولوب
انشقاق ده درکار اولدی مژدهٔ صد ساله بر اشارت ایله قبولنه
مسارعت ایتدی کف جود واحسانی سحاب فیض رسان
ایدی که اجرای آب ایله بر عسکری سیراب ایلدی کرم وافضالی

وحش و طیره اشتمال ایمکله غزال طلبکار لطف و نوالی اولدی
ماه منیر لمعهٔ حسن بی مثالی • والنجم ذرهٔ آفتاب جمالی • خورشید
تابدار آرزوی وصالی ایله شب و روز گشت و گذارده •
و سپهر سعود آرزومند جمالی اولوب دوز لمنشئه آسمان بر حلقه سی در موئینک
خرقه پوشی خانقاه کونینک نثر دانندهٔ حقایق الهی • ناقد دقایق
ارنا الاشیا کما هی • مظهر پرتو عزت استیناس آفتاب •
وجعلنا له نورا یمشی به فی الناس • حقا که پرتو انوار هدایت و ارشادی
فیض رسان حاضر و بادیدر • سپهر برین نعل غبار مرکوب صبا
رفتاری • شب معراج گیسوی تابداری • تار می جلوه گاهی • باغ لامکان
آرایشگاهی • سریر دل و جاندر • سلطان تاج بخش بی تاج
و شهریار معراج • و پیشوای محراب • صلوا کما رأیتمونی اصلی دیکن
بی ارتیابدر • قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی الآ ذات مطهری
مظهر اولدوغی الطاف خداوندی قنقی رسوله میسر • خصوصا
صورت معراج قنغی نبینک • مرآت آمالنده جلوه گر • اولمشدر
پایهٔ رفعت بختی دوش سدرة المنتهی ده استوار • زینت تاج مباهاتی
گوهر لولاک ایله تابدار • خورشید یسین و نور اول ایدوکی
مبرهن و مدلل در مثنوی لمنشئه فلک مشعل فروز خانقاهی
ملک دربان بارگاهی • قمر زرین کمند نیزه گاهی
زحل چوبک زن مهندی جاهی • ستون سایبانی شاخ طوبی

فضای درگهی فردوس اعلا • ناطقهٔ مدیح گستر ده اولدقلو قدرت
یوقدر که • دریای مناقب جلیلهٔ حضرتدن برقطره بیانینه طاقت
گوستره • و زبان مدح سراده اول جرأت یوقدر که • آفتاب محامد
جمیلهٔ نبویدن بر ذره املاسنه قدرت بوله • لمنشئه آنی مدح ایلین خدا اولنجق
نیجه املا ایدر آنی یحیی • نثر صلی الله علیه وعلی آله وعلی صحبه وعیاله

معجزه حکایت بعیر در مجلس خطیر نبی عرش سریر

اصحاب کرامدن یعلی بن منیه بیت رئیس کاروان راه توحید
امیر عسکر اصحاب تجرید نثر حضرت نبوت الفتدن
بو معجزهٔ باهره منصهٔ وجودده ظاهره اولدوغن • بو گونه روایت
و ثبت صحایف حکایت ایتمشلردر • بر سفر قرین الظفرده سعادت
رفاقت حضرت ایله شرف یافته اولوب کمند سرور و ابتهاجی
طاق گردونه انداخته ایتمش ایدم • قطع فیافی و صحرا • و گشت
بوادی و وزره ایکن • ناگاه خلال راهده بر بعیره مصادف • اولدیلر
بعیر اول حضرتی عارف اولوب • پیشگاه درگاه رسول عزت
پناهده • واقف اولدی لمنشئه گوریجک حضرت رسولی بعیر
ایلدی حالنی همان تقریر نثر لسان حال ایله • رسول متعال • حضرتلرینه
کشف ما فی البال • ایدوب ابراز مکنون • و اظهار درد درون • ایدوب
بایدی یاقلدی • تفاصیل احوال ملال مآلی بالتمام • ضمیر منیر رسول
علام • اولنجق اصحاب کرام • حضرتلرینه بعیر صاحبینی استقصا و مقوله

شخص ایدوکنی • حضور شریفلرنده انبا • ایتمکله اشارت وایما بیوردیلر
اصحاب عظام دخی جبت وجوده تشمیر ساق اقدام ایلیوب
ظفر یافته مطلوب اولیجق • حضور عالیلرینه حاضر ایتدیلر • حضرت
احوالن بعیردن • سؤاله مباشر اولیجق • اول شخص مستجاب ابتدی
ای فرقه گناهکارانه ناصر • بو بعیرک اصحابی برایکی قاصر • تجارت
امرنده خاسر فقیرلردر • دستمایه معاش استعمال بعیره منحصردر
متاع حیاتی یوکه تحمیل • وکسب واجرتنه تعویل • ایلمشلردر • صدد
ایدرسه غیر کار مقدورلری اولماغله • معزل حیاتدن دور • اولورلر
خورشید زندگانی ایاملری • رسیده کنگره بام اختتام • اولور
اگرکه دور باشد زین تجارت • نباشد زیستن را تاب وطاقت
بیوردیلر که • خدمتنه قدرت آب ودانه ایله میسر اولدوغی • حالی علت
دکلدر • خدمتنه قیام اما سزدن راضی اولمدوغن اعلام • ایدوب
کثرت عمل ایله • قوت بنای جسمه خلل تطرقنی روایت • وقلت
علفدن شکایت ایدوب • نه زمان بی علف وآب • اولماغله بی تاب
اولمش • مصراع • ضعف قوت یافت قوت ضعف در ترکیب ما
مضمونن حکایت ایدر • تحمیل حمل ثقیل امرینی تخفیف • وتعلیل • داکثار
وآب ایله اشباع وسیراب ایلک • ایتدی ای رسول کامیاب
سخن باصواب مطابق واقع ایدوکی • بریق ولامع در • من بعد اکثار
وآب ایله جور تحمیلدن اجتناب • ایلیلم واقعا زدن بو مقوله امور

بروز وصدور ایتمشدر •

معجزه حرکت شجر در مشاهده روی پاک حضرت خیر البشر

بونه یعلی وزین حکایت ایدوب • روایت ایتمشدرکه • اول سرور
پاکیزه خصایل • قطع منازل وطی مراحل • ایدرک باران رحمت گبی
بر مرغزاره نازل اولوب • تعب راهدن استراحت ایچون نزول
واقامت معناسنی کارفرمای حزم جزم ایتمکین • دیدهٔ سلطان
عالیجناب • بر مقدار میل خواب • ایلدی گرچه ظاهرا مکحول کحل مازاغ
البصر اولان • چشم نبوت منظرلری بو اراده • نوم اراده ایتمش ایدی
اما دریچه دیده احاطهٔ اطرافه آماده • وتیقظ واطلاعدن گشاده
ایدی • خصوصا اگر دم هشیاری واگر وقت خواب • ناظر جناب
رب الارباب ایدی • بیت • همه جمال تو جویم بوقت بیداری
همه جمال تو بینم چو باشم اندر خواب • نثر • بنداخی اطرافه نگران • وجویای
حفظ ذات سامی مکان ایدم • اول صحرای شاسعة الارجاده
بر درخت خوش منظر • جلوه گر مرآت نظر اولوب • سیر وتماشا
ایدرکن ناگاه یرندن حرکت • وطرف حضرته توجه وعزیمت
ایلدی • مگر بیچه زمان ایمشکه • اول شجر کثیر الاوراق • تنها و
بیشه گاه اشتیاق • وبادیه پیمای صحرای فراق اولوب • باد
آرزوی مشاهدهٔ جمال رسول منان گلشن آمالنده وزان ایمش
گویا که خواب رسول مصدق مصلحت مشتاقی فراهم قلمق ایچون محقق

اولمش نسیم مرادی وزیده • و گیاه امید فوادی دمیده • گوریجک
عرق ارضی شق ایدرک خدام کرام ملحق • اولدی • و مانند ستون
خیام • ستاده پیشگاه سید الانام • اولوب مشاهده جمال فرخ
فال • ایله خوش حال • اولوب مانند طاق قوس قزح • و طوق
هاله اول ماه نبوتی احاطه ایلدی • گویا عرض حال ایله گویا اولوب ایدی که لمنشئه
ای نبی هدی حبیب خدا • سرور انبیا شفیع وری
علت صحت مزاج سقیم • صحت علت ذنوب و خطا نثر
نیچه دمدر که اشتیاق جمال باکمال ایله • دیده تر • مانند اختر
رهین سهر • ایدی و اشک فراوان چشمه چشممدن نهانخانه خاکه
روان اولمش ایدی • امواج غم متلاطم دکز داماغده ثریا کبی مجتمع
و مزاحم اولوب • سرور و سلوت • مانند بنات النعش تفرقه یه
عزیمت ایتمش ایدی • سپهر حسرت • و چاه فرقتده نظم
دم مز برق و ناله مز رعد • چشم مز ابر و اشک مز مطرات
مضمونی مقرر ایدی • اما نه چاره که دست همت بو آرزو یه ایرمز
و طایر مرادم بام حصوله قونمز ایدی • شب و روز انیس خیال
وصال و حریص مشاهده جمال باکمال • اولوب غیری ملاحظه
و کاردن متنفر و بیزار ایدم بیت اگر چو مرغ برآرم ز آرزوی تو پر
همه بکوی تو سرای تو آشیانه کنم نثر لله الحمد که حالا مقصودم میسر
و شاهد مرادم • مرآت حصولده جلوه گر • اولدی چونکه بو عجز

حرص و آز • ایله بو دکلو نیاز ایدی • بینه محلنه عودت ایدوب
و الی تمام الامد خدمت راستی یه قیامه عزیمت ایلدی • وقتا که
اول خورشید دین • و ماه اوج علیین • گوندن بروز ایله خوابدن
سر بر ایدن ایلدی لمنشئه سپهر خوابدن ماه نبوت •
طلوع ایدوب جهانه وردی زینت نثر چونکه مراسم وضوء ارین اتمام
بولوب صلوته قیام • ایله سیده اختتام • اولدی قصه عجیبه
و حکایت غریبه ء شاخ گلستان تقریرده نابت • و بینه محلنه
دار وب کالاول ثابت • اولدوغی سمیر ضمیر خطیرلری ایدوب
ابتدام • ای مظهر موهبت نبوت وهاب • حقا که بو امر بنی زیاده اعجاب
ایلدی • حرکت گرچه عجیب تر در اما بو جمله دن بو مرتبه فضیلته بو عجز
مظهر اولوب غیریسنه میسر • اولمامق محیر عقل بشر در • برو جمله
نهضت و قیام • و آداب مراسم خدمت و زیارتی اتمام ایلدی که
بر رجل کامل مستحضر انجق بو مرتبه یه قادر اولور • بیوردیلر که ای
یعلی • بو عجز عالی حضرت خدادن عز شانه ابدا • درخواست
و رجا ایتدیکم • سبب خلقت آدم • و باعث آفرینش عالم • اولان
رسولی زیارت ایدوب باغ آمالنه آب شرف ایله نضرت و طراوت
ویره • حضرت قاضی الحاجات • و سامع المناجات • تضرع و نیازیمی
قبول بیوروب • نقطه دعام گرد اجابته دخول ایتدی • خورشید
مأمول رسیده کنگره بام حصول اولوب • زیارت رسوله وصول

بولیجق بنه مکاننه عودت ایدوب • اولکی حالنه رجعت ایلدی مثنوی

نه عجب ذات اولور رسول کریم • که بشجر بیله ایلیه تکریم •
بونی کم کوردی کم اشتدی مکر • اوله مشتاق رویی بوغ شجر

بونه عزت بونه کرامت اولور •
بونه دولت بونه سعادت اولور •

معجزهٔ دفع صفتِ صرع پسر درحالتِ ضرع بالتماس مادر

ینه یعلی رضی عنه السلام • اول سفرده بو معجزه‌یی روایت ایله بوکونه اعلام • ایتمشدرکه • چونکه اول منزلدن هنکام قیام کلوب • صبح آینه فام • جلادهٔ زنکِ ظلام اولوب • آثار طلیعهٔ سحر اقطار فلکده نمایان • و انوارِ روز عرصهٔ کیتیده منتشر و عیان اولدی • خورشید سپهر جلال • مطلع عز و اقبالدن بروز ایدوب • نشر نور جهان فروز • ایله رو براه بیوردیلر • ناکاه جلالدن برزن بیچاره طوافکاه سلاطین دستکاه • اولان درکاه عزت پناهلری • غبار خورشید اشتباهنه رومالیده ایدوب ایتدی مثنوی

ای شفابخش علتِ امت • ای دواساز نقمت و زحمت •
کارفرمای محشر و عرصات • شافع خلق ماحی هفوات

نثر بر پنجه دمدرکه • صعوهٔ راحت • اسیر پنجهٔ شهباز محنت • اولوب • زخم خنجر خونپاش حرج ستیزه کار • بر مرتبه دلخراش شی جان بیمار ایتمشدرکه • مکر مرهم بهبود لطف و احسانلری هویدا اوله که •

اول زخم جان ربا • و دهن کشا • سوزن علاج ایله لب بر لب اولمق مشهود نظر دل پر نصب اوله • استکشاف احوال و استخبار جلیهٔ مقال • بیوردقلرنده ایتدی ای علت عصیانه شفیع • وای فیض ده و انس بخش غیب • کارفرمای قضا و قدر • بو عاجزه‌یه بر پسر خوب منظر عطا و احسان • ایمکله قلب محزونمی شادان • ایدی هنوز مس صرع ایدر • اما کردباد عرض صرع ایله ستور صحتی سرکشته • و حوالهٔ صرصر صرع برله بختی برکشته در بیت

بکیر دست دل مز ببین چه عجز ست این • دم عطا و ترحم شدی چه حالت این

بوغم و الم ایله پنجهٔ دمدرکه • مرغ سرور و راحت • اسیر قید قفس محنت اولوب • اما شفاخانهٔ غیب بی عیبدن نداء غم زدای دوا جانه طوقنمز بیت

کر به چاه غمی انداخته شد یوسف دل • غم مخور کاهل یدی می کذرد بر جایش

نثر انعام عام رسول علامدن در یوزهٔ احسان و انعام • ایدرین که کشت زار ابتلا • آب دعا ایله شاداب و خرم اولوب • کدای خرمن عطانک خوشهٔ مرادی فراهم اوله • تضرع پیره زن • داخل دایرهٔ قبول حضرت رسول اولوب • دست صفا کستری ایله مس منخر پسر ایدوب بیوردیلرکه • مس منخر ایدن رسول خدای دادکردر • من بعد رفع بساط قرار ایله که سکا مقر اولمز • پس زن عفیفه بو کلام شریفه کمال اعتماد ایله ایفه • اولوب پسرن مکاننه ایلتدی حضرت داخی

راه مقصده گیتدی ٭ چونکه اسب سفر رسیده منزل قرار ٭
و زد ذ رس عرصهٔ ادبار ٭ اولدی حضرت متبوع مقر عز و سعادت بنیه
رجوع بیوردیلر ٭ محل تضرع بیوه زن ٭ و شفا باب بیمار ناتوان
اول حضرته منزل و مسکن اولدی ٭ بیوه زن ناتوان ٭ دعا گویان
بیان امتنان ٭ ایله جبین سای حضور عالیشان ٭ لری اولدی
مجاری احوال بیر ٭ مواطی حنول سوآل و کلام بر کهر ٭ اولدقده ایتدی
ای رسول بی اشتباه ٭ و شفیع امت روسیاه ٭ اولدمکه سپهر نبوتدن
صدور ایدن باران دعا ٭ نازل کشت زار مبتلی اولدی ٭ تخم شفا
حاصل ٭ و صحت کامله واصل ٭ اولوب عرض مرض قرین زوال
و قامت مزاج کمال اعتدال ده اولدی ٭ لله الحمد الاکرم رنظر ایده او کریم
اوله مقبول درگه مولا ٭ بنجه مرضایه بر دعاسی بیتر
اسنه سه مرده لر ایدر احیا ٭ نثر آغاز اعجاز مسیحا ایله حیات بخش
اموات جهان اولور ٭ ابراز ید بیضا ایله ٭ ابداء کار موسی ایله
مبطل سحر فرعون و هامان اولور ٭ بو مقرر درکه ٭ همه معجزات انبیا
و همه کرامات اولیا ٭ قطرهٔ بحر نبوت انتمای حضرت مصطفادر
صلی الله تعالی علیه و علی آله ٭ و صحبه الی یوم الحشر و الجزا

معجزهٔ انهزام کفار از مجالس سید الابرار ٭ و تعیین مواضع هلاک بعض اشرار

راکضان میدان روایت ٭ و فارسان بیدای حکایت معجزات ٭

حضرت رسالتدن روایت انس ایله بو معجزهٔ لطیفه سبب بوگونه مؤسس
اینمشدر که ٭ اول وقت که طائفهٔ مخالفین بی اشتباه ٭ انعام
ضلالت پناه کبی سر داده چراگاه ٭ اولوب مخالفت و عناد
اوامر رسول عنایت معتاد ده ٭ نطاق اتفاق پیوند میان
اهل شقاق ٭ اولدی رئیس ارباب عصیان ٭ یعنی ابی سفیان سر عسکر
ضلالت نشان ٭ اولوب متوجه حرب رسول منان ٭ اولدی
یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَیَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ
حضرت انس بو گونه گوهر فشان ٭ کلام معجز بیان ٭ اولمشدر که
اول حین ده مکین سریر عز و تمکین ٭ حضرت رسول امین ٭ اجتماع
اصحاب گزین ٭ و هداة دین ایله طرح انداز بساط مشاوره
و نقش پرداز دیبای محاوره ٭ اولوب مقصود همایون لری ثبات
احباب صفا مقرون لری ٭ بین المجمع القوم ظاهر ٭ و اشراق قباب
کبی باهر ٭ اولمق ایدی بیوردیلر که ٭ ابی سفیان کار حربه متصدی
اولمشدر ٭ عاقبتی مقابله یه مؤدی اولور ٭ صواب دید رای سدید
مرآت آراء عقلاده نه یوزدن بدید ٭ اولا جقدر میان اصحاب
بادفاده ٭ سعد بن عباده ٭ قول آخرده مقداد بن عمرو رسام
صور کلام ٭ اولوب ایتدی ای سید الانام ٭ مأمور او امر علام
اید و کمز سمر ضمیر با الهام ٭ در هر نه امر که صادر اوله امتثال ده
حاضرز ٭ اقصای ارضه فرمان قضا جریان صدور ایتسه ٭ اطاعت

وانقیادده یک زبان • ویک عنان اوز • حاشا که کارزاردن روکردان
وخبط عشوا ایله گسسته مهار رضای حضرت عالیشان • اولادز
خصوصا قرب بدر مانند ماه بدر روشن اکن • تردد یا تخلف غایت
مستهجن در مصراع ازحضرت اشارت وزما بسر دویدن لمنشئه
ره عشق ومحبتده سر دجان • فدا درسا که ای سلطان دین شان
بیور فرمان بر امر شریفز • وکون صدق ومحبتله الیفوز
بصلمش دردله مهر محبت • یازلمشدر سطورنده مودت نثر
امتثال اتفاق اصحاب وفاق • علاوه عزیمت واشواق رسول
آفاق اولوب • عسکر اصحاب وفا انتمایه • عزیمت همایونلرینی
انبا ایدیجک • خورشید اجتماع همه اصحاب اتباع • ایدوب
اول ماه صدر مجلس انبیای عالی قدر • سپهر غزای غزاده بدر اولوب
متوجه بدر اولدیلر • ساحه بدری مساحه معمار کرامت بیوروب
اعدای تبه روزکار • وقباحت کردارک شمشیر اهل اسلام ایله کشته
ونه مقوله موضعده مقتول وبرکشته • اولاجقلرینی تعیین واشارت
بیوردیلر • حضرت انس روایت ایدرکه • حقا که تعیین حضرت رسول انام
علیه التحیة والسلام • اکرا سامی واکرزمین در محلنه اصابت ایدوب
بریسی تخلفده صورت کوسترممشدر • ینه حضرت عباس یوم بدرده ظاهر
اولان معجزاتدن برینه خلعت روایت الباس ایدوب دیمشدر که
اول حضرت عالی قدر صلی الله علیه وسلم یوم بدرده • درکاه خدای

لب جنبان

لب جنبان دعا اولوب ایدی • اللهم انشدک عهدک ووعدک
اللهم ان شاء لا تعبد من الیوم • یعنی بو سفر ظفر اثرده سوره فتح
ونصرده نزیل اولان • وعد جمیل انجازنی رجا بیوروب • نصرت
مسلمین روی نما اولورسه • استیصاله مؤدی اولاجغی هویدا ایدی
حضرت صدیق ایدی • ای رسول خدا مر تیر دعا که کمان رجادن
پران اوله • هدف قبوله مصادف اولدوغی نمایاندر • بو مرتبه
یتر • شمدنکیرو کف ید ایمک اولی تردر • خصوصا الحاح
البته سبب فوز ونجاحدر • حقا که مجزوم برسول محترم ایدیکنه
خورشید الطاف خلاق عالم • بخشش لمعات کرم • ونشر اشعه
حسن شیم ایدیجه • ضیاده سپهر مرادم اولوب •
خصوصا جانب مطهرلری حظ اوفر • ایله بهره ور • اولاجغی مهر انور
کبی روشنتردر • لکن مبالغه والحاح تشجیع عسکر مسلمین وتثبیت
قلوب اصحاب فلاح ایچون صدوره مقرون اولمش ایدی •
پس لاجرم حرب وقتال • ایله سرعت واستعجال • ایدوب طرف کفار
بدکرداره عزیمتده درکار • اولدیلر سیهزم الجمع ویولون الدبر
آیت بشارتنی تلاوت بیوردیلر • فی الواقع شصت رجادن رها بولان
سهام دعا طاس سپهر واعلادن کذر واعتلا • ایدوب قبوله
قرین اولیجق • کفار بدآیین منهزم اولوب • عرصه هیجاده ضرب
شمشیر بلاندین دن • ولوا علی ادبارهم نفورا • مضمونی بدیدار عازم دیار

ادبار وفرار اولوب • فان جند نا لهم الغالبون آیه مضمونی آشکار
اولدی • بس شابت غزاة اسلام • وانهزام اعدای بد فرجام ایله
معجزهٔ سید الانام • جلوه گر مرآت صور حوادث ایام • اولدی
فایدنا الذین آمنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهرین • حضرت ابن عباس
رفع لباس شک والتباس ایدوب • دیشدر که • بو حرب بو العجبده
دست جبریل قابض زمام اشهب حضرت رسول قریشی نسب و المش ایدی
سرورن مبارکلری لام حرب ایله مزین ایدی • ذات عزت
اشتماللری ایله متوجه حرب وقتال • اولدیلر **لمنشئه**

آفرین اول امیر عسکره کم • قایدی اوله حضرت جبریل
ایکی یکی اوله یمین و یسار • نصر باری و فتح رب جلیل

معجزهٔ دیگر دران نبرد رستخیز گرد ••

حضرت سعد بن وقاص • مرغ روایتی قناص • اولوب دمیش که
یوم احدده یمین و یسار سید الابرارده • ایکی شخص عظیم المقدار
مشهود نظر اعتبار • اولدیکه سپید جامه لر گیمشلر • وصفوف
کفاره گرمشلردی ایدی که • مرکز مرآت نظرده اول مقوله پیکرلر
جلوه گر اولمامش ایدی • **معجزهٔ قتال ملایکه کرام با کفار لئام**
حضرت ابن عباس رضی عنه رب الناس • دیمشدر که • اول غزایی
غزاده عسکر اسلامدن ایکی مرد بنام • کفار لئامدن برمشرک

سفر مقام آردنجه دنباله دوان قافله هلاک اولوب • اگرچه اول
ناپاک قرار • واما جریده دخی در کار ایدی • ناگاه بر صدای جانگداز
گوشنزد مومن ظفر پناه • اولدیکم بالای سردن گذر ایدوب
صوت فارس ایدوگی معلوم اولدیکه • اقدم یا خیزوم ندایی
ایله عرصهٔ زمین • پر طنطنه و طنین • اولمش ایدی • ناگاه اول
مشرک ضلالت پناه • بو حرب تیزارزدن سرداده چراگاه سقر
اولوب • بالای بیندن زمینه دوشدی • و زنبور مرگ
باشنه اوشدی • نه مباشر حرب نمایان • نه آلت ضرب عیان ایدی
حاضر اولان غزاة ذوی الابصار مشاهده قلدیلر که • جیفهٔ کافر
ضرب مشتد ایله مضروب اولوب هلاک • وچهرهٔ بی بهره سی سیاه
وسینه سی چاک • اولمش مجاری امور معروض درگاه رسول اکرم
اولنجق • اول بلبل بوستان خصال • و طوطی شکرستان
مقال • بیوردیلر که • بو کلام صحیح • واقع و صحیحدر • یاری ملایکه
ایدوگی معلوم • ولو مدد سپهر سیومدن ایدوگی مجزومدر **لمنشئه**

گور بو اوج معجزاتی ای عاقل • اولدی بردم الجنده بو ظاهر
بربری مخبر رسالت در • بونی انکار ایدن اولور کافر

معجزهٔ شفا یافتن سلمه ابن اکوع بدست حضرت
اصحاب کرامدن • یزید بن عبید نام • مرد بنام سلمه ابن اکوع ایله
ادارهٔ کلام • واساله میزاب حوادث ایام • ایدرکن سافنی

دست صروف دهر ایله لگدکوب محنت علت کورب ایدی نزول
نابه جرح ایله هدف سافه نه مقوله تیر مصادفت ایتدی که مرور
دهور و کر عصور ایله رخنه دار دست فنا • وخلل پذیر حکم
طغرای بی بقا اولمامش • سلمه بن اکوع حقا که مرد اشجع ایدی وفرط
شجاعت • وکمال صرامتدن جوهر شمشیری رخشان • وهیبت
وشدتدن خنجر آفتاب نیام ظلامده پنهان • ونام بهرام کم گشته
زبان انام ایدی بیت برآرنده باد آوردگاه • فشاننده خون از ابر سپاه
نثر رقاب اعدایی قراب حسام ایتمکده یگانه ایام • ایدی ایدی یوم
خیبرده تزاحم ضربات تیغ وتبر حددن کذر ایدوب • خلال جنک
وپیکارده • ناگاه ساقم مجروح شمشیر جان شکار • اولوب کوشهٔ
خانهٔ عافیتی آتش فنا شعله زن اولدی • وتندباد علت خانمان
جان وتندن دود سیاه موبدا ایلدی • تأثیر زخم جانگاه ایراث
اشتباه ایلدی که • دست ساقی اجلدن نوشش جام مرگ تلخکام
ایتمش اولم • وصدمهٔ صولت حمامدن بنای جسم وتن پذیرفته
انهدام اولمش اوله • وشهرستان وجوددن دروازهٔ عدمه خروج
وبروز ایله • نزع لباس حیات مستعار شب وروز قلمش اولم •
احبا واصدقا دستان سرای ماتم • وتأسف کنان پرواز
مرغ حیاتم اولالر لمنشئه سیر ایدیم آیغم اوستنده اولکن یاربی
صاندیم تسلیم جان ایتدی بو بن بیچارهٔ بی نثر بی نوا آه وانین ایله

لمنشئه صدر عالم آفتاب شرع دین • قدر اورا عرش اعظم چون زمین
در ازل منشور او فخر البشر • تا ابد طغراش ختم المرسلین نثر
حضرتلرینک جواهر دیدهٔ اولی الابصار • اولان غبار پای کیمیا عیارلری
زرور دیدهٔ آمال • وسرمهٔ چشم دل پر ملال • ایدم رتق مبارکلریله
اوج دفعه اول زخم هایلی • مسح ونفخ بیوردب • شکل زخمی دفع ومسخ
بیوردب • شرور وسرور ره متحول • ورحمت صحنه متبدل اولوب •
من بعد زخم خونباشدن خون اشک جریان • ومیاه کدر سیلان
ایلدی • انا اثری باقی واستوار در • کویا که مذکر حروب کفار • لمنشئه
ویا معجزهٔ رسول مختار در • اول شفاساز امت عاصی •
فیض بخش فنادکان کناه • امتی درد نه علاج ایلر •
ایلمز خاک ذلت اجره تباه • صلی الله علیه وعلی آله وصحابه

معجزهٔ جوبان شیر در خانهٔ ام معبد ازگوسفندش با ضرع رسول ممجد •

اول دم که حضرت صاحب مقام محمود • وحوض مورود نظم
مرسله پیوند کهر کان جود • سلسله پیوند نظام وجود •
فخر عالم صلی الله علیه وسلم غار عجیب الغور • جبل ثوردن •
عازم جانب خطیره • مدینهٔ خطیره اولوب • نازل منزل قدید
اولدیلر • اول قریه ده عاتکه بنت خالد الخزاعیه • نام بر زن
خوب فرجام واریدی که • ام معبد دیمکله معلوم خاص وعام • ایدی

قطر قریه‌سی مضرب خیام • ایدوب دائما ابنای سبیلی ضیافت
و اطعام ایله اکرام • ایدردی گرچه اول هنگام ظلام قحط و غلا
ایله نان پاره ماه سفره و گوشت انجق دللرده مذکور ایدی • اما
اول زن مستوره بذل مقدوره ساعیه و مراسم میزبانی‌یی راعیه
ایدی ماکه ماه نبوت • و آفتاب رسالت • نبی ممجد سایه انداز
خیمۀ ام معبد • اولدیلر اول مضیاف سرافراز حسب الطاقه
دریچۀ میزبانی‌یی باز • ایتدی لمنشئه میزبانلق دریچه‌سن آچدی
در مقدوری پاینه صاچدی نثر حضرت خاتم انبیا •
بهاسی ایله اشتری • ایچون شیر و خرما • احضارینه ایما بیوردیلر
ام معبد زبان عذری کشاده • و خون نعمتی آماده • اولمدوغندن
شرم و حجابی زیاده • اولدوغن افاده ایدوب ایتدی ای رسول روزگار
نیجه روزگار در که سد رمق تدارکنه اقتدار • اولمیوب دواب
و مواشی‌لی علف اولمغله معرض تلفده در گوسفندلرک پستانی
شیردن خالی اولمق رهزن سگانه نیکی اولمشدر لمنشئه
بماند اینچنین گر قحط و قلت • شود مشکل فقیرانرا معیشت
اول آنده نظر مبارکلرینه برگوسفند ضعیف نمایان اولدی
بر کهنه خیمه گوشه‌سنده بسته و مانند عنکبوت اوهن بیوتده
نشسته لا یموت فیها ولا یحیی • مضمون صداقت انتماسنه
مظهر اولوب • نه حیات و نه ممات میسر ایدی • سؤال بیوردیلر که

بو گوسفنددن بوبله دستمند در • ممر پستاندن شیر جریانی آنمزمی
ام معبد ایتدی ای رسول امی فداک ابی و امی • کمال هزال ایله اول
مقوله حالدن احتمال در • بیوردیلر که • حلب برکاتی جلب ایدرایدی
مصرع پدر و مادرم فدای تو باد نثر امر شریفلرینه منقاد در • فی الحال
دست عزت اشتمال لرین ضرع گوسفنده وضع بیوردیلر بیت
چو سید دست بر پستان نهادش • ز پستان شیر چون باران گشادش
فی الحال شیر فراوان تقاطر ایدوب • مانند باران جریان ایلدی
مبارک الّری شیر ایله سفید اولوب گویا ید بیضا پدید • اولدی
اولا حضرت یار غار ظرف احضار • ایدوب حضرت املا
ایدوب ام معبدی اسقا • و بعدها حضرت صدیقه عطا
بیوردقلرنده ای رسول خدا سز دخی دفع آتش عطش بیورک
دیو رجا ایدیجک بیوردیلر که • ساقی القوم آخرهم شربا • نقله
روات اخبار ایتمشدر که • اول شاة میان گف کفایت • وانامل
پر برکتلری ایله نیجه سنین و ایام • باقی و بر دوام اولوب
سرچشمۀ پستاندن هر صبح و شام • آل ام معبده رسحات
انعام ایتشور • و جوارنده اولان جانبه دخی ایریشور • هرگون ردوم
ضیافت اولنسه کفایت ایدردی لمنشئه بارک الله زهی رسول کریم
لطف و احسانی خلقه شامل اولور • مرده ایکن حیات تازه بولور
فیض جودی کیمه که واصل اولور نثر ربیع الابرارده مسطوردر که

اول دم سعادت توأم مخیم ام معبد • شرف نزول سید ممجد
ایله سر ابتهاجی مد ایتدی • رسول بلا مین آب طلب بیوردب
غسل رجلین مبارکین ایتدکدن صکره مضمضه • وطرف خیمه ده
شجره عوسجه مج بیوردیلر • چونکه طلایع صبح بدیدار • وشام ظلامدن
تابدار • اولدی
سحرگه که طاوس مشرق خیام
برون زد سر از طاق فیروزه فام
اول شجر بر شجر بزرگتر
اولوب • بر ثمر ویردیکه مانند شهد وشکر • وبوی لطیف شبیه شمیم
عنبر ایدی • هر جایع اکلنه قانع اولوب • غیره طمعدن شبع
حاصل اولوب • ظمآنی اروی ایدوب • سقیمی شفایه واصل ایدردی
اسم مبارک ایله تسمیه • اولنوب • قدری ثمر تاج وتارک ایدی
تاکاه بر شجر پرشکر یابس واوراقی مصفر • اولدی اهل قریه
دلتنک ومغبر اولدیلر • آیا امارات عالمده نه صورت جلوه کر اولدی
دیو نظر • ایدرکن خبر ارتحال خیر البشر • کوش وهوش دهری کر
ایتدی بعده کر دهور • ومر عصور ایله • بر شجره پرشوک وساقط
الاثمار • اولدی تاکاه غم حضرت علی انتشار بولدی • ثمرندن منتفع
اولمق امیدی منقطع • اولیجق اوراقندن متمتع • اولورلردی بعد زمان
اوراقی ساقط اولوب • ساقندن بر دم عبیط جریان • ایلدی
تاکاه خبر شهادت سید شبان جنان • حسین عالیشان فرع
سمع اهل ایمان • ایلدی بو مصائب پردشت • وقوعندن صکره سیوست

طاری اولوب • خلعت عاریت نضرتدن بالکلیه عاری • صفحه ملساسی
دنیادن نابود ونا پدید اولدی للمنشئه عاریه اولوب عاریت لباسندن
چیقوب درشتی بیره آسا سندن •

معجزه کفار سوسمار بامر رسول مختار علیه الصلوة من الله الغفار

سواکن بادیه دن اولان • طائفه اعرابدن بر شخص عجابکه
دائما کاری صید • وفتراکنه حبس وقید ایدی • بر کون بر سوسمار
صید ایدوب • شهره عزیمت ایتدی • کوردیکه درون شهرده بر جمعیت
وازدحام که • خاص وعام • اجتماع ایدوب ادارۀ کلام ایدرلر
سوآله جسارت ایدوب ایندی • بو جمعیت ندر دیدیلر • ای احمق
وبد فطرت • بو حلقه وجمعیت دعوت حضرت رسالتدر
کفار قریش • اول ماه نبوتی مانند هاله احاطه ایتمشلر • حضرت دلالت
راه هدی ایله • خرمنک ضلالتی اماطه • بیورمشلردر للمنشئه
رسول حقدر در صاحب کرامت • دلر تا کم نبوت ایده اثبات
اولور تصدیق ادن اسلامه فایز • عناد ایتمک دکلدر بونده جایز
رسول حق دلیل ورهنمادر • کیهلر دردینه حقا دوادر
کلام پاکی مرده ایلر احیا • جماداتی ایدر لطفیله کویا
شفیع مذنبین هادی کلدر • نبیلر سروری خیل رسلدر
فی الحقیقه حضرت • مرکز دائرۀ دعوت • اولوب سپهر دعوتده
خورشید • ماه ماهیت اولوب خلق خلقه نون • واول ذات سعادت

مقرون ایچنده نقطهٔ نون کبی اولمش ایدی • اعرابی خودبین •
شعله زن کانون مشرکین اولوب ایدی • ای طایفه گزین • مرکز
محمد امین • بو دعواده صادق • ولوز کلام سپهر دلده شارق دکلدر
بر وجهله اعتماد • وامرنه انقیاد متصور • وعالم امکانده میسر اولمز
الا بر حال ایله • بعده حضرت رسالت انتساب • طرف عالیلرینه
توجیه خطاب ایدوب ایدی • ای دعوای رسالت ایلین • ذات عزت
انتما • سوکند بلات وعزی که • کلامکی تصدیق • ونبوتکی تحقیق ایتمزم
مکر بر معجزهٔ باهره • بینه وظاهره اوله • استرم که فتراکمده اولان
سوسماری زبان نطقه کلوب • نبوتکی بیان ایلیه • پس سوسماری قید
کرفتاریدن آزاد • وانقیاد نایرهٔ آتش عناد • ایدوب میان
معرکه‌یه پران • ایلدی حضرت رسول معظم عمیم العطایا
نبی مکرم شفیع الخطایا نثر زبان لطف وحی کذار • ودهان شریف
حکم شعارلرین لسان عرب ایله کشاده ایدوب بیوردیلر که • ایها
الضب اقبل ضب • کویا خطابه قابل • رجا دم مقبل ایدی که فی الحال
توجه واقبال ایدوب • طرف پرمیمنتلرینه توجه وعزیمت • ایلدی
بیوردیلر که • یا ضب زبان فصیح ایله ایتدی لبیک لبیک •
یا مزیل الکرب • ینه بیوردیلر که محراب عالمده کیمه سجود ایدرسن
ضب ایتدی معبود اول واجب الوجوددر که • عرشی آسمانده
وسطوتی زمین و زمانده در • جنتده نعمت وخطابی نمایان • ودوزخده

نقمت وعذابی فراوان در • حضرت شفیع امم رسول معظم صلی الله
علیه وسلم **بیت** انکه بر دعویش چون برهان قاطع خواستند
در زبان سوسمار آورد حجت کستری **نثر** بیوردیلر که • یا ضب بن مقوله
خاک • وجوهر پاک • ایدوکم ادراک • ایدرمیسن ایتدی • یا رسول الله
سن حبیب رحمن • مبعوث انس وجان خاتم پیغمبران • رسول آخر الزمان
ایدوککه نه جای کمان در • نبوتکه ملائکهٔ آسمان وکروبیان •
برآورده ایمان در **منثر** اولکه اقرار ایدر نبوتکه • خالقک رحمتنه نایل اولور
سنی انکار ایدن خبیث وغوی • درکات جحیمه واصل اولور •
هادی فرقهٔ ضلال پذیر • وافتادهٔ او حال وباله دستکیرسن
اول محفل باهر الارتفاع ده اتفاق ایله اجتماع • ایدن اهل مدینه
دبقاع • کلام سوسماری بجدافیره استماع ایتدیلر • اما مهیه
عنادلری • التماع ایدوب کار انکارده اصرار • اوزره
برقرار • اولدیلر بعض کتب سیر الجرده محرر ومسطوردر که اول
سوسمار بو بیتی ایراد وزبان فصیح ایله انشاد • ایلدی **بیت**
الا یا رسول الله انک صادق • فبورکت مهدیا وبارکت هادیا
بیت زهی سلطان کامد صامتش اقرار • کور اول ناطقی کم ایدر انکار

معجزهٔ رسول مطهر در تعیین حال ابو ذر

عرصهٔ زمین ده خوان دعوتی کشاده • ومحتاجان امته نعم و
احسانی آماده • ایدن حضرت سید ابرار • **بیت** •

عنقای قاف قرب ومقیم مقام انس • دانای راز وعارف اسرار بی‌شمار
اول هنگام عزت فرجام • وسعادت انجام ده که اصحاب کرام الله
تأسیس اساس دین اسلام ایچون قصد جهاد کفار لئام • ایدوب
خمیس عرمرم هداة انام • مانند سیل ازالهٔ خاشاک اجسام ایدردی
قطعه وسل خیلنا وسل بدرا وسل أحدا • فضول حتف ادنی بهم من الوجم
مازال تلقاهم فی کل معترک • حتی کلوا بالقنا لحما علی وطم بشر
خصوصا غزوهٔ تبوک ده که راه مجاهده مسلوک اولوب • حرکات
کفار روم • باعث هجوم • وقدوم عساکر ظفر موسوم • اولمش ایدی
اما بو عزیمت بی وقت سفر اولمغله همه عسکر زاددن مکدر •
وحرها جبههٔ آفتاب • نهایت اشتعال وتابده • اولوب
گرمیت هوادن مهر جهانتاب • کف فلکده مهرهٔ سیماب •
گبی لرزان • گویا ذره‌لری ریزان • ایدی • نسیم صبا باعدهٔ آتش
اوزره طور گبی قرار ایدوب • دشت وکوهسار نمودار
کانون ایدوکی بدیدار • وسحاب فیض رشحات امطار ایدوکجه
فتهٔ گرمابهٔ عرق ریز اولمش گبی آب گرم آشکار • اولوردی
خصوصا قلت قوت • سالب قوت وقدرت • آب وعلف
جالب ضعف وعلت اولوب • کبار اصحاب پر وفاق •
کندو مالدن اتفاق ایله عسکری انفاق • ایدرلریدی رسول
انام علیه الصلوة والسلام • حضرتلرینک هنگام عزیمت وقیامده

مقصد ذات سعادت ارتسام • لری متعین اولمق • دیدن بین
دکل ایکن • خلاف معتاد بو دفعه راه مسلوک • غزوهٔ تبوک در
بو سفرده زحمت مقرر • ومشاق وکدر مشهود نظر گبی در دیو اصحاب
کرام حضراتنه اعلام • بیورمشلریدی • جمله عسکر گرمیت هوادن
مضطر اولوب • بو غزای غزا جیش العسر ایله مسمی • اولمش ایدی
چونکه راه بعید ایدی • ایام سفر مدید اولوب • طوایف عسکردن
بعضکه مشربلری مکدر • وخورشید اطاعتلری بی فروغ • وصبح
تبعیتلری سر بسر دروغ • ایدی تخلف • اما بعض دخی لعلة تأخردن
تأسف ایتمشلر ایدی • وجه اخر ایله • تأخیر مسیر ایدن جمله‌دن
بری ابو ذر غفاری • رضی عنه ربه الباری • ایدی که پای مرکبی
آرزده خار راه اولمغله • دست اقدامی وصول دامن منزلده کوتاه
اولوب • قوتی انده ومشقت باردن مانده اولدی • اول یکه سوار
میدان وفا • بادیه پیمای صدق وصفا • پیاده وتنها قالوب
آخر نیر بخت لامع اولوب • دستیاری طالع ایله پیاده عقب گیر
عسکر ظفر تأثیر • اولدی حضرت نازل منزل استراحت
اولمشلریدی که • اصحاب گزین دن بری ایتدی ای سید
عالمین • بر مرد فرد بی همتا • قطع براری وصحاری ایدوب گلور
حضرت پیغمبر بیوردیلر که • اول گلان ابوذر در • تأمل ایله نظر ایدیجک
ایتدیلر • یا رسول الله • بلی ابا ذر در بیوردیلر • رحم الله اباذر یمشی وحده

مقص

ویموت وحده ویبعث وحده • بو کلام پاک خیر البشر • گوش گذار
صحب مطهر اولوب • هر برینه مفهوم • و صحیفهٔ خاطرلرنده مرسوم
اولدی • بعد زمان مصرع اذا جاء الابان تجنی • محلنده ظاهر
اولوب • اول وقت که حضرت عثمان اجرای اوامر و رتق و
فتق ایله نامی و آمر ایدی • معاویه امارت شامده برقرار اولوب
ادخار مالده جهد بی شمار ایدوب جمع کنوزده درکار • اولدی
ملوکانه داد و دهش • خسروانه عطا و بخشش • پسندیدهٔ حضرت
اباذر اولمیوب • صدور امر منکرده متغیر و متکدر • خصوصا
تحصیل مالده نیجه درلو حال مشاهده • ایتمکله قیل و قال • ایدوب
والذین یکنزون الذهب والفضة • ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم
بعذاب الیم • مضمونینی افاده • و بین الناس اشاعه اراده • ایدردی
هر که جمع مال ایله اوقاتنی تکدیر ایدر • الذین یکنزون آیتنی تفسیر ایدر
پس معاویه ابوذر مانع جمع مال اولدوغن کوریجک • حضرت عثمانه
شکایت آمیز مکتوب دلاویز ارسال ایدوب • شامدن
ابوذری اجلا معاشنی تمنا ایدوب • نیجه حیله پیدا ایتدیکه مصرع
آخر الامر آنچه خواست بکرد سپهر • حضرت عثمان نیک سیرت
ابوذری مدینه یه دعوت ایدوب • آنده ساکن اولمغه رخصت
ویردی • آنده دخی قبایح احوال • و شنایع اعمال عمال دفعی زمینه
متعلق بسط مقال • ایتدکده بینه التماس معاویه درکار • و حضرت

عثمان ده دخی مساعده بدیدار • اولوب مدینه دن زبده نام
محله اخراج ایله ازعاج ایتدیلر • حضرت ابوذر غفاری • اول
موضعده الحق رخ خدمتکاری • وزن وفاداری ایله معاش ایدوب
لوح ضمیرندن السعادة فی الوحدة • رسمی انتقاش • بولمش ایدی چونکه
خورشید حیاتی مایل افول • اولوب زیر بام غمره یه دخول
علایمی عیان • اولدوغن اذعان • ایدی وصیت ایلدی که جنازه سن
قارع طریقده وضع ایدوب • صریف غیر قرع سمع ایتدکده
اباذر ایدوکن خبر ویره لر • پس تمشیت وصیت ایدوب حسب الوصیه
منتظر نکتهٔ خفیه اولدیلر • که عبد الله بن مسعود • عراقدن قادم •
و وطننه عازم • ایدی اول محلدن کذر ایدوب • جنازه دن
خبر صوردی • ایتدیلر ابوذر درکه • آفتاب حیاتی رسیدهٔ بام ممات
اولوب • شاهباز اجل شکار صعوهٔ جانه محل • بولدی • ابن مسعود
کوش ایدیجک • طایر صبری رمیده • و رشتهٔ قراری بریده •
و اشک چشمی چکیده • اولوب تحزن و تحسن ایله • ایدی حقا که
کلام صداقت انجام • حضرت سید الانام • پیوستهٔ ظهور
اولاجق حیز خفادن دور درکه • بیورمشلر ایدی • رحم الله اباذر
یمشی وحده • و یموت وحده • و یبعث وحده • پس اول مرد نیکو خصایل
رفقا ایله نازل اولوب • تجهیز و تکفین ایله • اول در ثمینی محفوظ
صندوقهٔ لحد زمین ایدوب • ایتدیلر ع صندوقه صالدی خازن دوران کهرکبی

رحمة الله تعالی و رضی عنه بیت تکشد ابال صدق و صفا در فضای قدس
جولان کنان بکنگر قصر بقا نشست

معجزهٔ باران بدعای حضرت رسول منان

دبو سفر مشوب و پرخطرده آب نهایت مرتبه عزیز و جمله عسکر محتاج و عزیز اولمغین اصحاب کرام بیشگاه مضرب خیام رسول علامده عرض حاله اقدام ایدوب همواره که قبهٔ گردون سبزه کام چند بجوبه مضرب خیام اوله خیمهٔ معجزی ستون تایید خالق الانام ایله قیام اوزره اولوب دستیاری الطاف کردگار ایله بردوام اوله ترفیه احوال اصحاب و ترویج بال احباب التفات ذات ستوده صفات ایله حاصل اولوب کام دل لذتینه نایل اولالر حالا تاب آفتاب سلب اسباب حضور و خواب و تشنه کی و تف و سوز بر مرتبه اضطراب ویرمشدر که صحراده کورینن سراب نهر بی‌نه آب و شکر شراب کبی نمایان اولوب سینه سوزان و دل بریان ایله نگران اولورلردی
بیت تشنهٔ بادیه را هم بزلالی دریاب • بامیدی که درین ره بخدایی داری
بو نجه عسکر اکجره بر قطره آب موجود اولمق محل ارتیاب در مصرع لمنشئه
لنا قلب یفقد الماء محترق • درون دل ده بو حرارت مذاق جانده بر مرتبه مرارت پیدا ایتمشدر که مرارت ملح اجاج کبی فورزن که قابل علاج اولمایه مصراع و بالله لا ادری بماکن دافع

درازی کلام اصحاب جوش و خروش آویزهٔ گوش هوش اولجق دست تضرع درجا ایله قرع باب الطاف خدا ایدوب طرف قبله‌یه استقبال ایله توجه نما اولدیلر روی سما کمال صحو ایله مجلی مانند صحیفهٔ ملسانه باد وزان و نه سحاب نمایان انجق خورشید جهان اشعه ایله زر دوز کبی نور افشان ایکن ابر سریع السیر بو خدمته پویان و ادرار امطاره بر وجهله شتابان اولدی که بر آن ده اول عسکر که اصح خبر اوزره اوتوز بیک نفر ایدی جمله‌سن سیراب و ریان و نیل خیل مراد ایله شادان و خندان ایلدی لمنشئه نار دوزخ صانچه خلقه شرر • اب الطاف انی محو ایلر
انش جرمی کم ایدر اطفا • رشحهٔ ابر جودی اولمسه گر

معجزهٔ برکت زاد اجناد بدعای حضرت شفیع العباد

بو سفر نصرت اثرده • گرچه عسکر نوع اضطراب ایله مکدر اولدیلر • اما فذلکهٔ حرب و قضیهٔ مشقت والام منتج فتوحات مسرت انجام • و غنایم اهل اسلام • اولماغله اعدا مستحق سخط ربانی • و اجناده اعالی و ادانی • واصل اقصی الامانی • اولوب دارج مدارج سرور و شادمانی • اولدیلر خصوص قضیه بو وجهله صدور • و پیوسته ظهور • اولمشدر که • بدایت امرده زید و عمرو قلت زاد ایله مضطرب الفؤاد • اولوب مبانی شکستهٔ جوع تیزه کار صورت‌شد ایدی عجیبه آشکار • ایدوب سلطان جوع مستولی شهرستان

اولمامغله کرفتار دست محن ● اولمشلر ایدی حضرت عمر بن ایمن
جاه وجلال لرین ● فرسوده لب ادب ایدوب ● عرض ارباب اندیلرکه
ذات پاکت مایهٔ عیش ونشاط ● امت خواهد ازین ورطه نجات
عسکر اسلام ● قلت زاد ایله مستهام ● اولوب آز قالمشدرکه
صرصر جفا ایله بنیهٔ وجودلری انهدام ● وصحرای حیاتدن
انعدام ● بوله رهزن جوع استزاع لباس حیات ایدوب ● سرمات
کریبان قدردن نجابت ● بولمیه عرصهٔ حاللری ● توارد حیش فقر
وجوع ایله تنک ● ومرآت باللری کدر ضنک ایله پرزنک
اولوب ● پای قدرتلری لنک ● اولمشدر بوکروه حقیقت انتما
ایچون درکاه خدایه رفع دست دعا بیورلسه ● مصراع
هست امید که کردد باجابت مقرون ● نثر بیوردیلرکه اول قوم عناب
معتاد ● فضلهٔ زاد ● هر نه ایسه بر نطع اوزره نهاده ● ایدوب
حذمت علیه لرنده مستاده ● اولدیلر کیمی بر آوج خرما ●
کیمی بر آوج دره القا ● ایدوب روی نطع ده مجتمع اولان ● اشیا
عذار شاهده خال کبی هویدا ● اولوب نمایندهٔ نظر کبیر وصغیر
اولان ● شی قلیل وحقیر ایدی ● حضرت رسول مستان دعا
لب جنبان اولوب ● ازدیاد ازواده تضرع کنان ● اولیجق
فی الحال قرین قبول درکاه خدای منان اولوب ● کل کبی خندان
اولدیلر ● نتیجه قبول اولماسون کیم ● بیت این دعاییست که براوج فلک نارفته

کذش

کذش لطف الهی بقبول استقبال ● نثر بیوردیلرکه هر کس ظرفنی مالی
اولان زادی ایله مالی ایله ● پس اول کروه صداف رسوم نجوم ایدوب
وعازین مملو ● واوانی حرص وآزنی طلو ایدوب ● جمله سی اشباع
واقناع ایدیکد نصکره ● نتیجه ایام وروزکار ● وفایده حکب
مرتبه ادخار ایدوب ● فضلهٔ زادبین دبدیدار ● اولدیلر
پس حضرت بیوردیلرکه ● اشهد ان لا اله الا الله ● وانی رسول الله
لایلقی بهما عبد غیر شاک ● فیحجب عن الجنة صلی الله علیه

معجزه یافتن جمل باشارت حضرت رسول مجمل ومحلل ●

وینه بو سفرده بو معجزه دخی جلوه کر ● اولمشدرکه حضرت سلطان
انبیا ● دارج مدارج سموات علیا ● حضرتلرینک قصوی ایله مسمی
اولان ● ناقه لری کم کرده طریق اولمغله ● بعض اصحابی امر تفقد ده
خلق کوریحک ● بعض منافق که اتش نفاقی کانون دارالندده دل
اقتباس ایتمشلر ایدی ● بی بیم وهراس ● ایدیلر اخبار علویه به دعوای
عرفان ● ومغیباته وقوف ایله اقامت برهان ایدن ناقهٔ
ضاله ● وجدانندن مضطرب وپریشان ● اولمق امر بدیع الشان در
بو خرافات شایع ● وکوش کذار نبی شافع ● اولیجق بیوردیلرکه
حضرت علیم وعلام ● رسولنه اعلام بیوردی ● اخبار ارقام لوح
خاطر مستهام ● اولور لاغیر اما ● ناقه فلان واده پویان ایکن

بر شجر زمانه‌دن ربط و جس ایدوکی خبر بیک آسمان ایله بساحۀ ضمیرده

جلوه‌کر اولمشدر • اصحاب کرام عالی جنابدن بعض حسب الامر وادی

معهوده روان اولوب • نافه‌لی اول حال و شأن • اوزره بوالوب

و اصل خدمت حضرت سلطان عالیان ایتدیلر • فبهت الذی کفر

معجزه بدیعة الآثار در حرکت و کفتار کوه پار

فن روایاتده صاحب کعب شامخ • اولان افاضل رواة

و مشایخ معارس ریاض تقریرده • اشجار احادیث و اخباره جویبار

دانش ایله بو وجه اوزره پرورش • ویرمشلردر • آثار معجزات ظاهره

و اثمار اشجار کرامات باهره‌یی وسایل انامل دریا شامل • تفحص و تتبع

ایله بو کونه الکنورمشلردر که • اول شجرۀ نخلستان نبوت • و ثمرۀ

شاخسار فتوت حضرتی نظم که نخل روضه قدسش ز آب لطف پرورده

درخت هستی ازوی میوۀ بهتر ثنا آورده • صورت معجزه‌لی مرة

بعد اخری • تحریک اشجارده دخی جلوه‌نما و هویدا • ایتمشلر اول

جمله‌دن سلک روایت حضرت جابرده • رضی عنه ربه القادر

مانند در شاهوار • منتظم و تابدار • و مجلای پرتو شعور و وقوفده

بدیدار اولان • معجزه باهره و کرامت فاخره بودر که • اسفار

منتج الآثاردن • بر سفر ظفر شکارده • بر صحرای واسعدن کذار

ایدوب اصحاب و ابرار • ایله طی دشت و کوهسار ایدرلریدی •

لحاجة اول نور عیون و صدور • وراء حجابده مستور • اولمق اقتضا ایدوب

بر محل خفی استقصا بیوردیلر • اصحاب وفا انتساب ایتدیلر ای نور دیدۀ

اصحاب بو عرصۀ پهناء • دل ارباب وفاکبی سودای علایقدن مبرادر

بوبرده پرده اولمغه قابل • بر خالی منزل دکلدر • بو صفحۀ ملسا

لوح ساده آسادر • اشجاری متفرق و پریشان • و اوراقی

لکدکوب بادخزاندر • بو اثناده نظر همایونلری فناء صحراده

ایکی شجره موزون اولدی • اول طرفه توجه بیوروب دست

مبارکلری ایله غصن شجری طوتدیلر • انقادی علیّ باذن الله دیدیلر

فی الحال بعیر مربوط کبی منقاد اولوب • اول برنیه دخی امر انقیاد

صدور ایدنجک • اولداخی منقاد اولوب • بری برینه استناد

ایتدیلر لمنشئه درختان بفرمان دادار پاک • رونده شدند از روی خاک

نهادند سر هابیک دکران • که پوشیده شد حضرت اندر میان

کوییا ایکی سرو قد خدمتکار ایدی که • پیشگاه خدمتنده ستاده

و سر نهاده اولدیلر • بعد ذلک بیوردیلر که • التئما باذن الله

حضرت بو کلمه ایله متکلم اولیجق • بر برینه ملتئم اولوب بر یرده متین

و با حصن حصین اولدیلر مصراع بهم بر شده شاخ بر شاخ تنک

بعد قضاء الوطر • هر بری شارت ایله مقر اصلیده قرار ایتدیلر

بیت چو بر داخت ارکار آن سرفراز • درختان همان نیز رفتند باز

روایت اخراده بعض اشجاری دعوت بیوردیلر • میل یمین و

و شمال ایله یردن قوپوب خاکپای عمیم النوال • رسول متعال

حضرتنه رو یمال ایدوب • السلام علیک یا رسول الله • زمزمه سیله
زبانه ساز • و معنای کلامه آغاز • ایلدی دیو نقل اولنمشدر • بیت
جآءت لدعوته الاشجار ساجدة • تمشی الیه علی ساق بلا قدم •
ابن عمر وجه احسنه اوزره روایت ایدر که بعض اسفارده منتج الآثار دولت
حضرت رسول مختار ایله صحراده سیر ایدرک • بر اعرابی حاضر
اولوب سید الاولین و الآخرین حرکات اعرابییه ناظر اولدی • بیوردیلر که
ای اعرابی این تریدا ایتدی ای رسول مجید • اهل و عیالم جانبنه
روانم و حاجتمه امری جویانم • بیوردیلر که طلب خیر معرضنده کیمی بو سیرده
دکلدر اظهار طلب ایتمز میسن • اعرابی ایتدی عجب اول خیر مطلب ندر
بیوردیلر که کلمهٔ شهادت ایتدی بو قول کریمه شاهد • و دعوایه ساعد
و معجزاتی شاهد اولمش وار میدر • اول آنده نظر مبارکلرینه •
بر شجر نمایان اولدی بیوردیلر که • اشته بو شجر مدعا مزه شهادت ایدر
اعرابی ایتدی نیجه میسردر • پس شجری شرف دعوتلرینه مظهر بیوردیلر •
گویا ستاده پای برجا کر ایدی • امر رسول مطهر حضرتلرینه •
منصهٔ انقیادده جلوه گر اولوب • بر خطاب با صواب ایله طرف
نبوت انتسابه پویان اولوب • حاکپای عمیم الاحسانلرینه
رو براه ایدوب • اوچ دفعه ایتدی اشهد انک رسول الله • بیت
نخل که بودش بزمین سخت پای • خاست ز فرموده امرش ز جای •
اعرابی ایتدی امر ایت که مکاننه قفول ایلیه • حضرت رسول المأمول حسب

مقر معهودینه ارجاع ایدیجک اعرابی ایتدی ای رسول مطاع • واجب الاتباع
رجا ایدرین که • بو عبد بیوجوده اذن شریفکله سکا سجود ایدم • بیوردیلر که
سجده یه آمر اولسم زوجه لی زوجه سجده ایله مؤتمر ایدردم • شجر نیجه اطاعت
امر پیغمبر ایتمیه که عرصهٔ زمینده نهال نبوتی ثابت • و ردی خصمده شهود
معجزات ایله مدعای رسالتی ثابت اولمشدر • اما بو اثبات علاوه
استغراب اولمشدر که اشجار صامت ناطق سالت اولوب • انحاصی
و اشرای کفار نور نبوت ساطع ایکن ساکت اولهلر • احشاب حرم مسجد
نبوتده مساجد سکان حرم مولدی سر انقیاده اولوی تسلیمه تومقدن
متباعد اولوب • وساوس شیطانیه اقرار نبوته مساعد اولمیه •

معجزهٔ کفالت حضرت عنایت معتاد با آهوی نجات داد با طلب صیاد

صیاد مرغ روایت • و قناد شکرستان حکایت • بو معجزهٔ دسیمهٔ کرامات
عظیمه لی قفس قالب روایته بو گونه افراغ • و اذان امته بو وجهله ابلاغ
ایتمشدر که بر صیاد خودکام • بر صحرایه نهاده دام • قورمش ایدی
بر آهوی تیزخرام • قضا ایله اسیر دام • و گرفتهٔ حبالهٔ ایام اولدی
اولدی اول آهوی سبک رفتار • قید صیاد ایله ضعیف و زار
ناگاه اول فضای واسع الفناده • حضرت رسول هدی خورشید
عالم آرا کبی هویدا اولدی • بعض مهم اقتضا ایتمک ایله اول طرفه عازم
اولمشلر ایدی آهوی مسکین • مشاهده قلدی که اول سلطان دین • بیت

شه البطحی شمع بیت الحرم • مه برج یثرب علیه السلام نشه
اصحاب کرام ایله اول صحراده خرام • ایدرلر فریاد ایدوب ایتدی
ای داور داد رسول عنایت معتاد • بو اسیر محنت اولان متکهّل
تیغ قهر صیاد ایله هلاکه مشرف • اولوب دیده بخت نابینا
مبتلای سیل • ودست قدرت و توانائی اسیر محنت شلل
اولمغله درون بیشه‌ده اولان آشیان الجرده بچه‌لرم گرسنه
وعطشان وحسرت مادر مهربان ایله نالان اولمشلردر • نجات بخش
ارباب عصیان • وشفاعت کننده روز میزان

نظم

شهنشاه رسل سرخیل درگاه • سریر افروز ملک لی مع الله

حضرتلرندن تمنا ایدرین که بچه صیاد وبیداد جفانهاددن بو ضعیفی
آزاد بیوروب اعتماد ایتمزسه بو تکلیف عنیفه تحمل و مکث ایتمیوب
سرعت ایله عودت ایدنجکه تکفل بیوره‌لر • سوگلیه که ساقئ بزم گردون
جام بینی صونمیه • وساقئ بزم اجل صعوه جانه قونمیه • وقت مهل مرور
ایتمدین حضور فائض النورلرینه جبین سا اولام صمیر منیر لرینه
حاشا که مستور اوله • اول اسیر درد وبلا • مرادنی ادا ایدرکن صیاد
ایرافدن پیدا اولدی • حضرت بیوردیلرکه • ای صیاد بو آهو
گرچه سنگ صیدک ایدوکی جای عناد دکلدر اما دردمنده هجوم
سیل نیل نهب دام علاوه آلام • فرقت بچه‌گان اولوب قدیمی
لام ایتمشدر • آزاد ایتمکله دلشاد ایلسک بچه‌لرین کوروب ارضاع ایتسه

ینه ارجاع ممکن ایدی • صیاد ایتدی بو صید پرقیدی آزاد ایتمک
نیچه ممکندر که • بر آهوی وحشی نژاد در صحرایه فراری مقرر • بینه ارجاعی
نه طریقله میسردر • مگر جناب حضرت نبوت تحمل امر کفالت بیورلر
کفیل احوال امت • حضرت رسالت قبول کفالت بیوردیلر •
بو طریق اوزره که بش ساعت ذهاب وایابه مهلت ویرلمه صیاد
منجر اولوب ایتدی اگر مراجعت ایدرسه بن داخی اقرار نبوت ایدوب
قبول دعوت ایده‌رین • بر طرفیدن عهد ومیثاق ده • بو وجه اوزره
اتفاق • ایلدیلنجی حضرت دست شفقت ایله آهونک آرقه‌سنی
صغادیلر • صیاد قید بنددن آزاد ایدنجک آهو کماندن بران
و پرتاب اولمش تیرکبی شتاب ایدوب جانب صحرایه دوان
گویا که باد ایدی وزان اولدی • حضرت رسول منان • قدومنه
مترقب ونگران اولدیلر • صیاد ایسه بو حالی استغراب ورجوعنی
استبعاد ایدردی • درت ساعت مرور ایتدی آهو شتاب تام ایله
حضور فائض النورلرینه جبین سا اولوب زبان فصیح ایله گویا اولدی
مدت انتظار تمام دیمسندن اعتذار ایلدی • رسول کردگار بیوردیلرکه
ای آهو وقت مهلت بش ساعتدر • هنوز گذر ایتمدی نه جای
اعتذاردر • ای رسول ثقلین بو ضعیف غم دیده وحشی بچه‌گان ایله
قرة العین اولدقده ایتدیلر ای مادر مهربان سندن بر رایحه
عنبرفشان • دماغ جانه فیض رسان اولدی نه گونه شمیم روح افزا

ونه غالیهٔ مشک سادر • ایدم حضرت رسالت صیاد ناکسدن
خلاص بیوریدقده ارقه می مس ایتمشلریدی کلامی تطویل ایلمک زیرا
بو اسیر و ذلیل عودتنه کفیل اولمشلردر ایدیلر • چونکه اول حضرت
کفالت بیورمشلردر • استعجال ایدوب تأخیر و اهمال ایلمه بزی
ارضاع نه لازم • صیاد ارضاعه عازم اول • بو ضعیف الحال دخی
خدمت غزالمثالرینه رومیال ایدوب • استعجال ایلدم • صیاد
مجاری اموره واقف اولنجق • حقیقت حاله عارف اولوب ایتدی •
اشهد ان لا اله الا الله • واشهد انک رسول الله • شرف اسلامه نائل
اولوب فرقهٔ اهل ایمانه داخل • اولدی آهوی آزاد • وصحرایه آزاد
ایلدی آرزوی دیدار بچه‌کان ایله شتاب ایدوب جانب صحرایه روان
اولدی لمؤلفه کیمدر او آرا بتمین اگر • کم ایدر بویله معجزه اظهار
بو نه سحر و نه شعبده گبی در • اهل نار ایلیه نکر انکار •

معجزه برآوردن شاخ خشک خرمارا بدعای حضرت حضرت رسول هدی علیه الصلوة من الله تعالی

رقم زدهٔ کلک نقلهٔ معجزات • وخامه زن ثقات رواة اولمشدرکی
بروز پیروز خرمن سوز کفر و عصیان حضرت فخر عالمیان که نظم
خاک رهش جلادهٔ چشم خرد بود • آنرا به نقد جان بخرد هر که بخردست
از فیض روح اوست تجدید مستفیض • مرقابی که قابل فیض مجدد ست •
رکاب عزت انتسابلری که اطلس چرخ پای انداز • و پرنیان آسمان گرد

اولمغله سه اوازه اولمشلردر • برگون مانند آفتاب رخشان •
خانهٔ ابو الهیثمده نمایان اولوب • اول ظرفه عزم همایونلری •
مددکاری سه روش عالم فطنت ایله • کوشش زده اصحاب معالی مآب
اولنجق • اول فرقهٔ جلیه و زمرهٔ علیه دن حضرات جابر باد • وسوده
روی خاکپای خیر الابرار اولدیلر • خانهٔ بازینه ابو الهیثم اشعهٔ جمال
خورشید کرم ایله مانند سپهر عالم منور و روشن با اولوب •
کمال صفا و نهایت سروردن مطرب دلی مصراع
خیر مقدم ای شفیع امتان پرگناه • صداسی ایله زمزمه ساز •
و بلبل باغچهٔ املی مصراع ای گل تر گلستان قلبی خندان ایلدک
هواسی ایله نغمه پرداز اولوب • متکی مسند انعام • و سر نهاده
لمؤلفه بالش اعزاز مسند الانام • اولمغله مسرور و فرح و فخور اولوب
مژ صفای وصل دارم مدعی درد فراق • مرحبا یا سیدی یا سیدی
نعم التلاق نثر شکر خدای علام که خون اکرام دن لقمهٔ انعام • نوالهٔ
بندهٔ مستهام • اولدی نیچه ایام ایدی که کمانکش ملاحظه و خیال
تیر جاسی هدف امید تشریفه پرتاب ایدوب • نیروی بازوی
همتله • دعوت جناب سلطان نبوت انتساب ابتمکه اشتیاق
خارج گنجایش ثبت اوراق ایدی بیت چنانکه تشنه با آب حیات مشتاقست
بجا کجای تو مشتاق تر از آن شده ام نثر لله الحمد که آخر کار کشاکش قلاب
تمنا • جذب قلب رسول خدا ایدوب • سلسلهٔ جنبان احسان •

وسایق رایض الطاف بکران اولور **بیت** وصل اکر خواهی متاع شوق آر
جذب عاشق ماه کنعان را ببازار آورد **نثر** بو سعادتله کله گوشهٔ افتخارم
خورشیده همسر و تاج ابتهاجم اکلیل آسمانه برابر اولسه عجب می
دکلدر **نظم** لو علمنا مجیئکم لنثرنا مهجة القلب او سواد العیون
وفرشنا علی الطریق خدودا لیکون المرور فوق الجفون
شهد کامی مذاق جان ده و فلک دلی دریای احسان ده مشاهده
ایدوب **بیت** شکر خدا که هرچه طلب کردم از خدا بر مقتضای همت
خود کامران شدم اما حیفا که دست برد جفای چرخ سبز کام
یغمای نعمای لیالی و ایام ایدوب استیفای مال با تجلل ایله مدد
ایتمزکه دفع ضرر سیل جوع سنه سی میسر اوله حقا که بو هنگامده
تنگی معاش جان خراشه علاوهٔ اکدار روزکار زورکار اولوب
بخت زبون قوت ضعفه مقرون در با این همه جانه قلت
قامت بندهٔ بی علتدر نیه کوتاه اولمغله ضم بارهٔ تفرقه و انتشار
دخی اکثر اوقاتده درکار اولور یعنی هر کیمه برآرندهٔ دست قدر در
همسایه لر دخی اذن حصه کرلر در طعام شب هنگامدن دخی بقیه نقیه
فرستاده جار لازم الاکرام اولمش ایدی عذرها چندان تقصیرات
دیو بسط بساط اعذار ایله مضایق حالی اخبار ایتدی **بیت**
خورشید خلد خواجهٔ دنیا و آخرت سلطان شرع صاحب کونین مصطفی
بیوردیلرکه ای ابو الهیثم اکرام جار لازم الاعتبار و مشهود مرات

ذوی الابصار در • برآرندهٔ وحی جمیل • حضرت جبرئیل سپاس
حقوق جاره مدار مرکز اداده و تکرار اولوب • بر مرتبه سپارش
کنان اولدیکه غلط بخش ذهن حکم نشان • اولمق مظنون اولوب •
کمانه مقرون اولدیکه • همسایه درجهٔ وراثتده همپایه اوله •
اما حالا گوشه حدیقه خرمده اولان اشجار خوش نما مراد اوزره
زماننده خرما ویرمزمی • ابو الهیثم ابتدی حنبلی دمدر که گلزار
جسمنه جویبار حیات • و بستان برگ و بارنه چشمه سار
ابنات فیض رسان اولمغله شجر بی ثمر اولوب • برآورده
میوهٔ تر اولمامشدر • خیر البشر بیوردیلرکه • دلرسک اول شجر •
خشک تردن تازه میوه لر آلمق • باذن خالق القوی والقدر •
ممکن و میسر اوله • ابو الهیثم ابتدی • ای فرمان فرمای ولایت •
وای متکی چار بالش مسند رسالت • اختیار قبضهٔ همایونکزده
ایدوکی نه جای علتدر • فی الحال حضرت علی احضار آب وضو
ایله مأمور اولوب • آماده حضور لامع النور ایلدی • حضرت
رسول پروردگار • توضی بیوروب • فضلهٔ دهان دُرربارلرین
بن شاخ خرمایه نثار بیوردیلر • گویا تن مردهٔ بیحیات •
و قالب افسرده یه نجات ویروب • تازه روح ایله مشروح اولدی •
جابجا • تازه و خشک خرما خلال شاخهای نهال ده موید اولدی
حسب المراد جمع ایدوب • حاضر اولنلر جوعدن رها • وادخاره

انتما ایدیلر حضرت بیوردیلر که بو اول نعمتدندر که • رسیدهٔ
روز محشر اولور • تاج سر درا بو الهیثم فرق فلکه همسر اولوب •
بو سرور ایله سینه کر ایدی بیت لمنشئه بر اشارت ایدی اول شاه عجم و عرب
شاخ خشکی کوریجه وردی دلا بو بچه رطب • صلی الله تعالی علیه وسلم •

معجزهٔ حضرت نبوت انتسابی در اخبار نهفتهٔ زیر عباء عرب

معارج نام کتاب بلاغت انجامده • رقم زدهٔ کلک سبک خرام
اولمشدر که بر روز پیروزده سید انام • سرحلقهٔ اصحاب کرام ایله اولمش ایدی
ناکاه بر اعرابی بی اشتباه • روی نهادهٔ پیشگاه نادی عزت دستگاهی
اولدی • صدای بلند ایله ایتدی • مظهر دولت رسالت اولان
سعادتمند قنغکزدر • اصحاب کرین ایتدیلر • نور جبین دلیل رسول
عالمین در بیت فهذا الذی ضوء بشیر و مرسل • تلوح کلاح الصیقل المهند •
اعرابی امعان نظر ایدیجک لمنشئه زباغ مجلس او بوی خلد می آید •
چنانکه نکهت عنبر نطبلهٔ عطار نثر پرتو اشعهٔ مهر جمال منوردن
تیره سنی روشن ایلدی لمنشئه نور رخسار بدر دلیل هدی •
استینک شفیعی روز جزا نثر اعرابی ایتدی مدعای رسالته شاهد •
و مدعی طلب بینه یه ساعد کرکدر • شمشیر معجزات ایله ملک انکاری
استنزاع • و سپهر اعجازده آفتاب صداقت التماع ایتمک کرکدر
سیل دریا نهیب عناد سد سدید الزام ایله انعقاد • بولمینجه ملک
خلاص بولمز • وراه مناص اله کلمز • اکر دعوای نبوتده صادق ایسک •

سپهر اعجازده شارق اول حضرت رسول هدی بیوردیلر که • ای اعرابی
نه مقوله اعجاز ایله سکا اهتدا میسر اولور • ایتدی حالا انبا نمده نهفته اولان
ندر انبا ایله • بیوردیلر که اول در نهفته یی سلک اعلانه نظم ایله اعلام
ایدرسم قبول اسلام ایدرمی سن • اعرابی ایتدی سمیر ضمیر مستهام اولدر
بیوردیلر که سیر و حرکتک بر وادی یه منتهی اولدی کم • انده بر کبوتر بر شجره
منتمی اولوب • ایکی بچه حاصل ایتمشیدی • سن اول وادییه داخل اولنجق •
طمع خام ایله اول بچه لقمه لرین التقام • وادی بینه شهباز دلی صالدک •
آخر آشیانندن قالدروب آلدک • کبوتر چونکه بال و پر آچوب
اوجدی • اول وادییه کلوب بچه لرین کورمیجک شراب هجرانی ایچدی •
جلوه کاه نظرده سندن عیزی صورت کورمیجک • بنجهٔ حسرت
دست صبرینی بوردی • و وجد فراقیله کندونی سکا اوردی •
حالا عباده اولانلر کبوتر بچه کاندر • اعرابی چونکه بو تقریری کوش
ایتدی • دست ساقی هدایتدن جام ایمانی نوش ایتدی • کبوتر
دخی • بو حالده انظار اصحاب مجلسه جلوه کر اولدی • مانند پروانه
کندوینی بچه کانه بر آن ایدوب • تصدیق کلام فخر عالمیان ایلدی •
اصحاب عالیشان بو حاله تعجب کنان اولوب • ایتدیلر تعجب با در مهربان
اولور که مشاهدهٔ بچه کانده بی تاب و توان اولوب • اول جانبه پران
و کمال شفقتندن ترسان اولمدی • بیوردیلر که نه محل استغرابدر •
حضرت رب الارباب • عباد اوآب حقنده بو کبوتردن مهربان

وشفقت ومرحمتده صدچند اندر لمنشئه قولدیغی سوز او رب کریم
توبه ایدنلره عنایت ایدر • بحر رحمت اولور اول دم متواج
ضعفایه غریب شفقت ایدر نثر بیوردیرچه کانی آزاد ایدوب
کبوتر دردمندی دلشاد ایتدیلر • الهی شول دم که بحر رحمت جوشان
ور زمره عصیانه فیض رسان اوله • مرغ دل قفس جرایم آثامدن آزاد
و عذاب نار جحیمدن ابعاد ایله استسعاد میسر • و سعادت مشاهده
جماله مظهر اوله مثنوی لمنشئه یا الهی بحق پیغمبر • بزی ایله بو دولته مظهر
ظل لطفک ایله ظلیل ایله • کرم و شفقتک دلیل ایله
دار دنیاده ایتمیوب ناشاد • ایله بو قوشجه جانمی آزاد
انت ربی لمن دعاک مجیب • ایله احسانکه نصیب و قریب
گلشن جانی ایله تازه و تر • آب لطفک ایله طراوت ور
قومه بند گناه ایچنده اسیر • خوان غفرانک ایله ایت بزی سیر

معجزه ظهور کلام سید انام در محاربه علی با زبیر ابن عوام •

شمشیر روایات ایله شق صفوف حکایات ایدن مردان میدان
عرفان • و یلان عرصه بلاغت و اتقان • بو وجهله تحریک بیان
بیان ایتمشلردرکه • وقعه جمل و صفینده • اول مهتر انبیا
مرسلیندن برنیجه • سنین مقدم ظهور ایدن کلام اعجاز آییندن
ایکی معجزه واضحه پدیدار اولمشدرکه • بری زبیر و بری عمار حقنده در • برنیجه

سنیندن

سنیندن مقدم تعیین اولنوب • وقتنده مستبین اولمشدر
پس وقعه جملده زبیر حقنده ظهور ایدن معجزه • بو وجهله مسطوردرکه
تاریخ هجرت حضرت خیر البشر • اوتوز آلتنجی سنه یه گذر ایتدکده
اول طایفه باغیه که قتل حضرت عثمانه ساعیه • اولدیلر امر خلافت
معطل • و کار مسلمین مهمل قالمش ایدی • خلافتده خلاف عدم
ایتلاف اولوب • آخر سایق تقدیر سوق حضرت حیدر ایله
دماغ عالمی تعطیر ایتدی • گرچه بعض عنید زرع تخم کید اکید ایتدیلر
اما مهاجرین مجاهدین و انصار • ذوی الاستبصار • حضرت علیده
اقدامدن احجام مشاهده ایدیجک الحاح و ابرام ایله دفع اوهام
و شکوک ایدوب • زر خلافتی سکه قبول ایله مسکوک قلدیلر عشره
مبشره علیهم تحیات مکرره زمره بررهسندن • زبیر و طلحه دخی
بو صورتدن بعضکره برلحظه توقف ایتمیوب • قبول و مرکز بیعته دخول
ایتدیلر لمنشئه زیبی بولدی حقا کم خلافت • علی یه گلمش ایدی انده نوبت
نصیب ایدی رسول مجتبایه • قریب ایدی جناب مصطفایه
در علم و فضیلت ایدی بی شک • رسوم جهلی ایتمش ایدی اول حک
یقلدی صدمه سندن باب خیبر • او در شیر خدا صهر پیمبر نثر
رضی عنه الوهاب • و عن سایر الاصحاب • چونکه امر مومی الیه مؤسس
و مجمع علیه اولدی • اقطار بلاده خلافتنی افاده ایچون مکاتیب
بدایعه الاسالیب گوندروب خصوصا • مصر و شام و یمن جانبنه

معتمد و مؤتمن واسلی ارسالندن خالی اولمادی • و ایالت شام دن
معاویه یی مهجور ایتمکله • اولداخی حیز صداقتدن دور اولوب •
دعوای استقلال ایله اغوای ارباب ضلال ایلدی • هر برنی فساده
دام سودای خام اولوب • ظهر الفساد فی البر و البحر • ارباب دین
متفرق • و هر برنه مرض غرض متطرق اولوب • تو آننک اکثرینی
تمکین ایتمدیلر • طلحه و زبیرک بیعتی دفع خوف مصلحتی ایچون صورت
پذیر اولماغله جایگیر اولمیوب • علی حین غفلة • مدینه طرفنه فرار •
و جمع عسکر جرار ایچون درکار اولوب • طالب دم عثمان • و احقاق
حق جویان صورتنده جلوه گر اولوب • فتنه لر ایقاظ ایتدیلر •
حضرت عایشه صدیقه وقعه ذی النورین تحقیقه اریحک • اشد انکار
ایله انکار ایدوب • قتل عثمانه حضرت علی مباشر اولمق تحقیقنه بر قوم
خاسر متجاسر اولوب • معاویه جمع متکاثر ایله • بو دعوایه مباشرته حاضردر
دیمجک • دم عثمانی طلبده انلاره اقتدا ایوردیلر • طلحه و زبیر خلقی
بو معنایه اغرا ایدوب • دم عثمان علی یه التجا ایدن سفهادن •
طلب اولنمق لازم در • تسلیم ایدرسه سالم • والا اولدخی ظالم
اولور دیدیلر • معاویه دخی ارتقای سریر خلافته پایه • و اول انجاح حاجات
رابحه یه سرمایه دردیو پیراهن خونین آلود عثمانی آویزه منبر جامع کنعانی
ایدوب • قتله عثمان حجر علیده امان اولمشلردر • بو کار حصرده
دخی مباشردر • دم ذی النورینی طلب منتهای ارب در دیو

ضمایر خلقی تحریک • و تعیین قاتلده تشکیک ایتدی اما ایالت یمن دن
انفصال ایله تحصیل انفعال ایدن ابن منبه یعلی دخی مباشر کار علیدر •
دیو حضرت عایشه معسکرینه منضم اولوب • مال یمنی مسلم ایلدی
و بالجمله کامل اوتوز بیک عسکر اجتماع ایدوب • قبول بیعت
علیدن امتناع اوزره مدینه دن خروج • دراه مخالفته ولوج
ایلدیلر • طلحه و زبیر اول هنگامده مشاهده صورت خوفده بی بصیر
اولوب • بو کار ایچون طریق بصره راجح اولمغین • اول طرفه عزیمت
لایح اولدی • پس حضرت عایشه یی بر هودجه تحمیل ایدوب •
عسکر ضلیله دلیل اولدیلر • اثناء طریقده بر منزله نزیل اولدیلر •
اول محلک کلابی نوحه لر کویا بر مصیبت ایچون صیحه لر ایدوب •
آه و زارده درکار اولدیلر • حضرت ام المؤمنین رضی عنها الجمیل •
بسط کلام ایدوب بیوردیلرکه • بو مقام بین الانام • نه نام ایله مذکور
و نه دیمکله مشهوردر ایتدیلر • ما الحوأب دیمکله معلوم قوم عرب در
ام المؤمنین نزولدن امتناع ایدوب • کمال انفعال ایله استرجاع
ایدوب ایتدی ای قوم • سد طریق عزیمت بکا منسد اولمشدر •
بنی مکانمه رد ایلک • ایتدیلر سبب ندم • نه مقوله امر مبهم در
ایتدی حقا که • بر کون مجلس همایون حضرت سید العالمین ده جمله امهات
مؤمنین حاضر • و جمال با کمالنه ناظر • ایدیلر خلال کلامده آیا قنغیکزدرکه
کلاب حوأب بر زمانده که نوحه لر ایله هجومده شتاب ایده لر •

[illegible]

دیو توبیخ کنان کیفیته ایله بو حال عیان اولاجق انبا و بیان
بیورمشلردی • شمدی اصحاب تا خوابدن اولدوغم متیقن • و بوگاده
خطا متبین اولدی • باب مقاتله‌یی سد ایدرم • البته
بنی بو مقامه رد ایلک • زبیر ایتدی هر کلامی اصغا نه روادر که
سکا کلش انبا ایتمشدر • بو مقام اول مقام دگل ایدوکی نه جای کلامدر
حضرت صدیقه بهر حال طالبه رجوع اولوب ممنوع اولدی • زبیر
طلیعهٔ جیش علی طلوع ایلدی • شکوک مرفوع اولمق کرک • من بعد کار
الدن کتمش • و مقابله و حربه انحصار بولمشدر • دیو معرکه‌ده داخل
اولوب • بصره جانبنه سایق اولدی • والی بصره اولان عثمان
ابن حنیف • مقابله ایله معامله ایلدی • لکن قرق نفر آدمی مقتول اولیجق
مقابله‌دن فتور ایلدی • پس بصره‌یه مستولی اولدیلر • عثمان بن حنیف
تولی ایدوب • جانب علی ولی‌یه متوجه و گستولی اولدی • حضرت
علی دخی درت بیک نفر ایله متوجه سفر اولوب • حدیقه نام
مقرلرنده واصل معسکرلری اولدی • و فی الحال طلحه و زبیره
نامه ایله اعلام حال و متوجه الزام اولدی • بو مضموندم که سز
بو حرکتده تحصیل رضای رب عزت • و طلب دم عثمانه عزیمت
ایتمش سزدر • بلکه مقتضای بشریت ایله کار خلافتده خلافه
صورت ویردیگز • تارک راه هدی و طالب دنیا اولدیگز • زیرا
ورثهٔ عثمان حاضر • و سز مهاجریندن ایدوگز • هر ایکی امر طلب دم

سزه نیجه مسلم اولور • خصوصا سز حرم محترم حضرتی بو محله احضاره
اقدامدن احجام ایمنوب • هتک پردهٔ حیایه مقدام اولاسز •
اسلام ایله ایتلاف ایدن خارج دایرهٔ انصاف اولورمی • بعده
انلردن انصراف • و جوابلرندن انحراف ایدوب • حضرت عایشه‌یه
خطاب ایتدی که یا عایشه بو کار سکامی انحصار بولدی • مناسب
بودرکه • سفک دم مسلمیندن احتراز • و خوف خدادن اهتزاز
و بو امرده متبوع اولمیوب • مکان شریفکه رجوع • ایلیه‌سن
حضرت عایشه بیوردیلر که • یا ابن ابی طالب • جل الامر عن العتاب
وضاق الوقت عن الجواب • ملمعه ای علی قالمدی محل عتاب
وقت تنگ ایتدی شمدی منع جواب • ضرب و حرب اولدی بزه لازم اولان
حرب اچون کلدی بو بنده عازم اولان • مردانک کلبر و مقابله‌یه
حاضرز جمله مز مقاتله‌یه • اثناء مکاتبه و خلال محاوره‌ده
بالاضطرار • لا بالاختیار طرفیندن وفود جنود نامعدود تزاحم
ایتمکله امواج دریای رزم تراکم ایدوب • نایرهٔ قتال اشتداد و اشتعال
بولوب • بر هنگامهٔ خصومت • و نقطه زن صحیفهٔ عداوت اولدی
بیت
باد خشم و غضب ایله گویا • ایکی دریا درر که چالقندی
امواج فتن تابشدن آشدی • افواج محن مرگ قپولرین آچدی
نظم
بجنبش برآمد دو لشکر چو کوه • ازان جنبش آمد زمین را ستوه
حضرت مرتضی بو مجاهده ایچره مشاهده بیوردیلر که • ضرب تیغ و تیر الله

تف عسکر • وسفک دماء مؤمنین امر مقرردر • پس اول سرور
ارباب هنر • قالع باب خیبر • قامع بنیان ضرر • دافع شر اشرار
مبارز افکن و دشمن بربای شیر شکار • مانند مهر منور عرصهٔ میدانده
جلوه گر اولوب • روی منیری ایله عرصهٔ رزمی مستنیر ایلدی
گویا ذات آفتاب تابی ماه گردون جناب • اطرافنده عساکر
جلادت انتساب خیل نجوم سپهر انتساب ایدی • لمنشئه
ماه ایدی کندی عسکری کوکب • صدق و اخلاص ایله مزین • نثر
اول اصحاب حرص و آز • باب نصیحتی باز ایدوب • گاه یا قوم
انی لکم لمن الناصحین • ایله زمزمه ساز گاه • اخاف علیکم یوم التناد
ایله نغمه پرداز اولدی • اصلا گوش زد قوم ضالّون اولمایوب
لایکادون ان یفقهون • مصداقنه حال گروه ساهون اولدی
پس صدای بلند ایله طلب مبند زبیر ارجمند اولدیلر • زبیر دعوته
اجابت • وطرف حضرت علی یه عزیمت ایدیجک • حضرت عائشه
ایتدی • یا زبیر حرب مرتضادن احتراز ایله که کمنه الحکله کاریانز
اوله مز پنجهٔ شیر غراندن صعوهٔ ناتوان خلاص بولمغه امکان
اولورمی • نظم • چو شاهین بر کبوتر حمله آور • بجز بیچارگی چاره ندارد
علی ایله حرب حد امتناع ده در • وحضرت نبی مطاع دن
بویله استماع ایتمشمدر که • لا یبارز احد علیًّا • الا وقد قتله
بیورمشلردر • بو اثناده ینه صدای بلند و بالا ایله ندا ایتمکله زبیر

ایدی کلدیکنی انبا بیوردیلر • اعوان زبیر ایتدیلر • حضرت مرتضی
رمح وسیفدن مجرّددر • غالبا قصد نبرد ایتمز • پس زبیر اظهار
جلادت ایدوب • عرصهٔ نبردده رانده اسب همت اولدی • امام همام
ایتدی • ای زبیر ابن عوام • مرور ایام محو صحیفهٔ کلام سیّد انام
ایتدیمی • زبیر ایتدی • قنغی کلام حکمت انجام در • علی ایتدی اول دم که
حضرت فخر عالم • ایله صلی الله علیه وسلم • وادی بنی غنمدن گذر
ایدر ایدک • حضرت پیغمبر بندن جانبنه نظر ایدوب • تبسم بیوردیلر
بنده خی تبسم و تکلمده تلعثم ایتدم • بیوردیلر که • یا زبیر علی یه محبت
وخلوص اوزره میسن • ایتدیک یا رسول الله نسبت قرابت ایله مخصوص
اولد وعمدن غیری • اساس مودتم قرابتک ایله مرصوص و سهم
دین منصوص اولمشدر • نه وجهله محبتده قصور صورت بولور
حضرت بیوردیلر که • یا زبیر بر زمانده سن علی ایله مقابله • و تجرید
عسکر ایله مقاتله ایدرسن • علی اول حینده مظلوم و سالم • و سن ظالم
اولورسن • لتقاتلنه وانت ظالم له • یا زبیر حالا ظهور ایدن امر اکبر
معجزهٔ حضرت خیر البشر دکلمیدر • لمنشئه • هر نه سوزکه دیدی رسول خدا
عاقبت گون کبی اولور پیدا • نه عجب معجزه اولور بو معجزه کم
اولدی حیرت فزای خیل همم • نثر • زبیر بن عوام ایتدی حقا قول
کریم سید الانامی کرا عوام ایله خاطردن ذهول ایدوب
حرم نسیانه دخول ایتمش • بو اخبار کلام دربار نبی مختاری اخطار ایتدی

پس بعد زبیر سمرن همکنانه جنک و پیکار اولمقدن رجوع و استغفار
ایدوم دیو اعتذار • و قطرات ندامتی چشمندن چکیده ایدوب
میان میداندن عنان پیچیده اولدی • حضور ام المؤمنینه حضرت زبیری
فرسوده جبین ایدوب حقا که جمله فرزندیمدن اولدوغمز
بو کون مستبین اولدی • بو جلبیه حالی تبیین ایتدی • بیوردیلر که
ای میوهٔ دل و جان سیوف بنی مطلبدن ترسان اولدوغک
نمایان اولدی • پسری عبد الله ایتدی • یا اباه بو نه کونه غیرتدر که
من بعد رجوع سبب فضاحتدر • همان عسکر ایله میان میدانده جلوه کر
اولدی • بو مرتبه دن صکره قرار میسر اولمیوب کار جز به انحصار
بولوب طرفیندن دست رماح و سیوف • خرق ذیول صفوف
ایدوب عسکر علی بن ابی طالب خصمه غالب اولدی • روباه بیشه
مکر و حیل حملهٔ شیر کوه شجاعته محل اولورمی • اسد الله غالب
مغلوب اصحاب مثالب اولوب • خلل بولورمی نظم
چراغی را که ایزد برفروزد • هر آنکس پف زند ریشش بسوزد
چونکه عسکر خصم فرار ایدوب مغلوب اولدی • طلحه و زبیر دخی منکوب
اولوب • والبغی یصرع اهله • کذارشنجه میان معرکه ده طلحه بر تیر
ایله مقتول • و زبیر معرکه دن رجوع و قفول ایدوب • وادی السباع
نام محلده خواب آرام ایتدکده عمرو بن جرموز کیسه دن بروز ایدوب
بر تیغ ایله جمانه ایرشدردی • و درجهٔ شهادته یتشدردی • حضرت علی

عایشهٔ صدیقه

عایشهٔ صدیقه نک جملی حفظنه برادری محمد بن ابی بکری مأمور ایدوب
محل محاربه دن مرور ایتدردی • و کمال اعزاز و اجلال ایله
طرف مدینهٔ منوره یه ارسال ایلدی • میان معرکه ده هودجی
اوماج تیر و کمان اولوب • مانند قنفذ ایدی اما درونه منفذ بولمامش
ایدی • حضرت علی ایتدی یا عایشه بو حرکت موافق رضای حضرت
رسالت اولورمی • حضرت صدیقه ایتدی یا ابا الحسن ملکت
فاسجح حقا که مرادم اصلاح و حقی ایضاح ایدی • باب بغاتده امام
ابن همام • تحریر فتح قدیرده تحریر ایتمشدر که حضرت عایشه نکرمه
حضرتلری بو کاره مبریه وضع قدم • ایتدکلرندن کمال ندم • عرضی
مسلمدر • حضرت علی طلحه نی مقتول کوریجک استرجاع بیوروب
قتل زبیری استماع ایتدکده • بشر قاتل ابن صفیه بالنار حدیث
شریفن الماع بیوردیلر • و میان قتلی یه مرور ایدوب هر بیرینک روحنه
دعای موفور ایلدی • و جمله جنایزلرینه صلواتی جایز کوروب
نمازلرین قلدی • و مبشر نوید اقبال • منادی عرصهٔ جلال
حضرت حیدر اولوب ندای نظم للمنشئ شکر خدا که کوهر اقبال و درج فتح
دریای همت تو سعادت نثار کرد نثر عمزداسی ایله پیشکاه فتح و ظفری
مبشر ایلدی • سعادت ایله کوفه یه عودت بیوروب امر خلافه مباشرت
بیوردیلر للمنشئه او تعیینی که ایتمش ایدی احمد • ظهوره کلدی اول قول مسدد
بنه بر معجزه کلدی ظهوره • قمر بن اولدی مانند صدد

معجزۀ باهرۀ رسول مصدّق در تعیین وقت شهادت عمّار در غزوۀ خندق

اما وقعۀ صفین ده تعیین بیوریلان معجزۀ رسول مبین ظهوری کتاب
مصابیح ده که مغلقات احادیثه سطوری مفاتیح در • ابو قتاده دن
بو وجهله روایت وافاده اولنمشدر که • غزوۀ خندقده حضرت
رسول مصدّق • قصد رفع اذیت یهود بیوروب • جمله سی
حوالی مدینه دن اجلا ایله مردود بیورلمشلر ایدی • هر بری بر
ناحیه ده ساکن • اکثری بادیه ده قاطن ایدیلر • اتفاق و اجتماع ایله
مکۀ مکرمه یه سفر • ومجمع قریشه گذر ایدوب • تحریک عروق غیرت
جاهلیه • وتعریک اذن حمیت باطله ایدر کلمات تشنیع وتشنیع
ایله تعبیر وتشجیع ایدوب • الحاصل وثن واحددن گمی سهام
عقد تاطل ایدوب • مدینۀ منوره • وطیبۀ معطره • اوزرینه
سفر امرین مقرر ایلدیلر • بو تدبیر موجب التدمیر گوشگذار حضرت
نبی خطیر • اولیجق اطراف شهر حفر خندق ایله مسوّرا ولمق موافق
رای انورلری اولدی • پس اقتاب اجتماع اصحاب التماع ایدوب
بالذات حضرت سید کائنات سرکاره حاضر • وخدمات شایسته
اصحاب کرامه ناظر اولدیلر • کیمی حفر خندقه مشتغل • کیمی نقل ترابه
متوغل ایکن ناگاه • نظر همایونلری عمار بن یاسره معطوف اولدیکه
نقل تراب ایله اکتساب ثواب • وجلب رضای رسول عالیجناب ایچون

ماننده آفتاب • آلوده غبار وتراب اولوب گویا ضیای خورشید
ایدی کم خاکه دوشمش • یا روشنایی ماه ایدی کم تراب اوزره
تاب صالمش ایدی • بر وجهله ادای خدمته مسارعت • وبر مرتبه اتمام
مصلحته مبادرت ایدر ایدی • گویا بر نخل ایدی کم قامتی میوۀ ثواب ایله
خمیده ایدی جدّ وجهدی پسندیده اولوب • سر غبار آلوده دن دست
نوازش ایله فرق فرقدانه همه ایدوب بعده ایتدیلر • ویح ابن
سمیه یقتلک الفئة الباغیة • بو کلام حکمت التیام • اول هنگامده
گوشزد اصحاب کرام اولمش ایدی لمؤلفه ایتمش ایدی کلام پاک رسول
گوش اصحاب مجتبایه دخول نثر بو سخن معجزه کر وقعۀ صفینده
جلوه گر اولوب عمار بن یاسر آرزوی حیات جاودانی ایدوب
ترک نشئۀ شدر فانی ایلدی • فروح وریحان وجنة نعیم
مقام ومقیم • فهو فی عیشة راضیة وجنة عالیة قطوفها دانیة
نسیم احسانی • دماغ جانی عنبر شمیم ایتدی • سبیکۀ قضیۀ شهادت
قالب روایته بو وجهله افراغ • اولنوب نقله معجزات گوشش امته
بو گونه ابلاغ ایتمشلردرکه • وقعۀ جمل که علی الاجمال قم زده
کلک بشیر بن مقاتل • اولمش ایدی حضرت علی کوفه یه عودت ایدوب
ولایت اقالیم داخل بیعتلری اولوب • الحق معاویه ابن سفیان
خطۀ شام ده روگردان اولدی • حضرت علی ولایت پناه
جریر بن عبد اللهی فرستاده معاویه ایدوب • داخل خطۀ بیعت

ماننده

اولماغه اشارت بیوردیلر • عمرو بن عاص عاصی • و معاویه‌یی مخالفت
ایتمکه متقاضی اولوب ایدی بو نجه ایام درکه • ولایت شام باردن
سمند نقص و ابرام ایکن عزل علی ایله انعزال • و نفس نفیسی اذلال مقتضای
عقل اولمدیغی بدیهی حالدر • دعوای خلافته مانع اولمدیغی لامع درمناب
بلکه واجب بودرکه • قتل عثمانده علی‌ده اشتراک امرنه انهماک ایدوب
طالب دم عثمان اولمق سمتنه انسلاک ایلیه‌سن • بو کاره هرکس معاونت
ایدرک • امر خلافتده اختلاف نماینده صورت بنیدر دیو بو کونه
مکر و حیله ایله ایقاد شرر فساد ایدوب • معاویه دخی خلافته
طمع و رغبت اوزره ایدی • استصواب ایدوب ابتدا • علی زمره‌سی
قاتلندن ایدوکنده ارتیاب یوقدر • دکل ایسه نیچون قتله عثمان
حجر حیدرده‌در • هرکه دعوای اسلام ایدر • طالب دم عثمان اولمقده
تشمیر ساق اقدام ایتمک کرکدر • دیو اهل شام و بعض اصحاب کرام
ایله بو امرده اتفاق • و حرب علی‌ده میان بند نفاق اولدیلر • اما
اتفاق عمرو • معاویه‌دن عهد تولیت مصر ایله اولدی • پس اول
امرده بورائی جرئی کورلدی کم جریر جبری • اهل شام‌دن فرستاده
طرف حیدری اولوب ایتدیلر • زعمکر ابن سفیانز • و طرف حقده
طالب دم عثمانز • علی ایله بو خصوصده محاربه اولماز کاریمز محاربه‌در
زیرا حیدر قتله عثمان ایله متفق ایدوکی مقرردر • تیغ و شمشیرمز
سرمایه • و امیرمز معاویه‌در • پس ار فرستاده جمله‌سی آماده اولوب •

اجتماع

اجتماع عساکر و حرب متکاثر ایله متصدی کارزار حیدر کرار اولدیلر •
معاویه حرکتده سرعت ایتمیوب • آز آز کیدر اما خلافته دست آزی باز
ایتمش ایدی لی بنزدراه کاردن ازاله کرد ملاحظه ایدر ایدی زیرا بیم ذو الفقار
جان شکار درونه کار ایتمشیدی بیت نه عزمی درست و نه رای صواب •
دلی پر نهیب و سری پر شتاب نثر اختلاف و اختلال ایله جزم و حرب
قتال ایلدی • چونکه جریر واصل مجلس شیر دار و کیر • علی ظفر تأثیر
اولدی • اتفاق عمرو و معاویه معروض پایه سریر عزت مأیه‌لری
اولدقده • استغراب و استعجاب ایدوب • دفع مضرت ایچون •
کوفه‌دن خروج • و جمع مؤمنین راهنه ولوج ایدوب • صفین نام
محل بانام‌ده اجتماع عساکر اسلام • و غالب اصحاب کرام • ایله منتظر
قدوم والی شام اولدیلر مثنویه کلدی میدانه شیر غار و غا
ابن عم رسول هر دو سرا • هل اتی در شیر قدر علی
لا فتی مظهر بدیر او ولی نثر حقا که صفین کار عجب • و امر اغرب
اولوب • کل من القی السمع و هو شهید مضطرب اولوب •
مشیب هر شاب ایدوکی یقین و بدیدر • ایکیسی داخی عسکر اسلام
سردارلری اصحاب کرام‌دن بری زوجه بتول • بری شرف
صحبت رسوله دخول ایتمش بری • و لی شرف پایه بری کاتب وحی آکه
بیت خدای عز و جل بضمن هرچه کند • لطیفه ایست که کس را ازان خبر نبود
پس معاویه دخی جمع کثیر • و عسکر وفیر ایله کلوب طرفین‌دن جنک و

وجدال واشتغال نایره اشتغال قتال رهزن آتش حقد وحسد
اولوب وار دقجه حرب مشتد اولدی اصحاب عالیشاندن
بعض علی وبعض ابن سفیان ایله ایدیلر اما غالب اصحاب حضرت
علی عالی جناب ایله متفق ونسق حقده متسق اولمشلر ایدی جمله دن عمار
بن یاسر وعبد الله بن عباس همسر ایدیلر دول الاسلام نام کتاب
بلاغت انجام ده کبار اصحاب معاویه حزبنه لحوقدن اجتناب ایدوب
انجق عمرو بن عاص وزارت ایله اکتساب انتساب ایتمش ایدی دیمشلر
وبالجمله ایکی عسکر تیغ وتبر وشمشیر ظفر اثر ایله آهنک جنک وپیکار
وبر وجهله متصدی کارزار اولدیلرکه کاروان عمره صحرای عدم منزل
وشهباز میزان زندکی فنا جانبنه مایل اولدی وعقاب ممات جان
شکار صعوه ارواح ده بر وجهله درکار اولمش ایدی که بر آنده پنجه مرغ
چالاک صید بند فتراک اولوب افسونکر نکایت اجل عقد لسان عمر
مستعجل ده اجل ور معیوب پنجه جان خطیر جاکیر شغیر حقیر اولوب نیزه کرچه
سخت پای دل اما اول دم ده دست تطاولی دراز ایتمش ایدی شمشیر
کرچه تنک روی ورقیق القلب ایدی اما اول هنکامه ده نیزه مبالغه
آغاز قلمش ایدی سپر آهنین سرزنش کرز کراندن رمیده وکمند
کمین ده ایکن کشاکش زورآوراندن پیچیده ایدی بیت
زکرز کران سنک وشمشیر تیز   میانجی همی جست جان ازکریز
آخر ضرب کوپال قالع باب خیبر حضرت حیدردن سر عسکر معاویه

جیب انتزاعه کشیده واحتمال دام صید ایله مرغ جانبازی صحرای
پیکاردن رمیده اولدی بیت بجنبش چو بن در آمد بحر زخار
بجنبش قطره چون آید بدیدار   سیلاب هجوم عسکر جرار حیدر کرار
رهزن دیار صبر وقرار اولمق مرتبه سنه وارنجق عمار بن یاسر که
حضرت پیغمبر فیه باغیه قتل ایدیسرلر دیو غزوه خندق ده
خبر ویرمشلر ایدی عمر کرانمایه سی طقسانه متمشن بر ایدی میان
معرکه ده شمشیرزن صف دشمن ایکن دفع تف وتاب انجون
بر اناء ایله صیحه لبن کتوردیلر کرچه آب حیات کبی نوش ایدوب
دلخوش اولدی لکن در کلام سید انام که رقم زده خامه عنبر فام
اولمش ایدی سلک اخطار انتظام ویروب ایتدی صدق الله
ورسوله الیوم القی الاحبه محمدا وحزبه زیرا فیه باغیه قتلنه
ساعیه اولوب آخر مشروب صیحه لبن اولدوکی بر موجب جف القلم
مکتوب اولدوعین حفر خندق ده حضرت رسول مصدق وقتنده ظهوری
مقرر ومحقق در بیورمشلر ایدی اکرچه بر پیرم امیدوارم که
تیر وتیم سرحربده تاثیر ایلیه خصوصا سعادت شهادت ایله
سید کائناته ملاقات اشارت پربشارتری ایله اتمم مراد ایدر بیت
اکرچه پیرم واندر کشاکش اجلم   ولی بدولت وصل تو پیر زنده دلم
دیو میان بلان ده کارزار اژدره مانند پرکار هر طرفه شمشیر تابدار
ایله کار ایدردی ناکاه بر بدبخت روسیاه ضربی ایله تباه اولوب

مرتبۀ شهادته فائز و شرف وصول مجلس حضرته حائز اولوب •
ظلال اشجار دانیة القطوف • ر وحنه جای وقوف اولدی • بیت
از نیز گذشت ازین گذرگاه • وان کیست که نگذرد ازین راه • نثر
ایکی شخص ایتر دعوای قتلده اختلاف ایدوب • اول بی انصافلر
سر عمار بن یاسر ایله معاویه و عمرو حضورنه حاضر اولوب • اجرای
امرده عنایت • و اجر طلب ایدر عمرو بن عاص صورت قتل عمار
مرات کارلرنده بدیدار اولدوغن کوروب • انره ایتدی • انکما فی النار
معاویه ایتدی • ایقادنار مراد ایچون بذل جود ایدن اجناد •
مظهر عنایات اجداد اولمق معتاد ایکن • کلام بر توبیخ ایله سر
جد و اجتهادلرینه میخ اورمق امر قبیح • و کسر قوت عسکر ایدوکی
صریح دکلمیدر • عمرو ایتدی حقا دیدوکم واقع • بر موجب تعیین رسول شافع
و نور معجزه لامع اولمشدر • سن دخی بو امره واقف • و سرینه عارفسن • مصرع
خطا ایتدم پشیمانم نه چاره • کاشکی بو محل مشهوده • و کلام معهوده •
وجود بولمزدن بکرمی سنه اول • مقارن اجل اولمش اولایدم
یا قبل الوقوع • راه مناص و فوز نجاتمه خلاص بولایدم • لمنشئه
اول اولیدی کاشکی یرم عدم • کورمیدم بو کونلری بردم • نثر
معاویه ایتدی • سبب ندم حالانه امر مبهم • در تفصیلنه و توقف
ابهام اولدی • عمرو ایتدی حقا که خیر البشردن • بو وجهله کوش گذار
اولمشدرکه • عمار مقتول فئه باغیه • و مظلوم طائفه طاغیه •

او لاجقدر • بو کلمۀ حکم نکات اوزره زمرۀ بغاتدن اولدوغن
محکمۀ عالمده علی وجه الخصم اثبات اولنمش اولور • بیت لمنشئه
داخل دفتر طغات اولدق • لاحق زمرۀ بغات اولدق • نثر
دیو تأسف • و کاربرددن تلهف ایلدی • معاویه ایتدی •
بو نه مقوله سخن ناصواب در • حقیقتده قاتل عمار علی ایدوکی محل ارتیاب
دکلدر که عماری بزم ایله حربه اغرا ایدوب • صفوف سیوفه
القا ایلدی • بو کلام اثر گوش زد حضرت حیدر اولیجق ایتدی •
بو کلام نامعقول خارج حیطۀ قبول در • حضرت رسول ایله حمزه حربه
دخول ایدوب • اول رزم پر ارزمده اول ولی اکرم سر منزل
عدمی کچمش • و دوستکانی شهادتی ایچمش ایدی • و قتاله دخول
ارسال رسول ایله اولمش ایدی • بو تقدیر اوزره حاشا قاتل حمزه
حضرت مصطفی اولمق لازم کلورمی • نعوذ بالله من سوء القول و العمل •
و نعتصم بلطفه من الشرور و الذلل • شرح بخاری ده امام کرمانی
علیه رحمة الباری • رقم زده خامه دررباری ایتمشدر که • وقعۀ
قتل عماری خزیمه رضی الله عنه مشاهده ایدیجک کارزارده •
بر وجهله مجاهده ایتدی که • عسکر شامدن نیچه بیک آدم
قتل ایدوب • بردمده واصل سر منزل عدم • و فوز مرتبۀ
شهادت ایله محترم اولدی • و بو حربده سنی ده حضرت اویس
قرنی دخی باذل جان و تنی اولدی • و عسکر شامدن قرق بش بیک

نفر طعمه شمشیر عسکر اولدیلار • خصوصا اول شیر شجاعت کستر • ولی ضرامت مظهر **بیت** کرار بی فرار و خداوند ذوالفقار درویش ملک بخش جهاندار خرقه نوش • حضرتلری قتل عمار بن یاسره برموجب کلمهٔ علیه یقتلک الفیئة الباغیة • معجزهٔ حضرت پیغمبر صورت کرا ولدوغی مشهود نظر انورلری اولیجق • آفتاب اجتماع اری حق اوزرینه اید وکی التماع ایدوب • فرقهٔ خصم باغی اید وکی ظاهر اولدی • پس جمهٔ عسکر حرب وحیرتده مجابر اولوب • ظنون و شکوک میان اصحاب ده متروک اولدی • هرکس حقه دست رس اولمغه هوس اوزره اولوب • اول قوت مجاهده ده خلل و کار حرب ده احتمال ذل ایله ملامت وکسل دار ایدی • عقد شک منحل اولیجق فیومئذ وقعة الواقعة • جمله سیف زن سل ایتدیلر **لمنشئه** ظاهر اولدی بیر بر معجزهٔ خوب اثر • واقف اولدی که هب ایدهٔ اولنلر بریر **نثر** خصوصا **بیت** سپهدار عرب میر عجم لشکرکش اسلام امیر المؤمنین ساقی کوثر شحنهٔ زمزم **نثر** اسد الله الغالب علی بن ابی طالب اون ایکی بیک عسکر شجاعت اثر انتخاب ایدوب • کالبرق اللامع والماء السایح • با دهجوم ایله صبر و شکیب خصمی انتهاب • قصد نه تحریک رکاب ظفر انتساب بیوردوب **بیت** کهی ما انیم وکه در خطر فیوم لنا و یوم لنا **نثر** بر وجهله حمله ایتدیلر که عسکر حمله شق صفوف ایدوب • دفع ضربات ذوالفقاره مشغوف اولدیلر •

امانه فائده **لمنشئه** حملهٔ شیره طوره می آهو • پنجهٔ بازه ئیلسون تیهو هر صف بارزکه مضروب صدمهٔ مبارز اولدی • مانند اوراق خزان متفرق و پریشان اولدی پنجه اولماسون که اول حملهٔ کراردهٔ لافتى الا علی لا سیف الا ذوالفقار • سرکوب خصم بدکار ایدی این الثری من الثریا • اول هجوم به طاقت پنجه موید اولور **لمنشئه** پرتو مهره دلا ذره مقابلمی اولور • رزمه شهباز ایله گنجشک یه قالمی اولور **شعر** فشتان ما بین الیزیدین فی الوری • یزید بن سلیمی والاغر بن حاتم **نثر** پرده کشای بارکاه روایت • بو وجهله رفع حجاب حکایت ایتمشدر که • اول کیجه حضرت حیدر کرار • در تیوزکره تکبیری تکرار بیوردیلر • عادت کریمه • وشیمهٔ وسیمه لری هر قتل ده بر تکبیر ایدوب هر ضرب تاثیر ایتدکجه • کویا سپهر غرایی تیوز ایدی • فوقاه الله سیئات ما مکروا • بر فرد ضرر و یار ضرب اثر ایتمک میسر اولمیوب محافظ والله یعصمک من الناس • کلاءت حمایتیله استیناس ایدوب • عین عنایت الهیه ملحوظ • و حفظ حمایت سبحانیه ایله محفوظ اولدی **بیت** آنرا که خدا بود نکهبان • زآفات زمانه اش چه نقصان **نثر** و اما بنغمهٔ رنگ فحدث کذار شنجه ممدح • و بزم تفضلده تقدح ایدوب **بیت** منم ان که در شیوهٔ طعن و ضرب • **لمنشئه** بشیران درآموزم آداب حرب **نثر** مضمون دلپذیرینی تکرار ایدردی هر اوقلیم حقیدی اول چرخی کماندن • کذار ایلر ایدی نه آسماندن

پس بو تقدیر اوزره درت یوز نفر طعمهٔ شمشیرلر اولدی • اول سرافراز جهان
ابن عم رسول کریم الشان عرصهٔ مبارزینده تنها جلوه‌گر اولوب
معاویه‌یه خطاب بیوردیلر که • ای معاویه سفک دماء مؤمنین
مخالف رضای رب مبین در • مناسب بلکه واجب بودر که آیین یلان
اوزره جلوه‌گر عرصهٔ میدان اولک • ایکیمز محاربه و زبان تیر
و تیغ ایله مجاوبه ایلیلم • غالب حیات خصمی سالب اولوب پیشگاه
خلافت • او حال اختلالدن سلامت بوله **بیت**
تاکی این فعل بی انصاف کن از کار خود • تاکی آزار مسلمان ای مسلمان شرم دار
عمرو ایتدی حقا که کلام علی عدل ایله ممزوج در و بو مقال •
حیدر ولی نسیج انصاف ایله منسوج در • معاویه ایتدی انصاف ایله
اتصاف ایدن بو تکلیفی ایتمز • اسلاف که مبارزهٔ حیدر ایله
ایتلاف ایتدیلر مظهر قتل و اتلاف اولدیلر • عمرو ایتدی
بو امر مقرر دگل که سخن مستحسن اوله • کار موهومه حکم مستهجن در •
معاویه ایتدی معلوم اولدی که خلافته ضمیرکده طلب و بندن
صکره بنیله شور و شغب • وار ایمش کار مرغوبدر مستغرب دگل **مصرع**
چه باشد حال گنجشکی که در چنگال باز افتد • چون امر حقه رای باطل •
مقابل و مماثل اولمادوغی بین و حاصل در • عسکر معاویه منکوب
و هجوم امیر المؤمنینه مغلوب اولوب • و سیعلم الذین ظلموا ای
منقلب ینقلبون • مضمون هدایت مشحونی ظهوره مقرون اولمغ علامتی •

کمین غیبدن بیرون اولنجق رب حیلة انفع من قبیله مضمونی وسیله
ایدوب **نظم** چون بشمشیر کار ناید راست • چاره انجا ز رای باید خواست
عمروه ایتدی • کار باستخوان رسید صواب دید رای سدید نه در
عمرو رفع مصاحف ایله امر ایمیا ایدوب عسکر مخالف مقابلهٔ عسکر علیده •
رفع مصاحف ایدوب ای شاه ولایت بیزم ده کتاب الله ایله
حکومت استرز دیدیلر • عسکر علی علی الاطلاق خصوصا اهل عراق
سیوفی قرابینه قریب ایدوب عسکری تعقیبدن واز
کچدیلر صلح و سلمه دریچهٔ حرص و آز آچدیلر • حضرت علی ایتدی
کتاب الله ایله عمل ایتمکه بز انلردن اولی و محل ایدوکمز مبرهن در •
رفع مصاحف سوابق اعمال ایله مخالفدر • بو وجهله خدعه و حیله
و شمشیر ظفر گیرمزدن تجانبه وسیله در • معاویه و عمرو بن عاص •
و ضحاک بن قیس و ابن ابی سرح • و ابن ابی معیط دن غیری بونده
اولان قوم مستحق لوم اولوب • لایق شمشیر و مقتول دار و گیر المغه
احری اولدقلری منیر ضمیر اولمشدر • اهل عراق هجوم و اتفاق
ایدوب • ایتدیلر کتاب الله حکمنه دعوت ایدیجک مخالفت
موجب شناعت و باعث عتب در • یا رضا یا خود اختلاف عسکر •
صورت وقعهٔ ذی النورینی جلوه‌گر ایدر • بو حالده اشتر نخعی رفع
هجوم عسکر بدانده مردانه حرکت ایدوب • دست خونریزی زینت
بخش عسکر مخالف کسر اولمش ایدی • آز قالدی که بالکلیه عسکر شام •

شمشیر خون آشام ایله انعدام بوله • امراء عسکردن بر نیچه سی شوم حضرت
علی یه هجوم ایدوب ایتدیلر نیچون اشتر نخعی یی دفع و حرب
و قتالدن منع ایتمزسن • اول دلاورک شمشیری نهنگ خون • و تیری
سمندر دم آتش گون اولمشدر • حضرت علی سندن اکا اشارت صادر
اولمامشدر • اما تولی ایتمز دیدی لکن مشاهده ایتدی که نائرهٔ فساد
اشتداد بولوب • تفرق عسکر صورت پریشانی جلوه گر ایتدی • ناچار
ارسال خبر ایتدی • اشتر نخعی ایتدی اساس صبر عسکری زیر و زبر
و عدوی کشتهٔ تیغ و تبر ایده جک محلده بو نه خبردر • و بالجمله عسکر
یار و یاور اولمیوب کتاب خدا ایله عز و جل • لازم اولان
عمل دردیدیلر • حضرت حیدر مجاوبه جهتلهدن مضطر اولوب • کف شمشیر الله
طی بساط دار و گیر ایتدیلر • آخرکار طرفیندن نصب حکمه انجرار
بولوب • اول دخی منتج آثار اولمدی • حضرت علی کوفه تختگاهنده
ناصب لوای اسلام • معاویه ابن ابی سفیان مشغول نقض و ابرام
ایالت شام اولوب • چرخ استقلالده هر بری بر بدر تمام اولدی
علی ما ذکر فی محلها مفصلاً •

معجزهٔ جدا اشدن شاخ از شجر بامر خدای دادگر

نسیم سنبل معجزات که • گلستان مشام انامه مشک فشان اولوب •
نفحهٔ عطرآمیزی روایح جنان گبی بویاور مسامع انامه بو وجهله عطرسا
اولمشدر که بر روز سعدده اول مهر اسعد لمنشه پرده کشای فلک معجزات
نغمه طراز چمن مشکلات • داغ نه ناصیهٔ منکران • تیغ زن کلهٔ گردنکشان •
علیه الصلوات الاتمان الاکملان که غنچهٔ باغچهٔ رسالت • و چمن آرای تنزیل در
غزوهٔ طائفده خلال ایده بر نخلستان که رشک آور گلزار جنان ایدی
قدم عزت توأمی ایله • مانند بهشت • خاک و خشتی عنبر سرشت اولدیغی
هر شاخ خرما دستنی دراز ایدوب مرحبا به ایما • و یا خود حرماجرهٔ آفتابدن
فرق مبارکنده بر سحاب و یا منزل عالمده • اول سلطان نبوته بر توغ ایدی که
سبز ایله مصبوغ ایدی • یا بر خیمهٔ برپا یا دست خدمتکارده بر چتر
خوش نما ایدی لمنشه چتر ایدی یا سحاب و توغ ایدی یا
خیمهٔ سبز ایدی مگر بر بانثر بر نیچه سنین و ایام • هر نخل خوش خرام
آرزوی مشاهدهٔ جمال رسول علام ایله دست تضرع و دعایی
برداشتهٔ درگاه خدا ایدوب • ایا اول روز فیروز نه وقت سعدده
بروز و مژدهٔ وصال بشاشی چهرهٔ حالده نه دمده پیدا • و خندهٔ سرور
و آمال نه هنگامده لب املده هویدا اولور دیو • رهگذر باغ رجاده
خدمته ستاده ایدی **بیت** او آب زندگانی و ما ناصبور ازد
مشکل بود که زنده بمانیم دور از تو نثر شبنم اتصال فیض رسان غنچهٔ حال
اولمامغله خشک دل و اضطراب تاب آفتاب ایله مانند مشعل
مشتعل ایدیلر • **بیت** چندان روزگارم را مهلت آرزو نیست
کز خاک آستان تو چشم بود قریر نثر چونکه سعادات ملاقاته ایردیلر
پیشگاه رسولده صف اولوب طوردیلر • پس هر شخص خاک عزتربنده روی نهاده

ونخل خرما كبی ستاده اولوب ایدی • ای مدعی رسالت دعوای نبوت
وترك تازخنك دعوت ایله بو عرصه پنهانی دیبانی بزه ضیق الارجا
ایدك كشایش غنچه انكار ایچون مهب معجزاتدن نه مقوله نسیم معجزوزان
ایدرسنكه كارامیان ایچون اطمینان • رسیده قلب ناتوان اوله
اشعه معجزات • پرتوساز سپهر دل ظلمت كداز اولمیینجه • راه
هدایت پناه • منزل اشتباهده جلوه كاه اولمز • حضرت تجرع
كاسات كلام درشت شخص ذلیل الصفات ایدوب • بیوردیلركه
سنی الزام واسكات ایچون پیشكاه نظرده اولان نخل باسقادن
اظهار شواهد ایله مدعای نبوتی اثبات ممكندر • ایدی راضیم
همان محكمه عالمده بو امری قاضی اول • پس باغبان كلبن رسالت
وآب ده كلشن نبوت نتیجه ایام • بابسته مربط باغ اولان اشجار
ونتیجه هنكام نشسته كنج قرار اولان شاخساردن بربنی مظهر
لطف اشارت ایدیجك فرعی اصلندن افراز بیوردیلر • یعنی درختندن
برشاخ سرافراز قوپوب • خاكپای واجب الاعزاز رسول ممتازده
تضرع ونیاز ایله دریچه اجابتی باز ایدی • ودعوای نبوته شهادت
ایدوب كیرو اشارت حضرت صاحب دعوت ایله اصلنه رجعت
ایدی شخص مزبور فی الحال راه كوفی متروك • وسكه اعتقادی نقد ایمان
ایله مسكوك ایدوب ایدی • اشهد انك رسول الله لمنشئه
باكرشاخه ایتمدی اثری • سنك ایدی قلبی ایلدی تأثیر •

ایلدی سنك وشاخه كرچه اثر • دوزخ اصلینی ایتمدی تغییر •

معجزه حركت شجر بابشارت جبرئیل پیام آور در تسلیت خاطر حضرت سید البشر •

بو معجزه بهیه یه مدانیه وشبیهه بو معجزه دخی روایت • وقریش جلب
اولمشدركه كافران ستم پرداز مانند كراز دندان آزاركه سنان جلیغه
آغاز ایدوب • برجور واذیت قالمادیكه • اول حضرت حققنده
اظهار وصرف قدرت ایلمیه لر • بروز نمایان ایتدكلری اشكال
كلی غیر متناهی الافراده مثال • اولمشیدی بركون اول قوم
باهر النفاق • اجتماع واتفاق ایدوب جفا وتحقیرده • سرمو تقصیر
ایتمیوب • هر مرتبه ده تكثیر • وهر طبقه ده توفیر ایدوب كرم ساز
نیستكانه تحقیر اولدیلر حضرت سلطان كونین • وفخر عالمین مصرع
هر وصف كه آید بزبانم به ازانی نثر مقاسات شداید امور وتجرع صنوف
صوارف ایام وشهورده حمول وصبور ایكن • اول شمع شب دیجور
نتیجه تكوین دهور • ومقدمه صدور امد ومرور • بالاضطرار لا بالاختیار
كوشه نشین زوایای حزن والم • وآزرده سنك جفا وستم
اعدای مذموم الشیم • اولوب كنج غمده تمكین وانواع احزانه قرین
اولدیلر • فی الحال پیك رب متعال حضرت جبریل علیه سلام الجلیل
پیشكاه رسول انامده حاضر اولوب • خدای علام حضرتندن تبلیغ
سلام ایله بو وجهله پیام مسرت انجام • تقریر واعلام ایتدیكه ترفیه

وتفریح ونوازش وترویج ایچون اظهار امر خارق العاده ٭ مقصود اولاداد
بیورلمشدر ٭ جناب عالیشان لرینه ٭ قوت رسالت ایله عطیه
اولنان معجزه کرامت مرتبه سنه وقوف ایله حصول تسلیت ایچون ٭
نظر همایون لرنده خدمت علیه لرنده ستاده ٭ وبرپا نهاده اولان
اشجاردن بری حضور فایض الانوار لرینه ٭ دعوت بیوریله خوشا
پیام فیض سان که ٭ مددبخش دل وجان حبذا کلام رب منان که ٭
شفاساز علت جان ٭ لوحش الله زهی خبر خوش اثر که سواد حروفی
لیلة القدر ٭ ونتیجه نورپاش صبیحة العیده برابر در ٭ بویله سرور
معجزاثر ٭ وضع گستاخی عدو یلی بدگهردن نه غم جگر ٭ سرما مولی حصوله
رهین ٭ مرسولی قبوله قرین در ٭ پس حضرت سرو بوستان بی همثال
بعثت جلوه گاه نظر فرخنده اثر اولان برشجری مظهر دعوتری بیوردیحق
امر خدا ایله محلندن جدا ٭ وخاک عزت انتما لرینه روفرسا ٭
اولوب ٭ ینه امر متبوع ایله محلنه رجوع ایتدی بروجهله که گویا
منبت اصلی دن جدا اجدا ٭ اولمق ردیمنا اولماش ایدی ٭ پس حضرت
رسالت بو مقوله نادره نابدره صدورنه قدرت حصولندن نهایت
مرتبه مسرت وشادمانی ٭ وطرف حمانی دن بو درجه سلوت
یزدانی ارزانی بیورلدوغندن واصل اقصی الامانی اولوب غنچه
خاطر عاطرلری گشاده ٭ وسرو بوستان قلب صفا مظاهرلری ٭
آزاده شکر شکری مکرر ٭ ونیاز وتضرعی برتر بیوروب اول نبی عربی

حضرتلرینک زبان وحی گذارلرینه جسبی کلام درر باری وارد
وجاری اولدی **بیت** چنانکه یار مارا در لطف یار باشد ٭
ما رانیز ازچندان ما با او نیاز باشد ٭ حقا نه معجزه وسیمه درکه
شعشعه سی پرتو انداز ظلمت آباد جهان وکارپرداز عالم کن فکان
اولمغله تیره دللری منور ایدوب تسلیت بخش حضرت پیغمبر باعث
نظم امر شب سپهر ستیزه گر اولدی **لمنشه** اریحک خاطر رسوله غبار
کلدی آیینه جهانه کدر ٭ صیقل لطف ایله جلا ویردی
گوندروب وحی بکی ایله خبر ٭ قدرتن اکه ایلیوب اظهار ٭
تابع امری اولدی شاخ شجر ٭

معجزه تکلم یعفور در حضور حضرت بامر رب غفور

رکضه میدان روایت ٭ ونقله حکایات معجزات ٭ عرصه
اوراق ده بوگونه محو واثبات ایتمشلردر که **لمنشه** فاتح مشکلات دین هدی
قاتل مشرکان ذات خدا ٭ مسند زمره گنهکاران ٭
قامع فرقه ستمکاران **نثر** حضرت رسول منان ٭ علیه الصلوات
الاتمان الاکملان ٭ مددکاری الطاف کردکاری ٭ ودستیاری
عنایت باری ایله گشایش غنچه آمال گلشن جهان ده نمایان اولوب ٭
فتح حصن خیبر که اهل امانه میسر اولدی ٭ یغمای نعمای غنایم
ایله اهل اسلام خاک عزتینه سالم گلوب ٭ واصل ومصرجاده
نیل نیل آمال حاصل اولدی ٭ سرداده چراگاه اولان بهایم صلات

باه دن بر دراز کوش سیاه که حصه دار نقطه و انتباه ایدی •
رو براه ایدوب پیشگاه درگاه ده ستاده اولوب **مصراع**
دمی عرض حالی زمزمه گوش کن **نثر** دیو تقریر مراده جسارت و بسط کلامه
جرأت ایدی • بیوردیلر که ایشمک نذر • بو سخن خوش • گوش گذار
دراز گوش اولمجق ایدی **بیت** ای مقصد زمین و زمان آستان تو
وی مرجع سمین و سمان آستان تو **نثر** نام یزید در نسلم مراکب صلحای
عبید • و اکثری شرف رکوب انبیاء کرام ایله سعید در • و سپهر حاللرنده
خورشید عنایات اصفیا پدیدار اوله گلمشدر • حالا مرحب نام بر یهود
بد فرجام سلک ملکنه انتظام بولدقده عدوی بد کام اهل ایمان و اسلام
بر ظالم و غشوم ضلالت انجام در که • نام رسول علام • بر دشنه
زبان انام اوله آغاز دشنام • و تکذیب رسالت علام و اعلام
گستاخی علاوه کلام ایدر **بیت** رسول الله کذبه الاعادی
فویل ثم ویل للمکذب **نثر** بن دخی هر حین بو مقوله کلماته قرین اولسه
پشت زمین دن خلعت ملوث ایله خلقت ملوثی نقش زمین ایدرم • خصوصا
مدت علف و آب ایله برگون سیراب ایتمیوب • هر روز تشنه
و هر شب گرسنه اولماغله مضطر و حالم مکدر در • سنحوابه ضمیرم
وجلوه گر مرآت رای لپذیرم • اولوردی که رکاب عزت انتسابکزه
مخصوص و منسوب • و غیره علاقه و خصوصیتم مسلوب اوله سعادت
رکوب ایله مستسعد • و خدمت علیه لرنده مجد اولم **بیت**

صد شکر که آفتاب مقصود • از برج امید روی بنمود **نثر**
اگرچه روزه صبر و هجران ایله ناتوان ایدم • لله الحمد که آخر شربت وصال
عید ایله شادمان اولدم **مصراع** بر زمستان صبر باید طالب نوروز را
حالا رجا ایدرم که خدمت عزت منقبت لرینه قبول ایله دایره شرفه
دخول پیوسته حصول اوله • فرمان صدور ایتدیکه دست یهود
عنود دن استخلاص • و شرف رکوبلرینه اختصاص بوله •
اول حین ده شرف خطابه قرین اولوب بیوردیلر که • ای دراز گوش
سنک نامک یعفور اولمق خوشدر اراده ایدرمیسن که ازدواج ایله متاع
تناسله رواج گله مرغزار دنیاده تک و تنها اولمیوب بر یار ایله دنیا
گلگشت صحرا ایلیه سن ایتدی ای معدن الطاف وعطا و ای منبع اعطاف
و سخا • نسلمزدن شصت نفر مراکب انبیا اولمشدر • مخبر حوادث
سوالف ایام • بو گونه اخبار و اعلام ایتمشلردر که • نسلمز عقیم اولدقده
بر ذات کریم جناب فخیم لرینه مرکوب اوله که • خاتم انبیا و مختتم اصفیا
اوله • اولدمدن مرغ دل اول هواده پرواز ایچون دریچه رجایی باز
ایتمشدر امیدر که اول خلعت سعادت بو گلم خلقت قامتمه راست • و بکم
و کاست اوله • پس رسول کردگار خاصه همایونلری ایچون اختیار
بیوروب • هرگاه سوار و اثناء گشت و گذار بیورورلر ایدی • گویا
آفتاب تابدار برج اسد ده قرار ایدر ایدی • و بیک رونده کبی
هر قنده ارسال بیورسه لر اداء خدمتده سر مو اهمال صدوری

احتمال دکل ایدی • کاه اصحاب کرام منزل و مقام رسینه ارسال
و فلان کس حضوری لازمدر دیو اعلام بویررلر ایدی • خادم عاقل کبی دقایق
اموره واصل اولوب مطلوب اولان شخص خانه‌سنه واررلر اشارت
و ایما ایله مصلحتی بیوررلر • و خدمت رسالتی اقامه بیوررلر ایدی حضرت
شفیع امم ترک فضای عالم ایتدکده • ابو الهیثم جابجای دیمکله معروف جاه
وضع قدم ایدوب تحمل بار هجره اندازه طاقتی کم • و صبری قامتی خم
اولوب • اول جایه ایچرو کیندوکی ره یاب ایدوب واصل سر منزل
اقلیم عدم اولدی • لمنشئه • هی نه جابک سیر ایدی یعفور کم
بر قدم دهیتدی منزلگاهه اول • بر آدم ایتدی جهان صحرا رین
درد هجران ایله دوشدی جاهه اول •

معجزهٔ آگاه شدن رسول الله از مکر اعوانی رسیا

واقفان اخبار رسول • حرم سرای روایته دخول ایدوب •
بو معجزهٔ باهره‌یی بو وجهله قرین نقول المیشلردر که • شمشیر استیلای
رسول مجیده عسکر قریش ره طپش اولدم که طاقت کتورمیوب
سر شاتی جیب انهزامه کشیده قلدیلر • عسکر اسلام دن پرآن اولان تیر
امواج دل بدگمان ده مکان ایدوب • بو داء جانگداز بر وجهله
دوا اسا زاولمیوب • هر زخم سهم هایل سینه‌لرنده بر داغ اولمیش
بر دل ایدی • لمنشئه • خدنگ غمزه‌سی داغ اورسه جسم بیمانه
عجمی در قالور البته زحمک آثاری • نثر • خصوصا ابو سفیان نادانک

اوراق صبری باد تأسف و تلهف ایله اول دکلو پریشان ایدی که
تاب اضطراب ایله دست مرتعشده جام شراب • و کف کیمیا کرده
مهرهٔ سیماب کبی هر آن ترسان و لرزان ایدی • بر آن قرار و صبره
امکان بولمیوب آخر صنادید قریشی حاضر ایدوب ایتدی ای گروه
معالی آثر • غیرت استیلای محمد وجودمی داثر اولوب آز قالدی که
آفتاب حیات بام ممانده غروب ایدوب • بخت قریش تیره روز
منکوب اوله • مصراع • چه بخت است این من غمدیده را یارب نمیدانم
شویله قرع سمع ایدرکه • اول حضرت سر انجمنده شمع اولوب •
کوچه و بازارده کار دعوت ایله گشت و گذار ایدوب غیری کار ایله
تقید اظهار ایتمز ایمش • انجمنده بر فرد مرد بو قدر که • بو درد آکا تأثیر
و بو خدنگ جفا درونده جایگیر اولوب بو کاره علاج و چاره
ایلیه ایتدیلر سن پیشوامز و سر و جمله مقتدامزسن طریق دفع وجه تحقیق
رفع نه ایسه • لمنشئه • لطفکک احسانکک جوابی یوز
امرکک خود بندهٔ فرمانی یوز • نثر • منصهٔ تقریرده جلوه نما ایله که
امثالده سر مو تقصیر هویدا اولمز • ایتدی تنها رو بادیه
گشت و گذار • و بادیه پیمای صحرای دعوت صغار و کبار اولدقده
تیغ انتقام ایله حکک وجودنه اقدام علاج قضیه‌ده دوای تام در
بو گونه نیجه مکالمه • و اول فرقهٔ ضاله ایله نیجه معامله اولوب •
بر فرد بو امر منکره اقدام ساحه‌سنه وضع اقدام ایتمیوب •

اول قوم لئام اول هاذی عامدن بنات النعش كبی پریشان اولوب
برنیجه ایام بو حال اوزره مرور ایدوب ● بر كون بر مرد معزور اقتضای
مصلحت ایله تنها حضور ابو سفیانه حاضر اولوب ● خلال كلامده
شوكت حضرت نبی دائرا اولدی ● ابو سفیان كردن قدرتی
كمند غلبهٔ حضرته بسته اولدوغن صحیفهٔ تقریره نگاشته ایدوب
اظهار درد درون ایله حددن افزون شكایتلر و سربی دولته
كلن نكبتدن حكایتلر ایلدی اعرابی ایتدی ای مرد صاحب شوكت
اكر بكا تقویت ایدرسك بو مهمك عهده سندن كلمك و خنجر ایله
نابود ایلمك قابل و دائرهٔ امكانه داخلدر مصراع كفتار دست رای من
این كار بهتر است نثر ابو سفیان كلام مرد نادانی دن شكفته و خندان
اولوب نیجه انعام و احسان ایلدی ● و ایتدی حقا كه مسئول
سنك جلادت و شهامتك ایله حصوله وصول بولمق مأمول در
اما بو سری نهفته ایدوب ناكفته كبی اولمق لازمدر كه عاقل كل سر
جاوز الاثنین شاع مضمونه جازمدر بیت كارهای اینچنین آن به كه پنهانی بود
اشكارا كر كنی آخر پشیمانی بود نثر اعرابی كتم اسراره نام بردر كاه
تكرار ایدوب بو امر تمام ● و ماه امید مبتلای محاق حمام ● اول نیجه
كشف اولنمق اوزره عهود و ایمان ایلدی نظم
یكی بنده باشم بفرمان تو ● نپیچم سر از عهد و پیمان تو نثر
ایتدی ترسناك و دهشتناك اولوب طنطنهٔ دین محمدی ● و زمزمهٔ

شوكت

شوكت احمدی مشهود نظر اولمق ملحوظ جلوه كر اولمایه ایتدی
بونه ملاحظه ابتردر نظم عهد كردم كه سر عهد نپیچم هركز ●
شرط كردم كه بشرط تو بپا هل نكنم نثر دیو طرف مدینه یه آغاز پرواز
ایلیوب ● آلتینجی كونده سر منزل مقصوده نازل ● و قطر شهره داخل
اولدی ● اول حضرتی بیاده مشاهده ایتمك اراده ایدوب ● اول
برج نبوت قمری محلهٔ پرتو انداز سعادت اولدوغن استقصا ایدنجك
بنی عبد الاشهل طرفنه توجه ایدن انبا ایتدیلر ● طرف قرین الشرفلرینه
عزیمت ایدوب محل معهودده مشاهده ایتدیكه ● اول بازدهٔ عرصهٔ
مجاهده ● مركز دائرهٔ اصحاب كرام اولوب سپهر مدورده بدر
تمام اولمش لمنشیه شهریار لواء عز و ظفر ● پادشاه سریر لطف و هنر
ماه بدر سپهر جود و علا ● شاه بی تاج و افسر بازر نثر
صلی الله تعالی علیه مطهر الصبح و بهر ● حضرتلرینك مشهود نظر
دقایق كسترلری اولنجق ● اصحاب كرامی خطابه مظهر بویوردیلركه ●
نمایان اولان مرد بد اختر ● ربه ایصال ضرر ایچون كلمشدر اما ●
بنای غدر و مكری كار كر اولمیوب ● خدای اكبر مرادنه یتشدرمیجكدر مقرر در
اعرابی اجتماع كروه اصحابی كوروب ایتدی ● ابن عبد المطلب كه
وصالنه كوكل طالب و راغبدر بو دیلركه ● ای خاطب نیتم ابن عبد المطلب
اعرابی آهسته آهسته حضرت طرفنه توجه ایدوب ● شو تمهید حیال
ایتدی كم سمع شریفلرینه بر راز نهفته انها ایتمك احتمالی ایله اصغا

اقبالن بوزمق مضمری اولان مکر و غدری ایصال ایله اسیددن حذر
گرفته دست اعرابی مدبنا اولوب ای مردم مردود طرف صاحب
حوض موروددن دور اول والآخر حبابدن مهجور اولورسن
ذره ده نه وجود وار که مقارنت مهر عالمتاب ایله مسعود اوله
خاکده نه اقتدار وار که نور ایله آمیخته اولوب انعکاس انوار مراد اظهار
ایلیه لوث شرک ایله ملوث وطبایع دین محدثسن دیدی
و اظهار نیروی وجلادت ایله کمرینه دست اوروب شوکت
هجوم بت پرستی بیت ایتدی و زیر کرده نهفته بر خنجر بولوب فریاد
ایتدیکه ای سلطان عنایت معتاد بو مرد بدنهاد غادر ایدوکی
بین وظاهر اولدی اصحاب کرام قیام ایدوب ولوله وطنین
ایله روی زمین طولدی اعرابی مشاهده ایتدیکه نمونهٔ بازخواست
پیدا وپنجهٔ بازداشت هویدا اولدی غلغله وفریاده طاقت
گتورمیوب پای رسیده غلطان وفتاده اولوب ایتدی ای مرد عارف
حلیهٔ احواله واقف اولدک جرایم وجرایمه خامهٔ عفو ایله
رسید ایدوب جود وسماحت پدید ایله **نظم** عنان نفس به بت هوا رها کردم
خلاف عقل وخرد کردم وخطا کردم **نثر** حضرت بیوردیلر که ای اعرابی
راستگوی اولمق ایله منفعت جوی اول شویله که قدم کلامی صحرای دروغه
باصه سن حیله وخدعه کمانن پیشگاه کلامه پیصه سن سمع قبوله گرمز
ومنتهای بادیهٔ نجاته ایرمزسن خصوص قضیه یی متتبع واعلام خدای علام

ایله مطلع اولمشدر • اعرابی طلب امان ایله تفصیل حالی اعلان ایتدی
حضار مجلس سراج امتدن نور معجزه یی مقتبس اولوب • تقریر حریف
مطابق کلام نبی صداقت الیف اولدوغی علاوهٔ محبت وتألیف
اولدی • حضرت رسول هدایت مقرون اسیده تسلیم ایدوب •
براگیکون حفظ اسیده مقرون اولدی • بعده طلب بیوروب
آزاد • وسر نه جانبه مراد ایدرسه گیتمکه اشارت ایله دلشاد بیوروب • اما
ای اعرابی بونده اولی بر حال خفی وار که سکا اوفق واحری در
بیوردیلر ایتدی ای رسول خدا نه معنی که ملحوظ رای عالم آرا در قرین
صواب ایدوکی نه جای ارتیابدر • بیوردیلر که تصدیق رسالت ایله
اقرار وحدت وربوبیت فی الحال شرف اسلامی فایز • وسعادت کلمهٔ
شهادتی حایز اولدی • ایتدی ای رسول خطیر مدت عمرمده سر کزیم
تیغ وتیر جایگیر ضمیر اولمیوب • قبایل عرب ایچره جلادت وشهامت
ایله شهیر ایدم • اما اول دم که ساحهٔ مجلس همایونکه وضع قدم ایتدم
سلطان بیم وهراس • شهر وجودمه بر مرتبه استیلا ایتدیکه عقل وهوش نشیدن
بالکلیه مبرا اولدم وابوسفیان ایله بینمزده اولان • امر پنهان
بر فرد ضمیرنده جایگیر دگل ایکن جمله سی قرین تقریر اولدوغی بنی اعجاب
ایتمک ایله دفع ارتیاب ایدوب • تحقیق ایتدم که • هادی طریق رشاد
وتوفیقسن • حزب محمدی حزب رحمان وحزب ابوسفیان حزب
شیطان در دیدی • اول گل گلزار نبوت وغنچهٔ گلستان رسالت

اصحاب عالیشان ایله تبسم کنان اولدیلر اعرابی بر قاچ کون اقامت
ایدوب بعده عودت ایدوب عیری نشان وخبر منصه ظهورده جلوه کر
اولمادی لمنشه شبهه یوقدر رسول واقف در جمله اشیایه کوی عارفدر
معجزه شفا یافتن ساق عبدالله بدعای حضرت رسالت پناه
طایفه یهودده برشخص مردود واریدی که لواء عداوت سید ابنیای
برداشته وآیات خصومت سلطان اصفیایی صحیفه عالمه نکاشته
ایتمش ایدی کاه سنک تعریضی منجنیق زبان ایله پرآن وکاه
باد شعر وهجا ایله ورق ستمی وزان ایدردی برحصنه متحصن اولوب
شب وروز آنده قاطن ایدی اول ملعون بی توفیق رافع ابن حقیق
دیمکله مشهور ومیان یهودیان ده مذکور ایدی ناصب لوای بیعت
صاحب سریر خلافت حضرت رسول خدای بی شریک عبدالله بن عتیک
نام مرد بنام ایلمکه مهب افعالنده نسیم وفا لایح وآثار نجاح اسره حرکات
واقوالنده واضح ایدی بتجرید عسکر اسلام ایدوب شاهباز همتی
اول مرغ کم قدرتی صید وبند فتراکنه قید ایچون رخصت ده پرواز
اولدی عبدالله فرمان بر حضرت رسول الله اولوب نظم
بفرخنده شغلی که فرمود شاه بخدمت کمر بست وبنمود راه
کند در حصول مسؤل ایچون آغاز نیاز درکاه خدای کارساز ایلدیلر
اول ملعون دایما عهدی نقض وطریق حقدن نکص ایدر ایدی
عبدالله بن عتیک مرد محتال وکار قتال ده عارف ودقایق

وجلایل احوالنه واقف ایدی مصراع مثل آن در زمانه نتوان دید دیگر
بساط معضلات خطوبی بازده تجربه وشجاعت ومنازل مشکلات
اموری موطی اقدام صرامت وممارست ونیک وبدکاری میزان خرد نده
موازنه وکرم وسرد روزکاره مقارنه ایتمش ایدی لمنشه
مرد فرد ایدی رزم ایچنده او مرد کمسه انکله ایده مزدی نبرد
روبه بیشه کاه حیله ایدی هر نه رزم ایتسه حیله ببله ایدی
پس جر ذیول عسکر واجرای سیول صفوف هداة دین پرور
ایده رک بپیشگاه قلعه رافع بازده خیول فحول ومحاصر جنود
حضرت رسول اولدی قلعه غایت متین برحصن حصین ایدی
حرب وقتال ایله ظفر میسر اولمایجق اظهار ایدی مصراع انجا که شمال وزد دیا صبا وزد
اول کنجه اول سه باز قمع عدوی ناساز امرنده شدت آزدن
دربچه حیله یی باز ایدوب هرار ملاحظه وخیال ایله رای وتدبیری
اعمال ایدوب آخر برطریق ایله درون حصاره دخول طفرین احراز
ایدوب سروقته واردین احترازایتدی عبدالله بن عتیک
ایله مباشرت کار قتلده بش کمسنه دخی شریک اولدیلر مسعود
بن سنان وابوقتاده وخزاعی واسود وعبدالله ابن انیس
ذی شان برشب هنگام ایدی که بستر خواب وآرام رافع
بدکام موطی عبدالله بنام اولدی حسام خون آشام بیرون نیام
ایدوب شکم مردارنه بر زخم تیزکار ایله وخزه متجاسرا ولدی که

وجلایل

یلمان شمشیر ظهرنده ظاهر اولدی اول بش نفر مرد هنرور دخی بر ضرب
تیز اثر ایله تعقیب زخم عبد الله ایدیلر مصراع صبح ظفر از مشرق انور برآمد
چونکه اول خرابتر سر داده چراگاه سقر اولوب مراتع دوزخه گذر
وطی مسافه جحیمه سفر ایتدی عرصه جبارتک سربازی سرداده
غازی معلقات ابواب مسدوده یی انامل سعی واجتهاد ایله کشاده
ایدوب درجات حصاره گاه نازل وگاه عارج اولورق گرچه مراتب
خلاصه دارج اولدی اما حرکت ورفتار بر درجه ده قرار ایدرکن
ناگاه اول نجم زاهر لیل معقوده اوج برجدن فتاده اولوب بر درجه ده
دوشدی که گویا مرغ ایدی لانه دن اوچدی ساقی منکسر اولوب
ساقی چرخ منت گدردن جام زهرآلود تلخکامی نوش ایدوب بیهوش
اولدی نه چاره عمامه سن پاره پاره ایدوب ربط ساق منکسر
ومجروح ایله بقیه ابوابی مفتوح ایدرک هزار درد والم ایله عسکر اسلامه
ملحق ومنضم اولدی چونکه باد توفیق وظفر وزان کشتی آمال
هداة دین برود اولدی عنان عزیمت منعطف پیشگاه درگاه حضرت
رسالت اولوب شرف وصول وقرین حصول اولیجق کیفیت هلاک
رافع بن حقیق علی ما هو التحقیق وکسر ساق عبد الله بن عتیک صدیق
تقریر وتدقیق اولندقده بیوردیلر که یا عبد الله ساقک اوزات
ابن عتیک دخی امر همایونلرینه امتثال ایدیجک دست مبارکلری
ایله مسح بیوردیلر فی الحال شفاخانه احسانلری فیض رسان اولوب

بر وجهله صحت پذیر اولدیکه گویا هرگز عرض مرض جایگیر اولمامش وعرصه
ساقنه پای گدر وجروح آیاق تاهمامش ایدی اما اول بش نفر مرد شجاعت
گستر که هر بری قتلنه مباشرتده اظهار هنر ایتمشیدی حضور پیغمبرده
هر بری ضربنه اعتماد ایله قتلی کندویه اسناد ایلدی سید
اول وآخر هر برینک شمشیرینه ناظر اولیجق عبد الله بن انیس
دعوای قتلنی تأکید وتأسیس بیوردیلر لمنشه ایلدی دعوای ابن عتیک
اولدی غیریلر آنکله شریک • معجزه ازدیاد آب
چاه با اراده حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم
اجرای میاه معجزات موجبة الاعجاب ایله کشتزار صداقتی
سیراب ایدن نبی رسالت انتساب نظم فخر جهان وفخر زمان شاه کامکار
مطلوب خلق عالم ومحبوب کردگار دریای جود وبحر وجود ودیم شیم
در یتیم قلزم لب بی حل وکنار نثر حضرتلرینک صلی الله علیه وسلم
بو معجزه صداقت الیفلرین بوگونه روایت ایتمشلردرکه بر قبیله
قبیله نک اصحابی پیشگاه سید کامیابی فرسوده جبین ضراعت
وابتهال ایدوب بوگونه عرض ایتدیلرکه ای رسول اکرم جل عن الاشباه
قبیله مزده بر چاه واردرکه جمله قوم اول چاه آبنه محتاج اولوب
عرض تشنگییه اندن علاج ایدرز ایام شتاده آبی مستوفی والمعدله
جمله مزه وفا ایدر اما ایام تابستانده عطای مردان کبی آز اوله
سد دریچه حرص وآز ایتمیوب دواب ومواشی یی ایکدن متلاشی اولوب

غیری چاه دن طلب آب بو قوه بربلا ونصب اولمشدر • خصوصا
کاه اولورکه سر چاه ده دررور ایدن قوم ایله زحام دن دست وپای چ
اولوب تیرخصومت اوعاجه کلملی اولور خوف نبرد وجنک دن دل تنک
اولوب سرچاهه وضع قدم ایتکی موجب ندم بیلورز • اکر سکوت ایدرسک
تشنکی تاب وطاقت کتورموب جمله اطرافمزده اولان قبایل سرآب
اولوب بزم قبیله مزلی آب قالور نظم سخن درست بکویم نمیتوانم دید
که می خورند حریفان ومن نظاره کنم نثر آز قالدیکه قبیله مز پریشان
وبیوت وقری خراب وویران اوله الطاف علیة عمیمه • واعطاف
بهیة جسیمه دن بر ذره سائل حال ملال مآل اولوب ترحم کنان دعای
لب جنبان اولمق تضرع ورجا ایدرزکه چاهک آبی زیاده اولوب
صیف وشتا قبیله مزه وفا ایدوب اعدامز ایله التقادن استغنا
روی نما اوله • دفع قلت مایه صرف همت علیا بیورروب • بدی قطعه
سنکی دست مبارکلرندن دمیدیه وباد دعایی ورزید ایدوب بیوردیلرکه
بو سنک ریزه لری بر بر ذکر خدای ادکر ایله اول چاهه القا ایدرک
ان شاء المولی وفرت ماظاهر وهویدا اوله لمنشه دنیاده آخرته ارشدی مرادینه
هرکیمکه الدی ایکی جهان ده دعاسنی نثر اول قوم سرور وبهجت ایله •
حضور عزت الفتلرندن قبیله لرینه مراجعت ایدوب همان امادی
سعادت انتما اولان قطعات احجاری • اسلوب مزبور اوزره
چاهه القا ایتدیلر • باذن سبحانه آب چاه بر وجهله زیاده اولدیکه

صیف وشتاده اول قوه وفاده تقصیر ایتمیه وکندن ماعدا هرکلو
استعمال ولنسه بینه ماده ماده وفرت اولوب تفاوت ایلمه
قلت مشهود ارباب بصیرت اولمزدی لمنشه چاه بی آبی ایلیوب پرآب

ایلدی برقبیله یی سیراب	کرچه طاشدن چیقرمیاه اما
سنک ایله ایلدی آبی پیدا	طوقنمجق بنانه طاشلر
بالدن آقدی کویبا شکر	معجزاتن نیجه ایدیم املا

وصف ذاتنده عاجزم تحبیبی

معجزه سید انام در تزاید طعام

رواة احادیث نبی قریشی نسب دن سمرة بن جندب انبا ایدرکه
برروز سعیده ده رسول مجید ایله مبدأ طلوع نیر صباحدن
هنکام ظهور رواج افتتاح ایدنجه بر قصعه مواکله ایله معامله ایدوب
اصحاب معالی آب اوزاوزا اکل طعام ایچون جلوس ایدرلر ایدی
تمام شبع حاصل اولور ینه قصعه اوکی حاله واصل اولوب
تزاحم ایادی ایله اول ایادی تطرق خلل ایله زلل بولمزدی اصحاب
عالیشان تعجب کنان ایتدیلر آیا بو قصعه یه امداد نه طرفدن وارد
ایدوب طعام ازدیاد بولورکه برکت ایله بو دکلو آده کفایت ایدر
حضرت نور فراست ایله بیوردیلرکه نیچون تعجب ایله اظهار حیرت
ایدرسز بو امداد وازدیاد طرف سمادن امر رب العباد ایله در •
دردی بارخدا بوکه برکات معجزه امرن انمکه اثبات

معجزه نشاندن پشاخ خرما وكفايت زر اندك در بهاى سلمان باوفا باذن الله تعالى

عندليبان كلستان روايت ● وطوطيان شكرستان حكايت
نقل معجزهٔ حضرت رسالت ده ● بوكونه كويا وشكرخا اولشلردركه
موالى كرام حضرت رسول انام دن سلمان فارسى كه عرصهٔ خلوص وعبوديتك
فارسيدر خدمت عليه لرى راه سلوكى اولمادين بر يهوديك
مملوكى ايدى ● بركون غبار خاك پاى رسول ميانى زر وديدهٔ دل
وجانى ايلدى ● باران احسان فراوان لرى ساحهٔ حال سلمانه
فيض رسان اولوب پايهٔ قدرينى امداد ترشح عاطفت ايله پيوسته
اوج رفعت ايدوب ● نتايج حالى اول حضرتك سمير ضمير سعادت
اشتمالى اولماغله شرف خطاب ايله مخاطب اولوب موليسندن
مكاتب اولمغه اشارت بيوروب ● غمام انعام عام كريان اولمغله
ساحهٔ آمال سلمان خندان اولاجغنه كنايت بيورديلر **نظم**
بجز خويشتن را خداوند باز ● بهايش دهد داور بى نياز
اول حضرتك همت عليه ● وقصاراى امنيه لرى رآيد دعوتى
هر جانبه روان واعلام ايمانى علان ● ورايت كفر وضلال
هر جانبده منصوب ايسه مطموس ومنكوب ايتمك ايدى **لمنشيه**
رايت دينى ايلوب اعلا ● كشور كفرى ايلدى افنا **نثر**
چونكه صحايف ضمير حقايق مفهوم سلمان ده مضمون امر مرقوم اولديغى

الكى اولان يهود مذموم حضورنه كلوب امر كتابت ايله كندى سعى
وهمت معناسنى ايضاح وپيوستهٔ حصول اولماغه الحاح ايلدى
يهود اكرچه مرادين انجاح ايدوب تراكم ظلمات عناد لوامع انوار
الطاف كردكار ايله منقشع ووساوس ابالسه انس اعدا دروركار
ايله مندفع اولدى بى معارضه ونزاع ومكافحه تلقى بالقبول
واسعاف مسؤل ايتدى اما تكليف عنيف ايله قصد تسويف
ايدوب ايتدى اوچ يوز نخل خرما غرس اولنمق مشروط وبرسى
خطا ايتميوب متمر اولمغه منوط در ودرت بيك درم دخى كيسه ده
مضبوط كركدر ● چونكه بو وجهله مكاتبت اولمغه شرايط معقد اولوب
كوبا شرايط ايله بسته ومؤكد اولدى سلمان پيشكاه مؤيد
دين مؤيد ده امر كتابت نوجهله بسته اولديغنه تقرير واعلام
ايله عرض حال سهام ايتدى **لمنشيه** بدو كفت حضرت مخور هيچ غم
نباشد بر من بهاى تو كم **نثر** كلستان مراد نسيم حصول
وزان وخورشيد مراد افق اقبالدن درخشان اولوب
عنان عاطفت ورأفتلرى صوب حال سلمانه معطوف واستخلاصه
مصروف اولوب اصحاب ممجد حضراتنه سلمانه مدد ايلك ديو
توجيه خطاب بيورديلر هر برى خدمته شتاب ايدوب حسب الامر
اوچيوز عدد نخل خرما جمع وغبار خاطر سلمانى دفع ايتديلر
حضرت سلطان انبيا بر موضع مستثنا بيوروب حفر محل غرسه امر اعلام

پس تشمیر ساق اهتمام ایدوب آز زمانده کار حفر پیوسته اتمام اولدی
ذات عزت الیفلری خاطر سلمانی تطییب قصد بیوروب •
اول محل دلکشه تشریف • و بالذات مباشرت ایله اوچیوز عدد نخلی
اول محلده اثبات بیوردیلر **نظم** چو احمد بدست خود آن شاخ سخت
فرو برد اندر زمین چون درخت • چو محکم بکردی و بگذاشتی •
همانگه کز و رست بر داشتی • شدی سبز و پیدا شده برگ و بار
برون ناگذشته بسی روزگار **نثر** هر بری گویا پرورده دست
رسول کبریا اولوب قامت خوبان دلارا گبی نشو و نما ایله کشیده
بالا اولوب • باذنه سبحانه وتعالی • اکلرنده بری خطا ایتمدی **لمنشئه**
بیت اول خطه ابجره سبب خرما • ایتمدی آنده هیچ بری خطا **نثر**
چونکه پس پرده غیبدن بو معجزه بی عیب یوز کوستردی باج طالع سلمان
خارج حرمانی سر راهدن کیدردی لاجرم درت بیک درم •
اداسی دخی امر مبرم اولمغله استخلاص رقبه رقیت کمند همت
عاطفتلرینه موقوف • و اول حضرتک دخی علیه من الصلوات
ازکیها ومن التحیات اعلاها • جل همتلری اکا مصروف ایدی ناکاه
برکون اصحاب عالیجاهدن بری ومال ستانه عزت پناه ایدوب
بیضه حمامه قدر بر زر اهدا ایدیکه • بر معدنده ظفر بولمشیدی •
سلمانی دعوت بیوروب اول زر ایله بقیه مالی اداء اشارت بیوردیلر
سلمان یا رسول الله بقیه مال کتابته بو مقدار کفایت ایتمز دیدی •

بیوردیلر که ای سلمان خدای منان کفیل امور انس و جاندر بو مقدار
زر دینکی ادا ایدر سلمان امر عالیشان اوزره زری حضور دائنه
کتوردی و کفه میزانه قودی بالتمام درت بیک درم چکدی
فی الحال سلمان تسلیم عین ایله اداء دین ایتدی **لمنشئه**
چه بیم آرد بکشتی موج دریا • نجی الله شد حاضر در آنجا
چه غم دارد ز وام امت چو باشد • کفیل حال ایشان مصطفی را **نثر**
صلی الله تعالی علیه وعلی آله وصحبه النجبا

معجزه حضرت رسول ذو المنن در ازدیاد روغن لمنشئه

کهر سنجان بازار معارف • ایدر بر بویله در ثبت صحایف
بر وقتده ام سلیم سینه صاف هدیه رسول کریم ایچون بر مقدار
روغن اتحاف وسمت اخلاصه اتصاف ایتمش ایدی حضرت
رسول تلقی بالقبول ایله خاطر ام سلیمی تسلیه و ظرفن تخلیه ایدوب
ارسال بیوردیلر • بو خلالده بر ضعیفه کثیر العیال ام سلیم خانه سنه
کلوب وضع جبین ابتهال ایدوب ایتدی فقر و محن ایله امر معیشت
مستهجن اولمشدر بو مقدار روغن ظرفی ایله متحف خاکپای رسول ذو المنن
اولمشدر اصلا یاغمز قالمامش حمله فرما یاغمز ایله قاورلمق مرتبه سنه
وارمشدر • اول ضعیفه ایتدی باطن ظرف تجسس اولنسه جایزدر که •
بر مقدار باقی اوله • دفع آلام ضرورته کافی ایدی اما سلیم دخترینه
ایتدی ای جان مادر حضرت خیر البشر طرف پرشرفلرندن ورود

ایدن ظرفی بتتبع ایله بقیهٔ روغن موجود میدر • دختر ایتدی
ای بابا در ظرف طلو یعنی باطنی روغن ایله مملو در کار ام سلیم مشوش
اولوب کانونی لهٔ آتش دوشدر • ومرغان اضطراب بابشنه
اوشدی آیا بو کمینه دن نه خطا صدور ایتدی که حیز التفاتدن
مهجور اولوب هدیه مز مرکز قبولدن دور اولدی • بو دغدغه
والام یغماکر صبر وآرام اولوب هجوم سیل غموم آزقالدی که
خانهٔ صبرینی معدوم ایلیه • پس کمال انفعال ونهایت تشتت بال
ایله پیشگاه درگاه حضرت رسالت پناه ترابنه مالیده رو اولوب •
ایندی ای سرور نیکخو آیا باعث وسبب حادثه نه اولدی که
بو ضعیفه نک هدیه سنی رای عالیلری قبولدن صارف اولوب
رده مصادف اولدی • حضرت رسول بیوردیلر که هدیه مرکز قبول
ایچره دخول ایدوب روغن اخراج وظرف خالیک اول جانبه
ارسالی جلوه کر منصهٔ وقوع اولمش ایدی ایتدی ای سرور مستمع
حالا ظرف روغن ایله مملودر بلکه اولکیدن طلودر بیوردیلر که •
من بعد طلو طلومی تحریک وعقدینی تفکیک ایتمیوب استعمال
ایله که هر حالده ظرف مالامال اولور • فی الحقیقه ام سلیم هر بار که
مراجعت ایتسه ظرفی مالی بولماغله دافع شداید حالی اولوردی والمنة لله
برنظر ایدیجک رسول خدا • حال امت وتی اولور رحمت
نعمت لطفنه ایدوب مظهر • عاقبت جمله یه شفاعت ایدر •

معجزهٔ اخری شبیه معجزهٔ اولی

بو معجزه یه بابرویه مماثل ومدانی • بر معجزهٔ عجیبة الشانی دخی حضرت
جابر روایت ایله ظاهر ایتمشدر که • ام مالک حضرت منبع مهالک
حضرتلرینه عکه ایله بر مقدار روغن اهدا ایلدی • روغنی قبول وظرفن
اخلا ایدوب • فی الحال ظرف ام مالکه ارسال بیورلمش ایدی •
هر بار ام مالک اشتعال آتش جوع اطفالده اثلاری ظرف طرفه ارسال
ایدر ایدی ایچنده روغنی دایم وفیضی قایم ایدی • نیچه ایام وسال
حال بو منوال اوزره مرور ایدوب • دفع مضایق کرد هو ایدرلر ایدی
بر روز ام مالک پیشگاه حضرته بروز ایدوب برکت دائمه نی تقریر
وحالا فراغ ظرف ایله دکیر اولمق اوفات معاشن تکدر ایتدوکنی
دیدی بیوردیلر که • واریسه ظرفی عصر ایتمش سن ایتدی بلی بیوردیلر که
عصر اولماسه دایم مالی اولمق قلادهٔ کردن حالی واحتمال دکل ایدی که
هر وقتده بر آن خالی اولا ایدی للمنة تا قیامت دوکنمزیدی یعنی
بیه خلقی اکرکه دنیانک • عصر اولنماسه ایدی ظرفی اکر
ناقص اولمزدی روغنی انک •

معجزهٔ اسلام راعی اغنام بابنجن کرک در اقرار نبوت سید الانام

مراسم حدود اسلامی مراعی • ورثهٔ امت سنهامی اعنی للمنة
سید عالم وشفیع وکریم • فخر آدم حبیب رب رحیم •
باعث خلقت زمین وفلک • بندهٔ آستانی انس وملک •

ناطق مدعاسیدر صامت • ذئب و وحش اولمشدر رسالت
صلی الله تعالی علیه وعلی آله النجبا • وصحبه الاتقیا حضرتلرینک بو معجزهٔ
حقیقت پروری ابو سعید الخدری روایتی ایله منقول • ومرکز صحیفهٔ
دخول ایتمشدرکه برچوبان رعی اغنامده پویان ایکن بر کرک کرسنه
وسترک مخلب ازاری دراز وپنجهٔ حرص وآزی باز ایدوب • مانند تیر کمان
حلقهٔ اغنامده جایگیر اولوب رمهٔ اغنامه گزان گویا دل تیرهٔ چوبانه
پران اولدی • فی الحال بر بینی قاپوب آلدی لمنشئه •
کمان حلقه‌دن تیر ایدی چقدی • دل راعی حصار ایدی که یقدی نثر
چونکه بو زخم جان گداز درون چوباندە باز اولدی • مانند شهباز
پرواز ایدوب • اول ستمدیده وبیچاره یه مدد رس اولنجق کرک
مانند خرس فریاد ایدوب ایتدی ای ظالم وغشوم ندر بو بیداد خالق
افلاکدن بیم وباک ایتمزمیسن • بنی انطاق ایدن رب رزاق
عطا ایدوکی رزقومی نیچون قبضکردهٔ دست جفا ایتمک اراده
ایدرسن راعی بی‌نوایه کلام ذئب حیرت افزا اولوب ایتدی امر عجب
وکار اغرب درکه ذئب ناموافق کلام انس ایله ناطق اوله کرک ایتدی •
ای احمق وابتر بوندن عجیبتر درکه • رسول عالمین بین الحرمین بیان اخبار
گذشته وسابقه وآتیه ولاحقه ایله گویا • ومدعای رسالتی اثباتده
الحنف نما اولمشدر • نبوت ورسالتی خورشید انوردن اظهر • اما
سن جهل وحماقت ایله • سعادت اطاعتدن بی‌خبرسن لمنشئه

ازجلوهٔ آن قامت بالا خبرت نیست • ای بی‌خبر از عالم بالا خبرت نیست
خلاق عالم وجود کرمندن معظم • بر نبی مفخم مبعوث ایتمشدر •
نوردیدهٔ امم باعث آفرینش عالم • وکافهٔ بنی آدم امیدوکی هویدادر •
واعظم عندالله قدرا ومنزلا • شکستگان ضلالته طبیب عنایتی
چاره ساز • وبالش مرحمت وبستر مروتی بازدر • نیچون زیر شجرهٔ
هدایته التجا ایله میوهٔ شاخسار احسانی رجا ایلمزسن • چوبان دهشته
وحیران • وکار اشفته‌کی وپریشان اولوب ایتدی • ای ذئب
بن اول حضرتک خدمتنه روان اولورسم خدمت حفظ گوسفندان
کیمک عهده‌سنه حواله • وبو مشقت عظیمه یه قنغی دوستی اماله
ایتمکدر ایتدی رکبت خدمت ایله بو مهام اتمامنه بن تشمیر ساق اقدام
وسن رجوع ایدنجه حفظ وحمایه‌ده اهتمام ایده‌یم • سن همان شرف
اسلام ایله فائز استعداد دخول دار السلام اول • پس چوبان بتمام
بالتمام تسلیم رمهٔ اغنام ایدوب تحریک اقدام ایله عزم مقام
حضرت رسول علام ایلدی لمنشئه طورمیوب گیتدی شوقله چوبان
خدمت حضرتی اولوب جویان نثر قافلهٔ عزم چوبان منزلگاه
درگاه رسول منانده نازل وحرم خدمته داخل اولوب •
عقال پای فراق منحل • وبدرقهٔ بخت اول شرفه راهنمونی ایله
محل گوروب • روایح نسایم تلاقی وصال مشام مشتاقی ایچکب •
اول گوشهٔ بساط که همه عالمه مایهٔ انبساطدر تقبیل ایله شتشدر

امل ده نقش حصول و نطع امید ده بو مضمونه وصول بولیجق تفاصیل
مجاری احوال معروض سدهٔ نبوت اشتمال لری اولمادین اول سلطان
عرش جناب دردمندی فراخور تشریف خطاب ایدوب بیوردیلر که
کرک خدمت تکفلی ادا ایلدی • سن دخی قبول دین هدیه ایله اول دخی
امر شریفلرینه اقتدا ایدیجک • اول کم کشتهٔ بادیهٔ صوابه رهبر
طریق نجاح • وصدور اهل اسلامه سبب انشراح اولان شهادت
منتجة الفلاح تلقینی ایله عروس حالینی تزیین بیوردیلر • چوبان کمر خدمت
آستانلرین میان بنده جان ناتوان ایدیجک بیوردیلر که
جانب اغنامه عودت ایله که جمله سن سلامت اوزره کوروب •
کرک دخی ایفاء امر کفالت ایلدوکی مشهود بصیرت اوله • پس اول
طرفه عزیمت ایدیجک مشاهده ایندیکه • کرک نیک سیرت راه وفانی
بسته • وحبل حقیقتی شکسته ایتمیوب چراکاه اغنامه باد صبادن
غیری نسنه کذر ایتمامش • وکرک حافظدن غیری مخلوق ایاق باصمامش
رشحات فیض معجزاتدن کشتزار آمالی سبز و خرم اولوب • کرک
وغنم همصحبت وهمدم اولمش • سلامت اغنام علاوهٔ مسرتدن
اسلام اولوب شکرانهٔ حصول نعم ایچون • اول رمه دن بر غنم افراز
ومقابلهٔ خدمتنده اول کرک سراوازه پای انداز ایتدی • مثنوی
نه عجب معجزه اولور ای دل • غنم کرک ایله اوله همدم
برنفس انکی لطف ایده اکه • کله اسلامه مالنی بوله هم

صلی الله تعالی علی نبینا وعلی الآل والاصحاب • ماسری البرق خلال
السحاب •

معجزهٔ لطیفه در حفظ احادیث شریفه

حافظ احادیث رسول علام • وناقل معجزات سید انام • ابو هریره که
جملهٔ اصحاب برره دندر • بر کون محافل اصحاب کرامکه رشک آور
دار السلام در • فرسوده لب تبجیل وادب ایدوب حلال کلامده
ایتدی بو فقیرک علت کثرت روایت احادیث حضرت رسالت
ایله مولع اولمغین • وقوع زلات • ومظنهٔ خاطر مظنهٔ عثرات
اولمق احتمالی ایله • مذکر کلامه کثر سخط کذارشنجه مطعن قوم
ومظهر لوم اولدوغمدن • فرع سمع ایدر خدای پروردکار دانندهٔ
سر مخفی و آشکاردر که جمله منقول کلام رسول اولوب معقود عقد سر کز
خاطردن ذهول ایتمشدر • زیرا مهاجرین اولان اخوان دین
اسواق ده صفق ایله درکار • واخوان انصار اعمال اموال وازرعه
اشتغال ده ایدیلر اما بو فقیر بی مجال • پای زده او حال تنکی
حال ایدم • ایام ولیالده خدمت رسول متعالده اولوب
سم سمند عنایتلرینه • وجود غبارآلودم بر وجهله وصلت
ایتمش ایدی که • نه کردباد موانع ایله سرکشته • ونه صرصر اشتغال
احوال ایله بختی برکشته • ونه خار کسل پای طربمی شکسته ایتمیوب
اول سعادتدن حرمانه بسته اولمامش ایدم • بیت

زیر درش باب بسته بگشاید • ان هذا اقل ما فی الباب سنه
بر دم سعادت توأم ده حسب العاده پیشگاه خدمتده ایستاده
ایدم • بیوردیلر که برگسنه که اثوابنی فرش ایدوب • اوزرینه بسط مقال
یعنی حفظ ایچون دعایه اشتغال ایلیم • بعده ثوبلی طی و رفع و سینه
وضع ایلیه که • مرکز کلام صداقت انتساباسی انداخته و رای ذهول
ایدوب ناسی اولمز چونکه سامعهٔ دل سواحل دریای فضایل دن گهرچین
و باصرهٔ دیده اشعهٔ انوار خصایل دن تحصیل نور بصر ایتمکه مصرع
چنان که تشنه باب روان شود مشتاق • نثر آرزو و اشتیاق اوزره
ایدیم فی الحال • پوشش جسمی مجال اولان کسایی پای انداز رسول
مقال ایدوب • مقال های حکمت اشتمال ایله تشریف • بیوردیغی
سینهٔ ضعیف اوزره وضع و جمع ایتدم اندن صکره هرنه که
قرع سمع ایتدی معجزهٔ حضرت رسول ایله هرگز خاطردن ذهول
ایتمشدیدی • المنة لله • بر کلام ایله جمله مسموعیم •
اکه حفظ ایدوب رسول خدا • ایتدی بر خوب معجزهٔ ظاهر •
اثری حشره دک طور رجهت •

معجزهٔ اشارت صلح حسن عالی شان با معاویه بن ابی سفیان

جامع سامعهٔ احبابی • عطر خبر نبی عربی ایله بویا • ایدوب
خطبهٔ معجزات ایله گویا اولان راوی احادیث مصطفوی و ناقل
اخبار نبوی اولان روات ثقات بو معجزهٔ عظیمه • و کرامت فخیمه لی

• بو جمله تقریر • و تحریر فنون دین های بوگونه تحریر ایلمشدر که
بر روز سعد افروزده که خطیب جامع صبح انور منبر افلاکده
جلوه گر اولمش ایدی • اول سلطان هر دو جهان • فخر عالمیان خطیب
خطهٔ معراج که سر برخچه نعلش تاج • و منبر سموات پایهٔ قدرنده
پایهٔ نخستین ایدوکی ظاهر و مبین در • نظم • شمهٔ نه مسند هفت اختران
ختم رسل خاتم پیغمبران • مهر شد این نامه بعنوان او •
ختم شد این خطبه بدیوان او • نثر • لسان غیب ایله گویا مخاطب
اولدی که ای افصح قبایل عرب • بیت • سکه تو زن تا امراکم زنند •
خطبه تو خوان تا خطبا تم زنند • نثر • پس شاهسوار فصحای قریش
خطهٔ خطبه یه آغاز و مرغ آوازی هوای بلاغت و فصاحته
پرواز ایتمش ایدی • سامعهٔ دل اصحاب بحر کلماتدن گهرچین •
و باصرهٔ جان احباب استفاضهٔ انوار جمالدن منظر شرف
عین الیقین ایدی • حفید پاک گهر حضرت حسن بن علی معا
منبره متعالی اولوب اول شرف عالی ایله قدری عالی اولمش
ایدی • خلال جواهر نصایح ده نثر احبار آتیه لایح اولوب •
خیل معجزات عرصهٔ ظهور خفایای اموره ترک و تاز اعلام
و اعلان امور مستقبله یه آغاز ایدوب • خلال کلام ده
بیوردیلر که • ای مزهٔ احباب و ولد قرة العینم حسن عالی جناب
سید شبان اهل جنان ایدوگی محل ارتیاب دگلدر • و هم

بر وقتده ایکی فئه عظیمه بینی اصلاح ایله صورت سلمی ایضاح و آب
حلمی نائره فتنه و فسادی اطفا و کتاب سلمی ایکی عسکره اقرا
ایده جکدر • ان ابنی هذا سید و سیصلح الله به بین فئتین عظیمتین
من المسلمین • فی الحقیقه کل امر بوقته مرهون • کلام حکمت نمونی اوزره
وقتا که منشور نوبت خلافت • اول سبط صاحب ولایت
جناب عزتلرینه واصل • و اسباب کامرانی حاصل اولدی •
معاویه بن ابی سفیان لواء تمردی اعلا و اعلان ایدوب • اکثر
اصحاب حضرت حسن اوزره اجتماع • و خورشید اتفاقدن التماع
ایلدی • بیعت حضرت علیدن امتناع ایدن کبار دین اطراف
و بقاعدن کلوب اتباع • و انانیت اطاعتی انتزاع ایله مخالفتدن انتزاع
• ایدوب متوجه جنود جمعیت و داخل دایره بیعت اولدیلر
بر روایتده آلتمش آتی و روایت اخریده سکز اتی کوفه ایچره
فرمان فرما اولدی • مردان کارزار و یلان جنک و سکاردن
فرق بیک نفر پهلوان زورآور که • حضرت حیدر ایله نطاق اتفاقی
• میان بسته ایدوب • نبرد معاویه ده رشته اتفاقی کسسنه
اولمق اوزره تکریر مواثیق و عهود • و ورود عرصه وجود ایتمش ایدی
حضرت ساقی کوثر بزم باقی یه نوش جام آب حیات بقا کسترمک ایچون
سفر بیوردقلرنده سیل تجمع وادی مخیم حضرت حسن ده مجتمع اولوب
• امر و نهیی مستمع اولدیلر • جماجم عرب و سایر اقوام ناب کارکیر

دیارده عزیمت ثبات و قرار اظهار ایتدیلر • معاویه دخی جمع
شمل متفرق و تفریق خزینه و کنج ایله جمع عسکر ذلیله مشغول اولوب
شامدن خروج • و راه مقابله و مقاتله یه ولوج ایلدی • چونکه تقابل
حزبین مانند تراحم بحرین مشهود عین اولدی • حضرت حسن مشهود
نظر و خیال بیوردیلرکه • اساس کار قتال مستحکم اولوب • طرفیندن
نیچه آدم آغشته خاک و دم • و نیچه سرلر غلطان نیچه تنلر
خاکله یکسان و تیر اجال دماج اعمار رجالده قرار و شمشیر مرک
در کار اولمنیجه مأمول پیوسته حصول اولمز • پس مزید اشفاق ایله
موصوف اولان سید حسن الاخلاق حضرتلرینه صواب دید
• راه سدید اولدیکه جمع کلمه ایله ترک قتال و دفع اختلال اوله
چونکه مرآت قدر • بوکونه صورت کستر اولمش ایدی لاجرم
سلم و صلاح و کارزار خلافتدن فراغ ایله فلاح انجامنی انجاح ایچون
معاویه جانبنه بر معتمد معتبر ایله ارسال خبر ایلدی منشیه
ترک ایدوب کندی قصدینی اتمام • اهل اسلامه ایلدی انعام نثر
جانب خصم خوددن متجانب • و کار سلمه طالب و سلب
استیلای آل علی بن ابی طالب • اتمم مطالب ایدی • طرف
غالب راغب اولمغله خود سالب متاعب اولوب فی الحال
اذیال مطاوعتی جالب • و تعهد اسعاف مرامی ایله قلب
• شریفلرین جاذب اولدی • هر نه که اراده بیوردیلر مساعده ایلدی

اما بعد الصلح وفا ایتمدی • حضرت حسن فراغی سخن کورمک ایله
کار خلافتده خلاف مرفوع و فتنهٔ بن بیننده فتنه و حرب و قتال
ممنوع و مدفوع اولوب سلم و صلاح ایله سالم • و مکان زمینه رجوع
ایلدیلر • حضرت حسن • عازم جانب وطن اولدیلر • آفتاب دین

و دولت سوی دولتخانه شد	صورت کلام سید انام دن

قناع اختفا انکشاف بولوب • معاویه دخی جانب شامه انصراف
ایدوب • کار خلافتده اندفاع خلاف ایله آیینهٔ دولت صورت
حالنه صاف اولدی **مصراع** بی دردسر نیزه درآمد شید یکان
بر معجزهٔ ظاهره دخی بو مابینده باهره اولدی که **بیت**
پرتو باغ هفت خوان کهن • درة التاج عقد تاج سخن
نثر حضرتلرندن صدور ایدن کلمهٔ مستحسنه که الخلافة بعدی ثلثون
سنة در روی کارده آشکار اولوب • انتقال رسول متعالدن
فراغ حسن صفی البال • اوتوزنجی سنه یه مصادف معنای دلارای
حدیثه مؤتلف اولمشدر • خصوصا معاویه ملوکانه اوضاع
و اطوار ایله • لباس زرکارده جلوه دار • و اتخاذ قصور مشیده
ایله اظهار اقتدار ایدوب آثار خلفا منطمس و اساس فقر و لباس
بوریا مندرس اولمش ایدی **لمؤلفه** خلفا ضبط ایدردی اموالی
کوریلور ایدی عسکرک حالی • ایلمزلردی جبه سینی تلف •
بو بله اولمشدی جمله کار سلف •

معجزهٔ شکستن سنگ راه بدست حضرت رسالت پناه

روایات معجزات باهرات ایله • سنگ دللری نرم ایدن روات
ثقات دن منقولدر که حضرت رسول **نظم** رسول عرب شاه امی لقب
دلیل عجم رهنمای عرب • جمالش ز نور جهان آفرین
هزار آفرین بر جمال چنین **نثر** که غزوهٔ احزابده همه اصحاب ایله
مدینهٔ منوره • علی ساکنها تحیات مکرره • اقطار پر انوارنده
خندق قازمغه اشتغال بیوریوب • باز جد و اهتمام اشتغال
ایتمش ایدی که ناگاه • اثناء حفرده بر سنگ سیاه نمایان اولدی که
صخرهٔ صمادن نشان ویرر ایدی • هر بار که کلنگ لر کله کوب
سر کوه پیکر اولوردی • اصلا زخم گران زور آوران زمین منا بتنه
زلزله و صدمهٔ آتیشه زنان کین شایتنه ولوله رسان اولمیوب درگاه
اولان اصحاب اقتدار نیروی بازوی زور • و دستیاری اصحاب
شعور حضور ایله بر پاره سن جدا ایتمکه قادر اولمیوب • دفع اذ بنده
قاصر اولدیلر • چونکه دفع و ازاله ذمت همت اسلامه خلیق و حقیق
اولوب اماطة الاذی عن الطریق ثوابنه • نائل اولمق هر کسه
مقصود دل اولدی • اما مقدورلرین صرفدن صکره عجز باهر
و عذرلری ظاهر اولدی • جلیهٔ حال مشهود نظر رسول متعال اولیجق
بالذات رفع سنگه عزیمت و همت بیوردوب • مستمد عنایت
باری اولوب • دهان مبارکلری یاری ایله سنگی مسح بیوردیلر •

فی الحال محلنده ثابت و برقرار ایکن سنگ فلاخن کبی تار و مار
و هر پارهسی بر طرفه پران و بران ده خاکله یکسان اولوب
بو وجهله تار و مار و بی نشان اولدی که کویا اول دخی نمایان اولمامش
ایدی صلی الله تعالی علیه و علی آله و صحبه النجبا

معجزهٔ ازدیاد خرما بدعای حضرت سلطان انبیا

بو معجزهٔ باهره دخی حضرت ابوهریره دن منقولدر که برکون مجلس
مجلس حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم تشرف و استسعاد
و نایرهٔ کلماتی ایقاد ایتدکده پیشگاه رسول عنایت معتاده بر پنجه
خرما نهاده ایدوب ایتدی **نظم** ای خسنم بامیران مرسل
حلوای پسین و ملح اول **نثر** رجا ایدرم که بو خرمایه برکت و نماسنه
دعا عطا بیوریله پس حضرت انبیا کف مبارکلرینه قویوب
دعا ایتدیلر و یا اباهریره بو خرمالری انبانه وضع ایدوب
هر نه وقت که سکا و مهمانه لازم اوله بلا تکلف انه تناول ایله دیو
بیوردیلر ابوهریره امره امتثال ایله انبانه قویوب هر زمان که
انبانی تجسس ایلسه حاضر خرما بولمغله خوشحال ایدی کندو
و اهل و عیالی معاشنه کفایت ایندکدن غیری خلقی ضیافت ایله
اضاعت ایدر ینه انبانی طلو خرما ایله مملو بولور ایدی تا
خلافت حضرت عثمان ایله زیب و زینت بولنجه تمثال انبان

مثمر و بو حال پر میمنت ادوار ده مستمر اولدی اول دم که دم عثمان مکرم
آیینهٔ سپهر پر زنک و ظلم اولدی یغماکر ایام خانهٔ ابوهریره بنام ده
دست تعدی بی دراز ایدوب خسارته آغاز ایتدکده انبان خرما
اول شور و شغب ده ناپدید اولدی ابوهریره یه کمال ضجرت
عارض اولوب زوال برکت ایله متأثر اولوب خاطر عاطرینه
بو وجهله سلوت کلمدی بو خصوصده بو نظم اول حضرته نسبت
اولنور که نقشهٔ مقصد در معقوله سی کمال انفعال و نشئت بالدن صادر
اولمش مقال مبین حال در **بیت** للناس هم و لی فی الیوم همان
فقد الجراب و قتل الشیخ عثمان

ظهور معجزهٔ سید الانام در تعیین حال مرد ستمکر نام

اشعهٔ لمعات ارادهٔ خلاق کائنات ازالهٔ ظلام ظلمات
و دفع منکرات الجون پرتو انداز کارخانهٔ عالم و طراوت بخش گلستان امم
اولدیغی حکمت بالغه حسبی ایله باقی وجه کان پیوسته ظهور و اعلان
اولور اول هنگام که حرب حنین ده مقابلهٔ فریقین ایله آتش عناد
کفار لئام اشتعال و ظرام پیدا ایدوب آب تیغ خون آشام
ایله اطفاء لازمهٔ ذمت حضرت سید الوری اولمش ایدی مکهٔ مکرمه دن
خروج و راه رفع اذیت لرینه ولوج بیوردیلر **نظم**
چو آمد با سپاه از شهر بیرون زمین کفتی روان شد همچو کردون
اودن ایکی بیک مرد کار ایله که فن کینه و دارده مانند رستم

واسفندیار ایدیلر **نظم** همه گردن کشان وگرز افکن •
همه نیزه زبان وتیغ گذار • سخت داننده حرب رانده بیر
تک بینده جنگ راستخار **نثر** کفار بدکردار ایله آهنگ جنگ
وپیکار ایدوب بازار کارزار • کالای نقد جان ایله مانند
دکان تجار اولوب • سرمایه امایدن بهره دار اولان اخیار
اولوب وبره ده درکار اولوب • ومتاع احراز سعادت
غزا وشهادتی ادخار ایلدیلر • نعرهٔ مبارزان وتکبیر وتهلیل
موحدان اساس فلکه زلزله • وسامع ملکه ولوله رسان اولدی **بیت**
از فیض خون کشته ملمع شده زمین • وز گرد سم باره مقنع شده هوا
موحدلرک حدت تیغ کوه گدازلرندن صخرهٔ صما ذره ذره • ونوک
پیکان موشکافلرندن هر ذره صد پاره اولوردی **لمنشئه**
از گرد خیل چشمهٔ خورشید پر غبار • از نعرهٔ یلان زمین چرخ در فغان
برق تیغ نهیب سنانلرندن • یکاد البرق یخطف ابصارهم الآیه
معناسی نمایان • وسنان جانستان گوش کاورانه راست
اولوب یلان جلادت نشان • صرف نقود مقدوره ده بی کم وکاست
ایدیلر • اگرچه اول کارده چند ابراره نوع انکسار آشکار اولدی
اما نواصی حال کفارده رقم علیهم دائرة السوء الآیه بدیدار اولیجق •
معجزهٔ رسول کردگار ایله باد ادبار اقبال معسکر کفاره ایلدی •
لا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین الآیه مضمونی

منور اولوب چرخ دوار **بیت** دارت الافلاک بالفوز لکم •
وعلی راس العدو الدائره **نثر** مضمونی اشعار واظهار ایلیوب
روی زمین خبث وجود مشرکین آلوده دن پاک اولوب •
خورشید ظفر تابناک اولدی **نظم** بریخت باد فنا آب روی خصمش وگفت
برو باتش دوزخ که خاک بر تنکست **نثر** روایت اولنمشدر که •
گرمیت بزم حرب وحرارت تنور ضربده • برمرد بر وجهله بارد
ایدر دیکه عالمی روی خصمه پرگرد ایتمش ایدی • **لمنشئه**
حضرت مرسل وشفیع بشر • تابع حکم او قضا وقدر •
عالمک سر جمله مکتوم • واقف امر خیر وعارف شر **نثر**
بیوردیلرکه • هذا اهل النار • بو قوم ایچره تنور حربی گرم ایدن
مرد کار اهل نار در • اصحاب واخیار ایتدیلر **لمنشئه**
زیر سایهٔ امرت همیشه چرخ فلک • بزیر پایهٔ تو آسمان وخیل ملک
نشان خاطر پاکت امور نامعلوم • که نیست نقطه که باشد ترا شها موهوم
اما بومرد سخت نبرد • اجسام کفاری دم بدم ایدر ظهوره •
گلن جبارتی داستان رستم دستانه نسیان ویروب
محو کرده قصهٔ هفت خوان ومازندران اولمشدر • بیوردیلرکه گرچه
دعوای اسلام وایمان ایدر • اما اهل نیراندن ایدوکی عیان در
ایتدی برای رسول هدی • سبیل خداده جانینی فدا ایتمک
مرتبه لری هویدا • وکثرت جراحت ایله بیطاقت اولوب حالا

حایز سعادت غزا و شهادت اولمق اوزره در • بیوردیلر که اهل بازدر
محل نظره عاقبت کاردر • اول عالیشان نمایان اولان کمال جلادتدن ایدوب •
ایتدیلر شهدای احرار مرتبه شهادت ایدوب واصل درجات
جنت اولمق ربتعیین حالتدر • چونکه اول مرد بو نجه نیزه دایدی •
زخم رماح و سهام قدینی لام • و نیش جراحت بی تاب و طاقت
ایدوب • حوصله تحمل تنک اولمغله • صبر و آرامی تنک
اولوب سهام قبوردن بر تیر جانکداز • اخراج و اظهار ایدوب •
بی باک بر زخم سهمناک ایله جابه حیاتی چاک و کندی هلاک
ایلدی • اول محلده حاضر و مجاریٔ حاله ناظر اولان اصحاب •
بصایر سرعت و استعجال ایله • مالیده روی خاکپای رسول متعال
اولوب ظهور صدق خبر • و کلام حقیقت مظهرلرین منصه
تقریرده جلوه کر ایدوب **لمنشئه** دیدیلر ای رسول دین هدی •
هر نه سوزکم ظهور ایده سندن • ظاهر اولور جهان ایچنده همان
معجز اکمدرره حقدن **نثر** بیوردیلر که الله اکبر اشهد انی
عبد الله و رسوله **نظم** فای دلیل بعد هذا ترید •
لقد خاب من فی صدقه یتوقف • فطوبی لعبد نال سمعا و طاعة •
و ویل لمن عن صدقه یتخلف **نثر** پس بلال صفا انبال طرفنه
توجیه مقال ایدوب • بلند صدا ایله ندا • و مسامع مومنینه اسماع
و انبا ایله که حرم ایمانه داخل اولمز الا محرم کعبه ایمان کامل •

وان الله لیوید هذا الدین بالرجل الفاجر • کاه اولور که
رب مجید بر رجل فاجر ایله تایید دین سدید ایدر یفعل الله
ما یشا • و یحکم ما یرید **لمنشئه** کورنجه سعینی مرد بزرک
دیدیلر کم شهادت در میسر • کلام معجز آثار رسولی
تعجب ایلدی هر بیری بیر • ظهوره کلدی آخر خوی کلامی
اوروب اولدر دی کندوبی اول ابتر • سفر ایتدی بو دار بی بقادن
مقر اولدی سقر اکه مقر **نثر** عصمنا الله تعالی عن الزیغ و الضلال
و یسر نا حسن الحال فی المبداء و المآل • صلی الا آله علیه ما
ناح الحمام و ما بکا •

معجزه نبی کریم در قرص جوین ام سلیم •

انعام عام اعجاز خصم لیام ایله ضیافت اهل ایمان
و اسلام ایدن حضرت سید الانام **نظم** ان اکرم خلایق
و آن اشرف وری • مجموعهٔ مروت و سر دفتر عطا **نثر**
صلی الله علیه و علی آله • و صحبه العظام معجزات باهره لرندن
انس بن مالک • راه روایته سالک اولوب • بو معجزه درین
سلک انتظامده بو کونه منسلک ایتمشدر که • سایهٔ عزت
حضرت عرش پایه شرف بخش خطهٔ مدینهٔ علیه و طیبهٔ
طیبه اولدقده • حضرت انس کرچه حدیث السن اما متیقظ
و متفطن ایدی • والدی مالک راه عدمه سالک اولوب •

مادری ابوطلحه ایله ازدواج ایتمش ایدی • اما کار معاشلری
رواج بولمیوب • کانون فقر و اضطرار التهابده ایدی •
بعض اوقاتده استبقای حیات ایده جک • زاد و اقوات
انعدام بولمغله • صرصر جوع اساس زندگانی یی انهدام احتماللری
آیینه حالده عرض جلابل ایدر ایدی • حالبوکه مطلوب نوال حلال الهی
اولور تبسم گرسنه و تشنه • یمیزم بن جرامدن سننه لمنشیه نثر
برکون مادر خطیر انس بر قبضه شعیره دسترس ایدوب •
رفیق و لطیف دقیق ایلدی • و همسایه لرندن بر مقدار شیر
طلب ایدوب تخمیر ایتدی • سفرۀ ضیافتی آماده ایدوب • قطعۀ
کبدی انس ابو طلحه یه فرستاده ایدیکه • نیجه گوندن بر وجوعدن
بنای جسمنه طریان ایدن رخنه اول لقمه ایله مدفوع اولوب •
قلع قلاع جوع ایلیه • انس بن مالک کمال بهجت و نشاط ایله
طریق دعوت و اخباره سالک اولدی • بزم خاص رسول خدا
داخل اولیجق • هنوز خدمت ابو طلحه یه نائل اولمدین لسانته
دعوت • رسول کردکاری حضرت پروردکار جاری ایتدی •
ای حضرت رسالت • مادرم جناب عالی منقبتری خانه یه دعوت
ایدر • اول مجلس خاص اصحاب و خواص ایله غاص ایدی • حضرت
شفیع امت دعوت انسه اجابت بیوروب • اصحاب شرف
خطاب ایله عزت یاب اولوب • جمله قیام ایدک • ام سلیم خانه سنده

اطعام ایله اکرام اعلام اولندیغی بیوردیلر • نظم
کنمش کم نور اعظم پرتوی در • دمادم سینه لی درویش اویدر
زهی سلطان عالیمقام • و شهنشاه لازم الاحترام که ساحۀ عرش
عظیم المساحه شب معراجده مانند اطلس و دیباج • فرش پای
سپهر پایه سی اولمش ایکن • خانۀ درویشه سایۀ عزت مایه ایله
شرفبخش اولوب • سپهر نقش ایلیه • پس رسول خطیر اول جمع کثیر
ایله محل دعوته واصل • و خانۀ ابو طلحه یه داخل اولیجق • سررشتۀ
مقدمۀ منتجه یه اظهار اشکال ایچون • خصوص قصته دن
سؤال بیوروب • یا اباطلحه نه مقوله نعمت اظهار اولنمشدر که
بزی دعوت ایلدیلر ایتدی لمنشیه ای عطابخش فرقۀ امت
وی خطاپوش بدکن بذلت • جمله حالم حبنا بکه معلوم
نب دقایق علومکه مفهوم نثر یا نبینا خدا دانا و بینا درکه
روز گذشته دن برو بر نسنه واردات خدای کائنات دن
گنجینۀ سینه بی کینه یه داخل اولمیوب • رزق مقدر هنوز
واصل اولمامشدر بیوردیلر که • درون خانه یه عازم و روانه اول
ام سلیم نه احضار ایتمشدر استخبار ایله • ابو طلحه کمال اضطرار ایله
مانند سهام نافذ حرق هدف منافذ ایدوب • ایچرو گیردی جلبۀ حال
سمیر بال اولیجق • غلط انس بن مالک معروض پیشگاه حضرت عرش مسالک
اولدی بیوردیلر که • یا اباطلحه کردکدر خاطره گلدز ایتمیون •

دفع اضطراب ایلەدیوب اصحاب ایلە داخل خانۀ ابوطلحە اولدیلر
ام سلیم مأمور احضار قرص جوین اولوب حضرت فخر عالمین کف
مبارکلرینی گشادە و قرص جوین اوزرە نهادە ایدوب ابوطلحەیە
اصحاب کرامدن اون نفری دعوتە فرستادە ایتدیلر حسب الامر
اصحاب کرامدن اون کسنە حاضر و امرە ناظر اولدیلر بیوردیلرکە
جلوس ایدوب حلال ابن یمنت اقرانلرندن اکل طعام ایلیلر
اصحاب عظام دخی امتثال امر رسول تمام ایدوب خلال الحشت
خورشید مثال نبی متعالدن اکل قرص جوین ایلە خوشحال اولدیلر
اون کسنە دخی داخل و اول قرصدن درجۀ شبعە واصل اولدیلر
والحاصل یتمش نفر شخص معتبر اول قرص جویندن حصۀ کبیر
و تمام مرتبە سیر اولدیلر بعدهم ابوطلحە و انس دعوت
رسول مقدس ایلە قرب همایونلرینە کلوب اول ذات عزت معیوندن
ایلە اول طعام برکت مشحوندن اکلە مبادرت و اتمام مراسم
ضیافت ایتدیلر ام سلیمە خطاب میمنت انتساب ایلە امر بیوردیلرکە
قرص جوینی رفع ایلیە پس حسب الامر دست مبارکلرندن آلدی
نظر حضار تعلق ایتدیکە ذرە دکلو نقص تطرق ایتمش ایدی
نعم الالە عظیمة و محمد خیر النعم صلوا علیە و سلموا
ما افر صبح و انجم

معجزۀ تأیین حایط و باب بدعای حضرت رسالت اقب

طرح سایۀ شفاعت ایلە امت پرذللی مستظل ساحۀ راحت ایدن
خورشید سپهر رسالت سلطان ولایت نبوت رسول کریم الخصال
حضرتلرینک جلایل معجزەلرندن ابن ماجە و بیهقی دلائلدە ذکر ایلدیلرکە
ابو اسید ساعدی ناقل معجزۀ حضرت اولوب بوکونە تقریر روایت
ایتمشدر بیت سرچشمۀ مروت و سررشتۀ کرم سردفتر مروت و سرحلقۀ عطا
حضرت نبی مجتبی صلعم و علی آلە و صحبە النجبا بردم عزت توأمدە
عم مکرملری حضرت عباس محترم رضی عنە ربنا الاکرم
خدمتلرینە شرف التقا ایلە مدعای مجتبی اثبات مراد ایدوب
بیوردیلرکە یا ابا الفضل یارین کە روز پیروزدە آفتاب جهان سوز
تمکن مطلعدن بروز ایندکدە ابنا کرام ایلە مقام آرامدە
بردوام اولاسز خانەکزدن خروجە مبادرت ایتمیەسزکە
اول جانبە عزیمت ملحوظ درسزکە بر ز الفتدن محظوظ اولمق استرم
سمیر ضمیر حضرت عباس اولدیکە سایۀ عزت مایە قدر و رفعتی
چرخ گردون سایە همسر ایدوب صورت مرادی مرآت حصولدە
جلوەگر ایتمک لوح ضمیر منیرلرندە محرر در حضرت عباس مژدۀ
قدوم خیر الناس ایلە انبساط و ابتهاج ایدوب آیا بو مقدمە اول
شکل لطیفی انتاج و اول سراج وهاج ظلام دل محتاجی ازعاج
ایدرمی دیو اول شب داج اکرچە خیال خوابی دیدەدن اخراج
ایدوب منتظر صبح برین اولدی چونکە نور روز ستنین اولدی

للمنشئه فالق الاصباح ایقاد سراج مصباح صباح اولدی
شعر چون سحر ویردی جهانه تابغینه فر • خوابگاهندن کنش قالدردی سر
اول مه سپهر عز وعلا • وماه برج آسمان اصطفا • مطلع عز وسعادتدن
طالع ونور نیرین کبی لامع اولوب • بعد الضحی شرفبخش خانهٔ عم بزرگوار
وطرح ساز نقش الفت عباس صداقت کار اولدیلر • گویا آفتاب
چرخ منزلت ایدیکه خانهٔ مشتری مجتمع قرار • یا ماه بدر ایدیکه
خانهٔ تاریکی تابدار ایلدی • تقدیم سلام واکرام ایله پرسش خاطر اعز
اعمام کرام بیوردقجه • عباس کمال استیناس ایله فرسوده روی غبار
پای رسول کردگار اولوب ایتدی لله الحمد که طالع ستیزه کار یار ویار
اولوب • وجود بهترین همه عالمین شرف ده خانه یارین التفات اولنمش
رسول گزین علاوهٔ انشراح درین اولدی • یقین اولدیکه • سروردن
تاج ابتهاج عباس عزت قرین • واصل چرخ مفتخر اوله • بیوردیلرکه
ای عم بزرگوار • جمله اولاد صغار وکبار ایله بکا قریب اولک • پس جمله
بربرین تعقیب • وامید نصیب ایله نزدیک حبیبه قریب اولدیلر •
جمله سن التفاته مظهر • ونظر عنایت ایله نظر • ودست سعادت بیمارکرن
برداشتهٔ درگاه خدا ایدوب لب جنبان اولدیلر • ای خدای منان
بو عم بزرگوار وبونلار اهل بیت ایدگلری بدیدار • درخدایا پروردگارا
بو فرقه لی عذاب ناردن آزاد • وخاطر محزونلرین سلامت ایله دلشاد ایله
للمنشئه ایدوب بو فرقه لی دوزخدن آزاد • عنایت ایلیوب لطفکله قل شاد •

بو دعای صداقت پیما • قرین لب رسول مجتبا اولیجق سده باب وحوایط
بیت عباس عالیجناب زمزمهٔ تامین ایله سامعه سکان ملاء اعلایی
پرطنین ایدوب آمین آمین • دیو تذییل کلام رسول امین ایدیلر
للمنشئه
چون دعا ایتدی اول رسول گزین • قیلدی اکه حجر شجر تامین •
بو نه اعجاز ونه کرامت اولور • که عطا ایلمش خدای معین •
اوله روح کرمینه هر آن • نیچه یوز بیک تحیت وتحسین •

معجزهٔ زیستن بزغاله بدعای حضرت خاتم الرسالة

بر دم سعیده حضرت رسول مجید • صلی الله تعالی علیه
وعلی آله ما طاب العیش وطاب • شمع جمع اصحاب • ومهر منیر سپهر
احباب اولوب • جر ذیل کلام وحل عقد انتظام • درر حکمت
حکمت انجام ایدرک سیل کلام • وادی طعامده جریان • ومهر مقال
سپهر ماکولده درخشان اولدی • حضرت سرا پا سمع وگوش ایدیلر •
بر مرد جمله اطعمه دن گوشت خوشتر دیدی • اصحاب صفا سخن مردی
للمنشئه قبول ایله اصغا ایتدیلر • سلطان اصفیا ماه برج اصطفا
شعر لطفی نعیم آب بقا کبی روح بخش • خلقی نسیم باد صبا کبی دلکش
صلی الله علیه وصحبه وعلی صحبه النجبا • حرف زن مضمون فقدان گوشت
اولوب بیوردیلرکه • حیلی زماندر که نظرمزده گوشت نمایان اولمشدر •
انصار ذوی الاستبصاردن بر مرد کار بر نیچه زمان ایدی بر بزغاله لی
تربیت ایدوب خانه سنده حفظ وحراست ایدردی • اول فقیر هم خوا

ضمیمه ایتدی که • بزغاله طبخ اولنوب حضرته نواله اولنه فی الحال خانه سنه
عزیمت ایدوب بزغاله بی بریان وپهری ایله اتحاف رسول منان
ایلدی • حضرت رسول امین پهری فرستاده امهات مؤمنین ایدوب •
بلال احضار خوان ایله مأمور امر نهی متعال اولدی • در مسجدده اصحاب
معالی آثاردن اون بش کمسنه حاضر بولنوب • اشارت بابث زبری ایله
سرخوانه جلوس ولطف ونوازش حضرته مأنوس اولدیلر عظامی
سالم اولمق اوزره تناوله عازم اولوب • اول جمله یه وفا • وبیوت
ازواج طاهراته اهدا اولنه قدر صحن فرمان سلطان عالمیمکان
ایله جمله استخوانلری جمع ایدوب • دست مبارکلرتنی اوزرینه
وضع بیوردیلر • فی الحال چشمه سار آب حیات وانفجار آب ایله
سبب نجات اولان منبع ایادی جسیمه یعنی ایادی کریمه لری برکاتی
ایله • اول عظام بخته حیات تازه بولوب حرکته آغازه بشلدی •
امر ملک علام ایله ایمای قیام بیوریلجق بزغاله قیام • وتحریک اقدام
ایدوب خانه انصاری یه روان • ووصولده شتابان اولدی •
چونکه انصاری بزغاله یه نظر ایتدی ایتدی بو بزغاله بزم بزغاله یه بهتردر
زن انصاری ایتدی نظم بو درکه • بزم بزغاله مز ایدوکی مقرردر •
مرد وزن هنوز بو مقوله سخن اوزره ایکن بره منصه نظرده جلوه گر
اولدی • حضور پیغمبرده بزغاله • دعای خاتم الرساله ایله کسب حیات
تازه ایدوکن تقریره آغازه بشلدی • اعتماد واعتقادلرینی یاده اولنوب

تصلیه

تصلیه وتحیت ایله پیشگاه اطاعتده ستاده اولدیلر لمنشئه
اولسون اکا وآلنه اتباعنه سلام • مادامت السماء وما دامت الثری

معجزهٔ آگاهی نبی خطیر   از حیلهٔ مرد کیش پیکر

دلیر عرصه رسالت • وخطه گیر ولایت نبوت نظم شهسوار ملک
وملت سرور عالیجناب • فارس یکه سوار چرخ همچون آفتاب نثر
معجزات باهره وکرامات ظاهره لرندن درکه یلان عودبن بر مرد
تهمتن تن ورستم ستم • وصف شکن وارایدیکم • بازوی سخنی
مغبوط گیو وبیژن • ونیروی بختی محسود دلیران خصم افکن ایدی
استعلای رایت اسلام • واستیلای هدایت رسول انام •
قامت صبر وتحملنی لام • وگردن طاقتی گرفته کمند آلام
ایتمش ایدی پیشگاه نبوت پناهلرینه رومیال ایدوب ایندی
ای رسول متعال دعوای نبوت ایله • قیل وقال سرحد ممالک
اطنابه اتصال بولدی • سنخواهه ضمیر اولورکه کشتیگیرلک سمتنی ابدا
ایدوب سنکله اول موافضاسنده خرامان • وخنک زور ایله
هر برنبر جولان ایدوب • اکر سن بکا غالب اولورسک • جانب حیاتی
سالب اول • اکر صورت غلبه بنم مرآت خیالمده نمایان اولورسه
سنی اهلاک ایله راحت رسان خلق جهان اولاین • رسول مطاع
بوعادن امتناع گوستر میوب • مباشرت کار مصارعه یه مسارعت
ومبادرت بیوردیلر • بودکلو بازوی سخت ایله • اول بدبخت

مغلوب ورایات دعوای تفوقی منکوس ومنکوب اولوب •
ایکی دفعه ره نورد خطهٔ کرامت • وبادیه کردان کشور ولایت حضرتلری
غالب اولوب اما جابه حیاتن سالب اولمدیلر • کمال احسان ایله بینه
امان ویردیلر • اول بدکمان سرکشتهٔ بیابان حرمان وافتادهٔ
سنکستان خسران جبل حیلهٔ حصول مراده وسیله اولور دیو •
ملاحظه وخیال ایدیکه بو دفعه پای مبارکلرین کرفت ایتمک
ایله مکر وآل ایلیه • فی الحال سمیر بالی اولان تدبیرنی آنی تلقین
روح الامین ایله مسطور صحیفهٔ دل سرور دین اولدی • چونکه
نوبت سیومده مصارعه یه مسارعت • وحضرتدن مقدم مبادرت
ایدی بیوردیلرکه • سالک راه حیله سر منزل مقصوددن صد مرحله
بعید ومردوددر • بوکارده چهرهٔ آل بدیدار اولمز • مرآت مکر ورنک
بو محلده پر زنک درکشتکیر ایتدی • ای سرور خطیر مکنون ضمیرم
قلب سینزکه نیجه مستبین اولدی • بیوردیلرکه حالا حضرت جبرئیل •
امر خدا ایله نزیل اولوب • مکر فاسد ورای کاسدینی تقریر ایدوب
بنی خبیر ایلدی • چونکه جلیهٔ حال • مرآت قلب مردده عرض جمال ایلدی
دفع شکوک واوهام ایدوب قبول دین اسلام ایتدی لمنشئه
قبول دین اسلام ایتدی اول مرد • ضمیرن پاک ایدوب قالمادی کرد

معجزهٔ انطاق هبل • بتصدیق رسالت نبی مبجل صلی الله علیه وسلم

راوی شیرین کفتار • احادیث رسول مختار مذاق جانی شهد بیانی
ایله بوکونه شکر بار ایدوب اخبار ایتمشدرکه • صدای صولت
دعوت ورسالت کرکرده کوش ارباب ضلالت اولوب •
سرکوشه یه واصل اولمش ایدی • خطهٔ یمنه دخی داخل اولیجق جانب یمندن
اون ایکی بیک مشرک ستیزه جو طرف مکهٔ مکرمه یه توجه عنان ایدوب •
رسول منان حضرتلرینی امتحان قصد ایلدیلر • هبل نام بر صنملری
وار ایدیکم اکا اعتقادلری محکم • وپیشگاه عبادتنده قامتلری خم ایدی
روز وشب طاعتده شور وشغب ایله مرادلرین طلب • وخدمتینی منتهای
ارب ایتمشلریدی • اول بتی پیشوای کار ونبرکینه استظهار
ایدوب همراه وعازم پیشگاه درکاه رسول آکاه اولدیلر • مکهٔ مکرمه ده
بر کوه پر شکوه اوزره مقام تعیین ایدوب • پوشش دیبا ایله
تزیین وانواع جواهر ایله آراسته • واصناف مفاخر ایله پیراسته
ایدوب متصدی امتحان • ولیس پرده دن نه مقوله امر بدیع الشان
ظاهر وعیان اولور دیکران ایکن حضرت سلطان انبیا
آن منبع شفاعت وآن معدن عطا • آن مجمع مروت وآن معدن سخا
قدوم قوم مذمومی استماع ایدیجک • استقبالده اسراع بیوروب
راه توحیده دعوت • وشرف اسلام ایله دلالت بیوردیلر
دیدی ایلک قبول دین هدی • شرکونی ایلکز اطفا
وحدت حقه ایلیوب اقرار • ایلمک بو ضلالده اصرار

محض اضرار اولور بو جسم و تنه ● کمسه راضی سیدر که او ده بهر

ایدیلر بو کار دشوار در ● مجرد کلام ایله حقی اظهار ایتمک مرآت آینکاریله

نه چهره بدیدار ایدر ● بزه بر معجزهٔ محیّره ابراز ایله که کاشف رموز

راز اوله سید انام ● الزام خصم نافرجام ایچون ● بیوردیلر که بو صنم

کفتار ایدوب اقرار ایدرسه ملزم اولورمیسز ● ایدیلر بو ملاحظه

وخیال جلوه کر ظهور اولمق نه احتمال در ● مرکز بو صنمدن

کفتار کوش کذار اولمامشدر ● اکر بو صورت بدیدار اولورسه

انکارده اصرار نیجه اظهار اولنور ● پس حضرت هبل لباسدن

عریان ایتمک فرمان ایدوب ● دست مبارکلرین اولان عصا ایله

فرق هبله قویوب ایما بیوردیلر که ● اطاعت صورتلری موید اوله

صور دیلر که ای هبل بن کمم هبل ایتدی ● ای ذات مکمل سن رسول

خدای زمین و زمان سن عزّ و جلّ کفار بو کار سخت دن تعجب

کردار اولوب ● جمله اول محراب مساجد و معابد حضورنده

ساجد اولوب ● قبول اسلام و ایمان ایله مشرف و مستعد اولدیلر

لمنشئه

بر کلام ایله نیجه بیک کافر ● دین اسلامه اولدیلر داخل ●

نطق احمد کلام معجزدر ● فیض بخش هدا در الحاصل ●

معجزهٔ کفایت اندک خرما بهمه عسکر سلطان دو سرا

رواة ثقات کرام ● ثبت صحایف ایام ولیالی ایتمشلردر که

انعام عامی فیض بخش جملهٔ انام اولان حضرت رسول علام نظم

مرادکن فکان مقصود کونین ● کمان ابرودی کاف قاب قوسین

بلالش حلقه گوشی بر ره شام ● بلالش صبح خیزی بر سر بام ●

صلی الله تعالی علیه و علی آله و صحبه العظام ● حرب احزاب ده فرقهٔ

عدوی ارهاب ● و صفحهٔ دهردن نقطهٔ وجودلرین ازاله بدهٔ

بذل طاقت و تاب ایدردی ● اکرچه اول شاهباز شجاعت

کردار نیجه فهنده کفار بدکردار رتبهٔ روزکاری ایدکلری بدید ایدی ●

بیت

اکر ماهی ز سنک خارا بود ● شکار نهنکان دریا بود ●

نثر

اما تشجیع اصحاب کرام ● و عسکر ظفر فرجام ایچون اقدام بیوررلردی

و هاتف غیب پس پردهٔ بی عیبدن ● قطعه

ای دشمن ملک را بغم کشته چو شمع ● بدخواه تو باد دمادم چون شمع

برکشته زبیش تو سپاه دشمن ● یا ریخته یا سوخته یا کشته چو شمع

نثر

مضمونی ایله خطاب ● و ترفیه خاطر عاطر معالی اکتساب ●

ایدردی اما اول سلطان سرافراز ● و سریر افروز عزّ و ناز

هزی الیک النخل مضمونن موید ایتمک ایچون عرصهٔ حربه وضع پا

بیوررلردی ● لمنشئه ● اکر حق کار رابی سعی کردی ●

بمریم کی نداکردی که هزّی ● نثر پس اثنای حرب ● و خلال ضرب ده

خویشاوند اصحاب کرامدن بعض اعزهٔ فخام اقاربنه دفع مضرّت

جوع ایچون ● بعض اشیا اهدا ایدرلردی ● جمله دن بشیره حربده

تقوی ایچون همشیره سی بر مقدار خرما ارسال ایلدی ● دستانده ●

پیشگاه هما یونلرندن مرور ایدوب ● نظر عالیلرینه معروض اولنجق

ذمن وفادارى كه آتش تيزكامى مخمد اولوب آب زلالى منجمد ايدردى
عروس امور غيبيه نظر علم وكمال لرنده جلوه كر دوراى تتق محجبات
مهر منوردن اظهر ايدى دعوت بيوروب احضار خرمايى انبا بيوردیلر
فى الحال دریاى جود ونعمت اولان كف باكفايت لرينه تسليم ايلدى
منبع ايادى جسيمه اولان ايادى كريمه لرى ايله پوشيده و مستوركه
بيوروب جمله اصحاب عزت منقبت حاضر اولمغه اشارت بيوردیلر
همه عسكر جلوه كر نظرانورلرى اولوب حسب الامر خلال بنان
مباركلرندن ترشح ايدن خرمادن تناوله ابتدا ايدوب اول
سحاب رحمت ونعمت وابر خوش آب جود واريحيدن هر بريك
دل عطشانى ريان وكشت زار قلب نالانى سرسبز وخندان
اولوب بركسنه قالمدى كه نعمت كف سعيد مطاع آنى اشباع ايتميه
كبير وصغير جمله سير اولدقدن صكره برداشته دست اولدیلر
ينه خرما معدار اول اوزره هويدا اولوب بو امر عجيب مشهود
نظر همه عسكر اولدى لمنشئه صل على روضة خير الورى
مهبط وحى ناصح الهدى كهف بشر مهبط روح الامين
بو البشر از خرم او خوشه چين

معجزه آگاه حضرت از حيله ابو جهل ضلالت فطرت

جبل روايت ايله دلو معجزاتى چاه كموندن برون ايدن روات ثقات
صداقت مقرون بو معجزه باهره لى بو وجهله ثبت صحايف صحت مرهون
ايتمشلردركه واقف رموز لطايف عارف اسرار معارف

بيت

در شايسته درياى سرمد رسول يثرب وبطحا محمد

نثر

حضرتلرينك صلى الله تعالى عليه وعلى آله وصحبه المجد صداى
نبوت ورسالتى طاق سپهرى پرولوله ايدوب زمين جسيم عدوه
زلزله صالدى ودبدبه صولت وقدرتى كوش اعداى
بدكهرى كر وصحيفه معجزاتى دفتر كفار سقر مقرى ابتر ايدوب
آفتاب دعوتى شارق وماهتاب سبيتى بارق اولوب
نه انكارده اصرار ايله اضرار ونه مقابله ومجادله ايله كار ايده مديوب
كانون دللرنده آتش حقد وحسد اشتعال ايدوب اذيت
حضرته اشتغالى ديباچه نامهٔ اعمال ايتمشلردى

مصراع

سود الوجوه وقبيحة افعالهم

نثر

بو خصوصده سر انداخته زانوى
حيرت اولوب مبتلاى ضجرت ايدیلر خصوصا ابو جهل سر دفتر
ارباب نفاق اولمغله همواره رهزن ابه فتان شقاق اولوب
ريزهٔ شيشهٔ بدكارى ايله پاى اهل اسلامه رسانندهٔ آزار ودام
حيله ومكيده ايله مرغ راحت اهل ايمانى رميده ايتمكده
دركار ايدى حضرت رسول صادق ذات عاليلرينه لازم
غير مفارق اولان نبوت ورسالت انوارى شارق اولدوغى
علاوه كدر سابق اولوب راهبر ضلالت هر طرفه سايق اولوردى

صدا

بیت بحیله بازی اگر باب حیله باز کنی • به است ازآنکه با آهنگ جنگ ساز کنی
مضمونن پیش نهاد رای نابسداد ایدوب • مرآت خاطر فاترنده
بو صورت ظاهر اولدی که • مظهر خطاب لولاک لولاک حضرتلرینی
سایق معرض هلاک اوله مصراع فکر مفسد همه اندیشهٔ فاسد باشد
پس خدام شقا الخابنه امر ایدیکه عتبهٔ دار ضلالت مدارنده خندق
حفر ایدوب • بر چاه پیدا ایدیلر • و اخفای حیله و مکیده ایدوب •
اوزرینی خار و خاشاک ایله پوشیده ایدیلر که • وضع قدم ایدن
آدم اودم بن چاهه دوشه • و معرض هلاکه ایریشه • پس ابوجهل
لعین ضلالت قرین سر حیله لی بستر تمارضه قودی که • اول حضرت
عادت مستحسنه لری اوزره عیادت قصد بویرنجق • درون چاهه دوشه
مرتبه و جاهه نقص ایریشه مصراع غایت جهل بود مشت زدن سندانرا
سرمارکه اول حضرته اهانتده بذل مقدور ایدردی • سرمو رنجش
پذیر اولمزیدی کینهٔ دیرینه لی اظهار ایله • قصد اذیت و آزار
ایتمه بین اظهر القوم شرمسار و ادارهٔ کلام ایله • ارادهٔ الزام
ایلمه ملزم و ملام اولوریدی • بر وجهله دفعه قادر اولمیجق آخر اول
کافر خاسر بو مقوله کاره متجاسر اولدی • اما صورت املی آینهٔ
حصولده جلوه گر اولمیوب • حیله سی کارگر اولمدی • و غیرت
حق ظهور ایدوب • معرض جابدن دور اولمش ایدی بیت
هر که تیغ ستم کشد بیرون • فلکش هم بدان بریزد خون •

چونکه بیماری ابوجهل شبه کار گوش گذار حضرت اولدی • اول خورشید
سپهر نبوت • سایه انداز خانهٔ ظلمت ساز ابوجهل بد فطرت اولوب
عیادت ایتمکه قصد و عزیمت بویردیلر • بیت نه خصلتدر نه لطف و نه کرمدر
که ایده خصم بد اندیشه کرملر • نثر چونکه حضرت فرمان فرمای ملک
نبوت • و سلطان سریر ولایت • رسالت خانهٔ ابوجهل ضلالت
منقبت طرفنه توجه ضمیر مشتری فطنت بویردیلر • هنوز داره
داخل اولمدین • پیشگاه منزله که واصل اولدیلر • پیک بادپویان
هفت آسمان • جبریل جلیل الشان خدای منان دن پیغام آور اولوب
سر سربسته لی منصهٔ تقریرده جلوه گر ایلدی • لمنشئه
منه پا بر در خانه ای شاه • که چاهی شد نهفته بر در آن چاه •
چونکه صحایف احوال خامه زبان جبریل علیه السلام المتعال ایله
مرسوم بال حضرت رسول کریم الخصال اولدی • اول متبوع مطبوع داره
داخل اولمیوب رجوع بویردیلر • اول غدار بدکار نظرنده رجعتلری
بدیدار اولیجق • ستر حال ایچون فراشندن کمال استعجال ایله
قیام ایلدیکه • سبب رجوعی استعلام ایلیه • ناگاه بامر الله • اول
چاه ایچنه دوشدی • بیت حافر البئر فی طریق اخیه
واقع فیه لا محاله فیه نثر فی الحال جبریل ارسال ایدوب
اول چاه ضلالتدن اول بد فطرت • اخراجنه مبادرت ایلدیلر جبل
واصل سر منزل مرام اولوب • رسیده ابوجهل بدکام اولمدی •

سرنجه که جد بحجاب ایدیلر ابوجهل بدکاه ظفر یاب اولمدیلر • اول ملام انام فریاد ایدوب ایدی ای قوم بی بسداد بنی چاهدن اخراج • همت محمدیه محتاج در • دستیاری کرم الیه اخراجه همت ایدرسه امنیت صورت بولور • والا عسرت مقرر در • خدمت ابوجهل ده اختیار ضلالت ایلین قوم رخسارت • جناب عالی منقبت لرینه مراجعت ایدوب ایدیلر • حظ ایله ابوجهل افتاده چاه اولدی • مددکاری رسالت پناه دستیاری ایتمزسه • حالی مودی هلاک ودنیا اولور دیو نیاز بی شمار ابراز ایدیجک • حضرت رسالت پناه شرف بخشنده سرچاه اولوب بویردیلر که • یا اباجهل سنی چاهدن اخراج امر سهل در اما قبول ایمان و اسلام ایله شرف یافته قبول خاص وعام اولور میسن • اول بیره دل ناقبول و ناقابل ایتدی • بلی پس حضرت رسول همان دست مبارکلرین • اول ابوجهله نیشوب اخراجنه صرف همت علیا بویردیلر • چونکه ملعون ضلالت مقرون اول ورطهٔ عظیمه دن نجات اولدی ایتدی حقا بوسحر اعجاز نما در • اذا رکبوا الفلک دعوا الله مخلصین له الدین • بو مقوله نادرست ایمان اولان • بدگویان محال مضایقه ده هرنه تکلیف اولنسه قبول ایدوب تحریف ایتمزلر • همان که راه خلاص نمایان اولیه دلخواهی نه ایسه اول طرفه توجه عنان ایدرلر • ان کان خیراً او شراً • حقا که ملعون کار انکار دین هدایت اشعارده داصل درجهٔ علیا • واذیت اهل اسلامده اعجوبهٔ دنیا ایدی • کلا ان الانسان لیطغی ان رآه استغنی • ان الی ربک الرجعی الآیه • نص کریمنده انساندن مراد جناب سبحان ابوجهل مفتضح ایدوکی کتب متعدده ده مصرح در • لمؤلفه

نه عجب بدسرشت ایمش بوجهل • حقی بلمش اکن عناد ایتدی
وار ایکن انتسابی اول شاهه • جهل ایله کندو سنی یاد ایتدی

معجزهٔ ردّ فساد ابی جهل نادان بالملائکهٔ آسمان

قبایح وشنایع موجب البتا یعندن بری دخی بو نقل صریحدر که روایت ثقات ایله تصحیح اولنمشدر حضرت • **بیت** •

خسرو بطحا شه یثرب حرم • گوهر خاتم دست کرم
دریتیم صدف اصطفا • واسطهٔ عقد سبل مصطفی **اثر**

صلی الله تعالی علیه وعلی آله • وصحبه المجتبی • بر سنکام صفا انجام رخسار خورشید اثارین حرم کعبه ده آلوده غبار • ومالیدهٔ تضرع واعتذار درگاه پروردگار ایدوب صلوته درکار اولمشلر • وسجود اچون زمینه وضع جبین تابدار بیورمشلر ایدی • گویا آفتاب ایدی که عرصهٔ زمینه فیض انوار • یا ماه گردون انتساب ایدی که شب تار جرایمی تاب نور ایله خورشید کردار ایدردی گرچه روی بهبود خاک فرسود وغبار آلود ایدی • اما دیدهٔ حالی ناظر جمال مطلوب • دل وجانی • مستحضر اشواق تلاقی سبحانی ایدی **نظم**

دیده سی روی حقه ناظر ایدی ❊ نیه مشغول اولسه ینه حاضر ایدی
مقابل ردی منیری عرش رحمان جلوه کر انظاری ردی اسمان ایدی ❊
صنا دید قریش حرم مکه ده جالس و درع کین وحسدی لابس ایدیلر ❊
ابو جهل تبه روزکار ایتدی اگر بین اظهر القوم محمد ارکان اسلامی یه
اظهار ایدوب ❊ خالقنه سجده و نیاز ایده رسه سرنی پای انداز ایدوب ❊
خلاف لات وعزی یه عبادت ❊ وکندو معبودنه طاعت جزاسنی ❊
اقامت ایده یم دیو عهد و نیت ایتمش ایدی ❊ چونکه اول حین ده ❊
متبوع مطبوع حضرتنی کمال خشوع و نهایت خضوع ایله رسم معهود
اوزره سجود ایدر کوردی ❊ قصد ایتدیکه عرق حسدی فصد ایلیه لمنشئه
کینه دیرینه سن اظهار ایدوب اول خود پسند ❊ استر ایدی
ایریشه اول سرفرازه برگزند نظم سوء نیت ایله اول طرفه عزیمت ایلدکی ❊
فی الحال عودت ایلدی ❊ صنا دید قریش ایتدیلر یا ابا جهل نه کار
ظاهر و پدیدار اولدی ❊ ملحوظ ومنوی اولان معانی اظهار ایتمیوب ❊
ادبار ایلدک ❊ ایتدی میان مقصد و قاصد ده آتشدن برخندق
مستد و پیدا ❊ و ملائکه اولی اجنحه هویدا اولوب جناحلری ایله بنی
رد ❊ و حضور عزته وصولدن صد ایتدیلر ❊ بر وجهله هراسان
اولدم که جسم ناتوان ده گویا جان قالمدی ❊ فی الحال آیت
هدایت نمای ❊ ارأیت الذی ینهی عبدا اذا صلی ❊ نازل و قصد
فاسد و باطل اید وکن بیان ❊ و کلاه حفظ منازه بنی عالیشان مصون

و قصد ابی جهلدن مأمون ایدوکن ایضاح مقرون ایلدی لمنشئه
هر که ایزد در پناه خود کند ❊ هر که قصد او کند بر خود کند نظم
بر دخی اول مقوله خیال جاگیر قلب ضلال اشتمال اولمیوب ❊
حضرت صفای بال ایله اقامت مراسم طاعت بویررلر ایدی لمنشئه
صد هزاران آفرین از حضرت رب کریم ❊ بر روان پاکت ای محبوب جانهای حزین

معجزهٔ حضرت رسالت پناه ❊ در سپید کردن روی غلام سیاه

حضرت سلطان ممالک رسالت ❊ و مرکز قطب نبوت صلی الله
علیه و علی آله ❊ و صحبه و عیاله که دایما حلیهٔ حالی جهاد ده اجتهاد
ایله محلی اولمغله ❊ شمشیر قاطع العناد ایله زنگ کردن فساد مجلی اولمشیدی
خبر معتبر درکه رواة ثقات ❊ بر سفر ظفر اثرده اول رسول داد کر
سلطان بی تاج و کمر ❊ تاج بخش سلاطین و نکین ده ❊ شاهان عظمت قرین
حضرتلری ❊ تابش افتاب ایله رتف و تاب اولوب ❊ غلبهٔ تشنه کی
ایله اضطراب ❊ راه یافتهٔ خاطر معالی نصاب اولوب ❊ عزت
ده عموما عسکر مؤمنین ده دخی هویدا اولدی ❊ لمنشئه
هر نه یرده که ظاهر اولمیه آب ❊ جسم آدمده هیچ قالمیه تاب
آب در باعث حیات جهان ❊ جوی اولولو انک ایچون جویان نظم
اصحاب صفا انتمایه تتبع ما ایله ایما بویردیلر ❊ حسب الامر هر سو
صو ایچون جست و جو ❊ و اول صحراده مانند باد تک و پو ایتدیلر ❊

[illegible]

ناگاه خلال تتبعده سراپرده بر غلام سیاه پدیدار اولدی که
بر شتر صبا رفتاره اوزره سوار اولمش الندہ ایکی مشک صو ولغزنده
دکین مملو • سرور غالب حیدر بن ابو طالب تحصیل ما اچون
فرستادهٔ رسول خدا اولدی • حضرت حیدر چونکه بو خطابه مظهر
اولدی • حسب الامر طرف غلامه شتاب ایدوب التماس آب ایلدی

لمنشئه
دیدی کم مژده سا که ای بنده • بر خبر وار در سکا بنده
عسکر حضرت رسول خدا • اولدیر تشنه آب اچون حالا
بنی گوندردی بس که اول سلطان • اوله صو ویکله عسکری ریان
ویر بکا مشکی روان اولا • تشنه آبه تازه جان اولاین

نثر
اول غلام ناساز زبان دراز اولوب دشنامه آغاز ایلدی •
امام همام هرچند که ابرام و الحاح ایله اقدام اقدامه اوزرینه
قیام ایلدی • اسعاف مرام ده احجام ایلدی • پس اول شاهباز
آشیانهٔ لافتی • و سرافراز التفات هل اتی • اول صعوهٔ
ضلالت انتمایی سرپنجهٔ استیلا ایله حضور رسول انبیایه
احضار • و آب ناب ایله اطفاء آتش عطش عساکر جرار دن امتناع
اظهار ایتدوکن پدیدار ایلدی • رسول مختار بیوردیلر • مشکلرک
دهانن باز ایدوب • سد در حرص و آز ایتدیلر •

لمنشئه
ایچه بیلر صولری مراد اوزره • توکدیلر آنی عدد اوزره
وزاد وزواده دن غلام مزبوره زیاده ذخیره ویردیلر • وانبانی

ذخیره

ذخیره ایله مملو و مشکلرین برکت معجزاتیه طلوا ایتدیلر

بیت
راوی پرگرد و مشک از مشک او • ابر گردون خیره ماند ز رشک او

اول خضر ظلمات امت نور دست عزت منقبتلریله ید بیضا پدید اولوب
بر مسح ایله چهرهٔ غلام سیاهی سپید ایدوب ظلامی نوره مبدل
و سوادی بیاضه محول بیوردیلر • چهرهٔ غلام ماه تابان کبی براق
و رخشان اولوب گویا جامهٔ سیاه گناهی آب رحمت ایله پاک
یاخود مهر منخسف مجلا و تابناک ایلدی • چونکه غلام دست امام همامدن
استخلاص زمام ایلدی • راه مقصده روان و خداوندی جانبنه
پویان اولدی • چونکه اول مقامه قریب اولدی • اول طایفهٔ
هدایت نصیب جلوه گاه شعورلرنده مصراع فرد شعورهن السود ابیض
مضمونی چهره نما اولوب ایتدیلر • ظاهر اولان مشک و ناقه
بزم اولمغه صالح اما بو سیماده غلام مرکز خاطره لایح اولمز
بزم غلاممز سیاه و مرتاض ایدی • بو غلام فربه و بیاض دیو
قلب اکالرینه اشتباه راه بولدی • چونکه اول محله و اصل
و مجمع ناسه داخل اولدی • حقیقت حالی استقصا ایدیجک علی ماجری
تقریر و انبا ایلدی • هرچند که تحقیق حال و تدقیق مقال ایلدیلر
تحیرلری مزداد • و عناد و اعتماد استعداده اولدی • آخر بعض
علایم و قراین ایله غلامی تحقیق ایدیجک • مصدوقه حالی استدلال
ایله تصدیق ایدوب جمله سی طرف رکاب سعادت انتسابلرینه

روبمال ایتمکه شتاب ایدوب ایتدیلر ای شفای خسته دلان •
و دوای دردمندان المنة لله بر بولک عاصیلر کلدک کا
سن هدایت ایله ای نور هدی • حالیا اسلامه طالب اولمشز •
خدمتیکه جمله راغب اولمشز نثر پس حضرت رسول علام تلقین اسلام
ایله احسان تمام بیوروب • کارگاه امیدلرین تار و پود اسلام
و ایمان ایله منسوج • و فرقهٔ اهل اسلام ایله ممزوج بیوردیلر • صلی الله
علیه و علی آله • و علی صحبه و عیاله • ما اظلم الدهر بظلام اللیل •
و تنوّر بضوء النهار • باسم الملک المتعال المنزه عن الاشباه والامثال

معجزهٔ وقوف حضرت نبوت مآب به کلام بعض درخت

اصحاب معالی مآبدن ابن مسعود رضی الله عنه الودودکه • خدمت
حضرتده دایم قایم اولوب • منتظر انظار علیه • و مظهر الطاف
بهیه لری ایدی • بو معجزهٔ صداقت الیفلرین بو کونه روایت ایدرکه •
برشب اول سلطان قریش نسب بیت شاه فلک قدر و ملایک سپاه •
سایهٔ او شاه جهان را پناه نثر صلی الله تعالی علیه و سلم •
بطحای مکه‌دن حسب الاقتضا دن بیرون اولمغه • قصد همایون بیوروب
منزل عزت معززلرینه العود احمد گذارشنجه عودت ایدنجه
خدمت حفظ و حمایت ایچون • تا که اقامت سپارش و توصیت
بیوروب • اطرافنده بر خط مدوّر تدویر ایدوب • دایره دن خروجدن
تحذیر بیوردیلر المنة که گوش قبول قولمی خلاف ایتمه • دایره ک کوزله‌چه دایره‌دن

د بونده بر جماعت کلکجکدر • زنهار اول قوم ایله اداره کلام و اقدامدن
احکام ایله دیو امر بیورروب • متوجه وجهه مقصود اولیجق • قوم معهود
ورود ایدوب لکن بطن دایره یه داخل اولمیوب • نبی کریم الخصایل
طرفنه عزیمت ایتدیلر • حضرت آخرشبده مقام غیرتزینه عودت
ایدوب سر نبوت افسرلرین زانوی بنده کمترلرینه وضع بیوروب
اول سلطان عالیجناب متوجه خواب اولدی • گویا آفتاب برج
سنبله ده قرار • یا ماه گردون انتساب عقربه گرفتار اولدی •
ناگاه بر گروه پرشکوه • و قوم انبوه کلدیکه سپیدجامه لر ایله
مزین • و خصال و فعاللری مستحسن • حسن و جمالده هر بری مانند مهر انور
و نوربخش کلده گویا قمر ایدیلر المنة هر بری آفتاب چرخ جمال
حسن و خلیقله بی نظیر و مثال نثر کیمی خدمت مکرّرانی یه مستعد
اولوب • جانب سر عرش متصاعدلرنده قیام • کیمی پای مبارکلرینه
وضع سر ایتمکله شادکام هاله دار • اول ماه سپهر نبوتی
پرگاروار • اول مرکز دایرهٔ رسالتی احاطه ایدوب • و سنک
مجابی شاهراه کلامدن اماطه ایدوب ایتدیلر حقا که بو سرور
نبوت مظهر حضرتلرینه عطا بیوریلان نعم بی منتها گروه انبیا
و اصفیادن بر فردک آیینهٔ آمالنده جلوه نما اولمشدر • اگرچه چشم
جهان بینی در خواب • اما دل آگاه عرش انتساب • ده دایما
بیدار • و ناظر احوال همه کار • در • مثل احالی بو مقالهای درکه

برشهریار دادگستر بر قصر خورنق منظر بنا ایدوب ● اطعام خاص و عام
ایچون خوان انعامی گشاده ● و قدوم سرخوانه منتظر و آماده اوله ●
هر مرد عاقل که خوان دعوته داخل اوله لایق انعام نامحصور ● و ذائقه
شراب کأساً کان مزاجها کافورا ● اولدی هر که اجابتدن اجتناب
ایلدی ● مستحق خزی و عذاب اولدی ● بو مقوله کلمات ایده رک ●
غنچهٔ نارسیده گبی نامهٔ سخنی پیچیده ایدوب باد وزان عزمیلری
پویان ● و گلدکلری جانبی جویان اولدیلر ● حضرت نبی مجتبی کحل
ما زاغ البصر و ما طغی ایله مکحل اولان چشم رعنالرین گشاده ●
و بستر خوابده نهاده ● اولان سر عزت افسرلرین قالدروب خوابدن
بیدار ● و شروع گفتار ایدوب بیوردیلر که ● قول قوم هدایت
سمیر مفهوم ضمیر اولوب قلبده جایگیر اولدیمی ● انلرک تمثیل و تشبیه
ایتدکلری عدن جنته درکه ● اجابت دعوت حضرت رب عزت
ایدن داخل جنت ● و امتناع ایدنلر مستحق خزی و عذاب سقر اولورلر
دیمکدر ● لمنشئه قالمدی عالم اگر هیچ بر شی
ایتمیه آنک نبوتن اقرار ● مگر اول تیره دل اولان جهلا
مستحق عذاب اوله هر بار ●

معجزهٔ شهادت فرس بر رسالت حضرت نبی معظم

عرصهٔ روایتک فارس تکه سواری ● و سپهر حکایتک آفتاب
پر انواری شهسوار بی بیم و هراس ● حضرت ابن عباس ● سفیان بن حرب دن
قرین روایت ایدوب بیان ایتمشکه ● اول دم که هنگام بعثت
رسول انام ایدی ● سفیان تختگاه قیصردن پیچیده عنان اولوب ●
عازم جانب وطن اولدی ● یول اوستنده اولان وحوش
و طیور و مار و مور ● توحید رب غفور ● و تصدیق رسالت
رسول عزت شعور ایدوب ● بو امر ایله مامور اولوب ● وادی ترک
و غفلتدن دور ایدیلر ● هر مقوله جانور که منصهٔ نظرده مشاهد
و جلوه گر اولدی ● هر بری تمکین آراگاه ● قول بی اشتباه ایله
اولوب ● اشهد ان لا اله الا الله ● و اشهد ان محمداً رسول الله
کلام فصاحت اشتمالی ایله ● تزیین جبال و تلال ایدردی ●
خلال گشت صحرا و دشتده ناگاه ● بر اسب صبا رفتار ● عرصهٔ پهناده
پدیدار اولدی ● بر وجهله سیر و شتاب ● و بر طریق ایله استعجال
ایله استصحاب ایتمش ایدی که ● گویا باد ایدی که فضای صحراده ●
پویان ● و یا قطر آسمانده امر سلیمان ایله اتمام مصلحته شتابان
ایدی دل ناتوانده بو معنی خلجان ایتدی که ● مالکندن گریزان ●
اولوب ● گم کرده راه سداد نشان اوله ● عزیمت و اقدام ایدوب
اخذنه اهتمام ایتدکده ● بندن طرفه پیچیده رو اولوب ● تنقیط و انشا
ایله ایتدی ● لا اله الا الله ● محمد رسول الله ● چونکه صدای اسب
گوش زد دل گمراه اولدی ● ایتدم عجبدر که صامت ناطق و مهر سخن
سپهر حال اسبدن شارق اوله ● ایتدی ای ابتر بو امر معجزه گستردن

عجبتر مشهود نظر اولمق جلوه‌گر رأی فکر اولمق روی نما اولور می •
ایتدم بی • اسباب ایتدی بوندن عجب امر اغرب بو درکه • مصارفکه
هرکون واردات خزانهٔ • بخل قسمتندن ادرار ارزاق تیشور •
وانواع واصناف الطاف آلهیه ایریشور ایکن • رسول آخر الزمان
مبعوث انس وجان اولوب • دعوت اسلام وایمان ایلیه •
بنه بو مقوله کلمهٔ طیبه تکلمندن امتناع ایدرسن • خورشید ایمان
سپهر فلکده التماع ایلمز • ابو سفیان ایتدی اول رسول ذی شان
کیمدر • ایتدی ای نادان • حضرت محمد درکه • مبعوث انس وجاندر
ایتدی سکا اطمینان نه نوزدن نمایان اولمشدر • ایتدی توفیق
خدا طریق هدایته دلیل ورهنما اولمشدر لمؤلفه

پر یوزنده اولان وحوش وطیور • هر بری امرنه اولوب مامور •
حاکی قصهٔ رسالتیدر • ناطق حالت نبوتی در •
نوله انکار ایدرایسه کفار • شب پره نوری کوره مز هر بار •

معجزهٔ محو سطور عهود طایفهٔ قریش معهود

چونکه صدای نوبت سلطان کریم الخصایل • اقطار دیاره واصل
ومکهٔ مکرمه ده اسباب شوکت دین فراهم وحاصل اولدی •
خصوصا کفار بدطینت • تحریک عرق اذیت ایتدکجه • ابو طالب
نیشتر حمایت ایله قصد فصد عرق هجوم اعدای بدطینت ایدوب
دفع مواد ضرر • واطفاء نایرهٔ شر قوم بداثر ده حکیمانه حرکت

ایرنده بذل طاقت ایدردی تیره تکرکومیدلری اوماج مراده واصل
اولمدوغندن نهایت مرتبه منفعل وپریشان دل اولمشلر ایدی • لمؤلفه

بران کس که چون خدا باشد نگهبان • چه غم از مکر اعدای سفیهان • نظم

پس عقد پروین کبی • اول قوم مشرکین • سپهر کین ده مکین •
اولوب اجتماع وخورشید اتفاقلری التماع ایدوب • کمال وفاق
ایله بوکونه عهد ومیثاق ایتدیلرکه • بنی عبد المطلب وهاشم ایله
امواج آشتی متلاطم اولمیوب • میانلرنده باد خصومت وزان
اوله بیع وشری وسایر معاملات مطلقا مرفوع • ومراعات
صلهٔ رحم دخی ممنوع اولوب • هر وجهله بساط انبساط مرتفع واخلاط
اختلاط شربت انقطاع ایله منه‌دفع اوله لمؤلفه

دیدیلر اختلاط ایتمیه لم • اکه هیچ انبساط ایتمیه لم • نثر

چونکه عقود عهود استحکام واشتداد وابرام بولدی • بو مضمون
ایله بر صحیفهٔ بیضایی نامهٔ عملاری کبی سیاه ایدوب صنادید
قومی کواه یازدیلر آب رویلرینی ریخته ایدوب • بام کعبه‌ده
آویخته قلدیلر بیت دران نامهٔ کین کهن تازه کرد •
فسادی بر وجه اندازه کرد نثر خصوص قضیهٔ نامرضیه کوش زد
ابو طالب ستوده مکارم اولیجق • آل عبد المطلب وهاشم ایله
اول خطه‌دن رفع رخت اقامت ایدوب • شعب نام مکانه قافلهٔ
عزیمتی روان ایدوب • صورت استغنایی نمایان ایلدی مصراع

ان بنی عمک فهم ریاح • مضمونی اوزره اول بنکنه خواول طالع
بدپیمایه سد فرو ایلمدی • حضرت رسالت منقبت دخی اول وادی
بهشت آسایه طرح سایهٔ نبوت بیوریوب • نهال حالنی غمام انعام ایله
سرسبز و خرم ایدوب • فرقدم عزت توأم لری ایله رشک آور
ارم اولدی • هاتف بو بیت ایله ترنم • و لسان حال شعب
بو گونه تکلم ایلدی لمنشه • خیر مقدم مرحبا ای سرور جود و شیم
مقدمکله ایلدک رشک آور باغ ارم نثر ایکی کوه میاننده واقع
بر جای مرتفع ایدی • ابوطالب امر ایتدی اتخاذ بیوت • و ادخار
قوت ایدوب اجتماع دن امتناع • و رشته اختلاطه انقطاع
ویروب • برنیچه ایام اول مقام سخت ده آرام ایتدیلر • آخر قلت ذخیره
اول قوم خطیره اضطراب • و آتش غیرت التهاب • ویردی بو مستحکم
نامه سنجار ده اول ذات ستوده آثار حضرتی همیشه بر فرد مددکار اولدی
الا عاص بن ربیع مخالفت قوم شنیع ایدوب • اول خطه یه گاه جرما
وگاه حنطه ایهدی ایدردی • حضرت عاصه ثنا و اول عاصیلره
بخش ایما بیوررلردی • عسر ایام رسیدهٔ اختتام • و خورشید افتتاح
یسر شعله انداز کنگرهٔ بام مرام اولدی • بیت •
ان مع العسر چو بیسرش قفاست • شاد برانم که کلام خداست
ماه بخت فیروز محاق دن بروز • و مهر طالع مطلع سروردن
طالع اولوب • حضرت روح الامین • فرستادهٔ رب العالمین

نزول رسول دین اولوب • ایتدی ای بهترین مرسلین آویختهٔ بام اولان
کلام نافرجام امر خدای علام ایله محو و ازاله اولنوب • ضعفای
مخلوقاتدن بربینه نواله اولدی مبیّن عهود و شروط اولان حروف
منقوط زایل اولوب • عهد و شرطلری باطل اولمشدر • محو سطور
نامه سمیر ضمیر سنی خطیر اولیجق • ابوطالبی احضار • و تقریر بیک
کردکار ایدوب بیوردیلر که • ای عم بزرگوار • باد الطاف پروردکار
متعال وزان گلزار حال اولوب • نامهٔ آویختهده مندرج
اولان مضامین محوه قرین اولوب • خالق العالمین اول نامه یه برجانور
حواله بیوردیکه لفظهٔ جلاله دن غیری بی نواله ایدینوب • عهود مکتوبه
محو و حکه مصحوبه اولدوغن جبریل امین • کلوب قرین تقریر و تلقین
ایلدی لمنشه • ایمکه معجزاتنی اثبات • قلدی محو سطورینی آیات
نه گوزل نفر و نه گوزل اثبات • کاتدی اول سهو در ستوده صفات
پس ابوطالب سلب عموم و اکداری سالب اولوب جمله بنی هاشم
و بنی عبد المطلبی جمع ایدوب • خلع فاخره و ثیاب زاهره ایله متلبس
عزیمت بیت مقدس ایدوب • قافلهٔ عزیمتلری پیشگاه قریش
حمیّت ده نازل اولدی • قریش دخی مکارم و الطافی با ذل ولیدلر
اولکه مراسم اجلال و اعظام ایدی • رسیدهٔ اتمام اولدی •
ابوطالب ایتدی • ای معشر قریش • و آل عبد المطلب حرم کعبه
بو دل فسرده ایله برکار مهم اکون سرزده اولمشدر • اگر عدل و انصاف ایله

تحلق و اتصاف ایدرسکز بو کارده دخی خلاف ایتمیوب معامله‌ء
عدل ایله ایتلاف ایلمکز رجا ایدرم لمنشئه ترک ایدوب غفلته مکالمه‌ء
عدل ایله ایلمکز معامله‌یی • راه حقدن خروج ایتمیه‌لم
چرخ لجاجته عروج ایتمیه‌لم نثر صنادید قوم ایتدیلر • ای ابو طالب
جمله قوم قدوه‌که راغب ایکن بزه بو لوم مناسبمیدر • بو کارده
حسب منتدار اولورز • ایتدی محمد کلام حق ایله مؤید • و حصار سخنی
ابواب صدق ایله مسدددر نامه آویخته مدادی بحیثه • و سطور
عهود معقود نابود اولوب الحق • باسمك اللهم لفظی موجود
قالمشدر • دیوا قامت شهود ایدرسی فی الواقع خورشید کلامی سپهر
صدقدن لامع اولورسه • خدای خالق الافلاکدن بیم و باک
ایلک • بو طریق ناصوابدن عدول ایتمک • نه داخل دایره‌ء قبول
و نه مناسب عقلاء فحولدر • که بو امر نامعقولک عازم اولاسز
اگر خلاف منقول دروغ نامعقول ظاهر اولورسه • بنده اخی دامن حال
محمددن دست حمایتم قاصر ایدوب • تمشیت امورنده بذل مقدوردن
دور اولوب • تسلیم و تعظیم و تکریم مراسمن تقدیم ایتمیه‌لم • اول
شرذمه‌ء جهالت مآل • بو قوله رضا و امتثال گوستروب مصراع
هرچه می فرمایی تو مقبول ماست نثر دیوب ایتدیلر حقا بو کلام معقول
داخل دایره‌ء قبولدر • عموما بو قوله رضا ویردیلر • و بو ملاحظه ایله
موسس ایتدیلر که • نوشته آویخته دست کس ایله خلل پذیر اولمامشدر

لاجرم شرمنده کی بنی خطیر • سمیر ضمیر در دیدیلر • پس نامه‌یی کعبه‌دن
انزال ایدوب پیچیده‌لری انحلال بولنجق • اول قوم ستمکار حاضر و ناظر
اولدیلر که ترک بیع و شرا • و منع اخذ و عطا • و تحریم داد و دهش
و سایر موجب سرزنش • هرکه ثبت صحیفه سخیفه ایتمشلر ایدی ایسه
نابود ناپدید اولوب • بر وجهله منقلب هوا اولمش که گویا • اول دخی
تحریر و املا اولنمامش ایدی • ابو طالب زبان عتابی دراز • و دریچه‌ء
سرزنشی باز ایدوب • ایتدی ای قوم بی انصاف بو معجزه‌ده هرگز
خلاف احتمال میدر • و نامه آویخته‌یه وقوف بولدقدن غیری رجا ایلمیدر
اول قوم پرضلالت • غرقه‌ء دریای فضاحت • کار ناصوابلرندن
شرم و حجاب ایتمکله • متصدی جواب اولمیوب • دهانلرینه مهر سکوت
اوروب مبهوت اولدیلر • نهایت شرم و حجابدن فسخ شروط و عهود
ایدوب تعرضدن اجتناب ایتدیلر • حضرت رسول سرشعبدن
نزول بیوردیب • اقارب و عشایر ایله محل قدیمنده ساکن و [illegible]
اولدیلر اما اول قوم دوزخ نشانده • خورشید هدایت نمایان
ذره‌ء دردلرنده جلوه‌کنان اولمدی لمنشئه گر زمین از مشک و عنبر پر شود تا آسمان
چون نباشد آدمی ابود دو دخان سود نیست نثر بر زمان
سوا • و اول حضرت ایله مدارا و زره معامله مؤید ایلدیلر لمنشئه
نه قدرت وار که ذره اوله ای دل • جهان ده بنجه مهره معادل
مقابلمی اولور کوه خس و خار • بر اولمز قطره ایله بحر زخار

معجزهٔ وقوف فخر عالمیان با سخن نهفتهٔ ابی سفیان

مخبر اخبار صادقه اولوب • طلعت آفتاب معجزاتی شارقه
اولان نظم واقف راز عالم غیب • کاشف سر مصحف لاریب
فخر عالم شفیع امم • حضرتلرینک • معجزات ظاهرة الآثارندن
مشکاة الانوار شرح حسندن برنده بوکونه اصدار ایتمشلر که
برکون رئیس قوم مکه ابی سفیان بن حرب • نهانخانهٔ حرمسنده زوجه‌سی
هند ایله حکایت حرب وضرب ایدرک • بسط درد دروندن واستعلای
لوای محمدی • رایت شوکت وصولتنی بازکون ایلدوکندن یعنی
خون اولدوغی اظهاره مقرون ایدوب • ایتدی ناسازکاری طالع
وارون • وادی خیبت وحرمانده راهنمون اولوب • عسکر شوکتم
مغلوب • ورایت صولتم منکوب اولوب • عبدالله اوغلی محمد
صلی الله علیه وسلم • عطای نبوت ایله سرمد • ومظهر دولت ابد
اولدی • قوم قومی مطیع ومنقاد واجداد واعوانی کتدکجه ازدیاده
اولوب • فتح ونصرت طلیعهٔ سپاهی • صولت وشوکت قرین
وهمراهی مصراع فتح ونصرت همنشین عز ورفعت همقرین
بنفشه کبی بوغم والم قامتمی خم ایلدی • خاطر دژم اولنلر کل کبی
طلوع آفتاب بخت ایله دلکشاده وخرم اولدیلر • اولیای دولتی
ملوتجات اقبال عزتی معاینه ومشاهده ایلیوب واحبا شوکتی طلوع
کواکب مراد ده مساعده بولدیلر نظم با همه همراه دولت لاجرم

هرکجایی رو نهی رو می نهد • احکام مقاصدی طغرای حصول ایله معنون
ودیدهٔ امیدی مطالعهٔ صحفات مأمول ایله • روشن اولدی نظم
شده کار ممالک بر مرادش • قوی ترکشت روز از روز کارش
سبزه زار منازل آمالی زراعت باران حصول ایله مانند روضهٔ
ارم • وریاض حالی لطافت فیض سبحان ایله سرسبز وخرم • اما
بنم رایت بخت وارونم منکوب وسرنکون • وکتدکجه حالم دیکرکون
وبغزم خون اولدی مثنوی هیچ ندانم مرچه سازم چون کنم
شرف وقدرم اوفر • سیم وزرم اکثر ایکن • قامت بالاسی
خلعت نبوت ایله مکرم • وخلقت پاکی لولاک لولاک ایله معظم
اولوب • نبوت رتبه‌سنی احراز ایله تحصیل سعادت ایلدی •
بنم خود قامت شوکتم خلعت نبوته احق واولی • ووفرت عشایر
ایله خلقتمه رسالت احری ایدی • بوامرک تدارکنده قاصر • ورأی
اعمالده عاجز ومتحیرم بیت چندانکه درین کار بهم درنکرم
پرکار صفت زعجز سرکشته ترم نثر دیو بوکونه ترهات • ونادر برابر
بیهوده کلمات ایدرک کیجه‌یی صباحه • وکلامی فلاحه یتشدردی •
سنده دخی کاه تصدیق • وکاه تحقیق ایله • ذاتنه حلیق کلمات
ایله توفیق ایدردی • پس اول سحرکه حضرت نبی مطهر تمنده
مهر انور مطلع خانه‌دن بروز ایتدی • اول روزده ابی سفیانه
راست کلوب ایتدی • ای ابی سفیان بوکیجه هند ایله بیکرده

جریان ایدن کلام جاهلانه • و اوضاع سفیهانه نه ایدی • نبوت
الطاف آلهیه‌دن بر عطیهٔ نهبیه در • خدای متعال جل عن الامثال
والاضداد عباد عنایت معتاد • وعباد سعادت نژاددن کیمک
شانینه لایق کورسه اول عطا ایله فایق ایدر • بر مرتبهٔ جلیه • و مقام علیه در
نه کسب و جد ایله حاصل • و نه طلب ایله نایل اولمق ممکن و قابل در الا
وذلک فضل الله یؤتیه من یشاء • درازی سخن رسول منان • کوش زد
ابی سفیان اولیجق • در دندن ایدی حق دیمشلر در • زنه اعتماد
و صدقنه استناد جایز دکلدر • که نسوان رتبهٔ سعادت کتم
اسراری حایز اوله مزلر • سمان جانه مه دعوت ایدوب هند طلاق
ویرمه‌ده مهلت ویرمیه‌رن • بنم سرمی افشا • و کلام نهفته‌لی انشا
ایتمک عظیم کناه ایدوکی جای اشتباه دکلدر • شمدنکیرو کشف
رازدن حذر • والفت ناسدن کذر ایدوب • مانند کشف
سرمی متواری ایدوب • سترمی حجاب عزلته چکه‌رن • و صورت
فکر وا ملدن عیزی انیسدن کچه‌رن • سرشک خونینمه دیده
تردن عیزی وافف • و آه آتشینمه دل مکدردن اوزکه
عارف ایلمیه‌رن • چونکه بو نیت صحیفهٔ خاطر ابی سفیان ده مثبت
اولدی • حضرت نبی مخبر ضمیر ابی سفیان دلان احواله وقوف
واذعان ایله بیوردیلر که • ای ابی سفیان هندی اطلاق نیتین
دردکندن اخراج • و بو جهتدن انی ازعاج ایلمکه اجتناب رسم‌دن هند

بیخبر در • اکر اخبار لیله ماضیه‌ی محکمهٔ تقریرده حاکیه و قاضیه اولان
هند ایسه • حالا ضمیر کده قرین نیت اولان • طلاق امرین کم اخبار
وانها ایلدی • هند بو خصوصدن غافل و بیخبر • خصوصا قرب عهد
و وقت سحر دلیل مدعی ایدوکی اظهر در • چونکه افتاب معجزه وقوف
خبر لیل و نیت ضمیر ایله اشراق ایلدی • ابو سفیان ترک نیت
طلاق • و تصدیق رسول آفاق ایلدی • صلی الله تعالی علی سیدنا
محمد و آله الکرام • و صحبه العظام • ما دامت اللیالی والایام

معجزهٔ تکلم جمل با حضرت نبی مبجل

مرکز دایرهٔ دور زمان • نقطهٔ حلقهٔ اهل ایمان مصلح مرعاصی
و مطیع • حضرت نبی شفیع صلی الله تعالی علیه و علی آله و صحبه النجبا
معجزات باهرهٔ الاعتلالریندن • بو معجزهٔ والاسی عقیل بن ابی طالب
مسامع امته انهایه راغب اولوب دیمشدر که • بر وقت حضرت
نبوت ایله بر طرفه عزیمت ایتمش ایدک • ناکاه بر شتر صبا رفتار
روی صحراده بدیدار اولوب • سیر و کذارده بر وجهله شتاب ایدر دیکه
بی اعجاب ایلدی • چونکه انوار آفتاب رخسار سید ابرار سپهر
نظر ناقهٔ صبا رفتار شوریده حاله شعله انداز اولدی • دردمند اظهار
سوز و کداز ایله دریچهٔ بیقراری باز ایدوب • کندولی پای انداز رسول
ممتاز ایلدی • بو وضع پر عبرت اصحابه موجب دهشت اولیجق بیوردیلر که
خوف و اهتزاز • و سرعت حرکتدن الحذر ایتمک بره ملاقات و عرض

حاجات ایچون کلمشدر • آتش جور ایله درونی یانمشدر • بو حالده بر مرد عجب
بدید اولدی که • سل سیف ایله شتری تعقیب ایتمش • شتر فرار • و سرعت ایله
رفتار ایتدکجه حریف دخی عجله ایله عقیب کیرلکده درکار ایدی •
بیوردیلر که • ای اعرابی سیف مسلول ایله تعقیب جملدن مسئول
و مأمول ندر • ایتدی ای رسول خدا • بو شتری اشتری ایتمش ایدم
فرمانمه اطاعتدن روکردان • و بنی پریشان ایتدی • بر وجهله ضبطنه
قادر اولمیدم • استرم که شمشیر ایله هالک اولوب • وادی فنایه
سالک ایلیم • حضرت نبی مبجل شتره خطاب ایدوب بیوردیلر که
ای جمل نیچون اطاعتده ثابت قدم اولمزسن • بو شخص سنی بذل درم
ایدوب آلمشدر ناقه سخنه آغاز ایدوب ایتدی • ای رسول سرافراز
خدای بی نیاز حقی ایچون • فرمان بردار و خدمتده درکار اولمشمدر •
اما بو مرد غافل نمازده کاهل خصوصا صلوة عشادن زاهلدر •
قهر خدادن بیم و هراس ایدوب خدمتنه استیناس ایتمدیم بیت
روز محشر که جان گداز بود • اولین پرسش از نماز بود • نظم
قورقرم که بو مرد بدکهر قهر خدایه مظهر اولوب • شهر پرشرر دوزخی
سفر ایدوب • مبتلای عذاب و نکال • و اسیر چنکال خزی
و وبال اولم • شویله که ادای صلاته متعهد اوله • بنده دخی حسب القدره
اتمام خدمتده کالاول مجد اولورم • لمنشئه
خدایه ایدیه کر عبادت • ایدهیم خدمتنده بذل طاقت

پس حضرت اعرابی یه توجه و خطاب ایدوب بیوردیلر که • بو که جواب
ندر ایتدی ای نبی ستوده خصایل واقعا • واقعا صلوة عشاده
کاهل ایدیم من بعد تکاسل • و ادای مراسم طاعاتده تغافل
کوسترمیه یین • دیو عهد و شرط ایدیجک جملی ربط • و صاحبنه
تسلیم • و رعایت آب و علف سپارشن تقدیم بیوردیلر لمنشئه
جمله یه اولدر رایدن احسان • جمله سی دردنه اودر درمان •
لطف و احسانی جمله یه شامل • فیض بخش جهاندر الحاصل •
عاقبت امته ایدوب احسان • مظهر ایلر شفاعتینه همان •

معجزه ازدیاد طعام ابی ایوب با دعای حضرت رسول علام الغیوب

زیارت مشهد مرغوبی دافع خروب کروب اولان • حضرت
ابی ایوب بو کونه نقل بدیع الاسلوب ایله برامر معجز و خوب •
بیان ایتمشدر که • بر کون حضرت رسالت ایله ابو بکر عالی منقبت
حضرتلرین خانه سنه دعوت ملاحظه سن ایدوب • الحق انلاره
کفایت ایده جک مقداری طعامه قدرت اولمغله • اولدکلو احضار
ایدوب • خاکپای عزت دثارلرینه همخوابه ضمیر اولان معنابی
اظهار ایتدی مصراع کرم نما و فرود آ که خانه خانهٔ تست
دیو بساط رجای پای انداز سلطان سرافراز ایلدی لمنشئه
چه نقص آید بجاه اهل عزت • آفتاب آسا • اگر کسه سایه اندازد بمنزلگاه درویشی
حضرت رسول مقبولی قرین حصول ایدوب • خانه خالده دخول •

و مقدم عزت توأملری ایله منزللری رشک آور بهشت ارم ایدوب
خاطر محزوننی شاد و خرم بیوردیلر **بیت** بخانهٔ که چنین میهمان فرود آید
همای سدره دران آشیان فرود آید **نثر** اشراف انصاردن
اوتوز نفر کمسنه احضار اولنمق امر و اشعار بیوردیلر جمله‌سی حاضر
و اول طعامدن تناوله مباشر اولوب • اوتوز نفری اشباع
و طعامدن اقناع ایدیجک • آلتمش نفر دخی حاضر اولمق • امر اولندی که
انلر دخی قضاء وطر ایدیجک • یتمش نفر دخی داخل و انلره دخی
شبع تام حاصل اولوب • ایکی کمسنه‌یه کفایت ایده‌جک
طعام اندک بها • یوز سکسن آدمه وفا و هر بیسی حظی استیفا ایدیلر
خلقه انعام عام درانکه • • ریزه خواری درلر اول خوانک

معجزهٔ اکاهی حضرت رسالت ز سحر اعدای ضلالت منقبت

نسج تار و پود متاع روایت معجزات ایدن • نساج طرفه کار
مزج اوهام و شکوکدن خلع ربقهٔ اسمار ایدوب • دقایق
روایت • و رقایق حکایاته ابداء سحر حلال ایله بو کونه بسط
مقال ایتمشدر که حضرت عایشهٔ صدیقه رضی الله عنهادن مرویدر که
بر وقت سید عالم • صلی الله تعالی علیه و سلم حضرتلرنده
آثار سحر اعدا بدیدار اولوب • بر وجهله آشکار اولدیکه عروض
علل و امراض کبی بعض حیثیاته مرتاض اولوب • کاه و بیکاه
بر مصلحت ایتمش کبی خیال • و بعض امرده عجز حال ظاهر • و اثر سحر ایدی که

باهر اولوردی اما موجب نقیصه اولان مرتبه‌ده کل مثلا ازواج طاهرات
ایله معامله‌ده قصور بروز و صدور ایدردی فیتعلمون منهما
ما یفرقون به بین المرء و زوجه • بو ماده‌ده تاثیر سحر امر مقرر
و نص وار ایکن انکار نیجه میسردر • بعض محققین کرچه کار سحره منکرلردر
خصوصا انبیا انلردن مبرا آدر دیشلردر • زیرا امر دینده اشتباه
مستبین اولور تحقیق مقام • و تدقیق کلام بودر که • وجود سحر محقق
و قول مصدقدر • و ما انزل علی الملکین ببابل هاروت و ماروت
آیهٔ کریمه‌سی ایله موکددر • خصوصا و من شر النفاثات فی العقد آیهٔ کریمه‌سی
ایله مسنددر • و فقهای اسلام دخی سحره ترتیب احکام ایتمشلردر
اما امر نبوتده تاثیر جایکیر ضمیر اولمامشدر کرچه همه انبیا بشر ایدیلر اکلری
بی مراد سایر بشر کبی ابتلالری مقرردر • الا امر دینده عصمتلری
مخصوص و عفتلری منصوصدر • و تاثیر سحر اقبح اما قلیل و تسمیمدن افضح دکلدر
اول طایفهٔ علیه‌یه بو مقوله احوال تعلق ایتمشدر • قدر و رتبه‌لرینه
اندن ذره قدر کدر تطرق ایلمدی • بویله معنی الحق ابتلادر
نه که رسول هدی بیورمشدر • انا معاشر الانبیاء یضاعف
علینا البلاء کما یضاعف لنا الثواب • عقل و دین امرنده قصور
هرکز اول حضرتدن صدور ایتمش ایدی • چونکه مسحور ایدیکلری حین خفادن
دور اولدی **المنة لله** بشر اولدی و غنی اولمغه مثبت
طریان ایتدی بویله بر حالت • بر کون جناب خدا اغز شانه

ابدا حضرتنه دعا و رفع ابتلا ایچون تضرع و رجا ایدوب
بعده حضرت عایشه صدیقه یه خطاب ایدوب ایدی تیر دعا
هدف اجابته واصل و کام دل حاصل اولدی ایکی شخص
سر وقتمه داخل بری باشم اوجنه جالس بری دخی ایاغم طرفنه
ملابس اولوب استخبار مجاری احوال و استقصای قصارای
بال ایدوب بری ایتدی ایا موجب رنجش و کدر و مقتضی اعتزار
خاطر انوز رسول مطهر ندر بری ایتدی رسول مرغوب نیچه ایام
مطبوب در بری دخی ایتدی آیا بو نه سازکاری و نه مقوله
بدبخت آثاریدر که روی رخشنده مهر منور کل ایله مکدر اولمق
ایتدی طایفه یهود مردودندن لبید بن اعصم نام برشخص
نافرجام بو کاره اقدام ایتمشدر ایتدی آیا نه مقوله سحر ایله
مبتلا ایتمشدر ایتدی نی مشط و مشاطه و جف طلعه ذکر ایدی
یا حین امتشاط ده سقوط ایدن شعرات و وعاء طلع مقوله جابی
اثبات ایلمشدر ایتدی مسجد صنارقربنده نمایان اولان
بئر ذروان ایچنده در پس اصحاب معالی مآبدن بعض احباب ایله
سر چاهه دوان اولوب بیوردیلر که دیده مه نمایان اولان
بو چاهه اید وکی محل اشتباه دکلدر مشاهده ایدیلر که نخلی روس
شیاطین و ابی نقاعه حنا کبی مستبین ایدی پس ایچنده اولان
اشیایی اخراج ایدوب نعوذ چاهه نازل و درونندن چیقان اولان

کار سحره واصل اولوب بیرون ونظرزن یقینه مقرون اولدیکه
طلعه خرما سوز شکفته اولمدین بمثال رسول هدایه مدانی
شمعه دن پیدا ایدوب بر نیچه پردن محکم سوزن ایله سحنیده
ایتمشلر که جسد شریفلری رنجیده اوله و بر وتری اون بر عقده
ایله معقید ایتمک ایله کار سحری سد ایتمشلر برک ابی نقاعه حنا
و نخلی رؤس شیاطین کبی بدنما اولمش فی الحال بیک رب
العالمین سوره معوذتین ایله حضور مبجل رینه کلوب هر آیت
قرآت ایلدیه بر عقده منحل اولور هر سوزن کبی اخراج اولنه ایدی
بدن مستحسنده بر نوع شفقت اما درعقب استراحت کوردی حضرت
جبریل بو دعای لطیفی ترتیل ایدردی بسم الله ارقیک
والله یشفیک من کل داء یودیک انحلال عقد تمام اولیجق راحت
و آرام بولدیلر **لمؤلفه** حقی باطله ایلمک ابطال
استمشلردی زمره جهال نیجه ممکندر بو حال محال
نه عجب جهل اولور بو نه بد حال

معجزه در کلام و سؤال عبد الله بن سلام

حضرت انس بن مالک که راه روایات احادیثه سالک در
معجزات باهراتدن بو معجزه طاهرة الآیاتی نقل و امام بغوی
مصابیح ده ذکر ایله شکوک فصل ایتمشدر که فرقه یهود مردوددن
عبد الله بن سلام نام یهودی اول قوم مذموم ایچره عزت

و اعتبار ایله معتقد و معلوم اولوب • زمام امور قوم مزبور قبضهٔ
تصرفنده اولوب جمله سی امرلریله مأمور ایدیلر • خصوصا امر دین
و اعتقادلرینه حاکم • و شک و مدعیلرین حاکم اولوب •
کیف ما اراد کاذن عقیده لرنده ایقاد نار فساد ایتمکده قادر •
شخص نادر ایدی • بر کون بر فصادده احتجام ایدرکن بصریف
اقدام رسول انام • گوش زد عبد الله بن سلام اولدی •
مشکاة درگاه نبی الله ده جبین فرسوده اولوب • مشام جان
و دلی عنبرآلوده ایلدی • پس عقده سکوتی منحل ایدوب •
رسول مبجله ایتدی • ای گشاینده گره مشکلات • وای برآرندهٔ
معجزات • اوچ مسئله مضبوطم در که • تتبع انامل افکار ایله حله
محتاج در • اما بر قضیه در که • موجب الابتهاج در

لمنشئه

سکا اوچ مشکلی سؤال ایده یین • بو بهانیله عرض حال ایده یین

نثر

او جنک دخی جوابنده اشکال نمایان در • هر که
حلّی میسّر و آسان اولمز • شرف نبوت ایله سرافراز اولمیان هوای
حلنده پرواز ایده مز • و سعادت رسالت ایله ممتاز اولمین فضای
اذعانه آغاز ایلمز

لمنشئه

سه مشکل دارم ای کان فضایل • بسی دارم ز دل خسته مشکل •
چه مشکل هر یکی احوال غیب است • ولی هر یک ازان عالم غیب است

نثر

بیوردیلر که سؤال
نه ایسه بسط مقال ایله • ایتدی اولا • دار السلام ده اول ماکول

نه معقوله طعام در • ثانیا اشراط ساعتدن اول ظهور ایدن نه گونه امار در
ثالثا اولادده تشبه آبایه جاذب • نه معقوله امر غالب در

لمنشئه

خورشید خلق خواجهٔ دنیا و آخرت • سلطان شرع صاحب کونین مصطفی
صلی الله تعالی علیه و سلم حضرتلری بیوردیلر که • ای عبد الله بن
سلام • بو سؤالدن مقدم اشکال سؤال • تقریر جبرئیل علیه السلام
ایله مرسوم صحیفهٔ بال اولمشدر • اهل بهشته طعام قوت • اولا
کبد حوت در • اشراط ساعتدن اولا ظاهر اولاجق طرف
شرقدن نار ایدوکی باهر در • تشبه صورت اولادده سبق ما زاد
ایله در • ماء رجل صاحبنه مشابهته سایق اولور • سبق ما
رجالده ذکور • ماء زنانده اناث ظهور ایدر • صورت کلام رسول
دادگر صماخ گوش ابن سلامده جلوه گر اولیجق ایتدی • انّی ذات
سعادت پناه • اشهد انک رسول الله • تلقین سید الانام ایله
داخل حرم اسلام اولوب ایتدی • قوم یهود شوم ضلالت رسوم
مفتریلر • و کذب و افکه جریلر در • شرف اسلام ایله مشرف • و سماع
قبول ایله مشنف اولدوغمه واقف • و تفصیل احواله عارف
اولورلرسه • اول قوم بهت حقمده نیجه گونه افترا و سخت اختیار
ایده جکلری • پدیدار در • اما اول سفها واقف ما جری اولمزدن
مقدم استخبار احوال و اطوار بیوریلورسه حقیقت خلقت دسترت
اوزره گفتار ایدرلریدی • جلیهٔ حال مفهوملری اولدقده فضکرة

خلافنه ذاهب اولاجقلری متعین حال در • بو مرتبه مقال ابله
برآة ذمت بنده صحیح المقال • ظاهر و اشراق آفتاب کبی بر تق وبا بر اولوردی
لمنشه فتی بد در خصال قوم یهود • جمله سینک ضلالتی مشهود
افترا ایمکده جری لردر • قوم اسلامه مفتری لردر
لمنشه پس چونکه طایفه یهود • خاکپای عزت ورودلرینه جبهه فرسود اولدیلر
هادی دین و سید بطحی • شافع جمله خلق روز جزا
حضرت سید الابرار صلی الله تعالی علیه وعلی آله وصحبه الاخیار
اصدار خطاب ایدوب بیوردیلر که ای قوم مردود • طایفه نابهبود
یهود دن عبد الله ایله مسمی نه مقوله کمسنه در • سزدن استنبا
ایدرین ایدیلر • خیرنا وابن خیرنا وسیدنا وابن سیدنا جمله مزدن
خیر ایدوکی بین • و دینمز ایله مستدین در • بیوردیلر که • ای قوم ملام
عبد الله بن سلام • فایز شرف اسلام اولورسه • منصف
اولورمی سز • ایتدیلر حاشا که عبد الله بن سلام • دین یهود دن منحرف
و احکام توریتدن منصرف اوله • بیوردیلر که عبد الله بن سلام
حالا احراز کرده شرف اسلام اولمشدر • دیدیلر که بو کلام شایسته
تصدیق انام دکلدر • خلال کلام و انکار قوم ملامده ابن سلام
شرف یافته مجلس سلطان انبیاء کرام اولوب • ایتدی ای قوم فرزنده
دل • لله الحمد که شرف اسلامی فایز • وسعادت اقرار رسالتی حایز
و باعث وصول نشئه دولتین عالمین اولان کلمتین جلالة ایله شرین مقاله

اولوب

اولوب • اشهد ان لا اله الا الله • واشهد ان محمداً عبده ورسوله
دیدی • چونکه مظهر لهم فی الدنیا خزی و فی الآخرة عذاب الیم • اولان
طایفه لئیم • قول عبد الله بن سلامی فهیم اولدیلر • مخذول و مقهور
قایل قول زور اولوب • هذا اشرنا وابن اشرنا دیدیلر • عروق
جاهلیتلری حرکت ایدوب • نیجه نقایض و نیجه معایب نسبت ایدوب
هذیان و هرزه درایلقده جسارت ایتدیلر • عبد الله بن سلام ایتدی
ای سید انام • رشته جسم نزاری سوراخ سوراخ ایدن بو مقوله سهم
خیالات غمی ایدی • نه انکه محجبه د او هام بنده گستاخ اوله ایدی لمنشه
نه عجب قوم اولور بو قوم یهود • فعلی و قولی جمله سنک مردود
اشدی کذب و افترا جمله • زور و بهتانه اجترا جمله

معجزه حضرت رسول ذو المنن در اصلاح زن سخن چین

دوا ساز شکسته کان امت • ره بر گمکردگان ضلالت • حضرت
رسالت منقبت صلی الله تعالی علیه وسلم • معجزات ظاهرة الآیاتندن
بو معجزه بافضیلت • بو کونه قرین روایت اولمشدر که • طیبه طیبه ده
علی ساکنها الصلوة والتحیة ساکنه • و اول خطه بهشت شبیه ده قاطنه
بر زن بد سخن وار ایدی که • غایت بی حیا • و نهایت مرتبه هرزه درا ایدی
هر نامحرم ایله همدم اولوب • هرکز عرق پرده حیا ایله محترم اولمش ایدی
لطائله و فن حیلده دل محتاله ارباب حیل • و اصحاب تزویر
و دغل هر کاری اینه حواله ایدرلر ایدی • اولداخی هر باب حیله دن

آب تزویری اساله ایدردی نظم کاهی بحیله کاری خانه خراب کرد

کاهی ای جانب شیطان خطاب کرد • سیرت ناپسندیده وخصلت

غیر حمیده ایله مشهور آفاق اولوب • نهایت مرتبه ده سیئة الاخلاق ایدی

لمنشئه نه حق اصغا ازو نه خلق خشنود • زبد خلقی درین عالم علم بود نثر

زبانی کویا رتبه جانکلی ایدی که هدف سینه ده زخملر اشکار •

یاخود درون دوزخده زبانی ایدی که • آتشلر بدیدار وخانمان اعراض

اهل ایمانی یاقوب تارومار ایدردی • یا برحیّه حیّه ایدی که • سوراخدن

بروز ایدوب صوقردی • هرچند که دفع اخلاق ذمیمه ایچون

بذل ایتدیلر سودمند اولمدی نظم خوی بد در طبیعتی که نشست •

نرود تا بوقت مرک از دست نثر برکون عزم درکاه رسالت پناه

ایدوب • اول شرفی جایز • وسعادت ملاقاتی فایز اولدقده •

کوردیکه اول مؤید دین سده بدر مقدار لحم قدید تناول بیوررلر •

ایدی نه حالتدرکه • حضرت رسالت بنده کان کبی جلوس ومعیشت

وبنده کان کبی طعام اکل ایله قناعت ایدرلر ایدی لمنشئه

سید عالم شهنشاه ملوک • مفخر خلق جهان سلطان دین •

مظهر خلق عظیم محض لطف • ذات پاکی رحمة للعالمین نثر

حضرتری بیوردیلر که بنده ایدوکم نه جای کلام در • مقرر درکه

بنده لر کبی جلوس واکل طعام ایدرم لمنشئه بنده حق در او سلطان جهان

امری اما عالمه اولمش روان نثر اندی ای سید الانام پیشکاه

همایونکده اولان طعام دن ربع مقدار احسان وانعام بیورن • هرنکه

حضور شریفلرنده حاضر ایدی طاهر ایدوب ویردیلر • قناعت

ایتمیوب جسارت • ودهان مبارکلرنده اولان پاره کوشت

طلبنه مبادرت ایتدی • سید آفاق حسن الاخلاق که بوی خلق کریمی

عطرسای مشام عشاق مشتاق اولمشدر • کمال انشراح ایله حاجتنی

قرین النجاح بیوروب • دهان مبارکلرندن بیرون • واحسانه

مقرون ایدیجک ایتدی جا ایدرم که مبارک الک ایله دهانمه القا

بیوره وشو بیه الطائفه التصاف • مرادینه اسعاف بیوردیلر •

چونکه اول مرغ دام اختلاط اول لقمه سی التقاط ایلدی • آیینه

سینه سنده بر دجمله صفا • وچهره سنده شرم وحیا جلوه نما الی بر طریق ایله وقار

وسکینه پیدا ایتدیکه • فی الحال خانه سنه عودت وبیوت اختفا

وتجبه ملازمت ایدوب • صعوه جان زاری مبتلای پنجه عقاب

وچهره حیاتی مستور پرده زاب اولنجه • نه نامحرم ایله همدم • ونه سخن

رنجش وستم ایله کدر ده شادی وغم خلق عالم اولدی • ومرات

حالنده صور شرم وحیا • بر دجمله چهره نما اولدیکه • کویا طوطی

دلی خلافنی کویا اولمش ایدی لمنشئه کورنه معجز اولورلر بو معجزه کم

ایله بر فاسدی ایده اصلاح • ونه خلق حسن نه وضع لطیف

ایلیه هر مرادینی انجاح نثر صلی الله علیه وسلم • ما غاب

الصبح ولاح •

کرامت تنور عصا بنزدیکی مجلس و آل البیت

مشعل افروزان شبستان دانش و دانش اندوزان جهان بینش
طریق تحقیق اینقی چراغ توفیق ایله روشن و تابناک و درتشکاه
انتباهی ظلمت اشتباهدن پاک ایدوب درر معجزات
و غرر کرامات رسول پاکی کهدن بو درر بی نظیری سلک تحریره
بو وجهله صورت پذیر ایتمشلردر که شمع شب افروز انجمن رسالت
و چراغ ظلمت سوز تاریک نشینان جهالت **بیت**
شاه گردون سریر و انجم جیش مشعل افروز دودمان قریش
صلی الله تعالی علیه و علی آله و صحبه و عیاله بر شب بخت دیکی تاریکده که
مشعلهٔ خورشید درخشان تیره کی ظلامدن گم گشته راه صبح
تابان اولوب ور روشنیان آسمان نهیب تاریکیدن نور ظهوری
نهان ایتمشلر ایدی **لمنشئه** شول قدر تیره ایدی اول کیجه کم
نور خورشیدی المشدی نهان مرکز خاک نقطهٔ خال کبی
سیاه و گیسوی شب تار طرهٔ خوبان کبی مشکبار اولمشیدی **نظم**
هوا از قعر دریا تیره تر بود فلک را قعر دریای گهر بود
ثوابت گم کرده راه اولمقده ثابت قدم و نسر طایر فتاده
کنار مجره اولوب هوای پروازدن دم اورمزدی نه هوای پرواز
بلکه اول شب هایل نشیب اولنه بسیط ارضه طرح قدم نصیب اولمزدی
لمنشئه مگر اول شب چراغ عالم آرا کیدوب ظلمته قالمشدی بو دنیا

شموع بزم ماه اولدقجه تیره شهاب اوچن آلوب آرتدی تیره
بو عالم اول قدر اولمشدی دیجور یوغ ایدی چشم بی انصاف شب نور
اول شب دیجورده شاه رسل و شفیع مرسل خورشید بین
و نور اول رسول فایض النور حضرتلرینک پرتو اشعهٔ خورشید جمال
باکمال ایله انجمن اصحاب و آل اولوب و ارباب حالی مانند صبح صادق
تابان و شارق ایدوب تبلیغ اوامر الهی و تشییع زواجر و نواهی
ایدوب ایدرلردی اصحاب کرام اول شمع انجمنه شمع اولوب
مستفیض انوار کلام دربار اولورلردی چونکه خورشید بزم سپهر
بام اتمام اولوب مسک الختام اولدی هر بری قیام و جانب
مسکن مألوفه خرام ایدوب عقد ثریای مجالست پریشان و منحل
اولوب اول فرقهٔ عنایت معتاددن اسید انصاری و عباد
حضور سید الابراردن اول شب تارده عازم خانهٔ عزت مداری
اولدیلر ناگاه اثنای راهده بریننک یدنده اولان عصا چراغ درون
اهل صفا کبی روشنایی پیدا ایدوب نور هویدا اولدی گویا شهاب
ثاقب یا خیط صبح شارق ایدی که طالع مشارق اهالی مغارب
و مشارق اولدی یا ماه تابدار ایدی که جلوهٔ ابر تاردن هلال
محاق ایکن اظهار اشراق ایتدی یا نور روی رسول مختار
ایدی که درون غاردن ظاهر و پدیدار اولدی یا عصای موسی
ایدی که دفع افق ظلام و رفع ابر سیاه شام ایچون ید بیضا ابدا ایتدی

با صدیق صداقت مقرون ایدیکه • درون چاهدن سر بیرون ایتدی
سر بسته مضمون • ویجعل لکم نورا تمشون به ویغفر لکم عیان اولوب
سر بر بینه اول شب قیرکونده دلیل ره آسمون اولوب • روز پیروزده
سفر ایدرکبی منزللرینه روان اولدیلر • چونکه سر راه لری معارق
اولدی اول شیفق فیعک دخی یدنده اولان عصاسی نور شارق
کبی بارق اولدی • لمنشئه • نه سلطان کرم در او سرور
عصایی ایلدی فیض سینه مظهر • ایدوب بر دمده قربت اکه تأثیر
شب تاری ایدوب لطفیله تنویر • الهی نیره کوکلم ایله بر نور
ظلام ریب دلدن ایله مهجور •

معجزه گفتار بزغاله مسموم با نبی مکرم •

مذاق جان مخلصینی شهد معجزاته شیرین • وصماخ اذن منکرینی
صدای کراماته پرطنین ایدن سلطان دین • وهادی ضالین تریاق
سم اثام حبیب علام • لمنشئه • اکه کی لوح وقلم کرد رقم •
برسر لوح عدم حرف قلم • نثر • معجزات باهره الایاتندن معجزه
بزغاله‌یی رشته تحریره نظم ایدن ارباب تقریر • بو وجهله تسطیر ایلمشلردر که
اول سرور مهتر • وهادی راه صداقت کستر • لمنشئه •
رسول خداوند جن وبشر • • عمیم العطایا جمیل الاثر
علیه الصلوة ما دار القمر • چونکه فتح حصن خیبر ایله عدوی بدکهر
فرقه سنه ظفر بولدی • ان الذین یقاتلون فی سبیله صفا

کانهم بنیان مرصوص ایله مخصوص • حضرت علیه سنه مخصوص اصحاب
خلوص ایله حصار رقوص • مضرب خیام کردون مقام لری اولدی که •
قاطن حصار طایفه یهود حیله کار ایدی • درون حصارده حارث
نام • بر یهود بد فرجام • وار ایدی بر دختر بد اختر • ونا پاک که حاصل
ایتمش ایدی که • اقصای مدارج حیله یه واصل • وتلبیس دلبیسه
مماثل • هدف تزویره اصابتده مانند تیر • وکمین مکرده کمان کبی رمی سهام
ایچون کمین وجایکیر ایدی • اول مکاره پرکار • • پرکار مرکز عداوت
اخبار اولوب • کانون دلی آتش کینه اهل اسلام ایله پرالتهاب •
واضطرام • وکمال ضلالتدن شهد شهادتی مذاق جاننده زهر قاتل
اولمغله پراضطراب ایدی • هر بار اذیت اهل اسلام ایچون
افکار ایله بیقرار ایدی • آخر کار رای وتدبیری بو یوزدن
پدیدار اولدیکه • اول حضرت عزت موهبت جناب کریمه الخصال
اذیت ایلیه • پس بر بزغاله لطیف بریان ایدوب • تربیه وسراپا
سم ایله تعبیه ایلدی • چون مقدما معلوم ایدنمش ایدی که •
اول سرور پاکیزه خصایل کوشت دست وشانه یه مایل در •
موضع معلومی سایر مواضعدن زیاده مسموم ایلدی • بر شام
ظلمت آشام که • بزغاله مهر تنویر مغربده بریان اولوب • زن دیر
زمان چادر مشکفام ایله تستره آغاز ایلدی • پیشگاه رسول
خدای بی نیازده حاضر • ومرکز خلوص ومحبتی دایر اولوب •

بزغالهٔ مسمومه‌یی هدیه رسمی ایله عرض و اهدا • و داخل دایرهٔ
قبول اولمق منت ایلدی • تریاق شراب ضلالت اولان سرور
پاکیزه طبیعت حضرت عزت منقبتلرنده اولان • اصحاب کرامی اول
شب صحبتنه دعوت بیوردیلر • اول نجوم هدی اول ماه رسالت سیما
شمعنه جمع • و کلام حکمت انتماسنه سراپا سمع اولدیلر • هنگام طعام
ایرنجک • بزغاله‌لی احضار پیشگاه رسول علام ایتدیلر • چونکه بریا
نی پاره لدیلر • حضرت رسالت کوشت دستدن بر مقدار میل
بیوردیلر • حقیقت حالی نور نبوت ایله نیل بیوروب لمنشئه
بیلدی نور نبوت ایله همان • زهر ایله اولدوغنی آلوده •
دهان مبارکلرینه بر لقمه الدقلرنده • انداخته ایدوب • بیوردیلرکه
بو طعامدن دست برداشته کرکدر • زیرا بو ذراع بو وجهله
کشف قناع ایدوب اخبار ایدرکه • ای خیر البشر بنی تناولده دست
شریفکز ممدود ایتمه‌کز اجزای وجودم کربنت یهود ایله سراپا
زهرآلوددر • بیت • بزغاله زهر کرده گفته
کز من مخور ای شکر عبارت • نثر • اول محفل خطیرده اول نواله
زهر تاثیردن حصه کیر اولان • اصحاب و احبابدن بشر بن البراء
حضرتلرینک • تاثیر سم جانکدازدن مرغ جانی پرواز • و حظیرهٔ قدسده
آشیان ساز اولدی • حضرت یهودیه ماکره‌یی • دعوت بیوروب
سبب ایصال اذیتدن • سؤال ایله مبادرت بیوروب ایتدیلر

ای ان بدمکر • بو مقوله قصد غدره ندر • بو کاره مباشرت • و بیهوده
بو مله جسارت ایتمکه باعث نه حالتدر • ایدی • بو صورت مرآت ضمیرده
جلوه کر اولدیکه • اکر بو معنای نبوت مقرر ایسه • لا محاله زهر
ضرر بر وجهله میسر دکلدر • اکر ملک و سلطنت ایسه دغدغهٔ
اطاعتدن خلق راحت • و زحمت متابعتدن خلاصه همت ایتدم لمنشئه
اول وجود پاکی کم حافظ اوله پروردکار •
کید دشمندن ضرر ایرمک اولورمی هیچ اکا • نثر
بر روایتده قتله اشارت • و بر روایتده عفو و مروت •
و بر روایتده اولیاء بشره تسلیم ایله امر شرعی تتمیم بیوردیلر
اما اکثر رواة احادیث قتله امرلرنده اجتماع • و خورشید
اتفاقلری التماع ایتمشدر • اکرچه اختلافات کثیرهٔ روایات
نقول ثقاتدر • اما توفیق و اختلافی بو وجهله تطبیق ممکندرکه
مجرد بو معنایه جسارت ایله قتله عزیمت بیورمیوب • موت بشر ظاهر
اولنجق اولیاء بشره تسلیم • و انلار قتله متجاسر اولمش اولالر
والله تعالی اعلم بحقیقته • نظم • چون لب او طعمهٔ بزغاله کرد
لقمه زیر لب او ناله کرد •• کفت که آلودهٔ زهرم مخور
کرچه برد تلخی زهر این شکر •

معجزهٔ رسول کردکاری در اکثار طعام جابر انصاری رضی عنه الباری

بیت
سید کاینات شمع رسل • مفخر انبیا امام سبل •
کارپرداز کارنامهٔ غیب • خازن گنج خانهٔ لاریب
نثر
حضرت نبی عالیمقدار • چونکه مو آید فواید اسلامی اظهار • و بسط خوان
دعوت ایله ضیافت خانهٔ سپهر دواری بهشت کردار ایدوب
لمنشئه
بسط ایدوب خوان دعوتی اهتمام • ایلشدی لوازم اتمام
نثر
لاجرم کافر النعم اولان • قوم مذموم الشیم مظهر تیغ شرع محترم
اولمق امر مبرم اولدی • بناءً علی ذلک غزوهٔ خندق که اول
حضرت مصدق اطراف مدینه ده خفر خندقه امر بیورمغله •
اول اسم ایله مسمی اولمشدر • و غزای احزاب ایله تسمیه اولنمق دخی
انبا اولنمشدر که • حرب مسلمینه کمین ایله مشرکین دن • بر نیچه حزب مجتمعین
اولمشلر ایدی • قریش و یهود و غطفان کبی • و لما رای المؤمنون الاحزاب
قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله • و صدق الله و رسوله • و ما زادهم
الا ایمانا • و تسلیما • اجتماع احزاب ایله • قوم دشمن ضلالت انتساب
زیاده اولوب • زاد و زواده کمیاب • و بهاده خصوصا برودت
مواده شدت علاوه • مشکانهٔ زحمت و مشقت اولوب • دفع اذیت
و رفع صولتلری باینده امت عزت منقبت صرف مقدور
و بذل میسور ایدرلر ایدی • حضرت رسول بالذات خفر خندقه مشغول
اولوب • بسم الله و بالله بدینا • و لو عبدنا غیره شقینا حبذا ربا
و حبذا دینا • کلمه سنی گویا اولوب • ابتدا بیورمش ایدیلر • بر وجهله اشتغال

و کار اوزره اولورلر ایدی که • شکم مبارکلری اغمرار و اغبرار •
بولور ایدی • امام مسلم مبادی و این مستحکم اولوب • نقل ایتمشلر که
یوم حفر خندقده جوع ایله اصحاب بی طاقت و تاب اولوب شکملرینه
ربط حجر ایتمکله دفع ضرر ایدرلر ایدی • و اول نبی سرافراز •
و واصل مرتبهٔ اعجاز • کلمهٔ ابن رواحه ایله ترانه پرداز اولوب
ارتجاز بیوررلر ایدی • و الله لولا الله ما اهتدینا • روایة اخریده
اللهم لولا انت ما اهتدینا • و لا تصدقنا و لا صلینا • فانزل
سکینة علینا • و ثبت الاقدام ان لاقینا • واقع اولمشدر
بر گون اثنای کارده بشرهٔ مبارکهٔ خیر الناس ده آثار جوع حددن
زیاده احساس اولنمش ایدی • جابر بن عبد الله الانصاری رضی
عنه الباری • روایت ایتمش که بو حالتده بو معنای دلپذیر •
همخانهٔ ضمیر اولدیکه • اول خوان سالار دعوت که ضیافتخانهٔ فطرتده
مخلوقات • اول سرور مهتر خیل • نه خیل حقیقتده طفیل در • شرف بخش
خانهٔ ویرانه اولوب • حضرته خدمته بهانه اوله اما دعوته اقدامدن
احجام اوزره • اولوب ساحهٔ اتمام کاره • وضع اقدام ایده مردم
چونکه آثار جوع محسوس اولدی مسکنمه رجوع ایدوب • نه حال ایسه
بر مقدار نان جوین • و بر بزغاله‌ی طبخه قرین ایدوب • کانون ابجره
مکنون ایتدم • چونکه آخر روز ظهور ده بروز ایتدی • حضرت رسول
سرکاردن رجوع و قفول بیوردیلر لمنشئه چه خوب خندقدن اول سلطان عالم

کلوب جمع اولدی اصحاب کرم • مکر مهمان ایدی چیندی مطلعندن
ضیابخش اولدی دنیایی اول دم • کستاخانه پیشکاه سلطان
جهانه رومیال ایدوب کشف ما فی البال ایله عرض حال • وقصه
مور سلیمانی مثال ایلدم **لمنشئه** خانه می ایله مشرف دیوانیدکده رجا
قصه مور سلیمانی مثال ایتدم اکا • زبان وحی کذار ایله بیوردیلرکه •
یا جابر نه مقدار طعام حاضر ایلدک • بنده اخی مقدار طعامی تقریر
ایلدم بیوردیلرکه • طیب وکثیر لکن زوجه که • تنبیه خطیر ایله که • انده
وارنجه تاخیر ایدوب • دیک طعامی آتشدن بیه دن ایتمسون
وتنوردن نانی دخی چیقرمسون • بعده خطاب عام ایله توجیه کلام
ایدوب بیوردیلرکه • یا اهل الخندق • ان جابرا صنع لکم سورا
فحی هلا بکم • شرح مصابیحده مذکوردرکه • لفظ سور فارسی ایدوکی
معروف ومشهوردر • وحضرت بو محلده تکلمه رغبت بیوردیلر •
پس بنده اخی استعجال تام ایله • خصوص قضیه یی کلوب جلیله یه
اعلام ایلدم • ایتدی ای ضعیف الحال • حضرت رسول متعال
مقدار طعامدن سوآل بیوردیلرمی • بن ایتدم رسول خدا کم وکیف
طعامه بو کیمسه دن مقدر درکه • داناتردر • چونکه اول خورشید
لمنشئه
جهان آرای سپهر عز وناز خانه ظلمت آباده سایه انداز اولدی
عیش تیره صفای روح نیافت • تن مرده بقای نوح بیافت
تازه شد گلستان پژمرده • وزدم روح زنده شد مرده

حقا که اول دم ده دل تیره روشنالکه • وجان مهجور بیکانه لکدن
آشنالغه تبدیل آفتاب سرور واشواق سپهر دروندده
اشراق ایتدی **لمنشئه** خانه مه کلدی ناکهان خورشید
ز ضیا اولدی خانم ایچره بدید • ز ضیا محض مهر انور ایدی
جمله عالم او نور مظهر ایدی • شرقدن غربه تابش انواری
طوتدی دنیایی زینی آثاری • رفع کرد کرب ودفع مشقت
وتعب ایتمدین طغره ی سردیک وخمیره روان اولوب • هر برینه
آب دهان مبارکلرین احسان • وبرداشته دست رجا اولوب
کفایتنی تمنا • وبرکتنه دعا ایلدیلر • ونانی تنوردن بیه دن
وطعامی دیک دن اخراج • وخوانه مقرون ایدوب خدمت خورشید
خاصیتلرنده • سعادت رفاقت اکتساب ایدن یاران واصحاب
سرخوانه اون اون جلوس ایتمکه امر بیوردیلر • **مصراع**
در ضیافتخانه جود وعطایش منع نیست **نثر** حضار مجلس کرم اول
دم سعادت توام ده بیکه قریب آدم ایدی • مربی زغاله
وخمیردن حصه گیر وسیر اولدیلر • حضرت رسالت علیه الصلوة
والسلام • سرخواندن قیام بیوردیلر • مشاهده ایتدکه تنور ودیکده
مقدار طعام بینه اولکی حالده قرار ایتمش • کویاکه تناول ایدلمش ایدی
صلی الله علیه وعلی آله وصحبه وعیاله • **بیت** زاندک طعامی
در دمی اطعام کرده عالمی • وان طعمه نی بیش وکمی باقی بجایش همچنان

چونکه معجزهٔ طعام بیان اولندی • رشحات کلام انهار معجزاتده جریان
ایده رک چشمه سار انفجاره یتیشدی • پس زبان کلک بیان
آب ایله رطب اللسان اولمغه چپان اولدی • •

معجزه جریان آب از فرجهٔ انگشت آن سید عالیجناب

ینابیع قلوب رواة ثقاتدن • مترشح رشحات روایت که
زیب بخش صدور وسطور کتاب اولوب • تشنه کان بوادی
معجزاتی سیراب ایلمشدر • ریاض صفحات اخبارده بو وجهله جریان
ومیزاب خامه دن بوکونه سیلان ایلمشدر که • اول منبع زلال
نبوت • وسرچشمهٔ سلسال فتوت • بیت
ان عربی نسبت وامی لقب • بندهٔ او سیم عجم وسیم عرب نثر
صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلری غزوهٔ حدیبیه ده سل سیف
جهاد ایله مجاهد • ودفع فساده اجتهاد ایدیکجه • کار انکار اصحاب
عناد • امتداد واشتداد بولوب • انعدام زاد وزوادده خصوصا
ماده قلت زیاده اولوب • مادهٔ عجز واضطرار اولدیغی بدیدار اولوب
کانون سینه ده آتش عطش افروخته • وکشت زار امید متعطشان
سوخته اولمش ایدی • لمنشئه غم تا بولنجه قلت ما •
سینه لر یاندی آتشه گویا نثر اول ذات مطهره مخصوص برکوزه
مطهره وار ایدی • آندن وضوئی تجدید ایله • اساس عبادتی تأیید
بیورمق قصد ایتدیلر لمنشئه تشنه دل صویه ایرشه صبر ایده می

صبر ایله جان زاره جبر ایده می • زمرهٔ متعطشان عرصه کاه سلطان
زمین وزمانده روی تضرعی نهاده • ورخسار تملقی آماده ایدوب ایتدیلر
لمنشئه ای نکهسران وثاقی شهپر روح الامین
نقش توقیع جلالی رحمة للعالمین • برج ارادنی رخکدن اولدی برج منیر
درج لا احصی کلامک ایله بر در ثمین نثر تاب عطش دلده بر آتش پیدا
ایتدیکه • زلال احسانکا اولمینجه انطفا بولمز • وکرمیت هوا بر حرارت
القا ایتدیکه • مروحهٔ الطافک وزان اولمینجه باد صفا هویدا اولمز
لمنشئه کرم ولطفله عنایت قل • • مرحمت ایت بنه مروت قل
باد لطفک برده وزان ایله • کرم ولطفکی عیان ایله نثر
ای بحر مرحمت • ومحیط مرکز مروت • زمرهٔ عطشانی بزم انعامکده
جام اکرام ایله اسقا • واول کروه مرده یی دم حیات افزا ایله
احیا ایله • لمنشئه نوله ای کان معدن احسان
دل عطشانی ایلیک ریان • منبع جوی جود واحسان سن
مظهر فضل وفیض یزدانسین نثر ابو هریره رکوه یه زنکوبه زینه
عزیمت • ودفع عطشه صرف همت ایتدی • حضرت رسالت
دریای رحمت • ومعدن فتوت اولان کف کفایت الفتلرینی
سر رکوه یه • وضع بیوردیلر شکاف کان سعادت اولان انکشت
سعادت الفتلرندن • وفجرنا فیها من العیون مضمونی ظهوره
مقرون اولدی • چشمه سار آب لطف واحسان اولان

انکشت عزت اقترانندن آب ناب بر وجهله جریان ایتدیکه

محیر اذهان اصحاب عالیشان اولدی • **بیت**

دریای محیط پیش کارش بودی • انهار جهان چشمه سارش بودی

عجبدر که اول در یتیم • منبع جوی عظیم اولوب بحار علو من

دنیا و ما فیها بر قطره قدر • اولمدوغی هویدادر • پس جمله اصحاب

معالی آب • و حضار پیشگاه درگاه سلطان عالیجناب •

اول آب نابدن سیراب • و دفع اضطراب ایتدیلر **نظم**

بحر کرم موج زن از شست او • مقسم آن فرجه انکشت او

راوی حدیث حضرت جابردن اول حینده • آنده حاضر اولنلردن

سؤال متخابره اولدیلر • ایتدی اکر یوز بیکدن زیاده نفس اول

اراده آماده اولسه تا وفا ایدر ایدی • اما اول حینده مسعوده

بیک نفر آدم موجود ایدی • ینه قتاده روایت ایتمشکه • اسفاردن

برسفرده شدت عطش همه عسکره اثر ایدوب • خاکپای رسول

مردو سرمایه بث شکوی و جوی لطف و کرم ایله اروا رجا و تمنا

ایتدیلر • منبع احسان • و معدن الطاف فراوان • مبعوث

انس و جان • رسول آخر الزمان حضرتلری • بر میضاء طلب بیوروب

ضمن مبارکلرینه آلوب • آغزینه التقام بیوردیلر • حاضر اولان

یتمش ایکی شخص میضادن شرب و توضی ایدوب • یاننده اولان

آوانی یی ملان ایتدیلر • حقا که بو معجزه دخی بهترین معجزات • ورد شنیدن

حضرت موسی حجردن اجرای ما ایتدیسه • معنای معتاد ایدوکی هویدادر •

احجار منبع مادر • اما انکشت دن اجرا محیر عقول اولی النهی در •

کرچه مزید استحاله در لکن نه جای تعجبدر که • اراده اجرا ایدن آبروی

انبیا • و سلطان سریر اصطفا • و سرچشمه جود و کرم • و خلقته

جمله دن مقدم • باعث آفرینش عالمین • و سرلوحه دیباچه صحایف

زمان و زمین در • و کنت نبیا و آدم بین الماء والطین در •

صلی الله علیه وسلم • وعلی آله محادیح الکرم • وعلی صحبه مصابیح الظلم •

معجزه زنده شدن دختر بالتماس پدر از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم وآله وصحبه المطهر

باعث حیات عصات امم • و سبب خلقت عالم صلی الله تعالی

علیه وسلم حضرتلرینک دراری معجزات باهره • و کرامات

ظاهره لرندن بر درکرانمایه • دخی بوکونه منتظم سلک روایت و زینت ده

صحف حکایت اولمشدر که • بر شخص رثیث الحال سده سعادت

اشتمالرینه وضع جبین ابتهال ایدوب • بو وجهله کشف قناع

مافی البال ایتدی که • ای سید انس و جان • و رسول ارزاق بخش

جهان که کرسنه کان انعام عام ایله سیر و خندان • و تشنه کان

بوادی ذنوب آب ناب احسان ایله سیراب • و مجبور القلوب در •

بر بنچه زماندر که • طغیان سیلان جوع بنای وجودی ویران •

و جلاد کرسنه کی جان ستان شمشیر مرکی درمیان • ایمکله جفای

روزکار اوراق مجموعهٔ خاطری پریشان ایتمشدر • پای دل خار
زار محنتده درکل در • شدت محن تنکی معاش رهزن سکان
انتعاش اولوب • بر دم اولمزکه شهریار مرگ جان ربا ترکتاز
شهر وجود ایتمکی تمنا • صورت حالمده جلوه نما اولمیه نظم
من بجان مشتاق مرگ اما نمی‌آید اجل • بخت بد بین کز اجل هم نازمی باید کشید
آخر ولا تقتلوا اولادکم خشیة الاملاق • مضمونی ایله عمل میسر اولمیوب
بر دختر پاکیزه اختر که میوهٔ باغچهٔ جان • و باکورهٔ عمر ناتوان ایدی لمنشئه
غنچهٔ باغچهٔ جانم ایدی • جسم فرسوده‌یه صان قانم ایدی نثر
فتادهٔ وادی مرگ اولمسون تمنا • و فلان وادیه القا ایلدم
اما حالا بو کار ناپسندیده‌یه متأسف • و مرگ حاصل عمره متلهف اولدم لمنشئه
خطا ایتدم پشیمانم نه چاره • اوکلمز پاره درامابو پاره
عجب کار ایلدی جانه فراقی • اومارم روز حشر اولم ملاقی
ساقی دهر ستیزه کام • جام زهرآلود شراب آلام فراق طاقتم
طاق • و بار قدمی لام • و عیشمی بر مرتبه منغص ایتدیکه کویا ساقی
اجل اسقادهٔ جام سینه مرخص اولمشدر بیت ولو عرضت على الموتى حيوة
بعيش مثل عيشي لم يريدوا نثر حیات ده اموات • و شفاعت کننده‌ٔ
روز عرصات • حضرتلرندن مأمولدرکه شفاخانهٔ لطف و احسان
مدد رسان جان ناتوان اوله • کرچه شهد نکیره منقوله علاج اولکر
قرار دادهٔ اوماج مزاج صحت امتزاج اوله مصرع

نوشدارو که پس از مرگ به سهراب رسید • بو کار دشوار قرین علاج
اولمدوغی نه پدیدار • و بو ناسور دمن کشا مرهم شفا ایله لب بر لب
اولمق امر مستبعد در • اما سید قریشی نسب • بو کاره عنایت
ایدرسه عجب دکلدر • حضرت شفابخش علت عصیان علیه الصلوات
الاتمان الاکملان • بیوردیلرکه القا ایتدوکک وادی‌یه راه‌نما
اول • شفاخانهٔ غیبدن احتمال درکه دوا هویدا اوله • دردمند
امتثال امره شتابان و بادکبی پویان اولدی • حضرت شفاسانی
امت کنهکاران دخی اول جانبه ارخاء عنان بیوردیلر • چونکه
وادی معهوده • سایهٔ وجود صاحب حوض مورود ایله رشک آذر
کلستان ارم • و نمودار بهشت خرم اولدی • نسیم عنایت خار
راهی برباد • و باران مرحمت غبار اندوهی ابعاد ایلدی • نظرکردهٔ
رسول خدا اولیجق • دختر مرده اسمی ایله ندا • و پیشکاه عنایتلرینه
حضورینه اشارت و ایما • بیوردیلر کویا نفخهٔ جبریل ایدی که شکم مریمدن
ولد مسیح دم پیدا • یا مسیح حیات افزا ایدی که مردهٔ صد ساله‌یی
احیا ایلدی • فی الحال بستر مرکدن سر برآورده • و حضور خیر البشره
روی کسترده اولدی • و ایتدی لبیک و سعدیک یا رسول الله
بیوردیلرکه • ای دختر والدینک دخی شرف اسلام مظهر اولمشلردر
انلاره تلاقی ایله دفع آرزو و اشتیاق ایله • ایتدی ای سید آفاق
و مسند آرای سریر استحقاق • رب عزت عمت الاء ده و حلت

حضرتنی ارحم وارفق • و والدیندن حالمه اوفق واشفق بولدم
اول سعادتدن دور اولمق خاطرمدن مهجوردر • بو حالنله امتزاج
وانلردن دفع احتیاج ایتمشدر لمنشه سندن ایرو کمسیه رب حاجاتیمز
درکهکدن غیری هیچ عرض حاجات ایتمزم نثر دیو بینه صورت
مرگ مرآت آمالنده جلوه نما اولمق تمنا ایدیجک • دعای خیرالبشر ایله
جلوه گر • وحالت مرضیه سنه وصول میسر اولدی لمنشه
بر دعا ایله ایلدی احیا • دختر مرده سنی رسول خدا
بر دکل استنه بیکین ایلر • حب اللنه جهان وما فیها

معجزهٔ گفتار پسر و اسلام مادر در حضور حضرت سید البشر صلی الله علیه وسلم

معین الدینک معارج نام کتاب بلاغت انجامنده • دراری معجزاتی
منسلک سلک انتظام ایتدکده • بو معجزه یی بو گونه داخل ارقام ایدوب
عرصه گاه روایتده بو وجهله خرام ایتمشدرکه • بر زن واریدی که
کلام سنجن ایله رشته گستاخی یی کشیده ایدوب • دائما اول سروری
کلمات ناپسندیده ایله رنجیده ایدرایدی • بر گون حضور فایض النورلرینه
خضوع وادب ایله فرسوده لب اولوب گهواره کنارنده بر طفل رضیعی وار ایکن
چهره سی مانند مهر تابدار ایدی • چونکه خورشید جمال سلطان فی العرش
سپهر جلالی گوردکه ضیابخش اولدی • کودک ایدی السلام علیک
یا رسول الله • السلام علیک یا محمد بن عبد الله • حقا که صدای صلای

نعت دعوت گوش صماخ عالیلیانی رغبت ایدوب سماط گهکشان
کبی عالمه ممدود اولمشدر • سعادت اکه که سماعندن طالع مسعود
ایله حصه آلود • وشقاوت اکه که بو نعمتدن خوشه چین اولمیوب
مردود اوله • بویردیلر که ای کودک رسول آکه • ویپسر عبد الله
ایدوکم سرمنزل وقوفه نیجه راه بولمشدر • پسر ایتدی ای نبی جلیل
وسلطان بی عدیل • معرفت ذات حضرت رسالت جناب
رب عزتدن عزت الاوه وجلت بکا محض کرامت در • اشته جبریل
امانت مظهر سعادت افزکده مانند طاوس زرین بر مشامده
جلوه گردر • بن اول سلطان هدایت اثرسن که • جمله حمله آسمان
وهمه ملائک ذکر و بیان سکا چاکر • وخاکپای کیمیا اثرک فرق
انبیایه تاج زرسردر • اعلای علیین ده زبان آوران ثنا
ومحمدت • و زمان و زمین ده سخن وران امت سده عظمت
وبارگاه رسالت منقبتکدن دریوزه شفاعت ایدرلر • آفتاب
معجزاتک تابنده • وآثار کراماتک • الی آخر الزمان طراز
بقا ایله باینده در • شب سیاه انجم ضیا ماه لیلة معراجک
آثاری • وعارضنه روزده اولان بارقه نور ظهور طلعت تابناکک
انواری در • لمنشه خاکپایک عرشه اولدی همعنان
سده ختم اولدی رسالت بیکمان نثر سواد خاک راهک سرمه
چشم آفتاب • غبار موکب همایونک اکسیر اصحاب در حضرت

سلطان رسالت که **نظم** دیباچهٔ رسالهٔ فن نبوتست
دیباچهٔ عمامهٔ تاج مروتست **نثر** بویردیلر که ای پسر والدینک
نه اسم ایله مسمی اتمشلردر • ایدی عبد العزی نامی ایله برآورده
زبان صغار وکبارم • اما بو نامدن رشتدن بیزارم • وغیری اسمه
طلبکارم • بویوردیلر که ای پسر با انتباه نامک عبد الله ولسون
ایدی ای چابکسوار عرصهٔ رسالت • ودلیر بیشهٔ نبوت چونکه
گوی دل چوکان التفات ایله ربوده اولوب • جبههٔ حال مرآت
عبودیتدن عرض جمال ایتدی • سؤال داخل دایرهٔ قبول المق
مأمولدرکه • مرام دل ستهام خدامم ثریا انتظام سلکنه نظام ایله
عنبرهٔ تعلقدن خلاص • وخدمت علیه‌لرینه اختصاص در • بوکرم
خاص که حالزاره شامل اولیه • احوالم مشکل اولور **مصراع**
یک نظر ای شاه دل عاشق غمگین نگر **نثر** حضرت رسول مأمول ومسئولن
قبول ایدوب • خیر دعا ایله مرادی حصوله وصول بولدی پیر استدی
ازسجدهٔ شکرش سر شوریده بیاسود • کاین لطف نه اندازهٔ قدر چومنی بود
زهی بخت وسعادت اکا که • بونکه شهادت ایلیه • زهی شور بخت که
کمند اطاعتدن گردن پیچیده اولوب مرغ دولتی رمیده ایلیه
وبر نعره اوروب جسم ناتواننده روح عزیزی خروج • واوج
آسمانه ولوج ایدوب • ماکنندن خالی خانه خنه اه • وشمشیر زندن
دور رفته اه دوندی **بیت** عاشقان ارکس باید دلا

صادقان انچنین شاید دلا **نثر** زن نعره زن مجاری احواله واقف
اولیجق • حقیقت حاله عارفه اولوب • بو بر معجزهٔ بدیعة المثال درکه
دست انکار پیرامن حاللنه ایرمک محال • وجرائی مخالفت خزی وکنارلرن
دیدی فی الحال • توحید خدای متعال • وتصدیق نبی صادق المقال
ایدوب • شرف اسلامی فایزه • وسعادت ایمانی حایزه اولدی
ظلمت سرای دل وجانی • انوار فیض سبحانی ایله • مانند سپهر مدور
بر مرتبه منور اولدی که • ایام گذشتهٔ ضلالت وجام الحون تأسف
ومخالفت اوامر خدا ورسوله تهف ایتدی • حضرت لوای اعلای
بشارتی اعلا بویروب • ایدی مژده سکاکه ملائکه تجهیز وتکفین ایچون
قیام ایدوب • حلهٔ جنت ایله مطهر اکرام ملک علام اولدک • چونکه
بشارت جنت گوش گذار زن حوری صفت اولدی • اول دم حق
بر نعره ایله تسلیم جان • وعزم خطهٔ جنان ایلدی حضرت فرمان فرمای
ولایت • رسالت وسلطان سریر نبوت فرمان اصدار بیوردیلرکه
برگ گل کبی بر برینه صاردیلر • ونمازلرینی قیلوب بر حفره‌ده دفن
ایتدیلر • **للمنشئه** • گوره اولدن بو ضعیفه لی کیم
آخر کاری خیر اولدی انک • یا رسول الله ایله بزه نصیب
مندی سن سن اهل ایمانک •

معجزهٔ بسیار شدن آب چاه حدیبیه
با توجه خیر البریه علیه الصلوة والتحیة

جویبار روایت معجزات حضرت نبوت انتساب ایله گلستان مسامع
عالمیانی سیراب ایدن نقلهٔ اصحابدن براء بن عازب رضی عنه
ربه الواهب • غواص بحر روایت • وشناور دریای حکایت اولوب
دیمشدر که • یوم حرب حدیبیه ده • حضرت فخر جهان ایله همعنان
ایدک • حدیبیه که بر بئر معلوم و مذکور در • و مشرب ابناء سبیل
ایدوکی مجزوم و مشهور در • کثرت عسکر نزح ما ایدوب اثرنا قالمدی
قلت ما ایله ضجرت عسکر ظفر انتما گوش گذار رسول رهنما
اولیجق نظم علم افراز عرصهٔ توحید • شعله انداز حجرهٔ تفرید نثر
حضرت رسالت پناه عزیمت کردهٔ سر چاه اولوب شفیر چاهی
قرارگاه بیوردیلر • دست برآوردهٔ درگاه خدای بی اشتباه
ایدوب بسیاری آب چاه • اچون متاع رجایی نهادهٔ پیشگاه قبول
حضرت الٰه ایدوب • وموجود اولان آب ایله توضی ومضمضهٔ
شتاب و بقیهٔ مضمضه‌یی درون چاهه ریزتاب ایلدیلر • زمان
یسیر تاخیردن صکره • اصحاب عالیجاه • قدم زدهٔ سر چاه اولوب
مشاهده ایتدیلر که • نایاب اولان آب طغیان ایدوب سیل روان
گبی جریانده • عموماً عساکر ظفر مآثر شرب و توضی • و دواب
و مواشی‌یی ارواء و اسقا • و سقامت تشنگی به شراب آب ایله
شفا حاصل اولوب • جند مسلمین منزل و مقصده • و جههٔ عزیمتی
مستبین ایتدیلر لمنشئه تشنگان بوادی سفری

آب لطفیله ایلدی سیراب • مضمضه ایلدی بر قدی چهره
شربه گویا که ایلدی اشراب • آب لطفیله نار عصیانی
او مرز روز حشره آیده نایاب •

درستی دست اعرابی باذان مدبت معجزه آن سلطان عالمیان

مشام عالمی آثار وسیر ایله مانند مشک اذفر خوشبو و معطر ایدن
معین الدین مسکی معارج نام کتاب حکمت انجامده بو وجهله رقم زدهٔ
کلک مشکین فام ایتمشکه • بر روز سپیده وزده اول خورشید
سپهر مفارق خانهٔ فاطمهٔ زهراده شارق ولدی لمنشئه
فاطمه خانه‌سن ایدوب تشریف • ایتدی تشریف ایله انی تلطیف نثر
اول در صدف نبوت • و قطرهٔ بحر رسالت لوازم استقبال
و مراسم اعزاز و اجلال ده بذل محامل ایلدی • اثناء گفت و شنیدده
ایتدی • ای رسول الله • بر نیچه گوندر که بنیان جوع وقلت
کمال رصانت و اساس عجز و ضجرت • نهایت متانت اوزره
اولوب سنگ خاره گبی تیشهٔ صبر و قراری پاره پاره قلمشدر لمنشئه
از ضعیفی چنان شدم که ز تن • در دل من نبینی اسرارم نثر
حضرت نبوت مآب شفقت ابوت ایله بر اضطراب اولوب
لباس عزت استیناسلرین قالدردیلر یعنی شکم مبارکلرینه شد
حجر ایتمکله دفع ضعف ایدنلرین منصهٔ ظهوره جلوه گر بیوردیلر نظم
وشد من سغب احشاءه وطوی • تحت الحجارة کشحا مترف الادم

اما سراپا بدن سراسر استراحتدن عاری • و سرای وجوده صدمات
زلال جوعدن خلل طاری اولمغله • بادیه بدل ماتحللدن دور
و مصادفهٔ سموم و هموم جوعله خارزار عناده رنجور اولمق احتماللری
آفتاب عنایتلرین نور پاش ایدوب • تفقد مایهٔ معاش ایچون خاطر
همایونلری غایت محزون اولدی • بو اضطراب ایله اول خورشید
فلک پایه جانب صحرایه پویان • و سدرمق جانانی جویان اولدیلر
نظر مبارکلری بر اعرابیٔ تشنه‌یه مصادف اولدیکه • بر چاه بعید الغوردن
اخراج مایه اوقاتنی صارف اولمش • و دواب و مواشی و کلاب و حوائجی
انکله اروا • و نائرهٔ تشنه‌کی اطفالی اطفا ایدر ایدی لمنشئه
سلطان ممالک ولایت • سردار سپاه ایر جلالت •
شاهنشه تخت آسمانی • خوانندهٔ تختهٔ نهانی نثر
حضرت رسول شان بویوردیلر که ای حامل بار گرانی رکمسنه بو زحمته
تحمل ایتمه اجرته توسل ایدرمی • مرآت خاطر اعرابیده مشقتدن خلاص ایچون
هر دلو اخراجنه اوج خرما ویرمک جلوه نما اولدی • مرقوم صحیفهٔ
خاطری اولان معنایی عرضهٔ عرصهٔ رسالت انتما ایتدکده حضرت
رسول کلمات اعرابیی داخل دایرهٔ قبول بویوروب • اخراج مایه
مشغول اولدیلر گویا عصاة امتی ظلمات عصیاندن بیرون • و یا
یوسف بخت امتی • قعر چاه گناهدن خلاصه مقرون ایلدیلر •
دلو اول که ظهور ایتدی اول مخلده اوج خرما تناولنه خاطر عاطرلری

رخصت نما اولدی سکز دلو دخی اخراج ایله یکرمی درت
خرما آلوب دفع احتیاج بویوردیلر لمنشئه عیش اولاد ایچون رسول خدا •
فعله کسبه ایلمش ایما • بو نه خلق حسن و وضع لطیف
کسب بدایده اولیه ذات شریف نثر ناگاه حبل دلو بسته اول
مخلده شکسته اولدی • گویا حضرت رسالت تحمل زحمت ایتدوکنه
طاقت گتورمدی • اول واقف بادیهٔ نادانی • و عاکف زاویهٔ
پشیمانی • یعنی اعرابی جانبی مظهر خسارت اولوب عتابه جسارت
ایتدی • چونکه در گستاخی باز • و دست دراز ایدوب اول حضرته
تعرض ایله آزار ایتدی • اول سرافراز ارباب نیاز پنجهٔ خورشیده
مماثل اولان پنج انگشتی دهان چاهه نازل ایلدی • قدرت الهیه ایله
دلوی قعر چاهدن چیقاروب آلدی • و اعرابی‌یه تسلیم ایدوب سعادتله
سفر مقریه توجه و عزیمت بویوردی • اعرابی مجاری احوالدن متأثر
و تدبیر امرده متحیر اولدی لمنشئه ایدی کیمدر اوله بو ذات گزین •
قعر چاهدن چیقردی دلوی همین • یتخه ارشدی اکه دستی عجب •
عربه کلدی بو قتی اغرب نثر بعد حین تحصیل یقین ایتدی که
آبی چاهدن بیرون ایدن • سرور عزت مقرون آب شفاعت
ایله عرصهٔ ذنوبی پاک ایدن سلطان لولاک • و دست همت ایله
دلو امید عاصیانی چاه عصیاندن اخراج ایلمش امین دخی
سردار معراج حضرتلری در لمنشئه ذاتی در مظهر فیض خدا •

شافع مذنبین روز جزا • یعنی کیخوبد پیغمبر لاریب
محرم راز پردهٔ غیبی • آسمان دن زمینه رحمت در
عالمه مایهٔ سعادت در **نثر** اعرابی بو معجزه ده حیران • وکار
وکردارنه پشیمان اولوب • کاه داس ندامت ایله کشت زار عمری
بچمکه عازم • کاه قورجاپه فندن اولمغه جازم اولوب • وبالجمله
مدارک مافات امر لازم اولدوغنه عالم اولدی نه چاره **مصراع**
علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد **نثر** آخر نایرهٔ ندامتی تسکین ایچون
موزه سنده اولان سکین ایله • دراز لک ایدن دست ناساز
وناهمواریمی کسدی • ومرغ نیم بسمل کبی طرف حضرته پرواز ایدوب
کلدی مانند روضهٔ ارم اولان • بارکاه عزت پناه ترابنه مالیده
روی سیاه اولوب • توجه واقبال • بر آرندهٔ عذر خواهی احوال
اولمق امیدنه بسط مقال ایدوب تاکاه عتبهٔ علیهٔ الشانلرنده
حضرت سلمان فارسی ملاقی اولوب • دردنک استجار زبانی
ایله ایتدی بو دردوالم • وکستاخی صدوری علاوهٔ جور دهر ستم
اولوب • اودمدن لب زندکانی شربت حضور وکامرانی برله آلوده
ومرسوده غالیه صفا جهه شاهد حاله نسوده اولمیوب • زمره غنم
فتاده بار • وساز راحتم کسسته اوتار اولمشدر • آخر دستیاری
صدق واخلاص ایله دست کستاخدن کندومی خلاص ایتدم • بنی
اول حضرت حضور عزتینه • دلالت ایدوب برک وجود ذره مثال

نسیم احسان ایله کلشن رسالته وزان ایله • اول حین سعادت قرین ده
رسول الثقلین • خانهٔ فاطمهٔ زهراده حسنین مکرمین مشاهدهٔ جمال کمالی
ایله قرة العین ایدیلرکه خرما کمکتب اجتماعه سبب اولمش ایدی •
دلالت سلمان ایله • وفود وجهه جنود امت اولان خاک عزت
الفتلرینه روی نهاده اولوب • دست مقطوعی افاده ایلدی • واسم اعلامی
مابر الاعتقاد اللازمه ندا **مصراع** رحمی بسیار بر فقیر ومستمندیم
دیو زمزمهٔ فریادی پیوسته طارم علیا ایلدی • بنی هدی منادیدن
استقصا بیوروب • جنسته لطف واحسانلری اولان ناتوان
ایدوکی معلوم ضمیر عالیشانلری اولیجق اعرابی چاره جوی دهان تضرعی
باز ایدوب • بوکونه عرض نیاز ایتدیکه • ای رسول مجید جهل ایله
سکا قصد بد ایدن یدن درهم اولوب ساعدمدن کلم ایتدم
درکاه رأفت پناه رسول اللهدن درخواست ایدرین که نیروی
بازوی احسان ایله عفو جرم وعصیان ایدوب • دست
مقطوعمی کمکان محلنه الیصال ایلیه که • رأس المال امانی وکتابه
ایوان دیوان شادمانیدر **نظم** ان کان اولم یکن ذنب لنا فرد
صفحا جمیلا وعفوا عفو مقتدر **نثر** حضرت سلطان عوالم بیوردیلرکه
یا اعرابی • اسلم اسلم • اعرابی دلسوخته • دیدهٔ طمعی نواله جود
واحسانه دوخته قلوب • دست بریده شفایاب اولمق
بر معجزهٔ بدیده اولمق امیدنه ایدوب ایتدی • بو زخم بر زورم مرهم کافور

کرمندن دور اولورسه • ناسور دهن کبی قرین التیام اولمیاجغی مومدر
اکر بو جراحت شورانکیز علاج ایله صحت آمیز اولورسه • شاهباز دل
کنکرهٔ احسان ده آشیان ساز • و طعمه خوار دست نوازشی اولور
هواخواهان ایله همپرواز اولمق مقرردر لمنشئه دیدی ای شافع کرده بشر
کرم ایت باکه معجزه کوستر نثر حضرت رسول کریم • علیه الصلوة
والتسلیم لمنشئه دست برآرنده درماندکان • رحم کن امت بیچارکان
مرحمت کرده حال اعرابی سقیم اولدی • بسم الله الرحمن الرحیم
دیوب دست بریده یی • مبارک الله آلوب محلنه وصل ایله مدعاسی
خصم منکری فضل بیوردیلر • اعرابی دست بریده سنی صحیح و سالم
مشاهده ایلدی لمنشئه کندی ایله الیمنی اعرابی
ایدوکی جرمنه ندامتدن • کرچه چوقدر قصورم ای حبیبی
کیتمم اما الم شفاعتدن نثر چونکه اعرابی بو لطف خطابی
وکشف حجابی مشاهده ایدوب • و علاج عاجل ایله اظهار معجزه یه
مساعده دن مساعده کوردی پرتو آفتاب ایمان زمین اعتقادنه
فیض رسان اولوب • اول آن نادکلشن ایمان • غنچهٔ قلبنی کشاده
و خندان ایلدی •

معجزهٔ لباس حضرت زهرا رضی الله تعالی عنها

معجزات نبی هادن بو معجزهٔ عجیب • لباس تقریر ده بو کونه جلوه نما
اولمشدرکه • برکون اول حلّه پوش مقام قرب خدا • مسند سریر عز و علی

مظهر لطف قاب قوسین او ادنی • صلی الله علیه و آله و صحبه المجتبی •
حضرتری لمنشئه خدا انجل قدش کرده برومند • خداوندان عالم را خداوند
بحمد الله ازین دارم سعادت • زبانم را ببا یاد اوست پیوند نثر
حضور عزت موفورلرینه • خواتین مهاجرین و انصاردن •
برنیچه صاحبة الاقتدار وضع جبههٔ تضرع و نیاز ایله دریچهٔ رجایه
ایدوب ایدیلر ای شرفبخش عرصهٔ کائنات • وای مقدمهٔ نتیجهٔ
مخلوقات • درکرانمایهٔ بحر رسالت • زوجهٔ حضرت شاه ولایت
فاطمة الزهرا • رضی الله عنها حضرتری جمعیتمزه دعوت ایدرز •
امیدور که سایه انداز عاطفت اولوب • باعث جمعیت اولمغه
عنایت بیوره لر • حضرت فاطمهٔ زهرانک مناسب لباسلری اولمیان معین
خبر دعوته استیناس بیورمیوب تعلل و تسویف دامننه توسل بیوردیلر •
حضرت رسالت صلی الله علیه و علی آله • و صحبه مادامت الفلک و دار
دعوت امرینه اجابت لازمدر دیو ابرام بیوردیلر • حکم ذهاب
ابرام بولوب • زهرهٔ آسمان ولایت حضرت زهرای ولایت العفت
سایه بخش جمعیت اولوب • اول قومی تشریف • و قلب ضعیفلرینی تلطیف
بیوردیلر • چونکه عقد ثریای زنان بنات النعش کبی پریشان اولدی •
حضرت زهرا مذاق عیشی زهرآلود لونی کاه زرد وکاه کبود هزار انفعال
ایله خاکپای عمیم النواللرینه یوز دیمال ایتدی • اصحاب سوردن •
برزن دخی دیهال حضور عزت موفورلری ایلدی • حضرت سبط مقال

وكيفيت جمعيتی سؤال ايدرديلر • زن ايتدی حقا كه لباس خوش نمای حضرت
زهرا حيرت فزای عقول اولوالنهی اولوب • بومقوله البسهٔ فاخره
برجمعيتده ظاهر اولمشدر • اصحاب جمعيت آيا تار وپودی نه معقوله‌دن
وزر ايله منسوج • ونه كونه حرير ايله ممزوج در مصراع بولنمز دكمه كانده بوكونه جوهر
آيا قنغی مملكتده طوقنور • ونه ولايتده بولنور ديو دست تعجبی ازوی
حيرته قوديلر • واب خجالت ايله يوزلرين يوديلر • حضرت زهرا
تحصيل يقين ايتديكه چشم اعدايه پوشش جسمی اطلس وديبادن خوب
وزيبا مويدا اولمش • ايتدی ای سول حذاكه شكه • اول البسهٔ زيبا
بنم نظرمده دخی مويدا اولميدی بوريديلركه • اول جامه‌لرك
حسنی آنده دركه بكا كوستر ديلرسن طومديك عيره كوستر ديلر •
پس كورمدك لمنشه نه عجب معجزه اولور اول كم
بولا فاخره لباسله زينت • بيخبر اوله لمبه مركز
كسوه‌سی اوله خلعت جنت •

معجزهٔ رسول مبجل در تعيين آل حرب دومة الجندل

كمند ضبط ايله مرغ وقايعی صيد • ومضيق ارقامده حبس وقيد
ايدن قناد صحرای حكايت • وصياد بيدای روايت بومعجزه
لطيفه‌يی • بوكونه سلك تحريره چكمشدركه • حضرت سلطان انبيا
انكه بهر اوست خلق ماسوی • صلی الله تعالی عليه وعلی آله وصحبه
فی الصبح والمسا غزوهٔ تبوكده • اول همكام ظفر فرجامده كه

آتش

آتش تيغ صاعقه بار ايله خرمن اعدای تيره روزكاری سوزان •
وتجمع كعاز بدكرداری مانند اوراق خزان تندباد نبرد ايله پريشان
ايلدی سرور بانايد خالد بن وليد حضرتلريكه ضرامت وشهامتده
يل خطير بيشه‌زار شجاعتده برشير ايدی نظم نديده ازو دشمن بدكمان
بجز روی شمشير وپشت كمان نثر فرستاده جانب دومة الجندل
ايدوب • مأمور امر مبجل اولدی كه اول قطعه‌ده حافظ ووالی وقوت
وشهامت ايله مستولی • اولان كافر بداختر كه اكيدر نامی ايله مذكور
وعداوت دين اسلام ايله مشهور ايدی • مازن نام برقلعه‌ده متحصن
ومتانتندن انده متمكن ايدی • كردن اطاعتی كمند دعوته قيد
مخالفت ايدرسه • صعوهٔ جانی سرپنجهٔ شهباز شمشير ايله صيد ايليه
سرور مجاهدين حضرت خالد • فرمان بردار امر رسول مختار اولدی • اما
متأمل عواقب كار اولمغله • كمال اضطراب واضطرار طاريان
ايلدی كه ميان بلاد مخالفانده حال پريشان • نه صورتده نمايان
اوله كه • بزم عسكريز نادر اعدا عسكری وافر • اكرچه كم من فئة
قليلة غلبت فئة كثيرة مضمونی ظاهردر • اما بوصورت دخی نادر
صادر اولور • حضرت بوريديلركه • ای خالد دفع وهم ايدوب بی باك
وبی انديشه ايله خوفناك اولمه • حضرت خدای عزشانه ابدای مواهب
الطافی آماده • ولوای فتح ونصرتی كشاده ايدوب • سنی اكا مظفر
ومنصور ايده جكی • حين خفادن دور در • بام حصاردن اول خبيث

وباطل بركاو كوهی صیده نازل اولیجق سكا ظفر حاصل اولاجقدر
پس خالد بن ولید درتیوز فارس ایله صحرای پیكارده نهال اقدامی
فارس اولوب اكیدر اوزرینه سوق عسكر ایلدی هر شب كه
هنگام مهتاب و مانند ضیای آفتاب اولسه برج حصارده اداره
شراب خوشگوار ایله اوقات و روزگار كچورر ایدی هر شب دخی جام آب
ایله لبالب اولوب زباب نام برزن رباب زن ایله عیش و عشرت
و بزم صحبت ایدوب دفع اندوه ایدر كن ناگاه بركاو كوه نمایان
و اطراف حصاری جولان و اول قطعه ده خرامان اولارق
در حصاره كلدی زباب ایتدی ای مرد شجاعت تاب هرگز بو مقوله
شكار بو یوزدن آشكار اولمق بدیدار اولمشدر نه جای توقف
و تعلل بلكه اسباب صیده دم توسل در اكیدر گرمیت جام ایله
قیام ایدوب امر ایتدی كه صید ایچون معد اولان اسب صبا رفتاری
احضار ایلدیلر فی الحال برادری حسان و وجوه عسكردن ایكی ذی شان ایله
سوار اولوب در حصاری باز و بروز دروازه یه آغاز ایدیجك حضرت
خالد شجاعت انتما عسكر ظفر التجا ایله اول محله وصول و اكیدر
صید گاو كوهی مشغول ایدوكن بمیر ضمیر حقایق مفهوم ایدینوب
ایتدی امارات بشارات سید كائنات پیوسته ظهور اولدوغی
حیز خفادن دور در   مصراع   این هنوز اول آثار جهان افروز است
دیو اول شیر بیشه اقدام عسكر اسلام ایله عقیب گیر گاو اولان خنزیر

تحریك اقدام خیول ظفر فرجام ایدیجك اكیدر دخی هجوم عسكر جراردن
خبردار اولوب امر مقاتله ایچون مقابله ایلدی ایكی عسكر قتال صورتن
جلوه گر قلدیلر   نظم   دو لشكر بمیعادگاه آمدند
بخون ریختن كینه خواه آمدند   نثر   اگرچه بیه اقر حصاردن جلادتی دور
ایتمكه صرف میسور و بذل مقدور ایلدی اما هیهات   نظم
بخونریزی خود ترك تازی كند   كه گنجشك با باز بازی كند
صدمات ضربات خالددن بی تاب و طاقت اولوب نماینده
صورت هزیمت اولنجه كمند پیچاپیچ ایله زور و زین زریندن دور ایدوب
مقید و گرفتار و بسته كمند اسار ایلدی اول حینده برادری حسان
دخی كشته شمشیر اهل ایمان اولدی مذهب و زركش قبای فاخر ایله ملبس اولوب
لباسی اول دكلو شعله دار ایدی كه شعشعه مهر ایله ملتبس ایدی خالد بن ولید
اول قبای فاخری نوید فتح و ظفر ایله ارسال پیشگاه درگاه حضرت پیغمبر
ایلدی حضور همایونلرینه واصل و منظر اصحابه نایل اولیجق تكلف
قبا اصحاب معالی مآب حضراتنی اعجاب ایلدی بویوردیلر كه لمنادیل سعد
فی الجنة خیر من هذا پس حوكه اكیدر دست غزاتده مأسور اولوب
اول كار عسیر خالده میسور اولدی اكیدر دریچه تضرعی باز و طلب مصالحه
آغاز ایلدی خالد دخی الجذل قبولری هندرین منحل ایدوب
مسئول حصوله وصول بولمغیچون صلحی قبول اما موقوف عرض پیشگاه
حضرت رسول ایلدی پس ایكی بیك بعیر سكز یوز اسب صبا ضمیر

و درتیوز زرزه • و درتیوز رمح فدا ایتمک اوزره صلحه رضایی معروض
درگاه رسول خدا ایدوب • اکیدری ادری مصاد ایله ارسال ایدی
حضرت قبول جزیه یه اقبال بویروب • اقبل معاذیرمن یأتیک
معتذرا • کذارشنجه منشور امان ایله قلبلرینه اطمینان عطا
واحسان بویردیلر لمنشئه نه کرم کاشندر نبی تسبری
ایدر اعدا اسنه دخی عطا • حاشا لله امتینه دخی
ایتمیه بذل لطف روز جزا •

معجزه کزین درمردن منافقین

کیفیت هلاک دشمن دین مبین ایدن رواه صداقت قرین •
بو معجزه یی بو کونه روایت ایتمشلردرکه • مشرکین بدآیین •
نشرکین دوکمین ایدوب • دائما حضرت علیه لرین استهزا ارین
پیشوای کار • ومقدمه اعمال وزکار ایتمشلردی • برکون اول
طایفه شوم دن برنجه مذموم که بری اسود بن عبد المطلب وبری
ولید بن مغیره • وبری عاص بن وائل • وبری طلاطله باطل ایدی
دیدن مستهجن لری اوزره • کار قباحت کردارلرینه مباشرت
واشباعنده صرف قدرت ایتدیلر جبرئیل زبل حضور جمیل رسول
جلیل اولدی • ولید پلید دستنده بر زخم شدید وار ایدی که اکه اشارت
ایتدی اول زخم هائل مندبل اولوب • فی الحال شهباز مرگ جان
مرغ روحن طیران ایتدروب • برزخ دوزخده مکان ایلدی • عاص دخی

خلاص بولیوب

خلاص بولیوب • زمان ایله کف پایی استوارنه زخم خار اصابت
ایتمشدی بر اشارت ایله تازه لنوب مرغ روحی پروازه باشلدی •
اسود بن عبد المطلب بد اختر دخی اول محلدن کذر ایدیجک بروق
سبزه رادن ایلدی اول آن نور چشم جهان بیننده دور اولوب • اول
مرد توانا نابینا اولدی • ابن طلاطله دخی بر نظره ده ترک جان
ویرایدوب مستقری سقر اولوب مضمون هدایت مقرون انا کفیناک
المستهزئین ظهوره مقرون اولدی لمنشئه نور چشم جهان دراوی حبیب
بد نظر ایلین اولور اعمی • پاینه سورمین یوزین ای دل
باشدن آیاغه حرم اولور حقا • نوله الدن چیقوب اولورسه هلاک
دعوتندن ابا ایدن جهلا • هرکه اولمز مطیع امری اکا
مظهر قهر ایدر آنی او خدا • انار غرشانه ابدا • وصلی الله
تعالی علی النبی المجتبی •

معجزه اسلام مادر ابوهریره صاحب روایت
بادعای سلطان رسالت علیه السلام لمنشئه

روایت کوی این نظم صفابخش • کند لوح ضمیر سابقان نقش
معجزات حضرت سید انام دن علیه الصلوة والسلام • ابوهریره
رضی الله عنه • ناقل کلام اولوب درازی روایته بوکونه انتظام
ویروب دیمشلردرکه • مادرم لوث شرک ایله آلوده ایدی برکون
خاکپای حضرته جبین فرسوده اولوب • ایتدی ای راه نمای کم کردکان

طریق و پیشوای قافلهٔ ارباب تحقیق مصراع لطفی نمایی که مخصوص بود
مادرم خلق خلعت شه کدن عاری ولمیوب کلمهٔ قبول دین اسلام
زبانینه جاری اولمدی • هر ساعت که دلالت راه هدایت ایدم
گستاخلغه جسارت • ولسانه کلمهٔ کلماته مبادرت ایدر • علام
قبول هرگز مشهود نظر بصیرت اولمز نظم ای کرم بر دل ها ره کشای
گمشده کان اهدا رهنما نثر رجا ایدرم که کشت زار حالی فیض
سحاب عنایت ایله مالی اوله نظم از لطف تو هیچ ذره نومید نشد
مقبول تو جز مقبل جاوید نشد • لطفت بکدام ذره ای پیوست
کان ذره به از هزار خورشید نشد نثر اگر نسیم انعام رسول علام •
وزان گلشن مرام دل مستهام اوله حقا که لب املم خندان
در ریاض علم سرسبز و ریان اولوردی نظم بگشا لب و زان دعای مقبول
کام دل ها روا ز شکر کن نثر باد دعا امید درکه بر آورده •
نیسان مأمول اولوب • خدنک رجا هدف قبولده جاگیر اوله بیت
فرح بخش درونهای پریشان • کلید قفل مشکلهای دوران
فخر عالمیان علیه الصلوات الاکملان • الامان کمال مروت
و فرط اریحیتدن قبول انعکاس صورت حرمان وحشت آیینهٔ رأی
رزینلرنده صورت بولمیوب • بیوردیلر که • اللهم اهد ام ابا هریره
چونکه کلام پاک سببی صدور ایتدی اجابت سرور اولوب بیت
از ین نوید مبارک که ناگهان آمد • بشارتی بدل و مژده بجان آمد

همان سرور جهان ایله طرف خانه یه پویان اولدی که • مادرم
ایصال مژده ایده • در خانه یه بازده اولمدین مشاهده ایتدی که
مبشر غیب لاریب گوش جانینه یا ایها الذین آمنوا خطابینی ایشتدرمش
و مرتبهٔ رفیعهٔ هدایته ایرشدرمش بیت دولت چو بپیشگاه و آید
• هر کار جهان کند که شاید نثر صدر قدم ابا هریره پاک گهر
گوش زده مادر اولیجق ایتدی یا ابا هریره بر مقدار آرام ایله بن سکا
وارم که آرزومند رسول علام اولمشم در • و خانه دن برون
ایدوب کلمهٔ شهادتی گویا اولوب مشام دل و جانی عطر سا
ایلدی • مصراع بخت نیکش بدان هدایت کرد
• ابوهریره دن منقول قبول در که دیمش مادرم قبول اسلام ایله
ترفیه خاطر پر آلام ایتدوکی اول دکلو مسرت بخش دلها کام اولدی که
بکا شادیدن بکا عارض اولوب • گریه غمه معارض اولدی جبین سای
• پیشگاه رسول الله اولوب اسلام مادر خطیره لی سلک تقریره
نظم ایتدم لمنشئه دعای حضرت شاه رسالت
• هدایت بخش شد بر جنس امت • مرادش داخل بزم قبولست
گذار وی توجه پس کفایت نثر صلی الله تعالی علیه وعلی آله الکرام
وصحبه العظام • الی یوم الحشر والقیام • کلما غفل عن ذکره الغافلون
معجزه یقین وکلما ذکره الذاکرون هنگام و زیدن
باد وبعدا دتم حدیقه زن خوب نهاد

کلشن معجزات سید کائنات دن بادِ روایت بوکونه وزان
ونخل وقایع وسمر • حضرت خیر البشردن اجتناء ثمرادین غارس شجر
خبر بو مقوله نقل معتبر • ثبت صحیفهٔ صداقت مخبر ایتمشدر که • اصحاب
رسول مجیددن ابی حمید ناقل قول سدید اولمشدر که **بیت**
سیمرغ قاف سدرهٔ اعلی حبیب حق • شهباز آشیانهٔ نون لانهٔ قلم **نثر**
حضرتلری ایله غزوهٔ تبوکده • قدم مرافقت سلوک اولمش ایدی
رفع تعب راه ایچون اول قایل قول لی مع الله وقت • بر حدیقهٔ انیقه یه
نزوله حلیقه کوروب • خورشید جمالی نوربخش زوایای ظلمت
وضیا فیض کنج تاریک دهشت اولدی • هر شجری مانع اولوب
انداخته ورای حفظ ناطور مانع اولدی • صاحبی بیره زن ایدی که گریبان
فاقه یه دست زن ایدی • امر بیوردیلرکه • اعداد ثمر معلوم زنید و ثمره اولنه
زیرا برکت قدوم عزت مقرون ایله دست تعدی دهر بازکوندن مصون
اولمق مقصود همایونلری اولوب • کلام اعجاز نظاملری وقتنده مویدا
اولاجق ایدی • پس ادن اوسق اولدوغی محقق اولوب • تنقیصدن احتراز
ومحل رجوعلرینه دکین حفظ ایله امر ابراز بیوردیلر • وقتا که اول مقامدن
قیام • وشاق طرق متروکت • ومنازل منزل تبوک اولدقلرنده **لمؤلفه**
نظم
طی اولوب قالمدی مشقت راه • واردی برج سعادته اول ماه
بیوردیلر که بوشب باد شدید ظهور ایدوب ورزند ایدر • امانتمزن صاحب
حدیقهده صنه ربدید اولماز • وعسکر اسلامدن برفرد آرامکاهندن

قیام

قیام ایتمسون • ودواب ومواشی سر داده چراکاه اولمسون • عقال تعبیر معقد
وباب حفظ مؤکد اولسون • هر که حرکت وسیر وکشته عزیمت ایلیه
مظهر خسارت اولور پس چونکه **لمؤلفه** جهاندن کیدی خورشید جهانتاب
اکنک بیرینه چادر اوردی مهتاب **نثر** اول شب ظلمت نشانده بر باد
عاصف وزان اولدی که خلق عالمی سراسیمه وپریشان ایدوب
نمونهٔ رستخیز روز میزان ایلدی • اگرچه هبوب ریح مذکور صحیفهٔ اذهانده
مزبور ایدی • اما سلطان وهم دمراشهرستان وجود عسکره
استیلا ایلدی • برفردده یارای قدرت اولمدی که • قتیه جرأت ایده
هرکس دامن حیرته دست رس ایله حرکت ایتمیوب • تضرع کنان درگاه رب
عزت اولدیلر • ناگاه برفرد جسور • ناکث امر رسول غفور اولوب
قیام • واتمام مرامنه اهتمام اوزره اولیجق • باد صبا جبل طیء وادیسنه
القا ایدوب • مانند ورق خزان • برآذه پران ایلدی • گویا
مخالف امر نبی هری ایدنک ترتیب جزا ایلدی • مأمور امر رسول
صاحب دعوت اولوب حرکت ایتمینلر مصون خلافه ذاهب اولنلر
نکبته مقرون اولدی • وسفر مزبوردن قفول حیننده ذکر اولنان
حدیقه یه دخول ونزول بیوردقلرنده • بیره زن باره خدماتی شغله زن
اولوب • مراسم استقبالی ربمزن ایلدی • مقدار ثمردن استخبار
بیوردقلرنده ایدی ای رسول کردکار • تعیین بیوردیلان مقدار
حصول بولوب • زیاده ونقصانه وصول بولمادی • یعنی صرصر

باد شدید نقص ثمره و زید اولمیوب • مرتب اولان حدایق ده ضرب یدیه
ایدی سایر اشجار شامخه و عالیه • و ازهار غالیه فتاده زخم
روزگار زورکار اولمش ایدی • برکت مقدم سید عالم ایله بو نخلستان
بر وجهله الم ایرشدی لمنته مرز تعیین ایتدیکیسه ای سول کره کلی
ایله بولدم بو فقره آنی ایتدکده شمار •

معجزهٔ انهزام کفار بدعای توجه سید الابرار پس از ظاهر شدن نوع انکسار

شمشیر معجزات رسول متعال ایله • کیفیت استیصال کفار شقاوت مآل
بیاننده بسط مقال • و تفصیل مجاری احوال • ایدنلردن حضرت
عباس • رفع التباس ایله بنیاد روایده بو گونه تأکید اساس اتمشیدر که
غزوهٔ حنینده رسول ثقلین ایله حاضر • و کارگیر و دار ناظر
ایدم عدو بدکار مواضع مهالکه اقتحام • و مواقع حروبه وضع اقدام
اقدام ایدوب مصراع بر آراست لشکر برسم دگر
جزم مقاتله ایله عزم مقابله ایتدیلر عساکر اسلام ظفر انجام دخی
یلان مبیا دین دین • و پهلوانان دین ایله نبرد گاه
سوق جیاد • و فتح ابواب جهاد ایدوب • ان ابواب الجنة
تحت السیوف • مضمونی رجاسیله ترتیب صفوف ایدوب •
سیوف ظفر نمار بمقتضای کلام نبوت انتما • مقالید جنان اهالی
و رحمانی حرز میانی اولوب • لاغر و غرهٔ آفتاب صداقت لامع

و مهر صدق کلام سپهر نبوتدن طالع در که کلید امانی حدود مقابر
صقالده در • رزقی تحت ظلال رمحی • فایز فلاح میوهٔ انتفاعی نهال
شمشیر و رماحدن جمع ایدر • پس هر بری • کان الحرب لدیه لبس
والموت عنده عرس • کلامن اظهار و پیشوای کارزار ایدوب • پلنگ
بیشهٔ دلاوری • و نهنگ دریای هنروری اولوب • مانند شیر شجاعت
کردار حملهٔ صفوف اعدای تبه روزگار ایدوب • نعرهٔ مردانه لری
گویا ریح عاصف ایدی که • قمهٔ پروینه وصدای شیرانه لری •
رعد خاطف ایدی که چرخ بربنه ایرشدی الحذر جوتدن نمایان
ظلام قیر نشان سحاب و قتام حرب دن عیان اولان دخان
سحاب اشعهٔ آفتاب اولوب • مرغ آجال حدید المنقار التقاط
حبات ایام اعمار • اوقات روزگار ایتدی لمنته
اوکون مهمت اولوب حلقه بو کردن • مگر قورشش ایدی بر خیمهٔ خون نثر
لکن سرعان شبان عسکر جرار جنگ و سلاح ایله سازکار دگل ایکن
گروه رمات طغات • و فرقهٔ عصات • رشق سهام و رمی سنان
تیر کام ایله سمندر نار هیجا • و پروانهٔ شمع وغا اولوب • دفعة
هجوم و اقدام ایله مقدمهٔ عسکر اولان • قوم شبان مقدام اوزرینه
عطف زمام ضرب و طعن ایتمکله آسمان کمانندن پران
اولان سهام و پیکان • مصادف هدف اجساد و ابدان اهل ایمان
اولمغله • سلطان بیم و هراس • حصار ابدان عسکره مستولی

وبروج قرار تزلزل ایله متبدل اولوب • اول گروه با شکوه
زخم خورده ومجروح عالمه روح فتوح اولان • رسول کریم الخصایل
حضرتلری طرفنه متوجه • و مایل اولدیلر هنالک ابتلی المؤمنون وزلزلوا
زلزالا شدیدا مضمونی هویدا اولوب لمؤلفه جنود انبیانک شهریاری
سریر اصطفانک کامکاری • رسالت شهریارینک فرخنده شاهی
ولایت عالمینک پادشاهی نثر صلی الله علیه وعلی صحبه المتباهی
بعز خدمته اللامتناهی • پای ثبات مقدمة الجیش ده تزلزل •
وکارزار مقابله ده تعلل • مشاهده بیورلجق مساعده دن مساعد
ایله تحریک اقدام بیوریوب • وشرف رکاب عزت انتسابی
ایله سعادت بیحساب اکتساب ایدن مرکوب برین اعدای منکوب طرفینه
سرعت وحرکت ایله تحریک ایدوب • واذن قوم غافلی تعریک •
قصد بیوردیلر • گویا باد ایدی که • قوم عاد اوزرینه وزان اولدی
اول آن ده عنان ظفر اقترانلری بخت ودولت مساعدم اولوب
سوار مساعدم اولمش ایدی • ابوسفیان بن حارث • دخی
رکاب نصرت ارتکابلرینه ملازم • وخدمت عالیه لرنده قایم
ایدی • جانب عدویه اسرا عدن احتراز وامتناع ایدوب
عنان یکران بغله لی المه بغلمش • وسرعت وحرکتدن عوق
ایتمش ایدیم • حضرت جانب کفاره سوق بیوریوب • پشت مرکوبدن
طرح انداز نظر طرف عدوی منکوب اولوب • آمد شد رماح وسهام

ودرخشیدن حسام بلان وجبان منظور ذات نفیسلری اولنجق بیوردیلرکه
هذا حین حمی الوطیس • وزمین دن برآکی قبضه خاک آلوب رمی •
جانب اعدای منکوب ایدوب • انهزموا ورب محمد کلامی ایله مقدمه
ظفری ممهد بیوردیلر • فی الحال مضمون ان جندنا لهم الغالبون •
منصه ظهوره مقرون اولوب • بر روایتده مرکوبدن نزول اختیار
بیوروب • جناب جلیل جباردن استنصار طلب • واظهاری
ایله انا النبی لا کذب انا ابن عبد المطلب • کلامی ایله ترغیب
سل سیوف • وترتیب خیل وصفوف بیوردیلر لمؤلفه
بفرمود تا صف آراستند • برایات نصرت بپیراستند •
بو کلام دلپذیر عسکری تغییر وتعبیر ایدوب • دفعةً گروه عسکر
ظفر پناه • حمله کرده سپاه کفار روسیاه اولنجق • فهزموهم
باذن الله • مضمونی بدیدار اولوب • مرآت حال کفار لئامده
صورت انهزام نمایان اولوب • وزلزلوا زلزالا شدیدا نظم
بهر جا بهم ریشه گشتها • زمین گشت از کشته ها پشته ها
باد ادبار استقبال ایدوب • بنات النعش گبی پریشان حال
کأنهم حمر مستنفرة فرت من قسورة • قرارلری متبدل فرار اولدی لمؤلفه
نبی ابطحی سلطان یثرب • چکوب اعدای دینه تیغ بران
دعای سیف ایله قردی عدوی • طیانمادی دعای سیفه بران
زهی شاه ولایت برنفس ده • ایده بر عسکری خاکیله یکسان

خدایا پروردکارا • سخن لب برآورده بر کلام فهرآشام ایله •
کروه کفارلب آمی دوزخده آرام ایدردک مصراع
درکار بنده لطف خداوندی بی قیاس نثر مرحوددرکه کروه امت که
دعوای محبت و صداقتی کلمهٔ توحید ایله اثبات ایتمشلردر •
دریوزهٔ عنایت ایدرلرکه • بر کلام شفاعت سمات سید کائنات
ایله الطاف الهیه دخی اهل اسلامی داخل جنات ایلیه • حاشا که
نسیمات اسم غفور • پاک کردهٔ خاشاک عرصهٔ ذنوب و قصور اولمیه •
یا محو ایت دفتر عصیانذن بن پر قصور اسمن • بیت چیقر یا ربی
یا اسماء حسنی دن غفور اسمن •

معجزهٔ کفتار شتر اعرابی در پیشگاه درگاه نبی عربی علیه افضل الصلوة والسلام ما ختمت الصلوة بالسلام

سخن وران روایت • و نادره کویان حکایت • مواد شکوکی
قطع و حسم ایله • درمعجزاتی سلک نقوله نظم ایدوب دیمشلردرکه
برکون حضرت حاکم محکمهٔ نبوت • و قاطع عروق جهالت لمنشر
نکته دان رموز ما اوحی • فائز رتبهٔ مقام دنی
خاتم انبیا سید امین • سبب خلقت سپهر برین
صلی الله علیه و علی آله و صحبه المتقین • ما دامت السموات
والارضین • اصحاب کرام ایله جالس • و تبلیغ اوامر و نواهی الهیه
مجالس ایکن • بر اعرابی شتر سوار • بر یره دن بدیدار اولوب •

فرسوده جبین پیشگاه درکاه حضرت رسالت پناه اولوب •
مجلس عالیلرینه داخل اولمق سعادتنه نایل اولدی • ناکاه
بر طایفهٔ غیر خایفه محل نزاعه حاضر • و ایچلرندن بری دعوایه متجاسر
اولوب ایتدی ای سید ابرار • اعرابی نک سوار اولدیغی شتر
صنبار فقار • ملکمدن سرقه اولنمشدر • اعرابی خصوص قضیه یی
انکار ایلدی • حضرت نبی صادق البینه بیوردیلرکه • بو خصوصه
بینه وارمیدر • اکرچه امارات افعالدن حقیقت حال المجزوم
و تلویحات ظاهره دن اسرار باطنه استدلال ایله معلوم لری
ایدی • اما دلالت شرع مبین ایچون • نماینده راه دین اولدیلر •
اول قوم دیدیلر بینه مز حاضر • اقامتنه امر عالیلرینه منتظرز
پس حضرت ابو تراب طرفنه خطاب بیوردیلرکه • حسب الشرع استماع
دعوی ایله • مدعی اقامت شهود ایدرسه • ناقه مدعی یه مردود • والا
نهال دعوی دن ثمرهٔ حسب اجتبا ایده • چونکه اعرابی استماع کلام
نبی عربی ایلدی • سر تفکری زانوی حیرته قودی • بر زمان مبهوت
و بر کاره توغل ایدر کبی سکوت ایلدی • اقامت شهود و تقریر
دعوی • و مباشرت حاکم والادن مقدم ناقهٔ خوشخرام ورای
ابدن مقصدی جواب اولوب • دریچهٔ کلامی باز • و بو کونه سخنه
آغاز ایتدیکه • ای رسول خدا اول رب متعال خبر که سنی
ارسال ایتدی • اعرابی حلیهٔ حیله دن عاری • و تهمت سرقه دن

بری در بن انک ملکنده تولد ایدوب • بو آنه کلنجه آب وعلفنه
تعهد ایتمشدر • نه طریق ملکیت ایله یدآخرنه سرقه ایله یباری
بد اختر ساحه عالمده جلوه کر اولمشدر • حضرت رسول طاهر
متأمل ومتفکر اولوب بیوردیلرکه ای اعرابی حین سکوتده
نه مقوله کلمات ایله قاضی الحاجات درکاهنه مناجات ایلدک
ایتدی ای سید ابرار • دعوات اذکار ایله تقدیم حمدنی شمار ایدوب
درکاه پروردکاردن رجا ایتدم که • قوت نبوتکله حقیقت حال
سامع علیه یه القا اولوب • تهمت سرقه دن مبرا اولم لله الحمد که
برکت معجزه علیا ایله • ناقه حمرایه نطق اعطا ایدوب • برائت
ذمتمی انها ایلدی • لمنشئه
کمیدر انکارکار ایدن عجب • واقف حال ایکن رسول خدا
حقی اظهاری ایله مقصود • ناطق وصامت ایدر کویا •

معجزه تاثیر از دست رسول خدا علیه من الصلوة ازکاها

شفا بخش علل امت • و دواساز خلل ذلت اولان •
سلطان سریر نبوت • وشهریار تختکاه رسالت لمنشئه
رخی مرآت انوار هدایت • جبینی مطلع مهر عنایت
صلی الله تعالی علیه • معجزات باهره الآیاتندن حنظله
قربن روایت ایدوب دیمشدرکه • بر زمان سعد اقرانده همای
دولت سرمه افسر سعادت صالدی • وشهباز سعادت بخت

ساعده ایدوب شکار مرادی آلدی • یعنی اول سلطان عرش پایه
سرمه طرح سایه ایدوب • مبارک الیلرن باشمه وضع ایله قدرمی اوج ثریایه
رفع بیوروب • بارک الله فیک بیوردیلر • نفس شفا مقتبس اری
سراپا بدنمه تاثیر • وجمیع اعضامه جایکیر اولوب • معجزه نامس ایدانی
اعراض ایله مماس اولسه • اول الم اول محلده قویوب • بعده یا نفس
یا ید مقتبس ایله جای اوجاعی مس ایدوب • بسم الله اثر ید رسول الله
دیو المی اول موضعه سورر ایکن نه مقوله کرب ومشقت اولسه •
مسح ایدوب دفع ایدردم لمنشئه سنک وخاکه کرایلیدی نظر •
خاک التون اولیدی سنک کهر نثر خورشید لطف واحسانی قنغی
سنک برکه • فیض رسان اولسه • لعل بدخشان اولاجغی نمایان •
وهر قنغی دل مظلمه نور افشان اولسه درخشان اولاجغی نه محل ریب وکمان در
لمنشئه
اولدی حقا که اول شفای قلوب • حضرت حقه طالب ومطلوب •
کوردی وار آنده بر ید بیضا • قودی ال ارقه سن بره موسی •
انبیا تابع اولدی امرنه هب • جمله عالم شفاعت ایتدی طلب
مهر چرخ هدایت ایدی که • ایتدی نوریله عالمی انور نثر
صلی الله علیه ما غاب القمر وظهر • وعلی آله وصحبه الاطهر •

معجزه وقوف حضرت نبی مکرم از خبر دادن صنم

مؤلف کتاب معارج معین الدین مسکی که رتبه فضائل ده
اقصای مدارجه دارج در • اول کتاب صحت نصابده ایراد ایتمش در

عباس بن مرادس روایت ایدوب دیمش بر زمانده داعیهٔ
صور سفر ایله دلده جلوه کر اولوب • طی فیافی وصحارا ایله کشت
وکذاره میل ایتدم ناکاه بر شخص عجب اندامه راست کلدم سپید جامه ایله
مزین اما نه شخص ایدوکی غیر معین • بر شترمرغ اوزره سوار • وکلمات
مسجعه • وترنمات موجهه ایله تکلم • واطرافه بقوب تبسم ایدردی •
فحوای کلام مدح سید الانام اولوب • لمنشئه

نبوت نوری سیماسنده ظاهر • رسالت لمعه‌سی النده باهر نثر
بر سید صاحب شرع وپرهیزکار • وفصیح خوش کفتار
اظهار دعوت ایدوب محو رسوم جهالت ایلدی • دم فتنه
وفساد • ورسم ایقاد نار عناد زائل • وباد دعوتی ایله
مضمحل اولدی • صاحب ناقهٔ قصوی • ونام همایونی محمد مصطفی در
چونکه فحوای کلام سمیر ضمیر مستهام اولدی • اول وقتده بو خبر
واریدی که • طایفهٔ جن • مرغ شتره سوار اولور دیرلردی •
قوت واهمه • بو معنایی خاطره لایح ایدوب اضطراب فایح اولدی
بر وجهله بیم وخشیت وحیرت ودهشت مستولی اولدی • آز قالدی که
مرغ روحم قفس بدندن طیران ایدوب • دامن خلعت حیاتمه دست
ممات طرایان ایلیه • بر صنم ایجاد ایتمش ایدیم • اعتمادم اکه محکم وضماد
نامیله معنون • وانواع زیب وزینت ایله مزین ایدی • کویا
علل جسم وقلبه ضماد • وهر بدایده داد ایدردی • پس واروب

الی

الی اول صنمه وضع ایتدکمه • اول چنک صنمه رو الی دفع اوله ناکاه
درون صنمدن بر صدای جانکاه • کلدیکه ضماده • اول وقت اعتماد
جایز ایدی که نبی آخر الزمان • مبعوث انس وجان اولمیه • دین تعیین
اوفات ایله امراد ای صلوة ایتمیه‌یدی • صدای کلمهٔ شهادت
ولوله‌بخش سامع امت اولوب دین حق ایله مرسل • نبی مبجل در
هر که حرم دعوتنه مرغ جانی ادخال ایده • چنکال عقاب جان شکار
ضلالدن خلاص • درکاه حقه اختصاص ایتدی • هر که دولت
متابعتدن محروم اوله • مستحق خذی نکال ولاجعی مجروم در • دیدی
چونکه ضماددن خلاف مأمول ومراد • بو مقوله کلام • وصل سامعهٔ
دل مستهام اولدی • خاطرم متکدر وحالم متغیر اولدی • اقربا
وعشایر طرفنه سائر اولدم که • وقایع امور تقریر ایده که بندن
متحاشی ودور اولوب • جمله‌مز طالب دین اسلام • ورغبت
متابعت امام انام اولالوز • ناکاه اثنای راهده مصادف حضرت
رسول الله اولدم بیوردیلر که یا عباس حال نیجه اولدی • اسلام ایله
استیناس ایدوب • داعیهٔ ایمان قلبکده نمایان اولدیمی • خبر ضمادی
اعتماده اعتقاد امرن مراد ایتدی • چونکه بو معجزه‌لی عیان بیوردیلر
جمله قوم وقبیله‌مز ایله رومال کرده سدهٔ علیه‌لرینه اولوب
اوچیوز آدم ایله قبول ایمان ایلدک • لمنشئه

بارک الله زهی حبیب جمیل • کاولدی عاصیلره دلیل جلیل •

واقف علم اول و آخر • جمله احوال غیبی در مظهر
بولدی دولت اکا اطاعت ایدن • داخل نار اولور خلافه کیدن

معجزه باد در دفع ارباب کفر و عناد

واصل مقام سامی عالم نامی حضرت ملا جامی • شواهد النبوه
نام کتاب • فصاحت ارتسامده رقم زده خامهٔ مشکین ایتمشدرکه لمنشئه
صدر عالم آفتاب شرع و دین • حضرت سید عالیجناب
صلی الله علیه الی یوم الحساب • لیلة الاحزابده حذیفه بن یمانی
فرستاده جانب دشمن جانبنه بیوردیلرکه • تجسس احوال عدوی
بد فعال ایلیه • لکن شدت سرما • و برودت مواعصهٔ زمینه
بو وجهله استیلا ایتمش ایدی که • گویا کرهٔ زمهریر نازل زیر اولوب
دوات چرخ چینی منجمد اولمغله زمینه خط چمن یازلمز • یا خود
مینای اخضر شکسته اولوب • زمین ده خرده مینادن کلچین ایدی لمنشئه
مکر که رنک پذیر اولدی پیروزه سیما • که اولدی بویله برودتله آره ده پیدا
اول شب سردده • اثر برددن حفظ ایچون سینه و میان حذیفه
بن یمان • دست مبارکلرینه افزون ایدوب • بیوردیلرکه اللهم احفظه
من بین یدیه و من خلفه • و عن یمینه و عن شماله • پس حذیفه یمان
اعدای یمان جانبنه روان اولوب • بر وجهله کذر و سرمادن
ضرر کورمیوب • روایت ایتمش که اول شب ظلامده گویا بر حمام
ایچنده ایدم • کرمابه ده ضرر سرما نه وجهله هویدا اولور • تا احزابه

و سرایا موره یتشدم • چونکه خدمتی اتمام ایتدم • حضور رسول علام
علیه الصلوة والسلام • فرسوده جبین ذل استهام اولوب
اخبار احزابی بحذافیرها تقریر ایتدم • سمع ضمیرلری اولدی • بعده
خدمات اصحاب کرام ایله مشرف و مسرور اولیجق • اثر سرما ظهور
ایدوب برد اوار ایدوکنه شعور کلدی • دیمشدر • و قرین روایت
اولمشدر که • حذیفه نیک نهاد فرستادهٔ رسول عنایت معتاد
اولیجق انهدام احزاب شقاوت مآب ایچون • درکاه ملک وهاب حضرتنه
برداشته دست دعا اولوب رجا بیوردیلر که • کشف هم و کرب
ایله الحاح ارب بیوریله • درحال جبرئیل علیه السلام نزیل اولوب
مژده رسان فتح و نصرت • و فرح بخش حضرت رسالت اولوب
منقبت تقریرده خبر خدای دادگر حضرتنی جلوه گر ایتدی که
ای نسیمهٔ نفس رضاسی شفابخش علل ذنوب • و دافع کروب • و نفحهٔ
رنجشی هلاک دشمن دین و گروه مشرکین • حضرت رب العباد
جل عن الاضداد • عنایت و امداد ایله فتح و نصرت باد ارسال
و عنایت ایدوب • دشمن دینی باد ایله مظهر خسارت ایتمشدر
و بر باد دخی که باد شداد و عاددن اشد • و صرصر نهیبندن اکدر
سپهر چارمدن ارسال و سنک ایله استیصال امر ایتمشدر دیدی لمنشئه
باده امر ایتدی حضرت خلاق • دشمن دینی الیه برباد
مظهر قهر اوله عدوی رسول • دشمنی عنده دوستی اوله شاد

چونکه بو خبر رسیدهٔ گوش سعادت پیمبر اولدی • ناگاه بر باد شدید بدید
و وزیده اولدی که شمع جمع اعدایی اطفا و برگشته • و خرمن معسکرینی
نابیدا و سوخته ایدوب • جابجا فریاد ایتمکه آغاز ایتدیلر که
حیفا برودت باد عروق زندگانیمزی انجماد ویروب • حرارت غریزهٔ طبیعیه
افسرد • و منزل حیاتدن بزی ابعاد ایلدی • ناگاه بر ریح غریب
دخی تعقیب ایتدی • بر وجهله وزان اولدی که صخرهٔ صمایی سنگ
فلاخن کبی پران ایدردی • سر اعدای سقر مقر همانند
حجر اقطار مطر نازل اولوب صلابت طنابهر سنه یه که لاحق و لاصق اولدی
خاکه برابر ایدوب زیر و زبر ایتدی • اول قوم باطل یوزلرینه
سپرلر چکلر • و دفع ضرر ایتمدیکی مقرر اولیجق • این المفر دیو قراره
مجال محال • ورودی فرار عرض دیدار ایدوب شمل جمعلری
متفرق و پریشان و متمزق اولدیلر • مضمون آیت کریمهٔ واذکروا
نعمة الله علیکم اذ جاءتکم جنود فارسلنا علیهم ریحا و جنودا
لم تروها ظاهر و هویدا اولدی • کمین غیبدن بر عسکر مستولی مخیم
عدوی بدگهر اولدی که صولتی شدید • و کندی نابدید اثری مرئی
و مشهود • موثری واجب الوجود لمنشئه گاه باد ایتدی خدمتن اتمام
که صنم ایلدی اکا افترا • اگر وجمله آلته تسلیم
دخی صحبت کراهه نابتکرار •

معجزهٔ شفا یافتن عین قتاده بن نعمان در دست

حضرت فخر عالمیان صلی الله علیه وعلی آله وصحبه الغر الکرام

پرتو انوار معجزات ایله دیدهٔ عالمینی روشن ایدن نور عیون
مرحابن وتن شفابخش علل عاصیان • سلطان رسل مرزبان
نور چشم جملهٔ خلق جهان • جان و جسم جملهٔ عالم بیگمان
حضرتلری که روز احدده • یاخود بدر و حنین قتلنده مقابل عسکر کفار
بدکردار ضلالت شعار اولدیلر • و ناظر اولادهٔ نظر همقابکی
طایر فتح و ظفر • مرغ دست آموز ارباب شر اولمق احتمالی جلوه گر اولمشیدی
اما هیهات هیهات • محض اوهام و خیالات ایدی • رخصت یافته
پرواز اولوب مخیم اهل اسلامده آشیان ساز اولاجغی احلامی
اولوب • هاتف غیب ملهم لاریب • مقدمات بینة الانتاج • فتح و ظفر
شکل اول اوزره اولاجغن خبر ویروب • مصراع • دلتنگ مشو این همه نومید چرا
مضمونی ایله تسلیت بخش قلوب • و دافع حروب و کروب اولور ایدی •
آخر مرغ ظفر بندگسسته دامگاه اولوب • فرق خیام اهل اسلامی
آرامگاه ایدوب • افق فتح و ظفر تتق غیبدن طلوع ایدوب •
پرتوسا اولمغله • حصول آماله همه عسکر چشم باز ایدیلر • گرچه اعدای
بدر انجوم تام الهیه اقدام • و قصد کردهٔ کار انهزام اولمشلر ایدی •
اما شیر بیشهٔ شجاعتنه حملهٔ روباه بدخلقتدن نه غم • و بلبل گلستان
ضرامته صدمهٔ زاغ بدسیرتدن نه الم گلور • مصراع
مس غم آنست که او مرتبه زر شکند • نثر • آخر کرم سازمکانه کارزار اولان

خصم نابکار طرفنه تیر وی بخت بدندن طلابه امداد بدید و بدیدار المیوب
سوار فتح ونصرت بپاعد اهل اسلامه زیب وزینت ویردی لکن
اثناء هجوم مشرکین ده قتاده پیشگاه حضرتده ستاده ایدی
حسب القدره دفع حمله اراده ایدرکن ناکاه بر تیر جانگذار که مانند
میل دراز ایدی چشم قتاده یه میل نیل ایدوب اول نور عینه
اصابت وایصال اذیت ایدوب دیدهٔ جهان بیننی اخراج
ومحلندن ازعاج ایلدی بر وجهله که رخسار قتاده اوزره فتاده
اولدی اصابت عین منظور سلطان کونین اولیجق نظر رحمت
ایله نظر بیوروب چشم قتاده یی دست شریفلریله رفع ومحلنه وضع ایدوب
اللهم قتاده کما وقی وجه نبیک بوجهه فاجعلها احسن عینیه واحدهما
نظرا دیو دست دعایی برداشتهٔ درگاه ایتدیلر دعای خیر الناس
ایله محلنه مماس اولوب بر وجهله سالم وصحیح اولدی که اوتکی جانبدن
ترجیح اولنور ایدی واول مرتبه بینا اولدیکه گویا اصابت زخم هیچ
اولمامش ایدی رواة احادیث بیننده تعیین محل ووقوعده اختلاف
اولوب ایتلاف اولمشدر بعض ثقات بدر وخندق غزالرنده اولدوغی
مقرر ومحقق دیمشلر اما اکثر روایت احدده اولمق اوزره اثبات
ایتمشلردر وروایت صحیحه ایله ثبت صحایف حکایت قلمشلردر که
برکون اولاد قتاده دن بر مرد آزاده شرف یافتهٔ رؤیت جمال جهانگیری
عبیر آمیز عمر بن عبد العزیز اولدی حضرت عمر اول شخص عالمه دکل اکدی

استحار

استخبار قادم ایدیجک ایتدی نظم انا ابن الذی سالت علی الخد عینه
فردت بکف المصطفی احسن الرد فعادت کما کانت لاول امرها
فیا حسن عین فیا حسن خد نثر الهی وخلاقی امید درکه روز رستخیزده شفاعت
حضرت رسالت ایله روز حسرت وندامتده جمیع احوال امت شفا
یافته ومشاهدهٔ دیدار پاک خدا متاع امید نار و بود حصولله یافته
وهر نابینا بینا وهر مریض جرم وخطا صحت یاب دار البقا عفو
وعطا اوله وما ذلک علی الله بعزیز کتاب معجزات رسول انام
مسکی الختام ورسیدهٔ الختام اولوب تیسر متیسر الامور ایله میسر
وزمان قلیلده عجله ایله محرر اولدی الطاف الهیهٔ نامتناهیه دن
مسئول واعطاف جلیله سبحانیه دن مأمولدر که داخل دایرهٔ
قبول کافه فحول اولمق مأمولی حیز حصوله وصول بولوب روایت
معجزاتی اثار وبرکاتی قاری وسامعه شامل وهر مستفیض ومستفیده
واصل اولوب سطورنده مندرج ومندمج اولان معانی بدیعه
الامثالی که مغانی فصاحت وبلاغت وکمال ومبانی ومبادی
سحر حلال در تحریک بنان بیان وتحریر وتعریک اذان تصویر
وتقریر ایله جمع وتلفیق ایلین عبد صدیق مغفرت خدای خلیق
وشفاعت حضرت رسول حقیق وعذاب الیمدن عتیق اولوب
ایام ندامت وحسرت وهنگام حیرت وقیامتده آفتاب شفاعت
سپهر اوج رسالت پرتو انداز بیغوله نشینان ظلمت اولدقده اول

آلوده جرم کثیر • عبد کسیر و پر تقصیر • وحی بر ذره حصه گیر اولوب
مظهر الطاف رب قدیر • ومسطر انظار اعطاف ملک خبیر اولمق
مرآت آلالنده صورت پذیر اوله • آمین بحرمة النبی الخطیر • انه سبحانه جدیر
لمنشه
یحیی بلوری کارمی بن جمله خطا • هرکیمکه ای سترایده احسان و عطا

ای ناظر آثارم اولان واقف اسرار •
ایتمه نظری عیبمه بی عیب خدادر •